

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فصلنامه علمی - پژوهشی فرهنگ رضوی

۲۵۶۰- شماره استاندارد بین المللی: ۲۳۴۵

سال ۱۲، شماره ۱، بهار ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۴۵

صاحب امتیاز (ناشر): بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام

مدیرمسئول: مرتضی سعیدی زاده

سردبیر: جلال درخشه

هیئت تحریریه

یحیی بوذری نژاد دانشیار دانشگاه تهران	حسن بشیر استاد دانشگاه امام صادق (ع)	جلال درخشه استاد دانشگاه امام صادق (ع)
فرشاد شریعت استاد دانشگاه امام صادق (ع)	عبدالرضا سیف استاد دانشگاه تهران	محمدهادی همایون استاد دانشگاه امام صادق (ع)
سید محمدرضا احمدی طباطبائی دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)		سیدعلیرضا واسعی دانشیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

ویراستار فارسی: دکتر نعمت الله پناهی

ویراستار انگلیسی: دکتر محمد رضا آرام

مدیر علمی و اجرایی: محمدعلی ندائی

نشانی: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا علیه السلام. دفتر نشریه

نشانی راینامه: farhangerazavi8@gmail.com

وبگاه: <https://www.farhangerazavi.ir/journal/contact.us>

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۸۳۰۴۴-۴۹ شماره: ۰۵۱-۳۲۲۸۴۴۵۲

قیمت: ۶۰۰۰۰۰ ریال

بر اساس نامه شماره ۳/۱۸/۲۰۲۰۶۶ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱ دفتر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، فصلنامه فرهنگ رضوی از شماره اول دارای اعتبار علمی پژوهشی است.

این مجله در پایگاه‌های اطلاعاتی زیر نمایه می‌شود:

پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی به نشانی اینترنتی: www.sid.ir

پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) به نشانی اینترنتی: www.isc.gov.ir

پایگاه استنادی اولریخ (Ulrich) به نشانی اینترنتی:

[www.Ulrich's International periodicals directory \(Journal, magazine\)](http://www.Ulrich's International periodicals directory (Journal, magazine))

حقوق تمام مقالات برای بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (ع) محفوظ است.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



International Association of Islamic Periodicals (IAIP)

فصلنامه علمی - پژوهشی فرهنگ رضوی شرایط پذیرش مقاله (راهنمای نویسندگان)

فصلنامه فرهنگ رضوی، مقاله‌های پژوهشی در زمینه‌های اعتقادی، کلامی، فقهی، تفسیری، حدیثی، تاریخی، تطبیقی و سایر ابعاد علمی با محوریت امام رضا را می‌پذیرد.

ویژگی‌های کلی مقاله

- چکیده فارسی و انگلیسی مقاله (حداکثر ۳۰۰ کلمه) و واژگان کلیدی (حداکثر ۵ واژه) همراه مقاله ارسال شود.
- یادداشت‌ها و مآخذ به ترتیب الفبایی نام خانوادگی در پایان مقاله درج شود.
- در متن مقاله، هر جا که لازم بود، نام مؤلف، سال انتشار، منبع و صفحه موردنظر (روش APA) و در مورد منابع خارجی (لاتین) معادل خارجی آن‌ها در پایین همان صفحه درج شود.
- نشانی کامل مقاله‌ها، کتاب‌ها، رساله‌ها و گزارش‌های لاتین ترجمه شده به فارسی باید ضمیمه مآخذ شود.
- مؤلف باید سمت پژوهشی یا آموزشی، نشانی کامل محل کار و نشانی پست الکترونیکی (e-mail) خود را ضمیمه مقاله کند.
- پذیرش نهایی مقاله و چاپ آن در مجله منوط به تأیید هیئت تحریریه و داوران متخصص «فرهنگ رضوی» است.
- مقاله‌های رسیده نباید در مجله‌های فارسی زبان داخل و خارج کشور چاپ شده باشد.
- مجله در «ویرایش» مقاله رسیده، بدون تغییر در مفاهیم آن، آزاد است.
- «فرهنگ رضوی» ترجیح می‌دهد مقاله‌هایی را چاپ کند که نتیجه پژوهش‌هایی درباره معارف و فرهنگ رضوی (امام رضا (ع)) باشد.
- مسئولیت مطالب مقاله‌های مندرج در فصلنامه، برعهده نویسندگان آن‌هاست.

هزینه اشتراک سالیانه فصلنامه مبلغ ۲۴۰۰۰۰۰ ریال است. متقاضیان محترم می‌توانند این مبلغ را به شماره حساب ۰۱۱۲۵۵۸۰۱۴۰۰۴ بانک ملی به نام بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا (ع) واریز کنند و فیش آن را همراه با نشانی پستی خود به ایمیل فصلنامه یا به نشانی بنیاد بفرستند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	واکاوی خروج تخصصی ساخت تسلیحات کشتار جمعی از ذیل آیه ۶۰ سوره انفال با توجه به روایت «إِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتْ الدَّوْلَةُ» از امام رضا <small>علیه السلام</small> سحر کامکار، حمید روستایی صدرآبادی
۲۵	پدیدارشناسی کنش زیارت امام رضا <small>علیه السلام</small> ؛ مطالعه موردی در زمستان ۱۳۹۸..... یحیی بوذری نژاد، محمدحسین جمالزاده، علی حاتم‌زاده
۵۹	گونه‌شناسی کاربری شیوه‌های تغییر رفتار در سیره رضوی با تکیه بر نظریات رفتار درمانی..... سجاد محمدقام، مریم محمدزاده، محمد محمدزاده
۸۳	تحلیل محتوای سخنرانی‌های حرم مطهر رضوی در دهه کرامت..... حمید مسعودی، رها شکفته، محمدحسین محمدزاده
۱۱۳	بررسی سندی حدیث رضوی شرح صدر و واکاوی در دلالت آن برای اثبات قاعده تسامح در ادله سنن..... البرز محقق گرمی، سیدعلی دلبری، سیده صدیقه اسلامی زیدانلو
۱۳۷	طرح‌واره‌های تصویری در سروده‌های کودکان آیینی..... فروزان بهرام‌زاده، شراره الهامی، رضا برزویی
۱۶۳	اصول و روش‌های تربیتی امام رضا <small>علیه السلام</small> در دوران پس از تولد کودکان..... مهدی بیات مختاری



Analyzing the Specialized Exit of the Production of Weapons of Mass Destruction from Verse 60 of Surah Anfāl According to the Hadith of Imam Riḍā (as): «إِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَاتَيْ الدَّوْلَةِ»

Sahar Kamkar¹, Hamid Roostayi Sadr Abadi²

1. Ph.D. student of Jurisprudence and Criminal Law, Meybod University, Meybod, Iran: s.n.kamkar1393@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Meybod University, Meybod, Iran (Corresponding Author): rostaei@meybod.ac.ir

Article Info

Abstract

Article Type:

Research Article

Article History:

Received:

December 11, 2022

In Revised Form:

February 6, 2023

Accepted:

February 14, 2023

Published Online:

May 21, 2024

Keywords

The production, accumulation and use of weapons of mass destruction is one of the controversial topics of the current era, whose religious and moral legitimacy has been deeply noticed by scholars in the field of religions and scholars in the field of ethics. Many Islamic scholars consider the verse i'dād, i.e. verse 60 of Surah Anfāl, to be the proof of the permissibility and even the obligation of making and maintaining public weapons that will cause fear in the hearts of the enemy and prevent them from attacking. Based on this, the production and maintenance of weapons of mass destruction will also be obligatory according to the mentioned verse. Of course, the jurists mention reasons for assigning the mentioned verse about weapons of mass destruction, according to these reasons, weapons of mass destruction will be excluded from the obligation extracted from the said verse, and according to these special reasons, making and maintaining the aforementioned weapons is forbidden. Considering the national but also beyond the national importance of the mentioned issue and the need to know the relevance of religious teachings about this important global issue, it is necessary to research the relevance of these reasons in this regard. Based on the findings of this research, which was written in a descriptive-analytical method, by reflecting on Razavi's hadith "Idhā Jāra al-Sultānu Hātat al-Dawlah", the mentioned verse can be interpreted in such a way that its inclusion in relation to weapons of mass destruction will be distorted, not the original inclusion will be ascertained and its exit requires special evidence. In other words, the aforementioned weapons are specifically excluded from the scope of the aforementioned verse without the need for allocation.

Weapons of Mass Destruction, Specialized Exit, terrorism, Verse 60 of Surah Anfāl, Hadith of Imam Riḍā (as).

Cite this The Author (s): Kamkar, S., Roostayi Sadr Abadi, H., (2023). Analyzing the Specialized Exit of the Production of Weapons of Mass Destruction from Verse 60 of Surah Anfāl According to the Hadith of Imam Riḍā (as): «إِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَاتَيْ الدَّوْلَةِ»: Quarterly Scientific Journal of Farhang Razavi Year 12, Issue 1, Spring 2024, Serial Number 45- (1-23)- DOI:10.22034/farzv.2023.375181.1833.



Introduction

The Holy Qur'an is the first and main source of rulings, the analysis and application of its guidelines is the way forward for human society, and with its comprehensiveness, it provides the needs of human life and guarantees the guidance of mankind. By introducing the extravagant nature of humans, the Holy Qur'an provides limits and regulations to regulate their relationships, and since the world is continuous, it is the field of good and evil, benefit and harm, and the occurrence of differences is inevitable, the order of the Holy Qur'an The vigilance and constant preparation of Muslims is to avoid surprises and prevent material and spiritual damages. One of the important verses that are discussed in this context is verse 60 of Surah Anfal, known as the verse of numbers, in which God commands Muslims to be always prepared and equipped with defense forces. One of the challenging issues regarding this verse is the inclusion or non-inclusion of the verse regarding weapons of mass destruction. weapons of mass destruction; It is a weapon whose use causes extensive casualties without distinguishing between military and civilian targets and extensive damage to the environment and human facilities. These weapons, which are included in Annex No. 2 of the Second Protocol of the Paris Agreements for Accession to the North Atlantic Treaty of NATO, include all types of nuclear, chemical and biological weapons. The applicability and generality of the verse has caused many jurists to infer the permissibility and even the obligation of making and using this type of weapons from the noble verse, and then believe in its allocation with other evidences. Due to the importance of this issue, it has been addressed in this research. What is mentioned in the verse as the central goal is (to frighten the enemies of God and the hidden and open enemies from taking action against Muslims)). In the defense literature, this approach is called deterrence, which is the policy of dissuading the enemy from taking action and convincing the opposite party that the cost and consequences of his action are greater than the possible benefits obtained. The tool mentioned in the verse as a means of deterrence is continuous preparation and equipping with defensive means that provides the security of the Islamic society and is even the source of the law ((precedence and precedent)); Riding and shooting in the era of revelation of the Holy Quran has been the best tool to strengthen against the enemy and ensure the security of the society, which is obviously not original and objective as the only tool of preparation against the enemy, but it is a way for Muslims to prepare and repel the enemy. This and the application and generality of the verse have caused the majority to promise the permission and even the necessity of equipping with all kinds of weapons and even weapons of mass destruction. If, based on the findings of the research, the meaning of the verse is that the weapons of mass destruction will have a specialized output. The word used in the Holy Qur'an to scare the enemies is the word "rehb" which in

Arabic indicates a special type of fear and is placed in front of “khuof”. Fear is anti-security, that is, fear that destroys the security of the other party, while fear is against the desire of the enemy, and it includes fear that by increasing the cost of action, the desire and desire of the enemy for Eliminate any aggression against Muslims. Therefore, weapons of mass destruction and deterrence through pre-emptive attack are outside the scope of the meaning of the verse due to targeting security. This difference distinguishes deterrence in Islam from deterrence in the international arena, which is based on the absolute absurdity of the means used. Islamic marketing is an active defense that does not threaten the security of other countries. Creating this fear in the source of the threat causes deprivation of the will to commit aggression. Another proof of the specialized departure of the instruments of mass killing from the scope of the meaning of the verse is that although the introduction is obligatory, it is obligatory, and apparently any tools and instruments that are needed to achieve deterrence become obligatory, but it is determined in the principles of jurisprudence that if the compliance with the lawful order stop using preliminaries and tools, only legitimate and halal tools and equipment should be used, even if the reason that commands its compliance is absolute. In other words, forbidden people will be out of the scope of meaning. For example, the Shariah obligation of Hajj or paying alimony to one’s wife and children does not mean that one should go to Hajj even if it is with forbidden or usurped money or cover the expenses of one’s wife and children even if it is with stolen money. complied with the mentioned orders. That is, it is not the case that the Holy Shari’ah first made it obligatory to perform Hajj and pay alms for the dependents with any possible means, then allocated the illegitimate means and preparations by another reason, but from the beginning, the legitimate and permissible preparations and means were taken into consideration. Therefore, when God orders the preparation of Muslims against the enemy and to frighten them, this preparation should only be achieved with legitimate means, and preparation with haram processes and means was not implied in the verse from the beginning. Also, the purpose of preparation in the verse is simply to scare the enemies of God and the enemies of Muslims, while the weapons of mass destruction, due to the lack of separation between military and civilian targets and the wide scope of destruction, cause fear in all humans, which is aimed at The verse is not consistent. The principle of separation between military and civilian goals is one of the principles of humanitarianism in Islam, which is also considered in international law. According to this principle, war is solely the work of the military, and only they have the authority to engage in hostilities, and war is fought only with combatants. Civilians must avoid hostile actions and are protected by religion if they do not participate in war. This issue has a revelation in Islam and it is clearly addressed in verse 190 of Surah Al-Baqarah. The defensive behavior of the Holy

Prophet (PBUH) is also based on this Quranic basis. Before sending Muslims to Jihad, they always emphasized on the separation between military and civilian objectives, and based on this, the principle of separation between military and civilian objectives is one of the mandatory rules in Islamic Jihad and is considered a religious duty. One of the most important factors that make preparation and equipping with all kinds of defense equipment obligatory for deterring the enemy is maintaining the system, which is proposed as a jurisprudential rule in Islam. In the Sharifah verse, it is also included for the defensive devices of restraining the power and strengthening the Islamic system; Among the important evidences that confirm this kind of evidence is the hadith ((Iza Jar Sultan Hant al-Dawlah)) of Imam Reza (a.s.). According to this narrative, any type of oppressive tool, which is a clear example of weapons of mass destruction, is not only not strengthening, but also weakening, as a result, it is outside the scope of the meaning of the verse.

Conclusion

The issue of weapons of mass destruction is one of the phenomena of the present age, and the analysis of religious rulings around it is considered one of the important issues. Contemporary jurists have enumerated some evidences in order to try to explain the relevant rulings. One of the most important reasons for the legality and even the Islamic necessity of using these weapons is documented in the 60th verse of Surah Anfal, known as the preparation verse. The generality and application of the words of this verse and the word “Torhebun” make it necessary to be equipped with any kind of weapons, including weapons of mass destruction, this is the reason for the preliminary ruling on the permissibility of these weapons and the promise to allocate the verse. By analyzing the verse, it was found that the verbal meaning of the verse requires the expertise of weapons of mass destruction from the scope of the meaning of the verse; “Torhebun” refers to a special type of fear, “fear against desire, not against security”, which has a lower degree than “Takhafun”. It causes fear to everyone, both the innocent and the guilty, and drives everyone away with a stick, which is not the purpose of the verse. Although the order for the object is the order for its accessories and preparations, but the illegitimate means are specially different from the lawful order. Razavi’s narration confirms this expertise. The strengthening mentioned in the verse is restrictive, and according to Imam Reza (a.s.)’s narration, any oppression is debilitating, even if it appears to be strengthening on the surface. The most important expedient that is imagined for numbers and terrorists is the negation of domination and the preservation of the Islamic system, which, based on Razavi’s narrative, will be debilitating.



واکاوی خروج تخصصی ساخت تسلیحات کشتار جمعی از ذیل آیه ۶۰ سوره انفال با توجه به روایت «إِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتْ الدَّوْلَةُ» از امام رضا علیه السلام

سحر کامکار، حمید روستایی صدرآبادی^۲

s.n.kamkar1393@gmail.com

rostaiei@meybod.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزای دانشگاه میبد، میبد، ایران، رایانامه:

۲. نویسنده مسئول، استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران، رایانامه:

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت:	تولید، انباشت و به‌کارگیری تسلیحات کشتار جمعی، از مباحث بحث برانگیز عصر کنونی است که مشروعیت دینی و اخلاقی آن عمیقاً مورد توجه دانشمندان حوزه ادیان و اندیشمندان حوزه اخلاق قرار گرفته است. بسیاری از دانشمندان اسلامی، آیه اعداد یعنی آیه ۶۰ سوره انفال را دالّ بر جواز و حتی وجوب ساخت و نگهداری عموم تسلیحاتی می‌دانند که موجب هراس افکندن در دل دشمن و بازدارندگی او از تهاجم شود. بر این اساس، ساخت و نگهداری تسلیحات کشتار جمعی نیز به حکم آیه مذکور، واجب خواهد بود. البته فقهاء، ادله‌ای را بر تخصیص آیه مذکور نسبت به تسلیحات کشتار جمعی ذکر می‌کنند که به موجب این ادله، تسلیحات کشتار جمعی، از شمول وجوب مستفاد از آیه مذکور خارج خواهد شد و به حکم این ادله خاصه، ساخت و نگهداری تسلیحات مذکور حرام است. نظر به اهمیت ملی بلکه فراملی مسأله مذکور و لزوم شناخت مقتضای آموزه‌های دینی پیرامون این موضوع مهم جهانی تحقیق پیرامون مقتضای ادله در این مورد ضرورت دارد. بر پایه یافته‌های این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی به نگرارش در آمده است با تأمل در حدیث رضوی «إِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتْ الدَّوْلَةُ» می‌توان آیه مذکور را به شکلی تفسیر نمود که اساساً شمولیت آن نسبت به تسلیحات کشتار جمعی مخدوش گردد نه اینکه اصل شمول، محرر و خروج آن نیازمند ادله مخصّص باشد. به دیگر بیان، تسلیحات مذکور، تخصصاً از شمول آیه مذکور خارج هستند بی آنکه نیاز به تخصیص باشد.
تاریخ بازنگری:	
تاریخ پذیرش:	
تاریخ انتشار:	
کلیدواژه‌ها	تسلیحات کشتار جمعی، خروج تخصصی، ارهاب، آیه ۶۰ سوره انفال، روایت امام رضا <small>علیه السلام</small>

استناد: کامکار، سحر، روستایی صدرآبادی، حمید: (۱۴۰۳). واکاوی خروج تخصصی ساخت تسلیحات کشتار جمعی از ذیل آیه ۶۰ سوره انفال با توجه به روایت «إِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتْ الدَّوْلَةُ» از امام رضا علیه السلام: فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار، شماره پیاپی ۴۵ - (۲۳-۱).

DOI:10.22034/farzv.2023.375181.1833



ناشر: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

مقدمه

بین عصر نزول قرآن کریم و دورهٔ زیست ائمه علیهم‌السلام با عصر حاضر تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. تمرکز بر این تفاوت‌ها، در نگاه نخست، احکام دین را محدود به همان بازهٔ زمانی و اتفاقات خاصی می‌کند که در عصر حاضر بعضاً قابلیت وقوع ندارند اما اگر درست بنگریم تفاوت‌های موجود را، اختلافات مصداقی می‌یابیم؛ در حالی که صدور احکام بر اساس سلسله‌ای از مبانی صورت گرفته است که اختصاصی به آن مصداق ندارد. با تنقیح مناظ و یافتن این مبانی، آیات قرآن و سیره ائمه علیهم‌السلام زمان‌مند نخواهد بود بلکه با پویایی زمان، قابلیت انعطاف و پاسخگویی به تمام نیازها را داراست؛ به ویژه اینکه از تجربیات و آزمون و خطاهای بشری دور خواهد بود. این موضوع در باب فقه سیاسی و حکومتی اهمیت ویژه‌ای دارد چراکه؛ نگرش به جهاد، دفاع و گزینش عملکرد مناسب بر مبنای آن، از موضوعات حساس و پیچیده‌ای است که بر معادلات سیاسی یک کشور بسیار تأثیرگذار است.

«قرآن کریم» اصلی‌ترین منبع احکام است که استخراج و تحلیل رهنمودهای آن در بستر کنونی جامعه بسیار راهگشاست چراکه با ویژگی جامعیت و دربرداشتن کلیات برنامه‌های زندگی بشری، تضمین‌کننده هدایت بشر است. چنانکه می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل، ۸۹): «و این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر هر چیزی و هدایت و رحمت و مژده‌ای برای تسلیم شدگان است». قرآن کریم با معرفی سرشت ظلوم و کفور انسان‌ها، حدود و مقرراتی جهت تنظیم روابط آن‌ها ارائه می‌دهد و از آنجا که دنیا پیوسته عرصه تعارض و تزاخم خیر و شر و منفعت و ضرر است و بروز تنش اجتناب‌ناپذیر می‌باشد، دستور قرآن کریم بر هوشیاری و آمادگی همیشگی مسلمانان جهت عدم غافلگیری و پیشگیری از خسارات مادی و معنوی است.

«سلاح‌های غیرمتعارف یا کشتار جمعی» که در این مقاله مورد نظر است، جنگ افزارهایی است که کاربست آن، موجب تلفات وسیع بدون تفکیک بین اهداف نظامی و غیر نظامی و ورود خسارات گسترده به محیط زیست و تأسیسات انسانی می‌گردد، این تسلیحات که در ضمیمه شماره ۲ پروتکل دوم توافقات پاریس برای الحاق به پیمان آتلانتیک شمالی ناتو آمده است، شامل انواع «سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیکی» است.

مهم‌ترین دلیلی که ابتدائاً جواز تجهیز به این نوع تسلیحات از آن استنباط می‌شود و فقها قائل به تخصیص آن با دیگر ادله هستند، آیه اعداد است. در پژوهش‌های بسیاری (از جمله علیدوست، ۱۳۹۲: ۱۶؛ میثمی تهرانی، ۱۳۹۳: ۳۲۷؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۹۳: ۱۸) حکم تولید، انباشت و کاربست این نوع

جنگ افزارها، بررسی شده است که در عموم نگاه‌های مذکور، آیه ۶۰ سوره انفال به عنوان دلیل عام

۱. تخصیص عبارت است از اخراج بعضی از افراد موضوع از تحت حکمی که برای عام ثابت است بعد از اینکه، موضوعاً آن افراد، داخل هستند مثل «اکرم العلماء الا الفساق منهم» که عالم فاسق موضوعاً از افراد علماست، ولی حکم عام اکرام از او برداشته شده است (منتظری، ۱۳۷۹، ج ۶: ۹۸) و تخصیص عبارت است از اینکه عنوان عام از همان اول شامل افرادی نمی‌شود؛ یعنی آن افراد موضوعاً خارجند مثل «اکرم العلماء» که افراد جاهل موضوعاً از تحت این حکم خارجند (منتظری، ۱۳۷۹، ج ۶: ۹۸).

و مطلق جواز استفاده از این نوع تسلیحات ذکر شده و نگارندگان قائل به تخصیص این آیه با دیگر ادله نقلی و عقلی شده اند. با توجه به اهمیت این موضوع، در این پژوهش با تبیین آیه و تعمق در اجزای مفهوم ساز آن، اساساً گزاره دلالت یا عدم دلالت این آیه بر جنگ افزارهای کشتار جمعی و کیفیت دلالت مذکور بررسی می‌شود؛ در این راستا، مقتضای خبر رضوی «إِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَائَتِ الدَّوْلَةَ» و کیفیت تفسیر آیه مذکور بر پایه این خبر، مورد بررسی و واکاوی قرار خواهد گرفت.

پرسش اصلی در این نوشتار، این است که آیا اساساً آیه شصت سوره انفال، دال بر وجوب ساخت تسلیحات کشتار جمعی است تا خروج تسلیحات مذکور نیاز به تخصیص داشته باشد یا آنکه می‌توان آیه مذکور را به گونه‌ای دیگر تفسیر نمود که تسلیحات کشتار جمعی تخصصاً از شمولیت آن خارج باشند بی آنکه مراجعه به ادله مخصّص مورد نیاز باشد؟

در راستای پاسخ به این پرسش، ابتدا به بررسی اجمالی مدلول آیه و ادله قائلین به جواز تسلیحات کشتار جمعی براساس آیه و ادله تخصیص و تقیید آیه از دیدگاه آنان پرداخته می‌شود. سپس در یک بازپژوهی تحلیلی به بررسی خروج تخصصی تسلیحات کشتار جمعی از ذیل دلالت آیه می‌پردازیم و در نهایت تبیین مقتضای خبر رضوی مذکور در این باره ارائه می‌گردد.

پیش از ورود به بحث، ذکر این نکته لازم است که در این نوشتار بر آن نیستیم که به مقتضای خبر رضوی مدلول آیه را نسبت به تسلیحات کشتار جمعی تخصیص بز نیم بلکه می‌کشیم شکل دیگری از تفسیر و تبیین را برای آیه مذکور بر پایه تمسک به خبر رضوی ارائه کنیم که اساساً تسلیحات کشتار جمعی مشمول آیه نشود و خروج این تسلیحات به نحو تخصصی امکان‌پذیر گردد. بنابراین شیوه تمسک به روایات، کاملاً متمایز از شیوه تمسک محققین و فقهای پیشین به روایات است؛ ایشان اصل دلالت آیه بر عمومیت جواز بلکه وجوب ساخت تسلیحات به نحو مطلق - که شامل تسلیحات کشتار جمعی شود- را محرز دانسته و آنگاه بر مبنای دیگر ادله، کوشیده‌اند تا آیه را نسبت به تسلیحات کشتار جمعی تخصیص بزنند. در حالیکه پژوهش حاضر در پی اثبات این موضوع است که آیه مذکور را می‌توان به گونه‌ای تفسیر نمود که اساساً شامل تسلیحات کشتار جمعی نگردد و به دیگر بیان، تسلیحات کشتار جمعی تخصصاً از آیه خارج گردد. آنچه این شکل از تفسیر را ممکن می‌سازد روایتی است که از ساحت مقدس امام رضا علیه السلام صادر شده است. این خبر رضوی را می‌توان به گونه‌ای مفسر آیه قرار داد که شمولیت آیه نسبت به تسلیحات کشتار جمعی، از اساس مخدوش شود نه اینکه اصل شمول، محرز و خروج، نیازمند مخصّص باشد.

۱. بررسی مقتضای آیه شصت سوره انفال

در ابتدا لازم است به بیان مفاد آیه اعداد و مقتضای آن پرداخته شود تا دانسته شود که فارغ از ادله دیگر، مستفاد از آیه مذکور چیست؟

خداوند در آیه ۶۰ سوره انفال می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ تُرْهَبُونَ

بِهٖ عَدُوِّ اللَّهِ وَعَدُوِّكُمْ وَآخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَبُوفُ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلُمُونَ» (انفال، ۶۰)؛ و همه آنچه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده، مهیا کنید تا به‌وسیله آن، دشمنان خدا و دشمنان خود را و گروهی دیگر را جز آن‌ها که شما نمی‌شناسید و خداوند آنان را می‌شناسد، بترسانید و در راه خدا هر آنچه می‌توانید از نیرو و اسبان بسته آماده کنید تا به وسیله آن، دشمنان خدا، دشمنان خودتان و دیگرانی از آنها که نمی‌شناسید و خداوند آن‌ها را می‌شناسد، بترسانید و هر آنچه می‌توانید در راه خدا انفاق کنید که به شما بازگردانده می‌شود و به شما ظلم نخواهد شد.

گزاره‌ای که در آیه به عنوان **هدف محوری** مطرح می‌شود؛ «ترساندن دشمنان خدا و دشمنان نهان و آشکار از اقدام علیه مسلمانان است». این رویکرد، امروزه در ادبیات دفاعی، بازدارندگی نامیده می‌شود که سیاست منصرف‌سازی دشمن از اقدام و متقاعد ساختن طرف مقابل به این است که هزینه یا عواقب اقدام او از منافع آن بیشتر است (رابرتسون، ۱۳۷۵: ۴۴) و در عرصه بین‌المللی، اقدام کشوری در خنثی‌سازی اقدام خصمانه کشور دیگر با ایجاد ترس از اقدام موثر متقابل در صحنه سیاست است (کالینز، ۱۳۸۶: ۴۷۶) همچنین در تعریف بازدارندگی آمده است که از ابزارهای کوشش یک کشور برای تأثیر در دیگران است که به وسیله آن، تصمیم‌گیرندگان یک کشور با تهدید دشمنان بالقوه خود به جبران و تلافی، درصدد پیشگیری از برخی اعمال برآیند (هالستی، ۱۳۷۶: ۴۸۱). از این رو، بازدارندگی بین دو کشور عبارت است از قدرت تهدید از ناحیه «الف» علیه «ب» به منظور پیشگیری از انجام کاری از ناحیه کشور «ب» به صورتی که در فقدان این تهدید، کشور «ب» بتواند به آن مبادرت ورزد (میرفخرایی، ۱۳۸۸: ۹۰).

بخش اول آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْحَيْلِ»؛ و هر آنچه می‌توانید از نیرو و اسبان بسته آماده کنید؛ طریق تحقق هدف بازدارندگی را بیان می‌کند. امر خداوند به آمادگی و تجهیز به اسباب دفاعی، راهکار تأمین امنیت جامعه اسلامی است. تأمین امنیت از نیازهای ثابت و دائمی انسان است که از طریق دفع دشمن انجام می‌گیرد. این نیاز ثابت، منشأ قانون ثابت، لزوم بازدارندگی دشمن است و این قانون ثابت، منشأ قانون دیگری در فقه با عنوان «سبق و رمایه» شده است. «سوارکاری و تیراندازی» در عصر نزول قرآن، بهترین ابزار برای نیرومند شدن در برابر دشمن، دفع او و تأمین امنیت بوده است. بنابراین از دیدگاه فقه اسلامی سبق و رمایه اصالت ندارد و از اهداف اسلامی نیست بلکه ابزاری برای بازدارندگی دشمنان است، آنچه اصالت دارد این است که مسلمانان در هر عصر و زمانی تا آخرین حد امکان در برابر دشمنان دارای قوای دفاعی باشند (علی نوری، ۱۳۸۳، ج ۱: ۸۱).

۲. استدلال قائلین به دلالت آیه بر جواز ساخت تسلیحات کشتار جمعی

اطلاق و عموم الفاظ آیه، دلیل قول اکثریت به جواز و حتی وجوب ساخت و بکارگیری تسلیحات کشتار جمعی گردیده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود؛

۲-۱. «أَعْدُوا» از ماده اعداد در لغت به معنای مهیا کردن و فراهم دیدن برای موضوعی است که پیش خواهد آمد و آماده شدن و ایجاد آمادگی برای امری محتمل است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۷۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۷۹) و در بیان مفسران، کلمه اعداد به معنای تهیه کردن چیزی است تا انسان با آن به هدف دیگری که دارد برسد. به طوری که اگر قبلاً آن را تهیه ندیده بود به مطلوب خود نمی‌رسید مانند فراهم آوردن هیزم و کبریت برای تهیه آتش (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۱۵۱).

همچنین «أَعْدُوا» در هیئت امر است که بنا به نظر مشهور اصولیان، ظهور در وجوب و لزوم دارد (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۱: ۳۹۴؛ خراسانی، ۱۴۱۲ق: ۹۲). از این رو، آیه در مقام انشاء حکم است و نظر به وجوب مقدمه واجب (انصاری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۴۰۵)، تهیه هر نوع ادوات و ابزار در جهت تحقق آمادگی، واجب است.

۲-۲. عمومیت مای موصوله در عبارت «ما استطعتم» و اطلاق «قوه»، عمومیت متعلق اعداد را بیان می‌کند که شامل انواع ادوات می‌شود، هر چند در برخی روایات از آن به سپر و شمشیر تعبیر شده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۳۱۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۶۶) که به عنوان مصداق و محصول عصر مفسران بوده است و قطعاً محدود به این موارد نخواهد بود. در اینجا این سوال مطرح می‌شود که آیا می‌توان الفاظ عام مذکور در آیه را بر مصادیق و افراد متعارف (سلاح‌های متعارف)، حمل کرد و مصادیق غیر متعارف (تسلیحات کشتار جمعی) را خارج از دامنه دلالت الفاظ قلمداد کرد؟ در پاسخ باید گفت: حمل الفاظ عام فقط بر مصادیق متعارف، خلاف صنعت اجتهاد است. رویکرد فقهاء مبتنی بر حمل مطلق بر معنای عام و عدم محدود ساختن آن به افراد متعارف شاهد این قاعده است، چرا که شیوع و تعارف دلیل انصراف محسوب نمی‌شود (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۳: ۲۰).

مشهور اصولیان در بحث انصراف، با تقسیم کثرت به کثرت وجودی و کثرت در استعمال، صریحاً ابراز می‌دارند که آنچه باعث انصراف لفظ به برخی مصادیق می‌شود کثرت استعمالی - و نه کثرت وجودی - است. بنابراین بر فرض که در ظرف نزول آیه، اکثر بلکه تمام تجهیزات نظامی، منحصر در همان سلاح‌های سرد بوده دلیلی بر انصراف آیه به ادوات سرد نمی‌شود زیرا چنین شیوع و کثرتی موجب انصراف نمی‌شود. براین اساس به مقتضای عموم و اطلاق الفاظ مذکور در آیه، انواع تسلیحات مشمول این آیه می‌شوند که از جمله آنها تسلیحات کشتار جمعی است (سبحانی، ۱۴۲۹ق: ۸۳).

۳. ادله دال بر تخصیص و تقیید از دیدگاه قائلین به دلالت آیه بر جواز ساخت تسلیحات کشتار جمعی

برخی ادله‌ای که قائلین بر تخصیص و تقیید آیه شصت سوره انفال نسبت به تسلیحات کشتار جمعی ارائه می‌کنند، در ادامه بیان می‌شود:

۳-۱. آیاتی از قرآن کریم

الف) «... مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي أَرْضٍ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا...» (مائده، ۳۲).

در آیه ۳۲ سوره مائده، تنها دو دلیل قتل و آدم کشی مجوز قتل انسان شمرده شده است و قتل کسی که مرتکب قتل نفس نشده است یا فساد مرتکب نگردیده است، در حکم کشتن همه انسانها و به عبارتی جنایت علیه بشریت محسوب می‌شود. تسلیحات کشتار جمعی با توجه به عدم امکان تفکیک بین اهداف نظامی و غیر نظامی سبب قتل افراد بی گناه بسیاری می‌شود، از این رو از دلالت آیه خارج خواهند بود.

آیه دیگری که همین معنا را می‌رساند؛ آیه ۸۱ سوره فاطر می‌باشد؛ «...وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى...» براساس این آیه که در فقه تحت عنوان قاعده «وزر» شناخته می‌شود، هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نمی‌کشد و نباید به دلیل جرم و گناه دیگری مجازات شود. این قاعده اسلامی که در حقوق بین الملل نیز تحت عنوان «اصل قانونی بودن جرم و مجازات» شناخته می‌شود، در صورت استفاده از تسلیحات کشتار جمعی نقض می‌شود.

ب) «وَأِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي أَرْضٍ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره، ۲۰۵)؛ (نشانه آن این است) هنگامی که روی برمی گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین می‌کوشند و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌کنند (با اینکه می‌دانند)، خداوند فساد را دوست نمی‌دارد.

در این آیه به صورت مطلق، انسان از نابودی حَرث (زراعت) و نسل بدون هیچ قیدی بازداشته شده است. کاربست تسلیحات کشتار جمعی که آشکارترین اثر آن، از بین رفتن «حَرث و نسل» است، مصداق بارز فساد است. از طرفی هیچ فساد بزرگتر از انگیزش جنگ و بکار بردن تسلیحات ویرانگر بر ضد ملت‌ها با هدف حکومت بر آنها و غارت دارایی آنان و محروم ساختن آنها از آنچه با زحمت و تلاش به دست آورده اند، وجود ندارد (مغنیه، ۱۳۷۸: ۵۴۳).

۳-۲. دلیل دوم؛ روایت

محدثین امامیه در روایتی معتبر از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کنند؛ «قال امیر المومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ نهی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ان یلقى السم فی بلاد المشرکین»؛ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از ریختن سم در سرزمین‌های مشرکین نهی فرموده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵: ۶۲).

هر چند، روایت فوق در رابطه با به کار بردن سم است اما با توجه به اینکه این حکم جنبه تبدی

ندارد که در مورد آن الغای خصوصیت جایز نباشد، می‌توان از آن الغای خصوصیت کرد و حکم آن را به ابزارهای کشتار جمعی که همانند سم سبب نابودی گسترده می‌شود، سرایت داد. از طرفی، سم خصوصیتی ندارد که نهی معصوم عَلَيْهِ از کاربست آن، خصوصیتش باشد، لذا هر آنچه مانند سم سبب نابودی گسترده شود باشد، حکم آن را خواهد داشت (صدر، ۱۴۲۷ق، ج ۲: ۳۸۵).

همین ویژگی فراگیری و سرایت زیاد سم سبب شده فقهای چون شهید ثانی القای سم را در حالتی که سبب کشتن نفس محترمی شود، حرام بدانند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۲۵) شهید ثانی، علت حرمت القاء سم را این موضوع می‌داند که استفاده از آن اغلب مستلزم قتل زنان، سالمندان، کودکان و مانند آن‌هاست (نجفی، ۱۳۶۸، ج ۲۱: ۶۸) که در نبرد دخالتی ندارند.

۳-۳. دلیل سوم؛ عقل

بکارگیری تسلیحات غیر متعارف دارای قدرتی است که می‌تواند تمدن بشری و اکوسیستم زمین را نابود کند و از مصادیق بارز ظلم و فساد است. عقل مستقلاً به قبح ظلم، فساد و تجاوز حکم می‌کند و این موضوع مورد تأیید عقلای عالم نیز می‌باشد. فارغ از ادله نقلی بنا به حکم قاعده «کل ما حکم به العقل، حکم به الشرع» هر آنچه عقل به آن حکم کند، شرع نیز به آن حکم می‌کند (مطهری، ۱۳۷۷: ۵۳) شارع مقدس نیز که از جمله عقلاست این موضوع را تأیید می‌کند و به آن حکم می‌دهد.

۴. بررسی خروج تخصصی تسلیحات کشتار جمعی

در ادامه به بررسی خروج تخصصی تسلیحات کشتار جمعی از شمول آیه پرداخته می‌شود؛

۴-۱. اقتضای مدلول لفظی آیه

دلالت آیه اقتضائاتی دارد که خروج تخصصی تسلیحات کشتار جمعی از آن برداشت می‌شود؛
اولاً لفظ «تُرْهِبُونَ» در آیه، از ماده «رَهَب» در لغت به معنای ترس (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱: ۴۳۶) یا ترساندن است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴: ۴۷؛ الزبیدی، ج ۴: ۴۷). هرچند برخی از مفسران رهب و خوف را دارای یک معنا دانسته‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۳۱۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴: ۸۵۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۲۵) و هدف آیه را مطلق ترساندن دشمنان ذکر کرده‌اند اما «رهب» دارای ویژگی‌هایی است که آن را از «خوف» متمایز می‌سازد. چنانچه صاحب تفسیر المیزان معنای ارهاب را نزدیک به تخویف می‌داند نه عیناً تخویف (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۱۵۱). این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. رهب، ترس همراه با احتیاط و اضطراب است (الوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵: ۲۲۲)؛
۲. رهب، ترس مستمر است، در حالی که خوف ویژگی استمرار را ندارد (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۰: ۵-۴)؛

۳. رهب، ترس ضد رغبت است در حالی که خوف مرحله شدیدتر رهب و ترس ضد امنیت است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۴: ۲۴۰-۲۴۲). همین ویژگی ارهاب را از نظریه بازدارندگی بین المللی مبنی

بر اباحه مطلق ابزار مورد استفاده، متمایز می‌سازد؛ با این توضیح که ترس ضد رغبت، فقط ترس با ابزارهایی را شامل می‌شود که با افزایش هزینه اقدام برای دشمن، تمایل و رغبت او را برای هرگونه تهاجم از بین می‌برد و ابزارهایی چون تسلیحات کشتار جمعی یا بازدارندگی از طریق تهاجم پیش‌دستانه به علت هدف گرفتن امنیت، **ابزار ایجاد خوف هستند نه رهب** و از مدلول آیه خروج تخصصی خواهند داشت.

براساس آنچه گفته شد، «**ماهیت و قلمرو**» اقدامات بازدارنده و ترساننده اسلام مشخص می‌شود؛ رویکرد شارع مبنی بر کاربست «**تُرْهُيُونَ**» که نوع خاصی از ترس است به جای «**تخافون**» یا «**تقتلون**»، استفاده از هر ابزاری را برای تحقق هدف تأیید نمی‌کند و در واقع، در صدد بیان ماهیت بازدارندگی حاکم بر سیاست دفاعی اسلام است؛ این بازدارندگی، دفاعی فعال است که در عین حال تهدید امنیت سایر کشورها نیست بلکه، تحمیل ترس به دشمنان نسبت به نیروی اسلام و پاسخ پشیمان‌کننده به هرگونه تجاوز و تهدید است. این ترس در منبع تهدید، سبب سلب اراده معطوف به تجاوز می‌شود؛ زیرا عامل تهدید به این ادراک روانی می‌رسد که در صورت فعلیت تهدید نه تنها عکس‌العمل مقتضی را دریافت خواهد کرد، بلکه خسارات وارده بسیار گسترده‌تر خواهد بود. از این رو بازدارندگی اسلام یک سیاست جهت‌جنگیدن نیست بلکه سیاستی ضد جنگ در جهت تأمین امنیت است زیرا در آن، در پی دفع و طرد فیزیکی رقیب و مهاجم بالقوه نبوده بلکه از لحاظ روانی در دشمن احتیاط و اضطراب ایجاد کرده و او توجیه به عدم اقدام خواهد شد.

ثانیاً هر چند مقدمه واجب، واجب است و ظاهراً هر ادوات و ابزاری برای ایجاد آمادگی «**أَعِدُّوا**» و تحقق هدف «**تُرْهُيُونَ**»، نیاز باشد، لازم است اما در اصول فقه تعیین گردیده است؛ چنانچه امثال امر شارع، متوقف بر استفاده از مقدمات و ادواتی باشد، وجوباً باید از **مقدمات و ادوات حلال و مجاز** بهره برد. هر چند دلیلی که به امثال آن امر فرمان می‌دهد، مطلق باشد. به بیان دیگر؛ «متعلق وجوب نسبت به فراگیری افراد حرام، محدودیت و ضیق ذاتی دارد» (علیدوست، ۱۳۹۲: ۱۷). برای مثال وجوب شرعی حج یا پرداخت نفقه همسر و فرزندان به معنای این نیست که باید به حج رفت هر چند با مال غصبی باشد یا مخارج همسر و فرزندان را لزوماً باید پرداخت، هر چند با مال دزدی باشد؛ بلکه باید با مقدمات و اسباب حلال، اوامر مذکور را امثال کرد. یعنی این گونه نبوده که شارع مقدس ابتدا انجام حج و ادای انفاق افراد واجب النفقه را با هر ابزار ممکن واجب کرده باشد، سپس ابزار و مقدمات غیر مشروع را بواسطه دلیلی دیگر تخصیص بزند، بلکه از ابتدا، مقدمات و ادوات مشروع و مجاز مد نظر شارع بوده است. از این رو، زمانی که خداوند امر به آمادگی مسلمانان در برابر دشمنان و ترساندن آن‌ها می‌دهد، این آمادگی باید با ساز و کار مشروع صورت بگیرد و آمادگی با فرآیند، زمینه و ابزارهای حرام از ابتدا داخل در دلالت آیه نبوده است. چرا که «برای حق باید از حق استفاده نمود یکی از راه‌هایی که از آن، بر دین از جنبه‌های مختلف ضربه وارد شده است. عدم رعایت این اصل است. ما همانطور که هدف مان باید مقدس باشد،

وسایلی هم که برای این هدف مقدس استخدام می‌کنیم باید مقدس باشد. نه فقط برای خودمان نباید دروغ بگوییم، به نفع دین هم نباید دروغ بگوییم. به نفع دین تهمت زدن، به نفع دین بی دینی کردن است. دین اجازه نمی‌دهد و لو به نفع خودش، ما بی دینی کنیم» (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۱).

ثالثاً هدف اعداد در آیه، ترساندن **صرفاً** دشمنان خدا و دشمنان مسلمانان ذکر شده است. در حالیکه تسلیحات کشتار جمعی به علت عدم امکان تفکیک بین اهداف نظامی و غیر نظامی و گستره وسیع تخریب باعث ایجاد وحشت در همه انسان ها می‌شود، بطوری که، قبل از ایجاد ترس در دشمنان، میلیون ها انسان بی گناه می‌ترسند که هیچ دشمنی با خدا و مسلمانان ندارند (علیدوست، ۱۳۹۲: ۱۷). اصل تفکیک میان نظامیان و غیر نظامیان یکی از اصول بشر دوستانه در اسلام است که علاوه بر اسلام در حقوق بین الملل نیز مورد توجه قرار گرفته است. به موجب این اصل، جنگ صرفاً کار نظامیان است و فقط آن‌ها دارای صلاحیت اقدامات خصمانه هستند و جنگ فقط با جنگجویان انجام می‌شود. غیر نظامیان باید از اقدامات خصمانه اجتناب کنند و در صورت عدم شرکت در جنگ مورد حمایت دین هستند. این موضوع در اسلام منشأ و حیانی دارد. خداوند در آیه ۱۹۰ سوره بقره صریحاً می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ در راه خدا (فقط) با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید و تجاوز نکنید؛ زیرا که خداوند تجاوزکاران را دوست ندارد. اعتداء به معنای تجاوز از حدودالله است (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۹۸۰). از دیگر تعابیر مهم در قرآن کریم «وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره، ۱۰۹) است که براساس آن همه انسان ها اعم از مومن، مسلم، کافر، محارب، منافق و معاهد... به حکم شرع و عقل، محترم و رعایت حقوقشان الزامی است. حتی اگر روبروی ما کافر حربی قرار بگیرد، این موضوع اقتضاء نمی‌کند که افزون بر دفاع و مقابله، همه حقوق آن‌ها اعم از خانواده، اموال و اولاد مورد تجاوز قرار گیرد (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۳: ۴-۵).

سیره دفاعی پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز بر این مبنای قرآنی استوار است. ایشان، قبل از اعزام مسلمانان به جهاد، همواره سفارش می‌کردند: «به نام خدا، برای خدا، در راه خدا و بر آیین رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حرکت کنید، تفریط نکنید، خیانت نکنید، مثله نکنید، کودکان، سالخوردهگان و زنان را نکشید» (شهید ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۴۳). اصل تفکیک بین نظامیان و غیر نظامیان از قواعد امره در جهاد اسلامی است و تکلیفی دینی محسوب می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۶۷-۶۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۹). بر مبنای این قاعده، کلیه افراد غیر نظامی در حمایت اسلام اند. در آیه شریفه نیز، قاعده تفکیک مورد توجه قرار گرفته است و موضوع ارباب تنها به دشمنان محدود گردیده است؛ از این رو، تسلیحات کشتار جمعی که گستره‌ای وسیع تر از نظامیان دارند، از آیه خروج تخصصی دارند.

۴-۲. تقییدی بودن قید «قوه» نسبت به ارباب

از مهمترین مصالحی که آمادگی و تجهیز به انواع ادوات دفاعی جهت بازدارندگی دشمن را واجب

می‌کند، حفظ نظام است که مستمسک عموم جوامع جهت اقدامات دفاعی و بازدارنده محسوب شود. در اسلام نیز حفظ نظام، به مثابه یک قاعده فقهی بلکه در رأس همه قواعد فقهی مطرح می‌شود که فقهاء از آن به عنوان «حفظ بیضه الاسلام» یاد کرده‌اند و آن را از اهم جمیع تکالیف و سلطنت اسلامیة را

از وظایف و شئون امامت تلقی کرده‌اند. چنانچه مرحوم نائینی (ره) گفته است: «تَحْفَظُ از مداخله اجانب و تَحَدُّرُ از حیل معموله در این باب و تهیه قوه دفاعیه و استعدادات حریبه و غیرذلک و این معنی را در لسان مشرّعین، «حفظ بیضه الاسلام» خوانند» (نائینی، ۱۴۲۴ق: ۳۹-۴۰).
در آیه شریفه نیز، برای ادوات دفاعی قید «قوه» و تقویت نظام اسلامی لحاظ شده است (مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ). پیش از توضیح بیشتر در این باب، تبیین حیثیت تقییدی و تعلیلی ضروری می‌نماید که در ادامه به آن پرداخته می‌شود؛

گاهی موضوع یا متعلق موضوع حکم دارای حیثیت تعلیلی است، در این صورت اجرای حکم، منوط به بقای عنوان، نخواهد بود بلکه معنون شدن موضوع و یا متعلق به عنوانی خاص سبب اجرای حکم شده است و حتی در فرضی که عنوان مذکور سلب گردد، حکم جاری خواهد بود اما اگر حیثیت تقییدی ملحوظ باشد، حکم مذکور، مادامی جریان خواهد داشت که عنوان همچنان باقی باشد (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ۲۲۷).

برای مثال وقتی هدیه‌ای به رئیس یک مجموعه اعطا شود، اگر حیثیت ریاست را تعلیلی انگاریم، هدیه مذکور به مالکیت شخص در می‌آید و این مالکیت مقید به بقای عنوان ریاست نخواهد بود بلکه معنون بودن آن فرد به عنوان رئیس سبب استحقاق چنین هدیه‌ای شده است. در نتیجه؛ پس از ریاست نیز هم چنان مالک هدیه خواهد بود اما در فرضی که ریاست حیثیت تقییدی باشد، هدیه مذکور به مالکیت حقیقی آن فرد در نمی‌آید بلکه، متعلق به حیثیت حقوقی رئیس است. یعنی؛ مالکیت او، مقید به ابقای عنوان ریاست است و پس از سلب عنوان ریاست، وجهی برای مالکیت هدیه باقی نخواهد ماند (موذنی بیستگانی، ۱۳۹۹: ۳۱۸). مثال رایجی که در مباحث اصولی و فقهی در این مورد، بیان می‌شود، این است که به مقتضای ادله، اگر اوصاف سه گانه آب تغییر یابد، نجس می‌شود. حال اگر تغییر اوصاف ثلاثه را دارای حیثیت تعلیلی بدانیم، پس از زوال این اوصاف، حکم نجاست باقی خواهد ماند اما اگر تغییر اوصاف سه گانه را دارای حیثیت تقییدی بدانیم، بقای حکم نجاست منوط به بقای عنوان تغییر است یعنی تا زمانی که تغییر باقی باشد، آب نجس خواهد بود اما با زوال تغییر، حکم نجاست نیز زائل خواهد شد (سبحانی تبریزی، ۱۴۲۴ق، ج ۱: ۲۲۷).

سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا مطلق ارهاب با هر نوع ابزار و وسیله، سبب ترتّب حکم وجوب می‌شود یا حکم به وجوب بازدارندگی، منوط و مشروط به قید حفظ نظام و تقویت آن است؟ توضیح این که؛ چنانچه بازدارندگی با حیثیت تعلیلی موضوع امر قرار بگیرد، هر نوع ارهاب

متعلق و جوب خواهد بود اما چنانچه گفته شود «ارهاب» با حیثیت تقییدی موضوع حکم قرار گرفته است، ترتب حکم و جوب، منوط به تقیید ارهاب به قید «قوه» می شود و تنها ادواتی مد نظر آیه خواهد بود که جنبه تقویتی داشته باشد.

قواعد و ملاکات دقیقی جهت تمییز بین حیثیت تعلیلی و تقییدی وجود ندارد. گاهی گفته می شود که باید به دلیل شرعی مراجعه کرد زیرا کیفیت اخذ حیثیت در حکم، در ید شارع است و این دلیل شرعی است که کاشفیت از اراده شارع دارد. برای مثال؛ چنانچه دلیلی با این بیان ارائه شود؛ «الماء اذا تغير تنجس؛ آب آن گاه که تغییر نمود، نجس می شود» می فهمیم که تغییر از حیثیت تعلیلی برخوردار است اما اگر با عبارتی نظیر «الماء المتغير منتجس؛ آب تغییر یافته نجس است» ارائه شود، دانسته می شود که تغییر از حیثیت تقییدی برخوردار است (صدر، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ۱۱۹) و با زوال تغییر، حکم نجاست نیز برداشته خواهد شد.

ظاهر کلام شارع، تقیید به قید قوه است و ظاهراً ارهابی متعلق و جوب قرار گرفته است که تقویت کننده باشد و با انتفاء قید تقویت، حکم و جوب ارهاب (مقیّد) منتفی خواهد شد؛ افزون بر این، دلیل مهم دیگری که حیثیت تقییدی در آیه را مذکور را تأیید می کند و دامنه ادوات و ابزارهای مورد استفاده را بیان می کند، خبر رضوی «إِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتْ الدَّوْلَةُ» است. پیش از پرداختن به این روایت، به بررسی سندی این خبر رضوی پرداخته می شود تا اعتبار آن مشخص گردد.

۱. سند شناسی روایت

در امالی شیخ مفید (ره) چنین آمده است: «قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قُؤْلُوَيْهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ يَاسِرٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: إِذَا كَذَبَ الْوَلَاةُ حُسَى الْمَطَرِ، وَإِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتْ الدَّوْلَةُ، وَإِذَا حُسِبَتِ الزُّكَاةُ مَاتَتِ الْمَوَاشِي» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۱۰). روات این روایت همه از افراد ثقة هستند؛ اولین راوی این روایت امام رضا علیه السلام یاسر است که از محدّثین نامدار بشمار می آید. او از راویان و گزارشگران اصلی زندگی امام رضا علیه السلام است. نکته قابل توجه این است که به دلیل خدمت به امام هشتم علیه السلام از وی به عنوان «یاسر الخادم» یاد شده و این افتخار، از مشخصه های وی است. ایشان نه فقط خادم امام رضا علیه السلام بلکه مورد عنایت و محرم اسرار ایشان نیز بوده است. علامه حلی (ره) در باره او می گوید: «روایتی که در سلسله اسناد آن یاسر قمی باشد، اگر دیگر راویان آن موجه باشند. قهراً حدیث عنوان صحیح پیدا می کند» (علامه حلی، ۱۴۱۷ق: ۲۷۸). دومین راوی، «حسین بن سعید اهوازی» است. نام ایشان در اسناد بیش از ۵۰۰۰ حدیث شیعه آمده است که این امر بیانگر رتبه بالای او در فقه و حدیث است (خوبی، ۱۴۰۹ق، ج ۵: ۲۴۵). سومین محدّث، احمد بن محمد بن محمد بن عیسی اشعری، از شاگردان امام جواد و امام هادی علیه السلام است. وی در شمار بزرگان اهل قم بود. به گونه ای که شیخ طوسی از او با عنوان «شیخ القمیین و وجههم و فقیههم» یاد کرده است (طوسی، ۱۴۱۷ق: ۲۵).

چهارمین راوی، سعد بن عبدالله است که نزد دانشمندان، محدثی معتبر به شمار می‌آید. شیخ طوسی در باره او می‌گوید: او محدثی جلیل القدر، مورد اعتماد و راوی اخبار و نویسنده چندین کتاب است (طوسی، ۱۴۱۷ ق: ۷۵). پنجمین راوی، محمد بن قولویه است که صاحب معالم به درستی حدیث وی تصریح کرده است (شهید ثانی، ۱۳۶۲، ج ۱: ۵۶) در الوجیره هم درباره ایشان آمده است که بنا به اظهار ثقة است (مجلسی، ۱۴۲۰ ق: ۳۱۲)، ششمین راوی این خبر، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه است که از برجسته ترین روایان شیعه در سده چهارم هجری است. شیخ طوسی در کتاب الفهرست درباره او می‌گوید: «ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی، شخصیتی مورد اطمینان و دارای تألیفاتی فراوان به تعداد ابواب فقه می‌باشد» (طوسی، ۱۴۱۷ ق: ۴۲؛ قمی، ۱۴۰۲ ق: ۱: ۱۶۳؛ العلیاری تبریزی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۵۵۸) و آخرین راوی این خبر رضوی، شیخ مفید (ره) است که شیخ طوسی در کتاب رجال خود، او را دانشمند بزرگ و موثق معرفی می‌نماید (الطوسی، ۱۴۱۵ ق: ۵۱۴) حتی دانشمندان اهل سنت نیز وی را ستودند (ابن ندیم، ۱۴۱۷ ق: ۲۶۶؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ ق: ۵: ۳۶۸). بررسی وثاقت روایان این حدیث، شک و تردیدی در اعتبار آن باقی نمی‌گذارد.

۲. مقتضای خبر رضوی، موید حیثیت تقییدی و خروج تخصصی

در فرازی از خبر رضوی آمده است: «إِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتِ الدَّوْلَةُ» (طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۷۹)؛ هر گاه حاکم (حکومت) ظلم کند، حکومت تضعیف می‌شود. شیخ مفید در تفسیر این عبارت می‌گوید: «ظلم از سوی حاکم که وظیفه اصلی برپایی دولت و ادای قدرت بر عهده اوست، سبب اثر عکس می‌شود بنحوی که خداوند حمایت دین را که از اصلی ترین ارکان حکومت است، از او دور می‌کند و دشمن فریبکار بر او چیره شود، پس دولت سست و قدرت ضعیف می‌شود. موید این معنا کلام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که فرمود: «الْمَلِكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَلَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ» (مفید، ۱۴۱۳ ق: ۳۱۰). چنانچه گفته شد، وجوب اعداد و ارهاب تجهیز به عموم ادواتی را که در راستای حفظ نظام اسلامی و تقویت آن باشد، واجب می‌کند و بر مبنای روایت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ که در راستای تفسیر آیه می‌توان از آن بهره برد، هر ابزار ظالمانه و جائزانه که مصداق بارز آن تسلیحات کشتار جمعی است، نه تنها تقویت کننده نیست بلکه تضعیف کننده نیز محسوب می‌شود و از گستره دلالت آیه خروج تخصصی خواهد داشت. واژه شناسان در تبیین جور آن را ظلم و خلاف عدل تعریف کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۶: ۱۷۶).

عدالت و عدم ظلم از اصول اساسی اسلام محسوب می‌شود. امر صریح و مطلق شارع به عدالت (نحل، ۹۰) موید این موضوع است. از دیدگاه قرآن کریم، عدالت پایه و اساس نظام هستی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۴۸۲) و گوهر وجودی انسان است (انفطار، ۷-۶)، برپایی عدالت نه تنها از اهداف بعثت پیامبران (حدید، ۲۵) و رسالت اصلی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (اعراف، ۲۹) بلکه وظیفه‌ای عمومی است (نحل، ۹۰) و هر نوع انحراف، تعدی، تفریط و تجاوز به حقوق دیگران در هر شرایطی ممنوع و خلاف عدالت

است (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱: ۸۰). در اسلام برای اولین بار علما، فلسفه حقوق را براساس عدالت تأسیس کردند و با طرح «عدالت» به عنوان امری ذاتی و خارج از حقوق موضوعه، اندیشه حقوق طبیعی و عقلی را تأسیس کردند (مطهری، ۱۳۸۸: ۱۲۴). در نظام حقوقی اسلام که از «توحید» و «عدالت» منشأ می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۹۸) رعایت عدالت در شرایط جنگی به دلیل وجود زمینه تجاوزگری و اعتداء اهمیت بیشتری دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۱۹۸).

همین معنا و تأکید بر عدالت و عدم ظلم حتی نسبت به دشمنان، در آیه ۲ سوره مائده نیز آمده است: «...وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»؛ «و دشمنی با گروهی که از مسجد الحرام منتعان کردند شما را بر ظلم و بی‌عدالتی وادار نکند و باید با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری و از خدا بترسید که عقاب خدا سخت است». این آیه در مورد، کفار و مشرکانی است که در جریان صلح حدیبیه مسلمانان را از ورود به مکه و زیارت کعبه که حق اساسی آنها بود، بازداشتند. با این حال، امر خداوند به عدم تجاوز و عدم خروج از خط عدالت در مورد آنهاست (علیدوست، ۱۳۹۲: ۱۳). چرا که اساساً ظلم و خروج از عدالت ضربه به نظام و تضعیف کننده آن محسوب می‌شود. سیره دفاعی پیامبر ﷺ و حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز به عنوان منبع استنباط احکام و تفسیر قرآن کریم، موید این موضوع است که آنان حتی از روش‌های ناجوانمردانه و غیراخلاقی، در نبرد پرهیز می‌کردند؛ چنانچه در جنگ صفین ابتدا معاویه بر آب فرات مسلط شد و سپاه امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را از دسترسی به آب منع کرد تا با تشنگی یاران حضرت، پیروزی را از آن خود کند اما وقتی حضرت علی(ع) آب فرات را در کنترل سپاه خود درآورد به معاویه پیغام داد که ما رفتاری که تو با ما کردی، ناپسند می‌دانیم. بیاید آب بگیرید که ما و شما در بردن آب برابریم (المنقری، ۱۳۸۲: ۱۶۶-۱۸۶). دلیل چنین رفتارهایی که انعکاس اصول اسلامی در سنت ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ می‌باشد، تقیید اسلام به اخلاق است چنانچه پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دلیل بعثت خویش را اتمام مکارم اخلاقی اعلام می‌کند (نوری، ۱۳۲۰، ق، ج ۱: ۱۸۷) از این رو هر رفتار غیراخلاقی و غیرانسانی با قید اسلامیت نظام در تضاد است و چنانچه امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند بجای تقویت، تضعیف کننده نظام اسلامی است. بر این اساس، توسل به تسلیحات میکروبی، شیمیایی و هسته‌ای جهت بازدارندگی، تخصصاً از دایره بازدارندگی اسلام خارج می‌شود. این حکم، مبنای ثابتی دارد که حتی در صورت عدول دشمن از آن، یعنی استفاده دشمن از روش‌های غیرمجاز نیز صدق می‌کند. چنانچه مثله کردن توسط دشمن، مجوز این اقدام توسط مسلمانان نخواهد بود.

نتیجه گیری

مسئله تسلیحات کشتار جمعی از پدیده‌های عصر حاضر است و واکاوی احکام دینی پیرامون آن، از موضوعات مهم محسوب می‌شود. فقهای معاصر در راستای تلاش در جهت تبیین احکام مربوطه، ادله‌ای برشمرده‌اند. از مهمترین دلایلی که بدواً جواز و حتی لزوم شرعی کاربست این تسلیحات به آن

مستند می‌شود، آیه شصت سوره انفال، معروف به آیه اعداد است. عمومیت و اطلاق الفاظ این آیه و لفظ «تُرْهَبُونَ»، تجهیز به هر نوع تسلیحات از جمله تسلیحات کشتار جمعی را ضروری می‌نماید، همین امر سبب حکم بدوی به جواز این تسلیحات و قول به تخصیص آیه گردیده است. با واکاوی آیه مشخص شد مدلول لفظی آیه اقتضای تخصص تسلیحات کشتار جمعی از دامنه دلالت آیه دارد؛ «تُرْهَبُونَ» دلالت بر نوع خاصی از ترس «ترس ضد رغبت نه ضد امنیت» میکند که درجه‌ای پایین تر از «تخافون» دارد، موضوع «تُرْهَبُونَ»، در آیه «علیه دشمنان خدا و مسلمانان» بیان شده در حالیکه تسلیحات کشتار جمعی سبب ترس همگان اعم از بی‌گناه و گناهکار می‌شود و همه را با یک چوب می‌راند که غایت آیه نیست. هر چند امر به شیء امر به لوازم و مقدمات آن می‌باشد اما اسباب نامشروع نسبت به امر شارع تخصصاً خارجند. روایت رضوی این تخصص را تأیید می‌کند. تقویتی که در آیه مطرح شده دارای حیث تقییدی است و بنا به روایت امام رضا علیه السلام هر ظلمی تضعیف کننده است اگرچه در ظاهر تقویت کننده به نظر آید. مهمترین مصلحتی که برای اعداد و ارهاب تصور می‌شود، نفی سلطه و حفظ نظام اسلامی است که بر مبنای روایت رضوی، تضعیف کننده خواهد بود.

منابع

قرآن کریم.

- الوسی، محمود. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل احمد بن علی. (۱۳۹۰ق). *لسان المیزان*. لبنان: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- ابن ندیم. (۱۴۱۷ق). *الفهرست*. لبنان: دارالمعرفه.
- انصاری، مرتضی. (۱۳۸۷). *مطرح الانظار*. تقریر ابوالقاسم کلانتری تهرانی. قم: شریعت.
- جوادی آملی، عبد الله. (۱۳۷۵). *فلسفه حقوق بشر*. قم: مرکز نشر اسراء.
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسایل الشیعه*. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
- خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۱۲ق). *کفایه الاصول*. قم: موسسه نشر اسلامی.
- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۰۹ق). *معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه*. تهران: دفتر آیت الله خویی.
- دیلمی، حسن بن محمد. (بی تا). *ارشاد القلوب*. ترجمه (برگردان) هدایت الله مسترحمی. تهران: مصطفوی.
- رابرتسون، دیوید. (۱۳۷۵). *فرهنگ سیاسی معاصر*. ترجمه (برگردان) عزیز کیاوند. تهران: نشر البرز.
- الزبیدی، المرتضی. (بی تا). *تاج العروس من جواهر القاموس*. بیروت: دارالفکر.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۲۴ق). *ارشاد العقول الی مباحث الاصول*. قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
- _____ . (۱۴۲۹ق). *الموجز فی اصول الفقه*. قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
- شهید ثانی، زین الدین علی. (۱۴۱۰ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه*. قم: مکتبه الداوری.

- _____ (۱۴۱۴ق). **حائشیه الارشاد**. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- صدر، سید محمد باقر. (۱۴۱۷ق). **بحوث فی علم الاصول**. قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- صدر، سید محمد. (۱۴۲۷ق). **المؤلفات الكامله (ماوراء الفقه)**. قم: موسسه احیاء الکتب الاسلامیه.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۸). **تفسیر المیزان**. ترجمه (برگردان) محمدباقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- _____ (۱۴۱۷ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). **تفسیر جوامع الجامع**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). **الامالی**. تحقیق و تصحیح موسسه البعثه. قم: دارالثقافه.
- _____ (۱۴۱۷ق). **الفهرست**. نجف: مکتبه المرتضویه.
- _____ (۱۴۰۹ق). **تبیان فی تفسیر القرآن**. تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی. بیروت: دار احیاء التراث العربی - مکتب الاعلام الاسلامی.
- _____ (۱۴۱۵ق). **رجال الطوسی**. تحقیق جواد الطوسی و القیومی الاصفهانی. قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، موسسه النشر الاسلامی.
- العلیاری تبریزی، علی. (۱۳۷۹). **بهبهجة الآمال فی زبدة المقال**. تهران: کوشان پور.
- فاضل لنکرانی، محمد جواد. (۱۳۹۳). «**تولید و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی**». **فقه و اجتهاد**. دوره ۱. شماره ۱. صص: ۱۳-۳۶.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). **کتاب العین**. قم: انتشارات هجرت.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۵ق). **تفسیر الصافی**. تهران: انتشارات الصدر.
- قمی، شیخ عباس. (۱۴۰۲ق). **سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الواردة فیها علی بحار الانوار**. تهران: موسسه انتشارات فراهانی.
- کالینز، جان ام. (۱۳۸۶). **استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)**. ترجمه کوروش بایندر. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۷ق). **خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال**. بی جا: الفقاهه.
- علیدوست، ابوالقاسم. (۱۳۹۲). «**فقه تولید و انباشت و کاربرد سلاح‌های غیر متعارف با محوریت فقه امامیه**». **حقوق اسلامی**. سال دهم. شماره ۳۷. صص: ۷-۲۸.
- علی نوری، علیرضا. (۱۳۸۳). **کلیات فقه اسلامی**. تهران: یاقوت.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰). **کتاب التفسیر**. تحقیق از سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: چاپخانه علمیه.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۲۰ق). **الوحیزه فی الرجال**. تصحیح و تحقیق محمدکاظم رحمان ستایش. تهران: وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی الکلمات القرآن*. تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.

_____ (۱۳۸۰). *تفسیر روشن*. تهران: مرکز نشر کتاب.

مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). *آشنایی با علوم اسلامی*. جلد ۳. تهران: صدرا.

_____ (۱۳۶۸). *مجموعه آثار*. جلد ۱. قم: صدرا.

_____ (۱۳۸۸). *نظام حقوق زن در اسلام*. تهران: صدرا. چاپ: پنجاه و یکم.

مطهری، حمیدرضا. (۱۳۷۸). *زندگه در سده‌های نخستین اسلامی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). *الامالی*. تصحیح و تحقیق حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری. قم: کنگره شیخ مفید.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مغنیه، محمد جواد. (۱۳۷۸). *تفسیر کاشف*. جلد یک. قم: بوستان کتاب.

منتظری، حسینعلی. (۱۳۷۹). *مبانی فقهی حکومت اسلامی (دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه)*.

جلد ۶. ترجمه و تقریر محمود صلواتی. تهران: انتشارات سرایی.

المنقری، نصر بن مزاحم. (۱۳۸۲). *وقعة صفین*. شرح عبدالسلام محمد هارون. مصر: الموسسه العربیه الحدیثه للطبع

و النشر و التوزیع.

موزنی بیستگانی، حمید. (۱۳۹۹). «سقوط حکم اعدام مرتد فطری در فرض توبه و مشروعیت استتابه توسط قاضی».

آموزه‌های حقوق کیفری. شماره ۲۰. صص: ۳۰۹-۳۳۰.

میثمی تهرانی، علی. (۱۳۹۳). «واکاوی فقهی ادله حرمت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی». *فقه و اصول*. شماره

۷۸ و ۷۷. صص: ۲۹۹-۳۴۱.

میرفخرایی، هوشمند. (۱۳۸۸). *استراتژی معاصر*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

نائینی، میرزا محمد حسین. (۱۴۲۴ق). *تنبییه الامه و تنزیه المله*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

_____ (۱۳۷۶). *فوائد الاصول*. جلد یک. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۸). *جواهر الکلام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

نوری، میرزا حسین. (۱۳۲۰ق). *مستدرک الوسائل*. قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام).

هالستی، کی جی. (۱۳۷۶). *مبانی تحلیل سیاست بین الملل*. ترجمه (برگردان) بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری.

تهران: انتشارات وزارت خارجه.

References

Quran.

al-'Alyari Tabrizi, Ali. (1379). *Bejehat al-Amal fi Zubdah al-Maqal*. Tehran: Koushan Pour. (IN Arabic)

al-Harrani, Muhammad ibn Hasan. (1409 AH). *Wasa'il al-Shi'ah*. Qom: u'as-sasah Al al-Bayt 'Alayhim al-Salam. (IN Arabic)

al-Hilli, Hasan ibn Yusuf. (1417 AH). *Khulasah al-Aqwal fi Ma'rifat al-Rijal*.

Bi Ja: al-Fiqh. (IN Persian)

'Ali Nuri, Alireza. (1383). **Kelyat Feqh Islami**. Tehran: Yaqut. (IN Persian)

'Alidoust, Abolqasem. (1392). “**Feqh Towlid va Anbosh va Karbord Selahe Ghair Mota’aref ba Mahoriyat Feqh Imamiyah.**” *Huquq Islami*. Vol. 10, No. 37, pp. 7-28. (IN Persian)

al-Manqari, Nasr ibn Muzam. (1382). **Waq’at al-Siffeen. Sharh ‘Abd al-Salam Muhammad Harun**. Egypt: al-Mu’assasah al-’Arabiyyah al-Hadithat lil-Tab’ wa al-Nashr wa al-Tawzi’. (IN Arabic)

Alusi, Mahmoud. (1415 AH). **Ruh al-Ma’ani fi Tafsir al-Quran al-Azim**. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah. (IN Arabic)

al-Zubaidi, al-Murtada. (n.d.). **Taj al-Arus min Jawahir al-Qamus**. Beirut: Dar al-Fikr. (IN Arabic)

Ansari, Morteza. (1387). **Matarhin al-Anzar**. Taqirir Abu al-Qasim Kalanteri Tehrani. Qom: Shariat. (IN Persian)

'Ayyashi, Muhammad ibn Mas’ud. (1380). **Kitab al-Tafsir. Tahqiq az Sayyid Hashim Rasouli Mahallati**. Tehran: Chapkhaneh ‘Ilmiyah. (IN Persian)

Collins, John M. (1386). **Strategic Management: Principles and Practices**. Translated by Kouros Bayinder. Tehran: Intisharat Wazarat Amur Kharijeh. (IN Persian)

Daylami, Hasan ibn Muhammad. (n.d.). **Irshad al-Qulub**. Translated by Hedayatollah Mostarahmi. Tehran: Masnavi. (IN Arabic)

Fara’idi, Khalil ibn Ahmad. (1410 AH). **Kitab al-’Ayn**. Qom: Intisharat Hejerat. (IN Arabic)

Fayz Kashani, Mulla Muhsin. (1415 AH). **Tafsir al-Safi**. Tehran: Intisharat al-Sadr. (IN Arabic)

Fazel Lankarani, Muhammad Javad. (1393). “**Towlid va Istifadah az Selahe Koshta Jame’i az Didgah Feqh Islami.**” *Feqh va Ijtihad*. Vol. 1, No. 1, pp. 13-36. (IN Persian)

Hallstein, K. J. (1376). **Mabani Tahlil Siyasat-e Beyn al-Melal**. Translated by Bahram Mosteghimi and Masoud Tarm Sari. Tehran: Intisharat Wazarat Kharejeh. (In Persian)

Ibn al-Nadim. (1417 AH). **al-Fihrist**. Lebanon: Dar al-Ma’rifah. (IN Arabic)

Ibn Hajar Asqalani, Abu al-Fadl Ahmad ibn Ali. (1390 AH). **Lisan al-Mizan**. Lebanon: Mu’assasat al-A’lami lil-Matbu’at. (IN Arabic)

Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram. (1414 AH). **Lisan al-Arab**. Beirut: Dar Sader. (IN Arabic)

Javadi Amoli, Abdollah. (1375). **Philosophy of Human Rights**. Qom: Markaz Nashr Esra. (IN Persian)

Khorasani, Muhammad Kazim. (1412 AH). **Kifayat al-Usul**. Qom: Mu’assasah Nashr Islami. (IN Arabic)

- Khui, Sayyid Abu al-Qasim. (1409 AH). **Mu'jam Rijal al-Hadith wa Tafsir Tabqat al-Ruwat**. Tehran: Daftar Ayatollah Khui. (IN Arabic)
- Majlisi, Muhammad Baqir. (1420 AH). **al-Wajizah fi al-Rijal. Tahih wa Tahqiq Muhammad Kazim Rahman Sata'ish**. Tehran: Wazarat Farhang wa Ershad Islami. (IN Persian)
- Makarim Shirazi, Naser et al. (1374). **Tafsir-e Namuneh**. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah. (IN Persian)
- Meythami Tehrani, Ali. (1393). “ **Jurisprudential Arguments Prohibiting the Use of Weapons of Mass Destruction in Islam.**, Feqh va Usul. No. 78 & 77, pp. 299-341. (IN Persian)
- Mirfakhrai, Hossein. (1388). **Esteategie Moaser**. Tehran: Daftar Motale'aat Siyasi va Beyn al-Melali. (IN Persian)
- Mofid, Muhammad ibn Muhammad. (1413 AH). **al-Amali**. Tahih va Tahqiq Hossein Ostad Vali va Ali Akbar Ghaffari. Qom: Kongereh-ye Shaykh-e Mofid. (IN Persian)
- Moghaddasieh, Mohammad Javad. (1378). **Tafsir-e Kashfeh**. Vol. 1. Qom: Boştan Ketab. (IN Arabic)
- Montazeri, Hossein Ali. (1379). **Mabani-e Feqhi-ye Hokoomat-e Islami** (Daraasat fi Wilayat al-Faqih wa Feqh al-Dowleh al-Islamiyah). Vol. 6. Translated and Taqiq by Mahmoud Salavati. Tehran: Intisharat Sarayi. (IN Arabic)
- Mostafawi, Hasan. (1360 AH). **al-Tahqiq fi al-Kalimat al-Qur'aniyyah**. Tehran: Bangah Nashr va Tarjomeh Ketab. (IN Arabic)
- Mostafawi, Hasan. (1380). **Tafsir-e Roshan**. Tehran: Markaz Nashr-e Ketab. (IN Persian)
- Motahhari, Hamidreza. (1378). Zendeqeh dar Sadeh-haye Nakhoştan Islami. Qom. The Islamic Sciences and Culture Research Institute. (IN Persian)
- Motahhari, Murtaza. (1368). **Majmu'eh-ye Asar**. Vol. 1. Qom: Sadra. (IN Persian)
- Motahhari, Murtaza. (1377). **Familiarization with Islamic Sciences** .Vol. 3. Tehran: Sadra. (IN Persian)
- Motahhari, Murtaza. (1388). **Nezam-e Hoquq-e Zan dar Islam**. Tehran: Sadra. 51st ed. (IN Persian)
- Mouzannine Biştagini, Hamid. (1399). “**Soghot Hokm E'dam Mortedef Fotri dar Farz-e Towbeh va Mashru'iyat-e Estetabeh Tavassoteh Qazi.**” Aa-moozeh-haye Hoquq-e Keyfari. No. 20, pp. 309-330. (IN Persian)
- Najafi, Muhammad Hasan. (1368). **Jawahir al-Kalam**. Tehran. Islamic- (IN Arabic)
- Nayini, Mirza Muhammad Husayn. (1376). Fawa'id al-Usul. Vol. 1. Qom: Jami'at al-Mudarresin Howzeh Ilmiyah Qom. (IN Arabic)
- Nayini, Mirza Muhammad Husayn. (1424 AH). **Tanbih al-Ummah wa Tanzih**

- al-Millah.** Qom: Daftar Tablighat Islami Howzeh Ilmiyah Qom. (IN Arabic)
Nouri, Mirza Hussein. (1320 AH). **Mustadrak al-Wasa'il.** Qom: Mu'assasah Al al-Bayt 'Alayhim al-Salam. (IN Arabic)
Qomi, Shaykh Abbas. (1402 AH). **Safinat al-Bahr wa Madinat al-Hikmah wa al-Athar ma' Tatbiq al-Nusuṣ al-Waridah fiha 'ala Bihar al-Anwar.** Tehran: Mu'assasah Intisharat Farahani. (IN Arabic)
Robertson, David. (1375). **Contemporary Political Dictionary.** Translated by Aziz Kayvand. Tehran: Nashr Alborz. (IN Persian)
Sadr, Sayyid Muhammad Baqir. (1417 AH). **Buhuth fi 'Ilm al-osal.** Qom: Mu'assasah Da'irat al-Ma'arif Fiqh Islami bar Mabda' M- (IN Arabic)
Sadr, Sayyid Muhammad. (1427 AH). **al-Mu'allifat al-Kamilah (Mawara' al-Fiqh).** Qom: Mu'assasah Ihya' al-Kutub Islamiyah. (IN Arabic)
Shahid Thani, Zayn al-Din Ali. (1410 AH). **al-Rawdah al-Bahiyyah fi Sharh al-Lum'ah al-Dimashqiyyah.** Qom: Maktabah al-Dawri. (IN Arabic)
Shahid Thani, Zayn al-Din Ali. (1414 AH). **Hashiyah al-Irshad.** Qom: Intisharat Daftar Tablighat Islami Howzeh Ilmiyah Qom. (IN Arabic)
Subhani, Ja'far. (1424 AH). **Irshad al-Uqul ila Mabahis al-Usul.** Qom: Mu'assasah Imam al-Sadiq (AS). (IN Arabic)
Subhani, Ja'far. (1429 AH). **al-Muwjaz fi Usul al-Fiqh.** Qom: Mu'assasah Imam al-Sadiq .(IN Arabic)
Tabatabai, Sayyid Muhammad Husayn. (1378). **Tafsir al-Mizan.** Translated by Muhammad Baqir Musavi Hamadani. Qom: Jami'at Mudarresin Howzeh Ilmiyah. (IN Persian)
Tabatabai, Sayyid Muhammad Husayn. (1417 AH). **al-Mizan fi Tafsir al-Quran.** Qom: Daftar Intisharat Islami Jami'at Mud.(IN Arabic)
Tabrisi, Fadl ibn Hasan. (1372). **Tafsir Jvami' al-Jami'.** Tehran: Intisharat Daneshgah Tehran va Madariyat Howzeh Ilmiyah Qom. (IN Arabic)
Tusi, Muhammad ibn Hasan. (1409 AH). **Tabyan fi Tafsir al-Quran.** Tahqiq Ahmad Habib Qasir al-Aamili. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi- Maktab al-I'lam al-Islami. (IN Arabic)
Tusi, Muhammad ibn Hasan. (1414 AH). **al-Amali.** Tahqiq wa Tasheh Musassasah al-Ba'thah. Qom: Dar al-Thaqafah. (IN Arabic)
Tusi, Muhammad ibn Hasan. (1415 AH). **Rijal al-Tusi.** Tahqiq Jawad al-Tusi wa al-Qayumi al-Isfahani. Qom: Jami'at al-Mudarresin fi al-Hawzah al-Ilmiyah bi-Qom, Mu'assasah al-Nashr al-Islami. (IN Arabic)
Tusi, Muhammad ibn Hasan. (1417 AH). **al-Fihrist.** Najaf: Maktabah al-Murtadhawiyah. (IN Arabic)



Phenomenology of Action of Imam Riḍā's (pbuh) Pilgrimage; A Case Study in Winter 2018

Yahya Bouzri Nejade¹, Mohammad Hosein Jamal Zade², Ali Hatam Zade³

1. Associate Professor, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Iran (Corresponding Author): y_bouzarinejad@ut.ac.ir

2. Ph.D. student of Muslim Social Sciences, University of Tehran, Iran: jamalzadeh@ut.ac.ir

3. Ph.D. student of Muslim social science, University of Tehran, Iran: alihatamzadeh2016@gmail.com

Article Info

Abstract

Article Type:

Research Article

Article History:

Received:

December 08, 2022

In Revised Form:

January 7, 2023

Accepted:

January 16, 2023

Published Online:

May 21, 2024

By the development of the sociology of religion, pilgrimage as a social religious activity has also received the attention of social science researchers. In the phenomenological approach creatively, activists experience the principle of social action, and this lived experience emerges in the consciousness of others in an inter-subjective way. This research was conducted with the aim of understanding the knowledge and understanding of the lived experience of pilgrims and how to construct the phenomenon of pilgrimage and understand the meaning of the experience of pilgrimage by paying attention to the inter-subjective sharing of the pilgrims of the shrine of Imam Riḍā (pbuh) based on a phenomenological approach. The main technique used in this research is the interview, and a situation has been created for the pilgrim to describe his view of the experienced world using his own language and words. Interviews were conducted based on the religiosity conceptual model of Shojaizand with 5 samples of men with different personality types and the following results were obtained: Pilgrimage has cognitive, emotional and practical aspects. Pilgrims in the cognitive dimension seek to gain knowledge about the Imam and recognize the fact that the Imam is a mediator to reach his god; therefore, they pay attention to the Imam's kindness towards them. In the emotional dimension, the pilgrimage brings a sense of peace and humility through individual and collective worship in the shrine of Imam Riḍā (pbuh) and the observance of morals by the pilgrims as much as possible. In the practical aspect, pilgrims demonstrate their adherence to the law by performing certain rituals and paying attention to individual and collective tasks.

Keywords

Phenomenology, Pilgrimage, Action, Imam Riḍā (as), Religiosity.

Cite this The Author (s): Bouzri Nejade, Y., Jamal Zade, M.H., Hatam Zade, A., (2023). Phenomenology of Action of Imam Riḍā's (as) Pilgrimage; A Case Study in Winter 2018 : Quarterly Scientific Journal of Farhang Razavi. Year 12, Issue 1, Spring 2024, Serial Number 45- (25-57)- [DOI:10.22034/farzv.2023.375928.1831](https://doi.org/10.22034/farzv.2023.375928.1831).



Introduction

The city of Mashhad is the most important pilgrimage center in Iran due to the presence of the royal court of Imam Reza (pbuh), which welcomes many pilgrims from all over the country and the world every year. Although people offer various motivations and reasons for choosing their travel destination; But in pilgrimage cities such as Mashhad, the main reason for traveling is visiting the shrine of the 8th Imam of Shiites and visiting his shrine. The existence of Hazrat Raza's (pbuh) holy shrine and the general desire of pilgrims to visit the holy shrine of Razavi is an issue that should be further investigated in order to understand the religious beliefs and actions taken by them, to open the way for the issues related to the actions and reactions of the pilgrims and Aṣṭan Quds Razavi and related institutions. Therefore, it is necessary to analyze the lived experiences of this enormous capacity of the pilgrim with a more detailed and deeper look in continuation of the previous research in this field.

What can be inferred from the conceptual models of religiosity from the western theorists of this field, each of them emphasized a part of the concepts of religiosity. However, these western models have flaws in terms of being generalizable in the non-native environment outside of the Christian and modern West, as well as ignoring the rules and adherence to the Sharia, the lack of necessary separation between the model and the measure, and the lack of sufficient attention to the social dimension of religion and the non-religiousness of the society. Therefore, the need for a comprehensive model to measure religiosity and in this research "phenomenology of pilgrimage" is felt. Therefore, Alireza Shojaizand's religiosity measurement model has been chosen as the theoretical basis of this research. The most important feature of Shojaeizand's religiosity measurement model is based on the phenomenological content of religion and considering the truth of religiosity, of which pilgrimage is one of its common examples in all its dimensions and works and manifestations, as well as based on religious concepts and aspects of Islamic-Iranian religiosity and Iran's social contexts. It is designed. Shojaeizand believes that "religiosity has dimensions and components that originate from different aspects of religion and in turn has a relationship with the dimensions of human existence" (Shojaeizand, 2004). Therefore, in the model he has presented for measuring religiosity, he has tried to express the logical relationships between these categories on the one hand, and on the other hand, in addition to "dimensions", the manifestations of religiosity such as "works" and its deep "consequences" that are measured are used to show" (ibid.). In Shojaeizand's religiosity measurement model, the five dimensions of religion are listed as follows: being a believer, being a believer, being a person of worship, acting morally, being religious (ibid.: 53).

Method

The method used in this research is qualitative and using phenomenological method.

Qualitative methods mostly deal with the production of argumentative descriptions and the discovery of meanings and interpretations of social actors (Beliky, 2015: 301). This method allows researchers to tap into participants' inner experiences, and discover how meanings are formed through and within culture. In phenomenological research, the researcher identifies the essence of human experiences about a phenomenon - as described by the participants in the research. Understanding the "live experiences" of phenomenology as a kind of philosophy as well as a method and procedure that requires the study of a small number of subjects (subjects) and in which the researcher tries to reveal the formed "patterns and semantic relations" by establishing a close relationship with the participants. (Cresol, 2011: 38). In order to understand these lived experiences and understand patterns and common semantic relationships, the seven-step phenomenological method of Aspers has been used in this research. The choice of this method is that in the seven stages of this method, in addition to the analysis of the collected data, attention is also paid to their relationship with the evidence in scientific texts and the experimental field of past studies.

Discussion and conclusion

The findings of the research were analyzed based on Groenewald's text analysis method, after conducting interviews with 5 men on three levels, the main theme, clustering of semantic units and semantic units based on the conceptual model of Shujaizand's religiosity. First, the semantic units were selected, then clusters were formed based on the similarities of the semantic units. In order to explain the mentioned religiosity model, preferably, the main themes of the phenomenon of pilgrimage were chosen based on the Shujaeizand model in the field of religiosity, with exactly the same titles mentioned in the model.

In the phenomenological method, we are looking for the intersubjective commonalities of the participants, which in the present research are the intersubjective commonalities of the pilgrims under the title of general characteristics of the pilgrimage of Imam Reza (pbuh.), extracting the grade from the commonalities in the field of pilgrimage customs, emotions and feelings, beliefs, adherence to Sharia and motivations. The following can be mentioned:

Clusters	Semantic unit
Pilgrimage customs	Greetings, ablution, reading pilgrimage, reading Quran, praying
Emotions and feelings	Peace and security, humility, devotion
Beliefs	The infallibility of the Imam, the authority of the Imam, being from the family of the Prophet, being a mediator and intercessor, the Imam's departure.
Acting according to Sharia	Observance, interactions, purity
motivations	Only for the purpose of pilgrimage

The general characteristics of Imam Reza (PBUH) pilgrimage based on the fourth stage of Groenewald's definition of semantic units

Clusters	Semantic unit
How to perform the pilgrimage	Ghusl, touching the shrine, kissing the shrine, prostration of ,thanksgiving, saying dhikr, sending blessings
Pilgrimage quantity	many time and the amount of stay
Emotions and feelings of pilgrimage	.Crying, feeling ashamed
Demands	Seeking a job, needing, the grace of Imam Zaman (pbuh), a good end, helping others, health

The distinguishing features of Imam Reza (pbuh) pilgrimage based on the fourth stage of Groenewald's definition of semantic units

The concept of religious consequence refers to the impact of religiosity on social relationships and structures, for example, removing gaps and discontinuities and creating resistance against existing adversities and injustices. The consequence dimension measures a person's behavior and actions during and after the act of pilgrimage.

Central theme	Semantic unit
Intuition	Self-knowledge, resurrection memory,
Semanticism	Humility, forgetfulness, being sought after, mental changes, lightness of society's problems
Being moral	Care, trying to apply ethics in relationships and interactions
Being pious	The feeling of helping others, paying attention to the people around you, paying more attention to religious practices

Consequences of pilgrimage to Imam Reza (pbuh) based on the sixth step of Aspers' phenomenology

The results of the present analysis, according to previous researches, clearly show that the experience of pilgrimage is a spiritual and mystical experience. Pilgrimage is a social and religious reality. This phenomenon is effective in strengthening the religious attitudes of people in the society, depending on the motivation of the pilgrims, pilgrimage is a multifaceted action that can be emotional, traditional, valuable and purposeful. The diversity of phenomenology in tourists' experienc-

es can be attributed to their different and diverse motivations, which are due to individual and cultural conditions. Imam (pbuh.) is the center of pilgrims' pilgrimage, the knowledge and understanding that pilgrims acquire before and after performing pilgrimage by reciting supplications and supplications to show more devotion to Imam (pbuh.) is consistent with the findings of Mohammadi et al.'s research. The findings of this research show that pilgrimage provides a platform for pilgrims to connect their love and feelings of affection towards God Almighty through the mediation of Imam (pbuh.), which Yousefi et al. named as attraction. Pilgrims' experience of visiting Imam Reza (PBUH) shows that pilgrims are often seeking freedom from the constraints of everyday life and escaping from monotony and seeking to suspend material and worldly affairs and a surreal experience and to stay away from worldly preoccupations and meditation and revelations. They think about how to cross the boundaries that surround his existence. This liberation causes self-discovery and changes the person's mood to the point where he considers the shrine as a safe place far away from his relatives.

References

- Aspers, Patrick, (2004), "Empirical Phenomenology An Approach for Qualitative Research", **Social Research Methods Qualitative Series**, 9, pp.1-15.
- Blakey, Norman. (2015). **Social research design**. Translated by Hasan Chavoshian. Tehran: Ney. [In Persian]
- Creswell, John. (2011). **Qualitative survey and research design: choosing among five approaches**. Translated by Hassan Danaeifard and Hossein Kazemi. Tehran: Safar. [In Persian]
- Groenewald, Thomas (2004) "A Phenomenological Research Design Illustrated", **International Journal of Qualitative Methods**, 3 (1): 1-26.
- Shojaizand, Alireza. (1384). "A model for measuring religiosity in Iran". **Sociology of Iran**. Volume 6. Number 1. Pages: 66-34.



پدیدارشناسی کنش زیارت امام رضا علیه السلام: مطالعه موردی در زمستان ۱۳۹۸

یحیی بوذری نژاد^۱، محمدحسین جمالزاده^۲، علی حاتمزاده^۳

y_bouzarinejad@ut.ac.ir

jamalzadeh@ut.ac.ir

alihatamzadeh2016@gmail.com

۱. نویسنده مسئول، دانشیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، رایانامه:

۲. دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه تهران، رایانامه:

۳. دانشجوی دکتری دانش اجتماعی مسلمین دانشگاه تهران، رایانامه:

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۷	با رونق گرفتن جامعه‌شناسی دین، زیارت نیز به‌عنوان کنشی دینی اجتماعی مورد توجه پژوهشگران علوم اجتماعی قرار گرفته است. در رویکرد پدیدارشناسانه به‌صورت خلاقانه، کنشگران اصل عمل اجتماعی را تجربه می‌کنند و این تجربه زیسته به‌صورت میان ذهنی در آگاهی دیگران نیز پدیدار می‌شود. این پژوهش با هدف پی بردن به آگاهی و فهم تجربه زیسته زائران و نحوه ساخت پدیدار زیارت و درک معنای تجربه زیارت از طریق توجه به اشتراک میان ذهنی زائران حرم امام رضا <small>علیه السلام</small> بر اساس رویکردی پدیدارشناسانه انجام گرفته است. اصلی‌ترین تکنیک مورد استفاده این پژوهش نیز مصاحبه است و موقعیتی فراهم آمده تا زائر دیدگاه خود را درباره دنیای تجربه شده با استفاده از زبان و لغات خاص خود تشریح کند. مصاحبه‌ها بر اساس الگوی مفهومی دینداری شجاعی‌زند با ۵ نمونه مرد با تیپ‌های شخصیتی متفاوت انجام گرفته و نتایج ذیل حاصل شد: زیارت دارای ابعاد معرفتی، عاطفی و عملی است. زائران در بعد معرفتی در پی کسب معرفت نسبت به امام و شناخت این حقیقت هستند که امام واسطه‌ای است برای رسیدن به معبود خویش؛ بنابراین به جلب مهربانی امام نسبت به خود توجه دارند. در بعد عاطفی زیارت احساسی از آرامش و خشوع را از طریق انجام فردی و جمعی عبادات در حرم امام رضا <small>علیه السلام</small> و رعایت هرچه بیشتر اخلاقیات از سوی زائران را در پی دارد. در بعد عملی زائران با انجام آدابی معین و اهتمام در عمل به تکالیف فردی و جمعی، میزان پایبندی و متشروع بودن خود را به نمایش می‌گذارند.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۱۷	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۶	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱	
کلیدواژه‌ها	پدیدارشناسی، زیارت، کنش، امام رضا <small>علیه السلام</small> ، دینداری.

استاد: بوذری نژاد، یحیی، جمالزاده، محمدحسین، حاتمزاده، علی: (۱۴۰۳). پدیدارشناسی کنش زیارت امام رضا علیه السلام: مطالعه موردی در زمستان ۱۳۹۸: فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار، شماره پیاپی ۴۵ - (۵۷-۲۵).
[DOI:10.22034/farzv.2023.375928.1831](https://doi.org/10.22034/farzv.2023.375928.1831)



ناشر: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

مقدمه

جامعه‌شناسی دین به مسئله نقش و اهمیت دین به معنای عام در جوامع بشری و نیز به اهمیت باورداشت‌ها و عملکرد گروه‌ها و جوامع خاص می‌پردازد (همیلتون، ۱۳۸۷: ۱۰). اهمیت این باورها و عملکرد گروه‌های مذهبی هیچ‌گاه از چشم جامعه‌شناسان اولیه و متأخر دور نمانده است. جامعه‌شناسان اولیه مانند کنت، دین را بنیاد نظم اجتماعی (آرون، ۱۳۸۴: ۱۲۲) و دورکیم، دستگاهی همبسته از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی و آسمانی یعنی مجزا از امور ناسوتی و زمینی می‌دانستند (دورکیم، ۱۳۸۳: ۶۳).

از نظر گئورگ زیمل نیز دین برای انسان، وحدت‌بخش و فرمی است که انسان می‌تواند تمام احساسات متناقض خود را در آن سامان دهد (خانی، ۱۳۹۵: ۳۸). در اندیشه متأخرین جامعه‌شناسی مانند رابرت بلا، دین همچنان نیروی تراز اول اجتماعی است (سیدمن، ۱۳۸۶) این نیروی تراز اول اجتماعی در نگاه پیتر برگر از سرچشمه‌های عمده‌ای است که انسان‌ها در اعصار گوناگون کوشیده‌اند از طریق آن، وجودشان را معنا کنند (همیلتون، ۱۳۸۷: ۲۶۵).

شهر مشهد به دلیل وجود بارگاه ملکوتی حضرت امام رضا علیه‌السلام مهم‌ترین قطب زیارتی در ایران است که هر سال پذیرای زائران بسیاری از اقصی نقاط کشور و جهان است. هرچند افراد انگیزه‌ها و دلایل گوناگونی را برای انتخاب مقصد سفر خود ارائه می‌دهند؛ اما در شهرهای زیارتی مانند مشهد عمده‌ترین انگیزه سفر، تشریف به مرقد امام هشتم شیعیان و زیارت مرقد اوست. مطابق آمار استانداری خراسان رضوی در سال ۹۶، بیش از ۳۱ میلیون نفر وارد مشهد شدند که این میزان نسبت به سال گذشته ۱۰ درصد افزایش یافته است (فروزان، ۱۳۹۷).

وجود مضجع شریف حضرت رضا علیه‌السلام و تمایل فراگیر زائران برای تشریف به حرم مطهر رضوی موضوعی است که بیشتر باید مورد بررسی قرار گیرد تا با فهم اعتقادات، باورهای دینی و اعمال صورت‌گرفته توسط آن‌ها، راهگشای مسائل مربوط به کنش و واکنش زائران و مجموعه آستان قدس رضوی و نهادهای مربوطه باشد. پس ضروری است با نگاهی دقیق‌تر و عمیق‌تر به واکاوی تجربیات زیسته این ظرفیت عظیم زائر در ادامه تحقیقات قبلی صورت‌گرفته در این زمینه پرداخته شود؛ بنابراین با شناخت صحیح زائران بر اساس روش‌های علمی جامعه‌شناختی می‌توان از مشکلاتی که در سطح اماکن متبرکه شاهد آن هستیم به‌طور جدی کاست و شاهد تسری آن به سطح اجتماع نیز بود. به این منظور باید مستقیم سراغ خود زائر رفت و از تجربه زیسته آنان در جهت حل این مشکلات کمک جست.

۱. مفاهیم

۱-۱. پدیدارشناسی

پدیدارشناسی از نظر لغوی عبارت است مطالعه پدیده‌ها از هر نوع و توصیف آن‌ها با در نظر گرفتن نحوه بروز و تجلی آن‌ها، قبل از هرگونه ارزش‌گذاری، تأویل یا قضاوت ارزشی (امامی، ۱۳۹۱). این سنت فلسفی که توسط کانت بنیان نهاده شده است (ر. ک: اسپیلبرگ و شومان، ۱۳۹۳) می‌خواهد از مرحله شناخت عینیات و اعراض فراتر رود و به فهم ذات اشیا، به معنای آنچه در ورای پدیدارهاست، دست یابد (قائمی نیک و زروانی، ۱۳۹۲: ۵۳ - ۵۵). پدیدارشناسی این فکر را القا می‌کند که شناخت از معنی ساخته شده است و در این مقام نمی‌توان آن را در معرض شک و تردید قرار داد (توسلی، ۱۳۸۶: ۳۳۸). پدیدارشناسی هوسرل پایبند به این است که در لایه‌های گوناگونی که کنشگران در جهان واقعی می‌سازند، رخنه کند تا ساختار اساسی آگاهی را دریابد (ریتزر، ۱۳۸۴: ۳۲۷). پدیدارشناسی هوسرل دارای چهار اصل کلی است: ماهیت توصیفی، نبود تمایز بین بود و نمود، التفات، تعلیق حکم (بوذری‌نژاد، ۱۳۹۹: ۸۵ و ۸۶).

آلفرد شوتس نخستین کسی بود که پدیدارشناسی را با جامعه‌شناسی تلفیق کرد. از نظر شوتس موضوع بررسی جامعه‌شناسی، همان شیوه‌ای است که انسان‌ها از طریق آن جهان زندگی روزانه را می‌سازند یا می‌آفرینند (همان: ۳۳۱). وی در چهارچوب تجزیه و تحلیل خود از جهان زندگی، نوعی توصیف کامل از پدیدارشناسی و زندگی روزمره ارائه می‌دهد. این توصیف که عمدتاً بر روی دیدگاه‌های پس از هوسرل درباره سنتز غیرفعال و پدیدارشناسی پدیدارشناسانه ترسیم شده، بی‌تردید یکی از بهترین جنبه‌ها و تأثیرگذارترین جنبه‌های کار شوتس است (Emanuel Gros, 2017: 66). شوتس که ریشه اندیشه‌اش را از هوسرل گرفته بود، سعی کرد نشان دهد پدیده، یکی از اشیا یا یک دسته از اشیا در کنار دیگر اشیا نیست؛ همه چیز عالم می‌تواند پدیده باشد، البته باید به طریقی خاص به آن نگریست. پدیدار چیزی فراتر از یک امر ظاهری است و به هر شکل و صورتی که باشد، واقعیت اجتماعی است و صرفاً با توجه به مسلم بودنش برای همگان و عینی بودنش اطلاق می‌شود (فخرزارع، ۱۳۹۱: ۱۴۹). در جامعه‌شناسی پدیدارشناسانه آلفرد شوتس چهار قلمرو را می‌توان جست‌وجو کرد: ۱. قلمرو واقعیت اجتماعی؛ ۲. قلمرو معنی؛ ۳. ساخت اجتماعی، عینیت‌بخشی و جبر؛ ۴. دانش، معرفت، جامعه‌شناسی تجربی (توسلی، ۱۳۸۶: ۳۶۱).

۱-۲. کنش

اصطلاح کنش بر یک فراگرد فعالانه، خلاقانه و ذهنی دلالت دارد (ریتزر، ۱۳۸۴: ۵۲۹). این فراگرد فعالانه از نظر ماکس وبر با توجه به معانی ذهنی که انسان‌های کنشگر به کنش‌هایشان نسبت

می‌دهند و جهت‌گیری‌های متقابل این کنش‌ها در چهارچوب زمینه‌های تاریخی اجتماعی موضوع علم جامعه‌شناسی است (کوزر، ۱۳۸۵: ۳۰۰). از نظر وبر کنش‌های اجتماعی چهار دسته‌اند:

۱. کنش عقلانی معطوف به هدف: در این نوع کنش هم هدفی که فرد آن را دنبال می‌کند و هم راهنمایی که برمی‌گزیند بر اساس اصولی بخردانه و عقلانی که مورد قبول و مشروعیت حقوقی جمع قرار گرفته، شکل می‌گیرد.

۲. کنش عقلانی معطوف به ارزش: زمانی که فقط اهداف، عقلایی و بخردانه است؛ اما راه‌های انتخابی برای رسیدن به اهداف عقلایی نیست.

۳. کنش عاطفی یا انفعالی: در اینجا راه و روش انتخابی و فعالیت انسان و فرد کنشگر مطرح است.

۴. کنش سنتی: در این نوع کنش هم هدفی که فرد دنبال می‌کند و هم راه‌هایی که برای رسیدن به هدف برمی‌گزیند صرفاً بر اساس سنت شکل گرفته است نه عقل؛ بنابراین، مبتنی بر چیزهایی است که به‌طور معمول و از روی عادت انجام می‌شده است (تنهایی، ۱۳۷۴: ۲۹۳).

از منظر جامعه‌شناسی، زیارت نوعی کنش اجتماعی محسوب می‌شود. این کنش اجتماعی بر علایق آرمانی مبتنی است که با نوعی ادراک ارزش، حقانیت و جایگاه درست در نظام امور ارتباط دارد (لسانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۲). اگرچه بر اساس طبقه‌بندی وبر از انواع کنش اجتماعی، زیارت کنشی معطوف به ارزش در نظر گرفته می‌شود (بهروان، ۱۳۸۰: ۸۸؛ لسانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۸۵) اما غالباً بسته به انگیزه زائران می‌تواند کنشی چندوجهی باشد؛ بنابراین زیارت کنشی چندوجهی است که بسته به انگیزه زائر می‌تواند عقلانی، ارزشی، عاطفی یا سنتی به‌شمار آید (زردموی اردکلو، ۱۳۹۴: ۱۱۲).

۱-۳. زیارت

یکی از عرصه‌های تجلی دینداری، زیارت است. زیارت از ریشه «زار-یزور» و به معنای میل به چیزی و عدول از چیز دیگر است (پورامینی، ۱۳۹۷: ۱۹). زیارت‌کننده را از آن جهت زائر می‌گویند که وقتی به زیارت شخصی می‌رود از غیر او رو برمی‌گرداند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴: ۳۸۴). بنا بر کاربردهای منابع روایی، زیارت عملی عبادی است به معنای حضور در پیشگاه پیشوایان دینی یا اشخاص محترم یا نزد قبور آنان یا دیدار از مکانی مقدس یا محترم برای اظهار ارادت و کسب فیض معنوی یا ادای احترام. زیارت دو سو دارد که یک‌سوی آن شخص مؤمن است. لازم نیست که زیارت‌شونده انسان باشد و بدین رو دیدار کعبه را نیز زیارت گویند. همچنین لازم نیست شخص زیارت‌شونده، زنده و در دنیا باشد (ر. ک: زمانی، ۱۳۹۲).

از منظر علم جامعه‌شناسی، مطالعات زیارت عبارت است از بررسی آن دسته از رفتارهای گروهی و جمعی و اجتماعی است که عرفاً زیارت نامیده می‌شود (تقی‌زاده داور، ۱۳۸۰). این عمل در ارتباط

مستقیم با ارزش‌های افراد و جامعه قرار دارد. این رستگاری و تقرب از طریق ملاقات با اشخاص و دیدار اماکنی که از نظر زیارت‌کنندگان دارای احترام، شرافت، برتری و خارق‌العادگی است به‌دست می‌آید (داوری، ۱۳۸۰)؛ بنابراین شرط رسیدن انسان به رستگاری در دنیا و آخرت، ایمان و اعتقاد به خداوند متعال است. زیارت در واقع شرایطی را برای انسان فراهم می‌کند که با معبود خویش خلوتی داشته باشد تا علاوه بر ذکر و تسبیح، موهبت‌های او را نیز برشمارد و یگانگی او را تصدیق کند (معاون و همکاران، ۱۳۹۶).

تبیین کنش زیارت را از منظر جامعه‌شناسی می‌توان روی طیفی از نظریه‌ها استوار کرد. در یک‌سوی آن نگاه بیرونی مبتنی بر الزامات مناسکی و در سوی دیگر آن، زیارت به‌مثابه کنشی انسانی مبتنی بر اقتضائات درونی و انفسی قرار دارد (طالبی و براق‌علی‌پور، ۱۳۹۴). وجه بیرونی آن رعایت آداب و مناسک زیارت است که بر وفق قواعد مذهبی معینی انجام می‌گیرد و وجه درونی آن عقیده زائر به خارق‌العادگی زیارت شونده است که او را به سمت عبودیت باواسطه یا توسل به زیارت می‌کشاند (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۱). به‌عنوان یک پدیده جامعه‌شناختی، زیارت در هر ساختار فرهنگ دینی پدیده‌ای مطلوب و سودمند برای افراد در جهت ابراز احساسات عاطفی، آرامش، امید، رضایت خاطر و لذت‌بردن به‌کار می‌رود. در واقع زیارت یک ارزش دینی و شیء مهم است که در جهت تقویت دین‌باوری و انسجام اجتماعی به‌کار می‌رود و از نظر اخلاقی ریشه در احترام به مقدسات و اعتقادات را به همراه دارد (شربتیان، ۱۳۹۲: ۴۵۱).

۲. مبنای نظری

چیزی قریب به پنج دهه است که بررسی انواع، میزان و تغییرات دینداری موضوع مطالعات تجربی و میدانی قرار گرفته است. ابعاد و شاخص‌های دینداری از اوایل دهه ۶۰ میلادی که گرهارد لنسکی، اولین مدل سنجش دینداری را پیشنهاد کرد تا امروزه تغییرات زیادی را به خود دیده است؛ اما همه این مدل‌ها در دو ویژگی محوری با هم اشتراک داشتند: الهام‌گرفتن از آموزه‌های مسیحی و تأثیرپذیری از فرایندهای تاریخی اجتماعی غرب. مدل لنسکی برای سنجش دینداری بر چهار بُعد استوار است: راست‌کیشی، عبودیت، مشارکت و معاشرت. دین از نظر لنسکی یک عامل مؤثر است نه تنها عمل بلکه اندیشه فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. لنسکی معتقد است این اثرگذاری در جوامع مدرن نیز رخ می‌دهد. او برای ارزیابی این تأثیر دو جنبه مهم دین را مورد توجه قرار داده است: «جهت‌گیری دینی» و «میزان درگیر بودن با گروه دینی». البته او کار خود را با دو جنبه دیگر ادامه داده است: «راست‌کیشی» و «عبودیت». به نظر لنسکی درگیر بودن گروهی دیندار دارای دو جهت «مشارکت» و «معاشرت» بوده و ممکن است شدت و ضعف داشته باشد. بعد مشارکتی دین به معنای میزان حضور در مراسم و

آیین‌های رسمی و جمعی نهاد دین (در مسیحیت کلیسا) و بعد معاشرتی دین به معنای دارا بودن فرد از پیوندها و ارتباطات عاطفی و دوستانه با سایر دینداران است (Morton & Hunt, 1972: 251). مدل سنجش دینداری فوکویاما را هم باید جزو اولین ایده‌های این حوزه دانست که بر چندبعدی بودن دین تأکید کرده است (Fukuyama, 1961: 154). او در مطالعه اکتشافی الگوهای متفاوت دینی بودن و دینداری مردم را بیان کرده و چهار بعد را برای آن برشمرده است: شناختی، آیینی، اعتقادی و عبادی.

مدل دیگر سنجش دینداری متعلق به گلاک و استارک است. آن‌ها نیز چهار بُعد را برای دین بیان کرده‌اند؛ اما با کمی تفاوت از مدل لنسکی: پیامدی، مناسکی، اعتقادی، تجربی. آن دو مدعی‌اند این مدل را می‌توان برای سایر ادیان نیز به کار گرفت و قابلیت تعمیم به همه ادیان را دارد (Stark & Glock, 1965: 19).

آنچه از مدل‌های مفهومی دینداری از نظریه‌پردازان غربی این حوزه استنباط می‌شود، هرکدام بر بخشی از مفاهیم دینداری تأکید کرده‌اند. اما این مدل‌های غربی از جهت تعمیم‌پذیری در محیط غیربومی بیرون از غرب مسیحی و مدرن، همچنین چشم‌پوشی از احکام و پایبندی به شریعت، نبود تفکیک لازم میان مدل و سنجه و توجه کافی نکردن به بُعد اجتماعی دین و نه دینی بودن جامعه دارای ایراداتی است؛ بنابراین لزوم مدلی جامع برای سنجش دینداری و در این پژوهش «پدیدارشناسی زیارت» احساس می‌شود. از این رو، مدل سنجش دینداری علیرضا شجاعی‌زند به‌عنوان مبنای نظری این پژوهش انتخاب شده است. مهم‌ترین ویژگی مدل سنجش دینداری شجاعی‌زند این است بر اساس محتوای پدیدارشناختی دین و با نظر به حقیقت دینداری که زیارت یکی از مصادیق عامه آن است، در تمام ابعاد و آثار و تجلیاتش و همچنین بر اساس مفاهیم دینی و ابعاد دینداری اسلامی ایرانی و بسترهای اجتماعی ایران طراحی شده است.

شجاعی‌زند معتقد است که «دینداری دارای ابعاد و اجزایی است که از وجوه مختلف دین منبعث می‌گردد و به‌نوبه خود نسبتی با ابعاد وجود انسان دارد» (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴). از این رو، تلاش کرده است در مدلی که برای سنجش دینداری ارائه کرده است «از یک سو بیانگر نسبت‌های منطقی میان این مقولات باشد و از سوی دیگر علاوه بر «ابعاد»، تجلیات دینداری مثل «آثار» و «پیامدهای» عمیق آن را که در سنجش به کار می‌آیند نمایان سازد» (همان).

در مدل سنجش دینداری شجاعی‌زند ابعاد پنج‌گانه دین چنین برشمرده شده است: معتقد بودن، مؤمن بودن، اهل عبادت بودن، اخلاقی عمل کردن، متشرع بودن (همان: ۵۳). شجاعی‌زند معتقد است «برای ساخت سنجه یا سنجه‌های معیاری که بتوانند تجلیات دین را در تمامی ابعاد وجود فرد و عرصه‌های مختلف زندگی اندازه‌گیری کند، علاوه بر ابعاد و وجوه تصریح شده دینداری که حکم حداقل‌های دینی

بودن را دارند، می‌توان آن را از طریق آثار و نشانه‌ها و همچنین پیامدهای عمیق‌تر آن نیز سنجید. از آثار و نشانه‌های دینداری می‌توان به اهتمامات فرد در افزایش دانش و معلومات دینی خود، داشتن ظاهر دینی، اقامه و برپایی شعائر و داشتن اهتمام مشارکتی و پیوندهای معاشرتی اشاره کرد. باید در کسب بینش الهی، در تعمیق ایمان و تجلیاتش، در نیل به قدرت کشف و شهود، صورت فحیم همان چیزی که در نوشته‌های امروزه به تجربه دینی مشهور است؛ در به چنگ آوردن ملکه تقوا و در ملکات اخلاقی که به ترتیب به روابط فرد با خدا، با خود و با دیگران مربوط است، جست «همان».

مدل پیشنهادی شجاعی‌زند برای سنجش دینداری به شرح جدول ۱ است:

ابعاد وجودی انسان	وجه دین	ابعاد دین	ابعاد دینداری	نشانه‌های دینداری	پیامدهای دینداری	
ذهن	معرفتی	اعتقادات	معتقد بودن	داشتن معلومات دینی	بینش الهی	
روان	عاطفی	ایمانیات	مؤمن بودن		اهل معنا بودن	
		عبادیات	اهل عبادت بودن			انجام فردی عبادت
						انجام جمعی عبادت
		اخلاقیات	اخلاقی عمل کردن		متخلق بودن	
تن	عملی	شرعیات	مشرع بودن	عمل به تکالیف فردی	داشتن ظاهر دینی	
					ابراز هویت دینی	
				عمل به تکالیف جمعی	داشتن اهتمام شعائری	
					داشتن مشارکت دینی	
					داشتن معاشرت دینی	
	اهتمام دینی در خانواده					

جدول ۱: مدل سنجش دینداری در ایران (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۵۴)

۲-۱. پیشینه مطالعات پدیدارشناختی زیارت

یوسفی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان پدیدارشناسی تجربی زیارت امام رضا علیه السلام با حجم نمونه ۶ نفر به این نتایج رسیدند که زیارت همانا دیدار خودخواسته اماکن مقدس است و ابعاد عینی و ذهنی دارد. بُعد عینی زیارت متضمن نهادمندی و توجیه است. نهادمندی زیارت حاصل انجام مکرر

عمل زیارت در چهارچوب آداب و احکام معین مذهبی است، اما توجیه‌کننده زیارت عمده‌تاً مجموعه‌ی احادیث و روایاتی است که در فضیلت و ثواب زیارت نقل شده و از طریق فرایندهای یادگیری اجتماعی زیارت را توجیه‌پذیر می‌کند. بُعد ذهنی زیارت متضمن درونی‌سازی معنای زیارت است که به آگاهی زائر از خارق‌العاده بودن زیارت شونده و خضوع در برابر او می‌انجامد. در این تحقیق، تحلیل پدیدارشناختی آنان نشان می‌دهد که اولاً مناسک زیارت، عقیده به تقدس، عقیده به شفاعت، دلدادگی، خضوع، توسل‌جویی، مناجات و آرامش از موضوعات مرکزی معنای زیارت است که برحسب اشتراک معنا به سه مقوله‌ی کلی‌تر آداب‌مندی زیارت، عقیده به خارق‌العادگی زیارت شونده و جذب‌ه تقسیم می‌شوند. ثانیاً هر سه مقوله‌ی معنایی مذکور در همه‌ی تجارب زیارتی مشارکت‌کنندگان وجود دارد و این اشتراک نشان‌دهنده‌ی پدیدار اجتماعی زیارت است.

فرهادی محلی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان پدیدارشناسی زیارت مورد مطالعه زائران شهر مشهد با حجم نمونه‌ی ۳۰ نفر به این نتایج رسیدند: در رده‌ی انگیزه‌ی زیارت در زوار، عشق و ارادت به حضرت و دستیابی به آرامش معنوی است و از منظر حضور اقشار زیارت‌کننده، در واقع اکثریت زیارت را عنصری مجتمع‌کننده برای همه اقشار می‌دانند و در صور ذهنی هم محققان دریافتند که عناصری همچون مهربانی، آرامش‌بخشی و کنش وحدت‌آورانه، از ارزش‌هایی به‌شمار می‌روند که زیرساخت سیستم‌های الزام اجتماعی در حوزه‌ی زیارت محسوب می‌شوند؛ بررسی‌هایی هم به مقوله‌ی اخلاق‌مداری ختم شد که مهربانی حضرت با توجه به حاجت‌روایی ایشان و ارائه‌ی هنجارهای اخلاقی مورد توصیف ارزشی مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت.

محمدی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان پدیدارشناسی تجربه‌ی گردشگران اماکن مذهبی (مورد مطالعه: اماکن زیارتی شهرستان هرسین) با حجم نمونه‌ی ۲۰ نفر به این نتایج رسیدند: زیارت دارای وجوهی ظاهری و باطنی است، وجه ظاهری آن آداب‌مندی و مناسک را شامل می‌شود و وجه باطنی آن عقیده به خارق‌العاده بودن زیارت شونده. در این تحقیق در بُعد عملی، مناسک و آداب‌مندی نشان داده شده و روشن شده است که این مناسک از طریق منابع معتبر مذهبی و در روندی اجتماعی به پیروان یک دین یا مذهب می‌رسد. در زمینه‌ی وجه باطنی نیز که اشاره به خارق‌العاده بودن زیارت شونده دارد تجلی آن را در سویه‌های اعتقادی، معرفتی، احساسی/عاطفی و پیامدی نشان داده شده است. از نظر آنان زیارت دارای آثار و فواید فراوان فردی و اجتماعی است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: ارتباط با انسان کامل (فرزند امام)، اظهار ایمان و ارتباط با خدا، تکریم و تعظیم، نزدیک‌شدن انسان به خداوند، کسب آرامش روحی و معنوی، دستیابی به حوائج مادی و معنوی، عنایت به زائر توسط زیارت شونده، دستیابی به تجربه‌ای که منحصرأ شخصی بوده و با منطق سازگار نیست، خودسازی، دفع بلا و مصیبت، شفای دردها و بیماری‌ها، کسب منزلت نزد خداوند، آگاهی به احوالات زائر و دعا برای وی توسط زیارت شونده.

اندروتیس (Andriotis, 2009) در پژوهشی با عنوان تجربه یک مکان مقدس، یک مطالعه پدیدارشناسانه، یافته‌هایی از تجربیات افراد بازدیدکننده از حرم یک قدیس یونانی در کوه آتوس که به‌عنوان یک کوه مقدس نام برده می‌شود، ارائه می‌دهد. یافته‌های تحقیق بیانگر پنج عنصر اصیل مشترک در تجربه زیارت است. اولین عنصر غرق‌شدن بازدیدکنندگان در معنویت فضای حرم است. دوم، عنصر فرهنگی است که از معماری، میراث فرهنگی، آداب و زندگی رهبانی بیزانس متأثر است. سوم، سکولاریسم است که در واقع با حضور انسان‌ها، شیوه زندگی جمعی و تجلی مادی‌گرایی موجود در مذهب ارتدوکس است، افزایش یافته است. چهارم، زیبایی و پیچیدگی طبیعی محیط‌زیست، به‌مثابه عنصری ضروری و اغلب در ارتباط با احساس و روح است. پنجم، خطابه‌های راهبان و آموزش‌های خارج از کلاس است که به‌عنوان یک عنصر آموزشی در تجربه زیسته زائران است.

مجتبی حسین امسلمه (Umme Salma, 2017) در پژوهشی با عنوان مطالعه پدیدارشناختی زیارت اربعین در عراق و با نمونه ۲۸ نفر به تجزیه و تحلیل انگیزه‌ها و تجارب زائران اربعین در عراق پرداخته و به نتایج زیر دست یافت: انگیزه‌های پیاده‌روی اربعین از طریق آیین‌های همیشگی تمرین شده توسط جامعه و نگرانی برای جامعه (امت) هدایت می‌شود. عنصر «امت» به‌عنوان یک عنصر مهم برای کسانی که دوباره در مراسم پیاده‌روی اربعین شرکت می‌کنند حائز اهمیت است. مؤلفه‌های تجربی در حال ظهور نشان می‌دهد جلوه مذهبی، انسانی و مهمان‌نوازی از جنبه‌های قابل توجه بشردوستانه تجربیات زائران است.

بر اساس توصیف زائران از تجربه‌هایشان، محقق خوشه‌هایی از مضامین را شناسایی کرده است. پنج نیم‌رخ تجارب شناسایی شدند که شامل نیم‌رخ‌های فرهنگی، کسب آرامش، خرید منحصر به فرد، شام منحصر به فرد و تجربه گردش در مناظر زیباست. محقق در پژوهش مذکور به این دریافت رسیده است که مجموعه تجربه‌های گردشگری ترکیبی ادراکی، شناختی، حسی، اجتماعی و دیگر تجربه‌های بدنی را تشکیل می‌دهند.

تمایز این پژوهش با دیگر پژوهش‌های صورت گرفته در این است که مبنای نظری متمایزی برای تحلیل پدیدارشناسانه کنش زیارت انتخاب شده است که پیش‌ازین آمد. از سوی دیگر زیارت به‌عنوان یک کنش مطالعه و از نگاه‌ها و رویکردهای فردگرایانه پرهیز شده است.

۲-۲. روش تحقیق

روش استفاده شده در این پژوهش به شیوه کیفی و با استفاده از پدیدارشناسی است. روش‌های کیفی بیشتر با تولید توصیف‌های استدلالی و کشف معناها و تفسیرهای کنشگران اجتماعی سروکار دارند (بلیکی،

۱۳۹۵: ۳۰۱). این روش به محققان امکان می‌دهد که به تجارب درونی مشارکت‌کنندگان دست یابند و دریابند معانی چگونه از طریق فرهنگ و درون آن شکل می‌گیرند. در پژوهش پدیدارشناختی پژوهشگر جوهره تجارب انسانی در باب یک پدیده را آن‌طور که به‌وسیله مشارکت‌کنندگان در پژوهش توصیف می‌شود، شناسایی می‌کند. فهم «تجارب زنده» پدیدارشناسی را به‌عنوان نوعی فلسفه و همین‌طور شیوه و رویه‌ای که مستلزم مطالعه تعداد اندکی از سوژه‌ها (آزمودنی‌ها) است و در آن پژوهشگر با برقراری رابطه تنگاتنگ با مشارکت‌کنندگان تلاش می‌کند «الگوها و روابط معنایی» شکل یافته را بارز سازد (کرسول، ۱۳۹۱: ۳۸). برای فهم این تجارب زیسته و دریافت الگوها و روابط معنایی مشترک در این پژوهش از روش پدیدارشناسی هفت‌مرحله‌ای اسپرس استفاده شده است. انتخاب این روش به این جهت بوده است که در هفت مرحله موجود در این روش، علاوه بر تحلیل داده‌های گردآوری شده به ارتباط آن‌ها با شواهد موجود در متون علمی و میدان تجربی مطالعات گذشته نیز توجه می‌شود.

۲-۳. پدیدارشناسی زیارت بر اساس روش پیشنهادی اسپرس

گام اول: تعریف سؤال یا مسئله تحقیق

سؤال اصلی این پژوهش چنین است: آگاهی و فهم تجربه زیسته زائران و نحوه ساخت اجتماعی پدیدار زیارت حرم امام رضا علیه السلام چگونه توصیف می‌شود؟

این پژوهش در سؤالات فرعی دنبال دستیابی به جوابی برای سؤالات زیر است:

۱. تجربه معرفتی زائران امام رضا علیه السلام چگونه است؟

۲. تجربه عاطفی زائران امام رضا علیه السلام چگونه است؟

۳. تجربه عملی زائران امام رضا علیه السلام چگونه است؟

گام دوم: انجام پیش مطالعه

در این مرحله محققان خود از خادمان حرم امام رضا علیه السلام هستند که در ارتباط مستقیم به‌صورت روزانه با نحوه عمل زیارتی زائران امام هشتم علیه السلام قرار دارد و به‌صورت متناوب صحبت‌هایی را با زائران حرم امام رضا علیه السلام داشته است. اما با انتخاب این موضوع به‌عنوان طرح پژوهشی خود سعی بر آن داشته تا با دقت بیشتری درباره کنش زیارتی آن‌ها قبل از انجام مصاحبه‌های اصلی کاوش شود.

گام سوم: انتخاب یک تئوری و کاربرد آن به‌عنوان طرح مرجع

در این مرحله نظریه «مدلی برای سنجش دینداری در ایران» مطرح شده توسط استاد جامعه‌شناسی دکتر علی‌رضا شجاعی‌زند به‌عنوان نظریه مرجع انتخاب شده است.

گام چهارم: مطالعه ساخت‌های درجه اول و در پرائتز نهادن نظریات

در این مرحله، فهم و تجربه زائران منتخب از زیارت بررسی شد و محققان تم‌های مرکزی و سؤالات مصاحبه را برای دریافت ساخت‌های مرتبه اول کنشگران تنظیم می‌کنند. برای تنظیم مصاحبه از مدل مفهومی و نظریه مرجع و مصاحبه‌های اولیه کمک گرفته شده و برای گردآوری اطلاعات و درک ساخت‌های مرتبه اول مراحل زیر انجام گرفت:

۱. نمونه‌گیری

در تحقیق پدیدارشناختی از راهبرد نمونه‌گیری هدفمند یا معیار محور برای گزینش نمونه‌ها و واحدهای مدنظر (تجربه زیسته) استفاده می‌شود. این راهبرد افراد را بر حسب دانش خاص آن‌ها در مورد پدیده تحت بررسی برای مشارکت در تحقیق انتخاب می‌کند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۲۸۴).

در نمونه‌های هدفمند پژوهشگر واحدهای نمونه‌گیری را به‌صورت ذهنی انتخاب و سعی می‌کند نمونه‌ای که معرف جمعیت باشد، گزینش کند. در اینجا ذهنیت داور است که احتمال انتخاب یک واحد نمونه تعیین می‌کند و به لحاظ اینکه نمی‌توان علت قضاوت داوران مختلف را در انتخاب واحد نمونه‌گیری برای نمونه‌ای معرف تعیین کرد؛ بنابراین تعیین احتمال انتخاب هر واحد نمونه غیرممکن است.

نمونه‌گیری توصیه شده در روش پدیدارشناسی به‌شدت مورد محور، نظری و چندگانه است (همان) تعداد نمونه (مشارکت‌کنندگان) کافی را در تحقیق پدیدارشناسی دو تا حداکثر ۱۰ نفر دانسته‌اند (Groe- (newald, 2004: 11).

در برخی منابع نیز قاعده اشباع را ملاک تعیین اندازه نمونه در نظر گرفته‌اند؛ یعنی در این تحقیقات حجم نمونه از قبل تعیین نمی‌شود، بلکه در فرایند جمع‌آوری اطلاعات هنگامی که اطلاعات به درجه اشباع رسید، حجم نمونه مشخص می‌شود (Patton, 2002: 213).

در تحقیقات پدیدارشناختی، برای رسیدن به معانی، وجوه تفریدی و تعمیمی آن، انتخاب نمونه‌ها به‌گونه‌ای است که افراد در عامل مدنظر در دو سمت طیف واقع شده باشند. بر اساس نظر پاتون (۲۰۰۲)، این نوع نمونه‌ها، نمونه با حداکثر نوسان است؛ یعنی انتخاب مواردی اندک اما با بیشترین تفاوت ممکن تا بدین‌وسیله دامنه نوسان و تفاوت در میدان آشکار شود (فلیک، ۱۳۸۷: ۱۴۳). به‌عنوان مثال اگر پدیده مورد مطالعه تجربه دینی است (در این پژوهش تجربه زیسته زیارت) انتخاب افراد با حداکثر نوسان تجربه، مناسب‌ترین مشارکت‌کنندگان برای مطالعه خواهند بود. تعداد افراد مطلع نیز از قبل قابل برآورد نیست، بلکه حد آن بر حسب اشباع اطلاعات تعیین می‌شود؛ بنابراین هرگاه محقق به این نقطه برسد که با تعداد مصاحبه انجام شده به مرحله اشباع اطلاعاتی در زمینه پدیده مورد مطالعه دست یافته است،

مصاحبه متوقف می‌شود (یوسفی و تابعی، ۱۳۹۱). در این پژوهش، محقق در مصاحبه با نمونه (زائر) پنجم به اشباع نظری رسید.

۲. تکنیک گردآوری اطلاعات

معمول‌ترین و معتبرترین تکنیک تحقیق در علوم اجتماعی، «پرس‌وجو» یا «مصاحبه» است (رفیع‌پور، ۱۳۸۴: ۵۵). شیوه جمع‌آوری داده‌ها در روش پدیدارشناسی تجربی همانند سایر روش‌های کیفی مشاهده مشارکتی و انجام مصاحبه‌های ساختاریافته یا بدون ساخت است (Aspers, 2004). پدیدارشناسان اجتماعی می‌خواهند جهان اجتماعی را به روش‌هایی کمتر تعیین یافته کشف کنند. برای این کار، محقق از مصاحبه بدون ساختار یا نیمه‌ساختاریافته استفاده می‌کند. در طول مصاحبه بدون ساختار، موضوعاتی طرح می‌شود که بر اساس رویکرد مذکور از نظریه‌ای که محقق به‌عنوان طرح مرجع انتخاب کرده، به دست آمده که البته ممکن است کمابیش مبهم باشد و طی مصاحبه‌ها تغییر کند. در چنین مواردی محقق هیچ سؤال فرمول‌بندی شده ندارد، بلکه مجموعه‌ای از موضوعات را برای گفت‌وگو در اختیار دارد.

از آنجا که پدیدارشناسی مناسب‌ترین شیوه برای دستیابی به تجارب دینی و توصیف آن است که در جریان مصاحبه شکل می‌گیرد اصلی‌ترین تکنیک استفاده شده در این پژوهش نیز مصاحبه است که موقعیتی را فراهم می‌آورد تا شرکت‌کننده دیدگاه خود را دربارهٔ دنیایی که تجربه کرده با استفاده از زبان و لغات خاص خود تشریح کند. مصاحبه می‌تواند برای آگاه‌سازی پژوهشگر از دیدگاه‌های افراد و چگونگی شکل‌گیری ادراکات مشترک آن‌ها و آگاهی از انگیزه‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و ادراک تجارب ویژه آنان شیوه مناسبی باشد (حریری، ۱۳۸۵: ۱۴۶).

بدین ترتیب مصاحبه جریان مبادلهٔ واقعی است که طی آن مخاطب محقق، دریافت‌ها و برداشت‌هایش را از یک رویداد یا یک وضعیت بیان می‌کند، تجربیاتش را در میان می‌گذارد، تفسیرهایش را از مسئله بیان می‌کند. در همان حال، محقق با طرح پرسش‌های باز و با واکنش‌هایش این بیانات را تسهیل می‌کند و نمی‌گذارد که آن‌ها از هدف‌های تحقیق دور شوند و به مخاطب اجازه می‌دهد به‌مراتب بالاتری از حقیقت نائل شود (کیوی و کامپهوند، ۱۳۷۸: ۱۸۸).

در این پژوهش از مصاحبه عمیق با سؤالات باز استفاده شده است. مصاحبه عمیق از این اعتقاد مینا گرفته است که افراد، ذی‌صلاح‌ترین مرجع در بیان تجارب خود در رابطه با وقایع و پدیده‌ها به شمار می‌روند و اگر درباره یک واقعه یا پدیده، با افراد مختلفی مصاحبه شود، دیدگاه‌های گوناگون در آن مورد خاص گردآوری خواهد شد (حریری، ۱۳۸۵: ۱۵۳) در مصاحبهٔ آزاد یا باز، پرسشگر در بیان پرسش‌ها و در طرح آن آزادی کامل دارد، یعنی پرسشگر آنچه را که به نظرش ضروری می‌رسد، مطرح می‌کند و در طرح سؤال خود هیچ‌گونه محدودیتی احساس نمی‌کند. همچنین پاسخگو در جواب‌دادن به سؤال‌ها آزادی کامل دارد. پرسشگر در چنین مصاحبه‌ای می‌تواند ایده‌های خود را در هر پوشش کلامی قرار

دهد و سؤال‌های خود را با هر عبارتی که مایل باشد مطرح کند و پاسخگو نیز می‌تواند جواب خود را به هر صورت که مایل باشد و در هر لفظی که دوست داشته باشد بیان کند. معمولاً فرایند مصاحبه پدیداری در سه مرحله انجام می‌گیرد.

جلسه اول:

در این مرحله معارفه، جلب‌اعتماد و آشنایی با مصاحبه‌شونده صورت گرفت. از زائران خواسته شد که برای انجام مصاحبه از تجربه زیارتی خود با محقق همکاری کنند و سعی بر آن شد که زائران از طیف‌های مختلف انتخاب شوند و از آنان درباره سن و تحصیلات و از شهر مبدأیی که به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف شده‌اند، سؤال شد. زائران انتخاب شده در دهه کرامت در مشهد حضور یافته بودند.

جلسه دوم:

محقق در این جلسه با رعایت اصل اپوخه به بیان سؤالات اصلی تحقیق پرداخت. در این جلسه سعی بر آن شد تا اطلاعاتی درباره تجربه زیارت و اعتقادات دینی زائران به دست آورده و از زائران سؤالاتی درباره نحوه زیارت، احساسی که از زیارت حاصل شده و اعتقاداتی که باعث شده به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف شوند بر اساس مدل مرجع انتخابی پرسیده شود.

جلسه سوم:

در این جلسه ضمن برطرف کردن ابهامات و استنباط بیشتر از مصاحبه‌های دو جلسه قبل از زائران درباره تصورات، خواسته‌ها و تغییراتی که در جریان زیارت برایشان اتفاق افتاده است، سؤالاتی پرسیده شد و در نهایت از آن‌ها تشکر و قدردانی به عمل آمد.

۳. روش تحلیل متن

پس از انجام مصاحبه‌ها فرایند تحلیل انجام گرفت. فرایند تحلیل متن (مصاحبه‌ها) بر اساس الگوی گرانولد و طی مراحل ذیل انجام گرفت. طبق نظر گرانولد پس از انجام مصاحبه با نمونه‌ها، فرایند تصریح داده‌ها انجام می‌پذیرد. تصریح داده به‌نوعی بررسی و نتیجه‌گیری از داده‌های به‌دست‌آمده طی فرایند خاص است. فرایند تصریح داده‌ها دارای پنج گام یا فاز است که عبارت‌اند از:

۱. در پراتنز گذاشتن و تقلیل پدیدارشناختی
 ۲. مشخص کردن واحدهای معنایی
 ۳. خوشه‌بندی واحدهای معنایی به شکل تم‌ها
 ۴. خلاصه کردن هر مصاحبه، اعتبار آن و در صورت لزوم اصلاح آن
 ۵. استخراج تم‌های منحصر به فرد و کلی از مصاحبه‌ها و ساخت خلاصه ترکیبی از آن‌ها (گرانولد، ۲۰۰۴).
- براین اساس، مصاحبه‌های انجام شده به طور دقیق و به همان صورت که انجام شده بود و بدون هیچ‌گونه دخل و تصرف پیاده‌سازی شد. در اولین مرحله و بر اساس فرایند گرانولد (در پراتنز گذاشتن و تقلیل

پدیدارشناختی) محقق سعی کرد تا هر نوع پیش فرض و دانش پیشین خود را کنار بگذارد و به تحلیل داده‌ها بپردازد؛ بنابراین مصاحبه‌ها به مثابه یک متن واحد تلقی و پیاده‌سازی شد و مراحل ذیل صورت گرفت:

الف. ترسیم واحدهای معنایی: این مرحله به شناسایی واحدهای خاص معنایی اختصاص دارد. در این مرحله متن مصاحبه به شکل دقیق مورد مطالعه قرار گرفت و هر کدام از مضامینی که حاوی یک واحد معنایی خاص بود از کل مصاحبه‌ها که در باره آن واحد معنایی صحبت شده بود، به صورت تفکیک شده و در قالب یک پروفایل تنظیم گردید.

ب. خوشه‌بندی واحدهای معنایی: در این مرحله واحدهای معنایی خوشه‌بندی شدند. برای خوشه‌بندی واحدهای معنایی ابتدا واحدهای معنایی همانند شناسایی شدند و بر اساس نزدیک بودن و تناسب و ارتباط بین واحدهای معنایی، واحدهای مرتبط با هم ذیل یک خوشه قرار گرفت.

ج. خوشه‌بندی واحدهای معنایی به شکل تم‌ها: در این مرحله موضوعات محوری یا تم‌های مرکزی از واحدهای معنایی استخراج شد

د. استخراج تم‌های منحصربه‌فرد و کلی از مصاحبه‌ها و ساخت خلاصه ترکیبی از آن‌ها: در این مرحله ویژگی‌های تعمیمی و تفریدی واحدهای معنایی به دست آمد، منظور از ویژگی‌های تعمیمی واحدهای معنایی مشترک بین شرکت‌کنندگان است و منظور از ویژگی‌های تفریدی واحدهای افتراقی و منحصربه‌فرد شرکت‌کنندگان است.

ه. ارزیابی اعتبار: ارزیابی اعتبار در روش پدیدارشناسی اعتبار پاسخگوست. اعتبار اعضا یا پاسخگو اعتباری است که یک محقق نتایج میدانی برگرفته را به اعضا بر می‌گرداند تا در صورت کفایت آن را داوری نمایند. یک مطالعه زمانی از اعتبار اعضا برخوردار می‌شود که افراد مورد مطالعه توصیف محقق را آن‌طور که جهان اجتماعی درونی آن‌ها را منعکس می‌سازد بازشناسی کنند و بفهمند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۹۷).

گام پنجم: ساختن ساخت‌های مرتبه دوم

این مرحله، در قالب یک جمع‌بندی کلی از آنچه بین زائران مشترک بود و می‌توانست این کنش را توضیح دهد، انجام شده است. در این مرحله سعی بر آن شده است که به ویژگی‌های تعمیمی و تفریدی زیارت‌کنندگان پرداخته شود. این گام در قالب جداول تعمیمی و تفریدی زیارت‌کنندگان در ادامه ارائه شده است.

گام ششم: بررسی پیامدهای پیش‌بینی‌نشده

بر اساس مدل دینداری شجاعی‌زند یک‌سری پیامدهای پیش‌بینی‌نشده استخراج گردید که در جدول ۲ پیامدهای زیارت آمده شده است.

گام هفتم: ارتباط شواهد متون علمی و میدان تجربی مطالعه

در این مرحله به ارتباط چارچوب نظری زیارت و استنتاج‌های مربوط به تجربه زیسته زائران از کنش زیارت

امام رضا علیه السلام با متون علمی و تحقیقات انجام گرفته پیشین در زمینه زیارت، در قسمت نتیجه‌گیری این پژوهش ارائه شده است.

۲-۴. یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش بر اساس روش تحلیل متن گرانولد، پس از انجام مصاحبه با ۵ نفر مرد در سه سطح، تم اصلی، خوشه‌بندی واحدهای معنایی و واحدهای معنایی بر اساس مدل مفهومی دینداری شجاعی‌زند مورد تحلیل قرار گرفت. ابتدا واحدهای معنایی انتخاب گردید، سپس بر اساس شباهت‌های واحدهای معنایی خوشه‌ها تشکیل گردید. در راستای تبیین مدل دینداری ذکر شده ترجیحاً تم‌های اصلی پدیدار زیارت نیز بر اساس مدل شجاعی‌زند در زمینه دینداری دقیقاً با همان عناوین ذکر شده در مدل انتخاب شد.

ابعاد زیارت	درون‌مایه مرکزی (موضوعات محوری)	خوشه‌بندی	واحدهای معنایی
معرفتی	معتقد بودن	معرفت نسبت به امام	جذب امام شدن، علم امام، عصمت امام، ولایت امام، از خاندان پیامبر بودن
		واسطه بودن امام	واسطه فیض بودن، شفیع بودن، به امام وصل شدن، توشه‌ای برای آخرت
		مهربانی امام	بخشندگی امام، برات گرفتن، طلب حاجت، طلب شغل، برآورده کردن آرزو
مؤمن بودن	مؤمن بودن	احساس آرامش	احساس سبکی، آزادگی و پرواز روح، امنیت و آرامش
		توسل به امام	متوسل شدن، طلب رزق و روزی، عاقبت‌بخیری
		خضوع و خشوع	احساس شرم، عرض ارادت، گریه کردن
عاطفی	اهل عبادت بودن	انجام تکالیف فردی	وضو، غسل، سلام‌دادن، سجده شکر، بوسیدن ضریح، دست‌زدن به ضریح، دعا کردن، قرآن خواندن، نماز خواندن، نماز زیارت، دعا و زیارت‌نامه، ذکر گفتن، صلوات فرستادن
		انجام تکالیف جمعی	شرکت در نمازهای یومیه به جماعت، نماز جمعه، مجالس دارالقرآن، اعتکاف، مراسم غبارروبی، مراسم مناجات خوانی، مراسم دعا، تعویض پرچم، مراسم اعیاد - مراسم احیا
اخلاقی عمل کردن	دوری از گناه	دوری از گناه	نیت به خوبی، اجتناب از گناه
		دگرخواهی	مهربانی نسبت به دیگران، عذرخواهی، دگر دوستی، کمک به دیگران، مزاحم‌نشدن، خیرخواهی
عملی	مشرع بودن	عمل به تکالیف فردی	راه رفتن، رعایت ظاهر، لباس، طهارت، بوی خوش، حفظ زبان، مراعات کردن
		عمل به تکالیف جمعی	امریه‌معروف، تعاملات، امور خیریه

جدول ۲: واحدهای معنایی تجربه زیارت امام رضا علیه السلام

هر یک از ابعاد سه‌گانه معرفتی، عاطفی و عملی زیارت به شرح زیر قابل توضیح است:

۱. بعد معرفتی پدیدارشناسی زیارت بر اساس مدل دینداری شجاعی‌زند

درون‌مایه (تم) مرکزی این بعد معتقد بودن است، منظور از معتقد بودن (اعتقادات پایه‌ای) باورهای پیرامون ابعاد اصلی دینداری و اعتقادات مذهبی افراد است که انتظار می‌رود پیروان یک دین عمیقاً به آن‌ها ایمان داشته باشند. به عبارت دیگر در این مقوله، سنگ بنای اعتقادات مذهبی افراد مورد کاوش قرار می‌گیرد. اعتقاداتی مانند اعتقاد به خدا، پذیرفتن معاد و باور به امامت (ناصری و همکاران، ۱۳۹۵). در این بین، باور شیعیان به اصل امامت در کنار اصول دیگر دین اصلی انکارناپذیر است. مسلمانان معتقدند پیامبر ﷺ از جانب خدا برای هدایت بشر فرستاده شده است، او را اشرف مخلوقات خداوند شمرده، همواره حاضر و ناظر بر اعمال خود می‌داند، اعتقاد به او را از ارکان اسلام بر می‌شمارند، معتقدند که ایشان دارای عصمت، ولایت تکوینی و وساطت در فیض الهی است و ... همچنین شیعیان درباره ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به جز اعتقاد به نبوت، سایر باورها را درباره آن بزرگواران دارند و آن‌ها را جانشینان پیامبر در هدایت جامعه می‌دانند (حیدری، ۱۳۹۶). تجربه زیسته زائران نشان‌دهنده احساسات مشترک در زمینه ارتباط بدون واسطه با مقام الوهی و خارق‌العاده دارد که در پی انجام زیارتی همراه با شناخت نسبت به جایگاه و شأن امام (علیهم‌السلام) هستند. مطابق نظرات ارائه شده توسط زائران امام واسطه‌ای است برای رسیدن به خداوند و برای این منظور آن‌چنان که در روایات مطرح شده شرط رسیدن به این هدف توسط زائران، شناخت جایگاه حقیقی امام و عارف بودن به حق امام در امر ولایت است که خود امام (علیهم‌السلام) در حدیث سلسله الذهب به آن اشاره کرده است. زائران با پشت سر گذاشتن و تعلیق فعالیت روزمره خود در پی رسیدن به این جایگاه هستند «من اعتقاد قلبی به امام رضا دارم وسی می‌کنم همیشه آگاه به حقانیت ائمه (علیهم‌السلام) باشم؛ چون اعتقاد به این اصل که امام فرزند پیغمبر و پس از پیغمبر وصی و جانشین اوست باعث می‌شود که به دیگر اصول دین نیز معتقد باشیم امام رضا (علیهم‌السلام) برای من همیشه راهی برای رسیدن به خداست»؛ بنابراین زائران شرط رسیدن به وصال واقعی و شرط قبولی زیارت خود را در شناخت و آگاهی از جایگاه امام (علیهم‌السلام) در امر ولایت می‌دانستند. در واقع زیارت بستری را فراهم می‌سازد که زائران راحت‌تر بتوانند راهی برای رسیدن به معبود خویش بیابند.

۲. بعد عاطفی پدیدارشناسی زیارت بر اساس مدل دینداری شجاعی‌زند

در بعد عاطفی زیارت امام رضا (علیهم‌السلام) جنبه‌های احساسی و عاطفی زیارت امام (علیهم‌السلام) مورد بررسی قرار گرفت. بعد عاطفی زیارت دارای سه درون‌مایه مرکزی مؤمن بودن، اهل عبادت بودن و اخلاقی عمل کردن است.

۲-۱. درون‌مایه مرکزی مؤمن بودن

روشن است فقط اهل ایمان با زیارت اماکن مقدس و قبور مطهر معصومان (علیهم‌السلام)، یاد خدا را در دل خود نهادینه می‌کنند و با توسل به ذوات مقدس ایشان سعادت دنیوی و اخروی خود را به دست آورده

و به آرامش روانی می‌رسند. آرامش مؤمنان ویژگی خاصی است که نمایانگر وجود هماهنگی میان عناصر روان ایشان و سازمان‌دهی مناسب آنان با تسلط بر خواسته‌های متضاد و رام بودن نفس از نظر خضوع و راهور بودن در برابر صاحب آن است چنین موهبتی فقط به مؤمن عطا شده است و می‌توان این آرامش را در چهره‌ها مشاهده کرد.

۲-۲. درون‌مایهٔ مرکزی اهل عبادت بودن

منظور از «عبادیات» کلیه رفتار و آدابی است که فرد در مقام پرستش، نسبت به پروردگار و معبود خویش انجام می‌دهد. پس عبادت در این معنا خاص‌تر از به‌جا آوردن شرط بندگی پروردگار است که تمام زندگی را در بر می‌گیرد و همچنین خاص‌تر از فروع دین است که شامل ابعاد غیرعبادی هم می‌شود (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴). این آداب در زیارت شامل انجام اعمالی می‌شود که زائر برای رسیدن به لقاءالله از طریق امام معصوم انجام می‌دهد.

۲-۳. درون‌مایهٔ مرکزی اخلاقی عمل کردن

تواصی و نواهی دینی مربوط به حوزهٔ نیکویی‌شناسی را «اخلاق» می‌گویند و آن به داشتن تعامل پسندیده با دیگران مربوط می‌شود. اخلاق از آن حیث که به سامان‌دهی حیات دنیوی و سلوک جمعی انسان‌ها توجه دارد، با فقه قرین است، اما از آنجا که به فراتر از صورت عمل که در چهارچوب‌های فقهی بیان می‌شود، نظر می‌کند با آن مغایر است. اخلاق همچون فقه به وجه رفتاری دین معطوف است، اما بر خلاف آن که نسبت به نیت فرد و ارزشمندی عمل وابسته نیست، به خیرخواهی فاعل و فحوای ارزشی متفاضلانه عمل تأکید دارد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴).

نیت‌سنجی و انگیزه‌شناسی برای کشف عنصر دگر دوستی و خیرخواهی در عمل فرد، با تمام دشواری‌هایش، تنها از طریق سنجش بعد اخلاقی دینداری است (همان).

ترس و احساس ناامنی در زندگی، بشر را همیشه واداشته به پناه‌آوردن و اتکا به دستاویزهایی است که بتوانند اضطراب او را کاهش دهند، از استرس او بکاهند و احساس امنیت و اعتماد در او ایجاد کنند. این احساس ناامنی و دستاویز قراردادن موجودات ماوراءالطبیعه برای کاهش اضطراب و ناامنی بشر، در تحلیل‌های دانشمندان علوم اجتماعی در دو سده اخیر آن قدر قدرت یافته که برخی حتی منشأ شکل‌گیری و پیدایش دین را ترس، نگرانی و اضطراب می‌دانند. یکی از راه‌های غلبه بر این احساسات دین (زیارت) است به گفته مالینوفسکی «یکی از کارکردهای دین، تخلیه روانی و عاطفی است» (به نقل از همیلتون، ۱۳۸۷: ۹۳)

بیشترین فراوانی جواب زائران از تجربه زیارت امام علیه‌السلام احساس آرامشی است که در حرم امام رضا علیه‌السلام آن را تجربه می‌کردند. تجربه‌ای که در هیچ جای دیگری برایشان دست‌یافتنی نبود: «در عین این همه شلوغی داخل حرم اینجا امنیت و آرامشی به آدم دست می‌دهد که هیچ جا نیست همین که در جوار

امام رضایی خودش آرامش است» «توی راه زمانی که توی مسیر مشهد بودیم یه جورایی حال همه ما گرفته بود به مشهد که رسیدیم تا نزدیکی‌های حرم هم حال خوبی نداشتیم، اما باز هم به بهانه‌های مختلف از جمله برای پیدا کردن محل اسکان مجبور شدیم برویم خیابان‌های اطراف حرم را بگردیم، همه مسافرخانه‌ها پر شده بودند، خلاصه تا صبح ما بیرون حرم بودیم خسته وارد حرم شدیم باور کنید خیلی احساس سبکی می‌کردم باین‌همه مشکلات واقعاً یه حس خیلی خوبی بود. با این که من پس از هشت سال از زمانی که ۱۴ سالم بود آمده بودم اینجا. حسی که تا حالا در من به وجود نیامده بود. خیلی خاص بود اصلاً قابل توصیف نیست خیلی احساس سبکی می‌کردم. به هیچی فکر نمی‌کردم الان دوست دارم تا خود شب توی حرم بمانم اصلاً دوست ندارم از حرم خارج بشوم بروم سمت اسکان».

درگیر شدن در امر زیارت بر اثر شدت علاقه چنان شور و انرژی به زائران می‌دهد که با توسل به امام معصوم تمایلات و نیازهای خود را هرچه بیشتر از امام علیه السلام طلب کنند. این تمایلات گاهی همراه با احساس شرم و گاهی گریه همراه است «وقتی که وارد حرم شدم سلام دادم بار اول نتوانستم وارد روضه منوره بشوم چون حس شرمساری یا یه حس عذاب وجدان داشتم که چرا تا حالا غافل بودم که حجت خدا اینجاست و ما در شهر خودم غافل بودم. یک حس تلنگری به من دست داد که تا حالا چه کار می‌کردی؟ تا حالا حواست کجا بود؟ و خلاصه اولش توی شوک بودم به کارایی که کرده بودم فکر می‌کردم. کمی که آرام شدم بعدش رفتم زیارت».

مطابق مدل مفهومی شجاعی‌زند انجام اعمال مناسکی (انجام فردی و جمعی) ذیل بعد عاطفی زیارت قرار می‌گیرد و آن را از بعد مناسک عملی زیارت (عمل به تکالیف فردی و جمعی) متمایز می‌کند. انجام اعمال مناسکی در کنش زائران فراوانی بسیار زیادی دارد. انجام اعمالی مانند خواندن دعا و زیارت‌نامه و نمازهای یومیه و.....

«شخصاً دوست دارم هرکدام از نمازهای یومیه را در حرم حاضر باشم مخصوصاً نماز صبح. چون واقعاً سحر و نماز صبح داخل حرم را خیلی دوست دارم»

ذیل بعد عاطفی اخلاقیات نیز قرار می‌گیرد از این نظر زائران سعی می‌کردند هنگامی که در حرم حضور می‌یابند مراعات برخی کارها و احوالات را داشته باشند که ممکن بود در بیرون از حرم از آن‌ها سر بزند «شما ممکنه در بیرون از حرم شانه‌به‌شانه کسی شوید و موجب کدورت شود، اما در اینجا چنین اتفاقی خیلی راحت با عذرخواهی طرفین تمام می‌شود. تا جایی که هرکدام برای به‌دست‌آوردن دل دیگری می‌خواهد از آن یکی زودتر عذرخواهی کند و پیش‌قدم باشد».

۳. بعد عملی

در بعد عملی زیارت امام رضا علیه السلام، متشرع بودن بر حسب میزان اهتمام و پیروی فرد از این دستورهای (شرعیات) سنجدیده می‌شود (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴). درون‌مایه مرکزی متشرع بودن از دو خوشه (عمل

به تکالیف فردی و عمل به تکالیف جمعی) تشکیل شده است.

۳-۱. درون‌مایهٔ مرکزی متشرع بودن

شریعت مجموعه دستورها و اوامر صریح و غیرصریح دینی است که در اسلام «فقه» در صورتی که دستورالعمل‌های عبادی را از آن جدا کنیم، خوانده می‌شود. شرعیات مقرراتی است حداقلی که نحوه زندگی در دنیا و تعامل با خود، طبیعت و دیگران را تعیین می‌کند (همان)

متشرع بودن بر حسب میزان اهتمام و پیروی فرد از این دستورها (شرعیات) سنجیده می‌شود. در بعد عملی زیارت امام رضا علیه‌السلام متشرع بودن بر حسب میزان اهتمام و پیروی فرد از این دستورها (شرعیات) سنجیده می‌شود (همان) درون‌مایهٔ مرکزی متشرع بودن از دو خوشه (عمل به تکالیف فردی و عمل به تکالیف جمعی) تشکیل شده است.

خوشه عمل به تکالیف فردی شامل واحدهای معنایی (راه‌رفتن، رعایت ظاهر، لباس، طهارت، بوی خوش، حفظ زبان، مراعات کردن) و خوشه عمل به تکالیف جمعی شامل واحدهای معنایی (امر به معروف، تعاملات، و امور خیریه) است. بر اساس این مقولات زائران نحوه تعامل خود با دیگر زائران را تعیین می‌کردند و آن را نوعی ادای تکلیف قلمداد می‌کردند «اینجا خانه پیغمبر است. انسان باید مواظب باشد یک سری حرف‌ها را اینجا نزند»

«کار خیر در موقعیتی می‌تواند از انسان سر بزند، مثلاً همین‌جا زائران نذری می‌دهند یا وقف می‌کنند این‌ها همه کار خیر است. من هم سعی می‌کنم کمی نذر به حرم بدهم».

در روش پدیدارشناسی ما به دنبال موارد مشترک بین‌الاذهانی مشارکت‌کنندگان هستیم که در تحقیق حاضر موارد مشترک بین‌الاذهانی زائران تحت عنوان ویژگی‌های تعمیمی زیارت امام رضا علیه‌السلام استخراج‌گرید از موارد مشترک در زمینه آداب زیارت، عواطف و احساسات، اعتقادات، عمل به شرعیات و انگیزه‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

خوشه‌ها	واحد معنایی
آداب زیارت	سلام‌دادن، وضو، زیارت‌نامه خواندن، قرآن خواندن، دعاکردن
عواطف و احساسات	آرامش و امنیت، خضوع و خشوع، عرض ارادت
اعتقادات	عصمت امام، ولایت امام، از خاندان پیامبر بودن، واسطه و شفیع بودن، رافت امام.
عمل به شرعیات	مراعات کردن، تعاملات، طهارت
انگیزه‌ها	فقط به نیت زیارت

جدول ۳: ویژگی‌های تعمیمی زیارت امام رضا علیه‌السلام بر اساس مرحله چهارم ترسیم واحدهای معنایی گرانولد

واحد‌های معنایی	خوشه‌ها
غسل، دست‌زدن به ضریح، بوسیدن ضریح، سجده شکر، ذکر گفتن، صلوات فرستادن،	نحوه انجام زیارت
چند بار و میزان اقامت	کمیت زیارت
گریه کردن، احساس شرم	عواطف و احساسات زیارت
طلب شغل، برات گرفتن، فرج امام زمان (عج)، عاقبت‌بخیری، کمک کردن به دیگران، سلامتی	خواسته‌ها

جدول ۴: ویژگی‌های تفریدی زیارت امام رضا علیه السلام بر اساس مرحله چهارم ترسیم واحد‌های معنایی گرانولد

مفهوم پیامد دینی به اثرگذاری ابعاد دینداری بر مناسبات و ساختارهای اجتماعی، مثلاً زدودن شکاف‌ها و گسست‌ها و ایجاد مقاومت در برابر ناملایمات و بی‌عدالتی‌های موجود، اشاره دارد. بعد پیامدی، رفتار و اعمال فرد را حین و بعد از عمل زیارت می‌سنجد.

واحد‌های معنایی	تم مرکزی
شناخت از خود، یاد معاد	بیش
تواضع و فروتنی، فراموشی، طلبیده شدن، تغییرات روحی، سبک‌باری از مشکلات جامعه	معناگرایی
مراقبت، سعی در کاربرد اخلاق در مناسبات و تعاملات	متخلق بودن
حس کمک به هم نوع، توجه به اطرافیان، اهتمام بیشتر اعمال دینی	متقی بودن

جدول ۵: پیامدهای زیارت امام رضا علیه السلام بر اساس گام ششم پدیدارشناسی اسپرس

۴. نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل حاضر مطابق تحقیقات انجام شده پیشین به‌روشنی نشان می‌دهد تجربه زیارت یک تجربه معنوی و عرفانی است. زیارت به‌مثابه یک واقعیت اجتماعی و دینی است. این پدیده در تقویت نگرش‌های اعتقادی افراد در جامعه مؤثر است، بسته به انگیزه زائران زیارت‌کنشی چندوجهی است که می‌تواند عاطفی، سنتی، ارزشی و هدفمند باشد. تنوع پدیدارشناسی در تجارب گردشگران را می‌توان به انگیزه‌های متفاوت و متنوع آنها نسبت داد که این تنوع و تفاوت‌ها به دلیل شرایط فردی و فرهنگی متفاوت است. امام علیه السلام محور و مرکزیت زیارت زائران است، شناخت و معرفتی که زائران از قبل و بعد از انجام زیارت با خواندن ادعیه و مناجات برای عرض ارادت بیشتر به محضر امام علیه السلام کسب می‌کنند با یافته‌های پژوهش محمدی و همکاران مطابقت دارد. یافته‌های این پژوهش بیانگر این مطلب است که زیارت بستری را فراهم می‌سازد که زائران عشق و احساس دلدادگی خود را نسبت به خداوند متعال از طریق واسطه قراردادن امام علیه السلام پیوند می‌دهند که از این موضوع یوسفی و همکاران تحت عنوان جذبه نام برده‌اند.

تجربه زائران از زیارت امام رضا علیه السلام نشان می‌دهد زائران غالباً در پی آزادی از قیود زندگی روزمره و گریز از یکنواختی و در پی تعلیق امور مادی و دنیوی و تجربه‌ای فراواقعی و دوری‌جستن از دل‌مشغولی‌های دنیوی و مراقبه و مکاشفه‌اند و در همان ابتدا به این نکته فکر می‌کنند که چگونه از مرزهایی که وجود او را فراگرفته است عبور کنند. این رهایی موجب خویشن‌یابی و تغییر روحیه فرد می‌گردد تا جایی که حرم را مکانی امن و به‌دوراز تعلقات می‌داند. گریز از یکنواختی و تعلیق امور روزمره با نتایج پژوهش رضوی زاده (۱۳۹۶)، مطابقت دارد.

زیارت به‌عنوان یک فرایند اجتماعی دیرپا که در بطن جوامع انسانی ریشه دارد، با مکان مقدس که مقصد سفرهای زیارتی است در ارتباط قرار دارد همان‌طور که آندیرویس در مطالعه‌اش بیان می‌کند یکی از عناصر زیارت، غرق‌شدن بازدیدکنندگان در معنویت فضای حرم و زیبایی و پیچیدگی‌هایی است که عنصری ضروری و اغلب در ارتباط با احساس و روح است. نتایج این مطالعه نیز حاکی از این بود که افراد زمانی که به مکان زیارتی ورود می‌کنند تحت‌تأثیر ویژگی‌های مکان قرار گرفته و انرژی‌هایی را دریافت می‌کنند که در چگونگی حس و حال و دریافت‌های معنوی آنها بسیار مؤثر است. ابهت مکان مذهبی سبب انبساط خاطر و ایجاد آرامش روانی در زائران می‌گردد، پدیده مکان به‌عنوان تجربه زیسته و اینکه چگونه مختصات اجتماعی و فیزیکی فضا تجربه‌گردشگران را شکل می‌دهد با تحقیقات اندرویتس، هیلار و گریفن و زهرا معاون مطابقت دارد.

ترس و احساس ناامنی در زندگی، بشر را همیشه واداشته به پناه‌آوردن و اتکا به دست‌آویزهایی است که بتوانند اضطراب او را کاهش دهند، از استرس او بکاهند و احساس امنیت و اعتماد در او ایجاد کنند. این احساس ناامنی و دست‌آویز قراردادن موجودات ماورا الطبیعه برای کاهش اضطراب و ناامنی بشر، در تحلیل‌های دانشمندان علوم اجتماعی در دو سده اخیر آن‌قدر قدرت یافته که برخی حتی منشأ شکل‌گیری و پیدایش دین را ترس، نگرانی و اضطراب می‌دانند. یکی از راه‌های غلبه بر این احساسات، دین (زیارت) است آن‌چنان که به گفته مالینوفسکی «یکی از کارکردهای دین، تخلیه روانی و عاطفی است». کارکرد تخلیه روانی و عاطفی حاصل از زیارت در تحقیقات صورت گرفته پیشین توسط بهروان، محمدی، یوسفی و همکاران، زردموی، فرهادی و همکاران و زهرا معاون از جمله مهم‌ترین کارکردهای زیارت بشمار رفته است.

باتوجه‌به ادله جامعه‌شناختی متعدد زیارت کنشی اجتماعی است که در جریان اجتماعی شدن اتفاق می‌افتد. این تجربه حاصل پرورش اجتماعی و درونی شدن معنا‌های مذهبی زیارت است؛ بنابراین زیارت برساختی اجتماعی است که پیامد انسجام اجتماعی و حضور هماهنگ و هدفمند قومیت‌ها و فرهنگ‌های مختلفی است که باعث تجلی جامعه یکپارچه و تقویت وفاق ملی و مذهبی خواهد شد. همچنین تغییرات روحی و اجتماعی زائران در بستر اجتماع پس از انجام کنش زیارت است.

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۸۴). *مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: علمی فرهنگی.
- اسپیلبرگ، هربرت؛ شومان، کارل. (۱۳۹۳). *جنبش پدیدارشناسی*. ترجمه مسعود علیا. تهران: مینوی خرد.
- بهبهان حسین. (۱۳۸۰). «جامعه‌شناسی زیارت با تأکید بر نیازهای زائران در حرم امام رضا علیه‌السلام». *مشکوه*. شماره ۷۲ و ۷۳ (پاییز و زمستان ۱۳۸۰). صص: ۸۷ - ۱۰۲.
- بلیکی، نورمن. (۱۳۹۵). *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نی.
- بوذری‌نژاد، یحیی. (۱۳۹۹). *روش‌شناسی دانش اجتماعی مسلمین (رویکردهای هرمنوتیکی به قرآن در میان مسلمین)*. تهران: دانشگاه تهران.
- پورامینی، محمدباقر. (۱۳۹۷). *منزلت زیارت؛ آداب زیارت امام رضا علیه‌السلام*. مشهد: آستان قدس رضوی.
- تقی‌زاده داوری، محمود. (۱۳۸۰). «نگاهی به جامعه‌شناسی زیارت». *معرفت*. شماره ۴۵. صص: ۵۹ - ۶۱
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۶). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سمت.
- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۴). *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*. گناباد: مرندیز.
- حریری، نجلا. (۱۳۸۵). *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- حیدری، مجتبی. (۱۳۹۶). «تأثیر زیارت بر تربیت اخلاقی». *میقات حج*. دوره ۲۵. شماره ۹۹. صص: ۳۳ - ۴۳.
- خانی، علیرضا. (۱۳۹۵). «نگاهی انتقادی به آرای گئورگ زیمل درباره دین نسبت میان دین و دینداری در جامعه».
- مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. دوره ۸. شماره ۲. صص: ۳۵ - ۴۸.
- دورکیم، امیل. (۱۳۸۳). *صور بنیادین حیات دینی: توتم پرستی در استرالیا*. ترجمه باقر پرهام. تهران: مرکز.
- رضوی زاده، ندا. (۱۳۹۶). «ادراک و تجربه زیسته زائران پیاده ایرانی در عراق (مورد مطالعه: پیاده روی اربعین، آذر ۱۳۹۳ - عراق)». *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*. دوره ۶. شماره ۴. صص: ۵۹۵ - ۶۳۱.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۴). *تکنیک‌های خاص تحقیق در رشته علوم اجتماعی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی.
- زردموی اوردکلو، شاپور. (۱۳۹۴). «پدیدارشناسی تجربی زیارت». *اولین کنفرانس بین‌المللی گردشگری و معنویت*. تهران.
- زمانی، حسین. (۱۳۹۲). *بازشناسی مفهوم زیارت*. تهران: آوند رشد.
- سیدمن، استیون. (۱۳۸۶). *کشاکش آرا در جامعه‌شناسی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- شربتیان، محمدحسین. (۱۳۹۲). «تأملی بر مبانی اجتماعی و فرهنگی زیارت». *مجموعه مقالات هم‌اندیشی زیارت*. قم: مشعر.
- شجاعی‌زند علیرضا. (۱۳۸۴). «مدلی برای سنجش دینداری در ایران». *جامعه‌شناسی ایران*. دوره ۶. شماره ۱. صص: ۳۴ - ۶۶
- طالبی، ابوتراب؛ براق‌علی‌پور، الهه. (۱۳۹۴). «گونه‌شناسی زیارت و دینداری زائران؛ معناکاوی کنش زیارت زائران امام

- رضا علی‌اشرفی. «علوم اجتماعی». دوره ۲۲. شماره ۶۹. صص: ۷۵ - ۱۰۶.
- فخرزاد، سیدحسین. (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی نظریه جامعه شناختی پدیدارشناسی با تاکید بر اندیشه آلفرد شووتس با مبانی اسلام». *قیسات*. سال هفدهم. شماره ۶۴. صص: ۱۴۹ - ۱۷۴.
- فرهادی محلی، مجتبی؛ یعقوبی، علی؛ اسماعیلی، سارا. (۱۳۹۵). «پدیدار شناسی زیارت: (مورد مطالعه زائران شهر مشهد)». *سومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی*. تهران.
- فلیک، اووه. (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- قائمی نیک، محمدرضا؛ زروانی، مجتبی. (۱۳۹۲) «تمایز میان ذات و واقعیت دین رفغ: یک ابهام در روش پدیدارشناسی دین». *الهیات تطبیقی*. دوره ۴. شماره ۱۰. صص: ۷۰ - ۵۱.
- کرسول، جان. (۱۳۹۱). *پویش کیفی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد*. ترجمه حسن دانایی فرد و حسین کاظمی. تهران: صفار.
- کوزر، لوئیس آلفرد. (۱۳۸۵). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- کیوی، ریمون؛ کامپهوند، لوک وان. (۱۳۷۸). *روش تحقیق در علوم اجتماعی*. ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: توتیا.
- لسانی، مهدی؛ محمدزاده، محمد حسین؛ زردموی‌اوردکلو، شاپور. (۱۳۹۶). *مجموعه مقالات زائر و زیارت: زائرشناسی*. جلد اول. مشهد: به نشر.
- محمدی، جمال؛ صالحی، صادق؛ نیکو فال، زینب. (۱۳۹۶). «پدیدارشناسی تجربی اماکن مذهبی (مورد مطالعه: امان مذهبی شهرستان هرسین)». *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*. دوره ۶ شماره ۲۰. صص: ۳۴ - ۵۵.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معاون، زهرا؛ موحد، مجید؛ طبعی، منصور. (۱۳۹۶). «درک گردشگران مذهبی زن از کنش زیارت در بقاع متبرکه شهر شیراز (مطالعه‌ای مردم‌نگارانه)». *برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری*. دوره ۶ شماره ۲۲. صص: ۹۷ - ۱۱۷.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۰). *ضد روش، منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*. ج ۱. تهران: جامعه‌شناسان.
- ناصری، میلاد؛ کاوه، فرزانه؛ ربانی خوراسگانی، علی. (۱۳۹۵). «مطالعه چگونگی نگرش دانشجویان به دین (مدلی بر اساس نظریه زمینه‌ای GT) مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان». *جامعه‌شناسی کاربردی*. سال ۲۷. شماره ۴ (پیاپی ۶۴). صص: ۷۹ - ۹۸.
- یوسفی، علی؛ صدیق اورعی، غلامرضا؛ کهنسال، علیرضا؛ مکری زاده، فهیمه. (۱۳۹۱). «پدیدارشناسی تجربی زیارت امام رضا علی‌اشرفی». *مطالعات اجتماعی ایران*. دوره ۶ شماره ۳ و ۴. صص: ۱۸۰ - ۱۹۸.
- یوسفی، علی؛ تابعی، ملیحه. (۱۳۹۱). «پدیدارشناسی تجربی راهی برای فهم تجربه‌های دینی». *جامعه‌شناسی تاریخی*. دوره ۴ شماره ۱. صص: ۷۱ - ۹۳.
- همیلتون، ملکم. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی دین*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: ثالث.
- Andriotis, K. (2009). "Sacred Site Experience (A phenomenological Study)", *annuals of Tourism Research*, 2: 64-84.

- Aspers, Patrick, (2004), "Empirical Phenomenology An Approach for Qualitative Research", **Social Research Methods Qualitative Series**, 9, pp.1-15.
- Emanuel Gros, Alexis (2017) "The Typicality and Habituality of Everyday Cognitive Experience in Alfred Schutz's Phenomenology of the Lifeworld", **Meta: Research in Hermeneutics, Phenomenology, and Practical Philosophy**, VOL. IX, NO. 1, pp: 63-85.
- Groenewald, Thomas (2004) "A Phenomenological Research Design Illustrated", **International Journal of Qualitative Methods**, 3 (1): 1-26.
- Fukuyama, Yoshio (1961). "The magior Dimensions of Church Membership", **Review of Religious Research** 2: 154 – 161.
- Morton, King; Hunt, Richard A (1972) "Measuring the religious variable: Replication", **Journal for the Scientific Study of Religion**. 11: 240 – 251.
- Stark Rodney & Charles Glock (1970) **American Piety: The Nature of Religious Commitment**, California: University of California Press.
- Patton, Michael Quiin, (2002), **Qualitative research & Evaluation**, California: Sage publication.
- Umme Salma, Mujtaba Husein (2017) A phenomenological study of Arbaeen foot pilgrimage in Iraq, **Tourism Management Perspectives**, 26 (2018) 9–19.

منابع اینترنتی

- فروزان، مهدی. (۱۳۹۷). «آخرین آمار ورودی مسافر به مشهد». *خبرگزاری ایسنا*. isna.ir/xd۲VJn. تاریخ مشاهده: ۴ اسفند ۱۳۹۸.

References

- Aaron, Raymond. (2005). **The basic stages of the course of thought in sociology**. Translated by Bagher Parham. Tehran: Scientific and Cultural. [In Persian]
- Andriotis, K. (2009). "Sacred Site Experience (A phenomenological Study)", **annals of Tourism Research**, 2: 64-84.
- Aspers, Patrick, (2004), "Empirical Phenomenology; An Approach for Qualitative Research", **Social Research Methods Qualitative Series**, 9, pp.1-15.
- Behrwan, Hossein (2001). "Sociology of pilgrimage with an emphasis on the needs of pilgrims in Imam Reza's shrine (AS)". **Meshkat**, No. 72 and 73 (autumn and winter 2001). pp.: 87-102.
- Blakey, Norman. (2015). **Social research design**. Translated by Hasan Chavoshian. Tehran: Ney. [In Persian]
- Bouzinjad, Yahya. (2019). **Methodology of Muslim social knowledge (hermeneutic approaches to the Qur'an among Muslims)**. Tehran: University of Tehran.
- Creswell, John. (2011). **Qualitative survey and research design: choosing among five approaches**. Translated by Hassan Danaeifard and Hossein Kazemi.

- Tehran: Safar. [In Persian]
- Durkheim, Emile. (2004). **Basic forms of religious life: Totemism in Australia**. Translated by Bagher Parham. Tehran: Center. [In Persian]
- Emanuel Gros, Alexis (2017) "The Typicality and Habituality of Everyday Cognitive Experience in Alfred Schutz's Phenomenology of the Lifeworld", **Meta: Research in Hermeneutics, Phenomenology, and Practical Philosophy**, VOL. IX, NO. 1, pp: 63-85.
- Fakhrzare, Seyyed Hossein (2011). "An applied study of the theory of phenomenological cognitive society with an emphasis on the thought of Alfred Shutes with the foundations of Islam", **Qabsat**, 17th year, number 64: 149-174.
- Farhadi Mohali, Mojtaba; Yacoubi, Ali; Esmaili, Sara (2015). "Phenomenology of Pilgrimage: (Study of Pilgrims of Mashhad)", **Third International Conference on Psychology, Educational Sciences and Lifestyle**, Tehran.
- Flake, ugh. (2008). **An introduction to qualitative research**. Translated by Hadi Jalili. Tehran: Ney. [In Persian]
- Forozan, Mehdi. (2017). "The latest passenger arrival statistics to Mashhad". **ISNA**. isna.ir/xd2VJn. View date: March 4, 2018.
- Fukuyama, Yoshio (1961). "The magior Dimensions of Church Membership", **Review of Religious Research** 2: 154 – 161.
- Ghaeminik, M., & Zarvani, M. (2013). The Distinction Between the Essence and Reality of Religion: Resolving an Ambiguity in the Method of Phenomenology of Religion. **Comparative Theology**, 4(10), 51-70.
- Groenewald, Thomas (2004) "A Phenomenological Research Design Illustrated", **International Journal of Qualitative Methods**, 3 (1): 1-26.
- Hariri, Najla. (2006). **Principles and methods of qualitative research**. Tehran: Islamic Azad University, Department of Science and Research.
- Heydari, Mojtaba. (2016). "The effect of pilgrimage on moral education". **Miqat of Hajj** Volume 25. Number 99. Pages: 33-43.
- Hamilton, Malcolm. (2008). **Sociology of religion**. Translated by Mohsen Talasi. Tehran: Third. [In Persian]
- Khani, Alireza. (2015). "A critical look at Georg Simmel's views on religion and the relationship between religion and religiosity in society". **Iran's social development studies**. Volume 8. Number 2. Pages: 35-48.
- Kozer, Louis Alfred (2006). **The life and thought of great sociologists**. Translated by Mohsen Salasi, Tehran: Scientific. [In Persian]
- Kiwi, Raymond; Camphound, Luke Van. (1999). **Research method in social sciences**. Translated by Abdul Hossein Nik Gohar, Tehran: Tutia. [In Persian]
- Lesani, Mehdi et al. (2017). **A collection of essays on Pilgrim and Pilgrimage: Pilgrimage**, Volume 1, Mashhad: To publish.
- Moaven, Z., Movahed, M., & Tabiee, M. (2017). Understanding Religious Wom-

en's Tourists from the Act of Pilgrimage in the Holy Shrines of Shiraz City Ethnographic Study. **Journal of Tourism Planning and Development**, 6(22), 97-117. doi: 10.22080/jtpd.2017.1709

Mohamadi, J., salehi, S., & Nikufal, Z. (2017). Phenomenology of Religious Tourists' Experiences (Case Study: Harsin City). **Journal of Tourism Planning and Development**, 6(20), 34-55. doi: 10.22080/jtpd.2017.1486

Mohammadpour, Ahmed. (2011). **Anti-method, logic and design in qualitative methodology**. Tehran: Sociologists.

Mustafavi, Hassan. (1989). **Researching the words of the Holy Qur'an**. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.

Morton, King; Hunt, Richard A (1972) "Measuring the religious variable: Replication", **Journal for the Scientific Study of Religion**. 11: 240 – 251.

Nasseri, M., Kaveh, F., & Rabbani, A. (2017). Investigation of How Students View Religion (A Model Based on Grounded Theory, Case Study: Students of University of Isfahan). **Journal of Applied Sociology**, 27(4), 79-98. doi: 10.22108/jas.2017.21162

Patton, Michael Quiin, (2002), **Qualitative research & Evaluation**, California: Sage publication.

Pouramini, Mohammad Baqer. (2017). **The dignity of pilgrimage; Pilgrimage rituals of Imam Reza (a.s.)**. Mashhad: Astan Quds Razavi.

Rafipour, Farmarz (2005). **Special techniques of research in social sciences**, Tehran: Publishing Company

Razavizadeh, N. (2017). Iranian on-foot pilgrims' lived experience in Iraq. **Quarterly of Social Studies and Research in Iran**, 6(4), 595-631. doi: 10.22059/jjsr.2018.231746.517

Ritzer, George. (2005). **Sociological theory in the contemporary era**. Translated by Mohsen Thalasi. Tehran: Scientific Publication. [In Persian]

Sharbatian, Mohammad Hossein. (2012). "Reflection on the social and cultural foundations of pilgrimage". **A collection of articles of Ziarat consensus**. Qom: Mushar.

Seidman, Steven. (2007). **Conflict of votes in sociology**. Translated by Hadi Jali-li. Tehran: Ney. [In Persian]

Shojaizand, Alireza. (1384). "A model for measuring religiosity in Iran". **Sociology of Iran**. Volume 6. Number 1. Pages: 66-34.

Spielberg, Herbert; Schumann, Carl. (2013). **Phenomenological movement**. Translated by Masoud Alia. Tehran: Menuy Khord. [In Persian]

Stark Rodney & Charles Glock (1970) **American Piety: The Nature of Religious Commitment**, California: University of California Press.

Taghizadeh Davari, Mahmoud. (2001) "A Look at the Sociology of Pilgrimage". **Marefat**, Number 45. pp: 59-61.

- Tavasli, Gholam Abbas (2007). **Sociological theories**, Tehran: Samt.
- Tanhaei, Abul Hassan (1995). **An introduction to schools and theories of sociology**, Gonabad: Marandiz.
- Talebi, Abu Tarab; Baraq Alipour, goddess. (2014). "Typology of pilgrimage and religiosity of pilgrims; Analyzing the Meaning of Pilgrimage of Imam Reza (AS)". **social Sciences**. Volume 22, Number 69, Pages: 106-75.
- Umme Salma, Mujtaba Husein (2017) A phenomenological study of Arbaeen foot pilgrimage in Iraq '**Tourism Management Perspectives**, 26 (2018) 9–19.
- Yousefi, Ali; Sediq Orei, Gholamreza; Kohensal, Alireza; Makrizadeh, Fahima. (2011). "Experimental Phenomenology of Imam Reza's (AS) Pilgrimage". **Iranian social studies**. Volume 6. Number 3 and 4. pp. 180-198.
- Yousofi A, Tabei M. "Empirical phenomenology, a way to understand religious experiences". **JHS** 2012; 4 (1) :71-93
- Zardmoi Urdklo, Shapur (2014). "Experimental phenomenology of pilgrimage", **the first international conference on tourism and spirituality**, Tehran.
- Zamani, Hossein (2012). **Recognizing the concept of pilgrimage**. Tehran: Avand Rushd.



Typology of the Application of Behavior Change Methods in Razavi's Life Style Based on the Theories of Behavioral Therapy

Sajjad Mohammad Fam¹, Maryam Mohammad Zade²,
Mohammad Mohammad Zade³

1. Assistant Professor of Quranic and Hadith Sciences, Azarbaijan Shahid madani university, Tabriz, Iran (corresponding author): ac.mohammadfam@azaruniv.ac.ir
2. Master of Arabic Language and Literature, Azarbaijan Shahid madani university, Tabriz, Iran: aknuunmaryam@gmail.com
3. Master of General Psychology, Payam Noor Bonab University, Bonab, Iran: aknuun@gmail.com

Article Info

Abstract

Article Type:
Research Article

Article History:

Received:
August 08, 2023

In Revised Form:
December 18, 2023

Accepted:
January 08, 2024

Published Online:
May 21, 2024

Keywords

One of the applied branches of psychology is behavior therapy. In behavioral therapy, using experimental psychology, especially learning psychology, techniques and methods are extracted and used in order to change and often correct people's behavior. The two schools of behaviorism, Pavlov and Skinner, together with the theory of social learning and the theory of cognitive reconstruction, have proposed the most important theories about behavior change. Using the data of these theories, this research tried to identify and present the application of behavior change methods in the life of Imam Riḍā (as) with a descriptive- analytical typology approach. The results indicate that in Razavi's life, the methods of cognitive reconstruction and observational learning are in the position of creating desirable behavior and the methods of primary, social, exchange and feedback reinforcements are identified, also, the use of the principle of facilitation in the position of stabilizing and expanding desirable behavior and methods of inhibition, depriving positive reinforcement and compensating the position of reducing or eliminating undesirable behavior can be recognized.

Educational Methods, Behavior Change, Razavi's Life Style, Typology.

Cite this The Author (s): Mohammad Fam, S., Mohammad Zade, M., Mohammad Zade, M., (2024). Typology of the Application of Behavior Change Methods in Razavi's Life Style Based on the Theories of Behavioral Therapy: Quarterly Scientific Journal of Farhang Razavi. Year 12, Issue 1, Spring 2024, Serial Number 45- (59-82)-

[DOI: 10.22034/farzv.2024.410648.1902](https://doi.org/10.22034/farzv.2024.410648.1902).



Publisher: University of Tehran Press

Extended abstract problem statement

One of the concerns of the Prophets and Imams (peace be upon them) has been the social education of the society and the promotion of good and righteous behaviors and the fight against evil and undesirable behaviors. The Sunnah of Ahl al-Bayt (AS) can be used as the best scientific and practical reference because of their infallibility. The educational methods of Masooman (pbuh), the principles and techniques they use to change people's behavior, are such that they leave the greatest and most effective effect on their audience. In this regard, knowing the tradition of social education of Imam Reza (a.s.) and ways to change the behavior of people in society and use it as a model in today's society is one of the essential needs of society.

In an interdisciplinary approach, relying on the data of behavioral therapy theories and with a descriptive-analytical approach, this research aims to identify and present the types of behavior change methods in the reported tradition of Imam Reza (a.s.). Therefore, the research questions are:

1. Which of the methods of creating desirable behavior can be identified in the Razavi tradition?
2. What are the methods of maintaining and expanding desirable behavior reported in the Razavi tradition?
3. What methods can be achieved to reduce or eliminate undesirable behaviors in the tradition of Imam Reza (a.s.)?

Theoretical framework and research method

In psychology, behavior refers to any activity that an organism (living being) performs and can be observed and measured by another organism or a measurement tool (Reese, 1978, p.13). This definition is very broad and includes both external and internal body movements; But here, this definition is not considered and the meaning of behavior is its usual meaning, i.e., an action that a person performs or a word that he utters.

The change found in a person's behavior as a result of learning can have different aspects, which are: 1. The aspect of knowledge that deals with the mind and thought and causes a change in the level of knowledge and awareness of the audience; 2. The aspect of insight that deals with the human heart and emotions and creates motivation and inclination in people; and 3. the practical aspect that deals with people's performance and causes changes in habits and skills. In this research, the third aspect, i.e., the practical aspect, is meant, and only this aspect has been addressed in the search of the biography of Imam Reza (a.s.).

The theories proposed in behavioral therapy can be categorized into the main groups of "behaviorists" and "cognitivists":

Behaviorists are of the opinion that the only factor in creating and maintaining behavior is the environment and environmental consequences. Ivan Petrovich Pavlov, a Russian scientist, worked on reflexive behavior and proposed the theory that to create and change behavior, a stimulus is needed before the behavior. In addition to reflective behavior, John BF Skinner coined the term active behavior. Unlike the response behavior which is controlled by antecedent stimuli, the action behavior changes with their consequences. Skinner introduced a new term to the law of effect, which is reinforcement. Positive reinforcement is reinforcing a behavior that results in a person receiving a reward. Accordingly, if a suitable behavior is performed by an individual, the probability of repeating and even stabilizing that behavior can be increased with reinforcing stimuli.

Albert Bandura's theory of observational learning or social learning has both behavioral and cognitive aspects. In his opinion, although people's behavior is affected by the results of their own behavior, in addition to the environment, it is mostly provided through role modeling. According to this theory, a person not only learns many behaviors through observation and imitation, but also can change some of the undesirable behaviors learned by himself or others (Seif, 1373: 72).

Cognitive theories consider the main cause of any behavior to be cognitive processes, i.e., thoughts and perceptions of a person, therefore they seek cognitive reconstruction to change behavior. Cognitive restructuring is a set of methods and techniques that seek to change wrong thoughts that lead to undesirable feelings and behaviors or seek to strengthen thoughts that lead to desirable feelings and behaviors (Seif, 2013: 221).

Of course, it should be noted that the purpose of relying on these theories in this research was to draw inspiration from the general structure and also to categorize the methods of behavior change; And this does not necessarily mean accepting them completely and knowing these ideas completely and without problems. Current theories of behavior therapy are not the answer to all problems in the field of behavior change. Also, there are flaws in anthropological foundations and methods, which have been discussed in their place (cf.: Ahmadi, 1371: the whole work; Fatemi, 1388: the whole work; Sajjadi and Esmaili, 2016: the whole work).

Results

Using the general structure and classification of behavior change methods in behavioral therapy theories, the following typology can be presented from the application of behavior change methods in the Razavi tradition:

In the tradition reported from Imam Reza (a.s.), two methods can be identified in terms of creating righteous and desirable thoughts, insights, and behaviors in human society: 1. Method of cognitive reconstruction; Example: creating a basic

God-centered thought as the basis of human works and actions;² . The method of teaching people through observational learning; Examples: a. The field of religious worship, such as reciting the Qur'an, b. Not being selfish and feeling responsible towards the weak, deprived and subordinate classes and people of the society.

In the tradition of Razavi, the following methods have been reported to establish righteous and desirable behaviors, as well as to generalize and expand them in other times and places: 1. First reinforcement (example: Development of sustenance and prolongation of life due to the peace of the womb); 2. Social reinforcers (example: Emotional encouragement of Imam Javad for his words); 3. Exchange reinforcements (example: Special gift to Deabel for writing great poems); 4. Feedback reinforcers (example: Feedback of generous and stingy behavior and answering bad with good); 5. Expanding the frequency of behavior using the principle of facilitation (example: respecting all people regardless of their skin color and race).

In the biography of Hazrat Ali bin Musa (AS), in order to eliminate and reduce undesirable behaviors, in addition to the fact that he tried to reduce their volume by creating and promoting desirable behaviors and substituting them instead of undesirable behaviors. Also, the following have been reported as ways of reducing behavior: 1. Use of restraint (for example: prohibiting one of the companions from hanging out with sinners); 2. Depriving of positive reinforcement (example: not allowing a group of lovers of Shi'ism to attend); 3. To compensate (example: a letter to their child about practicing generous behavior).



گونه‌شناسی کاربرست شیوه‌های تغییر رفتار در سیره رضوی با تکیه بر نظریات رفتاری درمانی

سجاد محمدفام^۱، مریم محمدزاده^۲، محمد محمدزاده^۳

ac.mohammadfam@azaruniv.ac.ir

۱. نویسنده مسئول، استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. رایانامه:

aknuunmaryam@gmail.com

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران. رایانامه:

aknuun@gmail.com

۳. کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه پیام نور بناب، بناب، ایران. رایانامه:

چکیده

اطلاعات مقاله

از شاخه‌های کاربردی علم روان‌شناسی، رفتار درمانی است. در رفتار درمانی با استفاده از روان‌شناسی آزمایشی به‌ویژه روان‌شناسی یادگیری فنون و روش‌هایی به‌منظور تغییر و اغلب اصلاح رفتار افراد استخراج و استفاده می‌شود. دو مکتب رفتارگرایی پاولف و اسکینر به‌همراه نظریه یادگیری اجتماعی و نظریه بازسازی شناختی مهم‌ترین نظریات را درباره تغییر رفتار مطرح کرده‌اند. این پژوهش با بهره‌گیری از داده‌های این نظریات کوشیده با رویکردی توصیفی تحلیلی گونه‌شناسی از کاربرست شیوه‌های تغییر رفتار در سیره امام رضا (ع) را شناسایی و ارائه کند. نتایج حاکی است که در سیره رضوی، شیوه‌های بازسازی شناختی و یادگیری مشاهده‌ای در مقام ایجاد رفتار مطلوب و شیوه‌های تقویت‌کننده‌های نخستین، اجتماعی، معاوضه‌ای و بازخوردی و همچنین استفاده از اصل آسان‌سازی در مقام تثبیت و گسترش رفتار مطلوب و شیوه‌های بازداری، محروم کردن از تقویت مثبت و جبران کردن مقام کاهش یا حذف رفتار نامطلوب قابل شناسایی است.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۵/۱۷

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۰۹/۲۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۱۰/۱۸

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۰۳/۰۱

روش‌های تربیتی، تغییر رفتار، سیره رضوی، گونه‌شناسی.

کلیدواژه‌ها

استاد: محمدفام، سجاد، محمدزاده، مریم، محمدزاده، محمد: (۱۴۰۳). پدیدگونه‌شناسی کاربرست شیوه‌های تغییر رفتار در سیره رضوی با تکیه بر نظریات رفتاری درمانی: فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، سال ۱۲، شماره ۱، تابستان، شماره پیاپی ۴۵ - (۸۲-۵۹).

DOI:10.22034/farzv.2023.375928.1831



ناشر: بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

۱. بیان مسئله

بر اساس آیاتی از قرآن کریم مانند «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ» (آل عمران، ۱۶۴) از جمله شئون و نقش‌های امام و رهبر جامعه، تزکیه افراد جامعه است. مفسران قرآن کریم در توضیح شأن تزکیه آورده‌اند که یعنی مردم را به نمودی صالح رشد دهد، اخلاق فاضله و اعمال صالحه را عادتشان کند، در نتیجه در انسانیت خود به کمال برسند و حالشان در دنیا و آخرت استقامت یابد، سعید زندگی کنند، و سعید بمیرند (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱: ۳۹۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹: ۲۶۵). در این زمینه یکی از دغدغه‌های انبیاء (علیهم‌السلام) و ائمه (علیهم‌السلام) تربیت اجتماعی جامعه ایمانی و ترویج رفتارهای مطلوب و صالح و مبارزه با رفتارهای سیئه و نامطلوب بوده است.

سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) به‌خاطر عصمت‌شان از خطا و اشتباه، به‌عنوان بهترین مرجع علمی و عملی می‌تواند بهره‌برداری شود. شیوه‌های تربیتی معصومان (علیهم‌السلام)، اصول و فنونی که در تغییر رفتار انسان‌ها به‌کار می‌برند، به‌گونه‌ای است که بیشترین و مؤثرترین اثر را در مخاطبان خود بر جای می‌گذارد. در این زمینه، شناخت سیره تربیت اجتماعی امام رضاء (علیه‌السلام) و شیوه‌های ایجاد تغییر در رفتار افراد جامعه و استفاده به‌عنوان الگو در جامعه امروز، از نیازهای ضروری جامعه است.

هرچند در طول تاریخ، انسان‌ها از روش‌ها و شیوه‌های مختلف برای اصلاح رفتارها استفاده می‌کردند که به روش‌های امروزی تغییر رفتار و رفتاردرمانی بسیار شبیه است، ولی از اواخر دهه ۱۹۵۰ شاخه کاربردی «تغییر رفتار»^۱ و «رفتار درمانی» در علم روان‌شناسی به‌عنوان دانشی نظام‌دار و مجموعه‌ای منظم از روش‌ها و نظریه‌های ساخت یافته، پا به عرصه علوم انسانی گذاشت (سیف، ۱۳۷۳: ۶۶). در تغییر رفتار با استفاده از روان‌شناسی آزمایشی به‌ویژه روان‌شناسی یادگیری، فنون و روش‌هایی به‌منظور تغییر و غالباً اصلاح رفتار افراد استخراج و استفاده می‌شود. دو مکتب رفتارگرایی پاولف دانشمند سرشناس روسی و جان بی‌اف اسکینر به همراه نظریه یادگیری اجتماعی بندورا و نظریه بازسازی شناختی مهم‌ترین نظریات را درباره تغییر رفتار مطرح کرده‌اند. این پژوهش درصدد است ضمن رویکردی میان‌رشته‌ای، با تکیه بر داده‌های نظریات رفتاردرمانی و با رویکرد توصیفی تحلیلی، گونه‌های کاربست شیوه‌های تغییر رفتار را در سیره گزارش شده از امام رضاء (علیه‌السلام) شناسایی و ارائه دهد. بر این اساس سؤالات پژوهش عبارت است از:

۱. چه مواردی از شیوه‌های ایجاد رفتار مطلوب در سیره رضوی قابل شناسایی است؟
۲. در سیره رضوی چه مواردی از شیوه‌های نگهداری و گسترش رفتار مطلوب گزارش شده است؟
۳. برای کاهش یا حذف رفتارهای نامطلوب در سیره امام رضا (علیه‌السلام) به چه شیوه‌هایی می‌توان دست یافت؟

سیره امام رضا علیه السلام از نظر تربیت اخلاقی، اجتماعی و سیاسی در پژوهش‌های مختلف بررسی شده ولی در هیچ کدام، از نظریات روان‌شناسی حوزه رفتار درمانی بهره گرفته نشده است (ر.ک: موسوی، ۱۳۹۷). همچنین در برخی پژوهش‌های دینی از نظریات رفتار درمانی بهره‌برداری شده است (ر.ک: فاطمی، ۱۳۸۸)؛ ولی جست‌وجو در منابع و مراجع، هیچ پیشینه‌ای را مبنی بر گونه‌شناسی کاربری شیوه‌های تغییر رفتار در سیره رضوی با تکیه بر نظریات رفتار درمانی علم روان‌شناسی نشان نمی‌دهد.

۱-۱. چهارچوب نظری

در روان‌شناسی، رفتار به هر فعالیتی^۱ که ارگانیسم (جاندار)^۲ انجام می‌دهد و به وسیله ارگانیسمی دیگر یا یک ابزار اندازه‌گیری قابل مشاهده و سنجش است، اطلاق می‌شود (Reese, 1978, p:13). این تعریف خیلی گسترده است و شامل حرکات بیرونی و درون جسم هم می‌شود، ولی در این تحقیق این تعریف مدنظر نبوده و منظور از رفتار همان معنای عرفی آن است؛ یعنی عملی که از فرد سر می‌زند یا سخنی که بر زبان می‌آورد.

تغییری که در نتیجه یادگیری در رفتار فرد پیدا می‌شود، می‌تواند جوانب مختلف داشته باشد که عبارت است از: ۱. جنبه دانشی که با ذهن و اندیشه سروکار داشته و موجب تغییر در سطح دانش و آگاهی مخاطب می‌شود؛ ۲. جنبه بینشی که با دل و عواطف انسان سروکار دارد و باعث ایجاد انگیزه و گرایش در افراد می‌شود؛ و ۳. جنبه عملی که با عملکرد افراد سروکار داشته و موجب تغییر در عادت‌ها و مهارت‌ها می‌شود. در این تحقیق، جنبه سوم یعنی جنبه عملی منظور بوده و در جست‌وجوی سیره امام رضا علیه السلام فقط به این جنبه پرداخته شده است.

نظریات مطرح در رفتار درمانی در دو دسته عمده «رفتارگرایان» و «شناخت‌گرایان» قابل دسته‌بندی است. رفتارگرایان بر این عقیده‌اند که تنها عامل ایجاد و نگهداری رفتار محیط و پیامدهای محیطی است. ایوان پتروویچ پاولف^۳ دانشمند روسی، روی رفتار بازتابی کار و این نظریه را مطرح کرد که برای ایجاد و تغییر رفتار نیاز به محرکی است که پیش از رفتار اتفاق بیفتد. جان بی‌اف اسکینر علاوه بر رفتار بازتابی، اصطلاح رفتار کنشگر^۴ را وضع کرد. بر خلاف رفتار پاسخگر که با محرک‌های پیش‌آیند کنترل می‌شوند، رفتار کنشگر با پس‌آیندهایشان تغییر می‌کنند. بر اساس نظریه اسکینر، رفتار در حقیقت واکنش در مقابل محرک‌های بیرونی است. بر همین اساس اگر رفتاری مناسب از طرف فردی صورت گیرد، می‌توان با محرک‌های تقویت‌کننده، احتمال تکرار و حتی تثبیت آن رفتار را افزایش داد. اسکینر یک اصطلاح جدید را به قانون اثر معرفی کرد که همان تقویت است. رفتار تقویت شده تمایل به تکرار شدن دارد تا که از بین

1. activity

2. organism

3. Ivan Petrovich Pavlov

4. operant

5. consequence

6. Stimulus

رفته و خاموش شود و به عبارت دیگر تضعیف شود. اسکینر شرطی‌سازی عامل را با انجام آزمایشی که در جعبه پازل ثرندایک بود مطالعه کرد که می‌تواند دنبال‌کننده رفتار باشد. تقویت مثبت، تقویت‌کننده رفتاری است که در نتیجه آن فردی پاداش دریافت می‌کند. به‌عنوان مثال، اگر معلم هر بار که دانش‌آموز تکالیف خود را انجام می‌دهد به او جایزه بدهد احتمال بیشتری دارد که او در آینده این رفتار را تکرار کند (سیف، ۱۳۷۳: ۶۶-۷۲). از جمله عامل‌های محرک بیرونی می‌توان پاداش و کیفر، ستایش و سرزنش، آگاهی از نتیجه، رقابت و همکاری و موفقیت و شکست را نام برد. هرچند رفتار درمانی، زیر نفوذ مکتب رفتارگرایان بود، با این حال، نظریه‌پردازان متأخر در تبیین علل تغییر رفتار، علاوه بر محیط به فرایندهای شناختی تأکید ورزیدند که می‌شود آن‌ها را در دو دسته طبقه‌بندی کرد: نظریه یادگیری اجتماعی و شناخت درمانی. نظریه یادگیری مشاهده‌ای یا یادگیری اجتماعی آلبرت بندورا هم جنبه رفتاری و هم جنبه شناختی دارد. از نظر وی تغییر رفتار افراد هرچند از نتایج رفتار خود فرد متأثر هستند، علاوه بر محیط، بیشتر از طریق الگوبرداری فراهم می‌شود. بر اساس این نظریه، انسان نه تنها بسیاری از رفتارها را از طریق مشاهده و تقلید یاد می‌گیرد بلکه می‌تواند بعضی از رفتارهای نامطلوب آموخته خود یا دیگران را تغییر دهد (همان: ۷۲).

نظریه‌های شناختی عامل اصلی هر گونه رفتار را فرایندهای شناختی، یعنی افکار و ادراکات فرد می‌دانند از این رو، برای تغییر رفتار به دنبال بازسازی شناختی^۱ هستند. بازسازی شناختی به مجموعه روش‌ها و فنونی گفته می‌شود که به دنبال تغییر افکار غلطی هستند که به احساس‌ها و رفتارهای نامطلوب می‌انجامد یا به دنبال تقویت افکاری هستند که به احساس‌ها و رفتارهای مطلوب منجر شود (همان: ۲۲۱). آلبرت ایس، آرون تی بک و دونالدمایکنام از نظریه‌پردازان سرشناس این نظریه هستند. در روش‌های این افراد عمدتاً فرایندهای شناختی یعنی تفسیرهای فرد از آنچه در اطراف او رخ می‌دهد، مدنظر هستند. البته شایان ذکر است منظور از تکیه بر این نظریات در این پژوهش، الهام گرفتن از ساختار کلی و همچنین دسته‌بندی شیوه‌های تغییر رفتار بوده و لزوماً به معنای پذیرش بی‌کم و کاست آن‌ها و همچنین کامل و بدون ایراد دانستن این نظریات نیست. نظریات رفتار درمانی کنونی پاسخگوی تمامی مسائل در حوزه تغییر رفتار نیست. همچنین ایرادهایی در مبانی انسان‌شناختی و روش‌ها بر آن وارد است که در جای خود بدان پرداخته شده است (ر.ک: احمدی، ۱۳۷۱؛ فاطمی، ۱۳۸۸؛ سجادی و اسماعیلی، ۱۳۹۶).

تغییر به معنای دگرگونی است که می‌تواند جهت‌های گوناگونی مانند تغییر از مطلوب به نامطلوب یا برعکس داشته باشد. در تغییر رفتار آنچه مدنظر روان‌شناسان رفتار درمان قرار دارد در سه گروه ذیل قابل طرح است: ۱. ایجاد رفتارهای مطلوب؛ ۲. نگهداری، افزایش نیرومندی و گسترش رفتارهای مطلوب و ۳. کاهش و حذف رفتارهای نامطلوب (ر.ک: سیف، ۱۳۹۶: ۵۶۸-۵۶۹). از آنجا که این دسته‌بندی جامع بوده، بر این اساس در ادامه به معرفی کاربردهای تغییر رفتار در سیره امام رضا (ع) در قالب این دسته‌بندی پرداخته می‌شود.

۲. شیوه‌های ایجاد رفتار مطلوب در سیره امام رضا (ع)

هدف اصلی در این گونه، ایجاد رفتارهایی است که از قبل در خزانه رفتار افراد موجود نیست. گاهی اوقات رخ دادن رفتارهای خطا و نامطلوب از سوی افراد، ناشی از یاد نگرفتن رفتارهای صالح و مطلوب است؛ بنابراین یکی از دغدغه‌های اهل بیت (ع) این بوده که در جامعه انسانی افکار، بینش و رفتارهای درست را ایجاد کنند. با بررسی سیره امام رضا (ع) می‌توان دو گونه از شیوه‌های ایجاد رفتار مطلوب را شناسایی کرد که عبارت است از: بازسازی شناختی و آموزش به افراد از طریق یادگیری مشاهده‌ای. در ادامه به توضیح این دو مورد و مثال‌هایی برای آن‌ها از سیره حضرت پرداخته می‌شود.

۲-۱. بازسازی شناختی

بازسازی شناختی^۱ به مجموعه روش‌ها و فونونی گفته می‌شود که هدف عمده آن‌ها تغییر در فرایندهای شناختی افراد است تا آن‌ها بتوانند الگوهای فکری غلط را تغییر دهند و افکار صحیح ایجاد کنند (شعاری نژاد، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۴۹). در این روش فرض بر این است که رفتار ریشه در افکار دارد؛ از این رو، برای ایجاد رفتار مطلوب در افراد باید افکار و شناخت مطلوب در او ایجاد کرد. استفاده از این شیوه در ابعاد گسترده در سیره اهل بیت (ع) به‌ویژه سیره رضوی مشهود است و نمونه‌های زیادی برای آن می‌توان ذکر کرد. برای مثال در این بحث می‌توان به یک نمونه مبنایی اشاره کرد. بر اساس آموزه‌های وحیانی اهل بیت (ع) دنیاگرایی و دنیامحوری ریشه خطاها از جمله رفتارهای نامطلوب است (ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳: ۳۳۹). دنیاگرایی به این معناست که ملاک انسان در انتخاب‌ها و انجام رفتارها صرفاً نفع و ضرر دنیوی باشد که در این صورت انسان حاضر خواهد شد برای رسیدن به آن نفع یا گریختن از ضرر به هر کار و رفتاری دست زند هرچند آن رفتار نامطلوب باشد. اگر ملاک دنیامحوری جای خود را به رضایت و خواست خدای متعال بدهد، انجام رفتارهای نامطلوب از زندگی رخت خواهد بست و انجام رفتارهای مطلوب آسان‌تر و به‌نوعی تضمین خواهد شد. امام رضا (ع) در بازسازی این شناخت به نقل از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کنند که آن حضرت روزی اصحاب خود را خطاب قرار داده و فرمودند: ای بنده خدا! برای خدا دوست بدار و برای او دشمن بدار. به خاطر خدا دوستی و دشمنی کن؛ زیرا هیچ کس به مقام دوستی خداوند دست نمی‌یابد مگر از همین راه و کسی طعم ایمان را نمی‌چشد هرچند نماز و روزه بسیار داشته باشد مگر اینکه نگرش توحیدی یابد. اکنون دوستی‌ها و دشمنی‌های بسیاری به خاطر امور دنیوی است، ولی باید دانست که دوستی‌ها و دشمنی‌های دنیوی و اخروی چیزی نیست و آنان را از دوستی و دشمنی به خاطر خداوند بی‌نیاز نمی‌گرداند^۲ (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۹۱).

1. Cognitive restructuring

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِأَصْحَابِهِ [بَعْضُ أَصْحَابِهِ] ذَاتَ يَوْمٍ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَحْبَبُ فِي اللَّهِ وَ أَيْضُ فِي اللَّهِ وَ وَال فِي اللَّهِ وَ عَادَ فِي اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا تَنَالُ وَلَا يَتِيَهُ اللَّهُ إِلَّا بِذَلِكَ وَ لَا يَجِدُ رَجُلٌ طَعْمَ الْإِيمَانِ وَ إِنْ كَثُرَتْ صَلَاتُهُ وَ صِيَامُهُ حَتَّى يَكُونَ كَذَلِكَ وَ قَدْ صَارَتْ مُوَاخَاةَ النَّاسِ يَوْمَكُمْ هَذَا أَكْثَرُهَا فِي الدُّنْيَا عَلَيْهَا يَتَوَادُّونَ وَ عَلَيْهَا يَتَبَاغَضُونَ وَ ذَلِكَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا...»

۲-۱-۱. یادگیری مشاهده‌ای / الگودهی

از منظر آلبرت بندورا^۱ از جمله عوامل در کنترل و تغییر رفتار، فرایندهای واسطه‌ای شناختی است که بر اساس آن نظریه یادگیری مشاهده‌ای^۲ را طرح کرده است (Bendura, 1977). طبق این نظریه، بخشی از یادگیری و تغییر رفتار در انسان از رهگذر مشاهده و الگوبرداری از اعمال دیگران و اتفاقاتی که برایشان می‌افتد حاصل می‌شود (کدیور، ۱۳۹۲: ۹۲ و ۹۹)؛ یعنی اکتساب رفتارهای تازه از راه مشاهده و الگوبرداری صورت می‌گیرد.

اصل کلی در سیره تربیتی ائمه علیهم‌السلام در دعوت به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها، اکتفا نکردن به صرف گفتار و زبان و عملیاتی کردن آن خوبی در رفتار و کردار است. در نقلی از امام صادق علیه‌السلام گزارش شده که «مردم را با اعمال و رفتار خود به راه راست دعوت کنید نه با زبان‌هایتان»^۳ (حمیری، ۱۴۱۳: ق: ۷۷) ناظر به موضوع الگوی عملی است. در سیره امام رضا علیه‌السلام موارد متعددی را می‌توان جست که ایشان کوشیده رفتارهای مطلوب را از طریق عملی و به نمایش گذاشتن آن در بین اطرافیان خود ایجاد کند. به‌عنوان مثال، یکی از رفتارهای مطلوب «آراستگی ظاهری در روابط اجتماعی و هنگام مواجهه با هموعان» است. در منابع روایی نقل شده که حضرت مرغوب‌ترین و بهترین عطرها را سفارش می‌دادند. از امام جواد علیه‌السلام دربارهٔ جریان مشک پرسیدند، ایشان فرمودند: پدرم دستور داد قطعه مشکی برای او تهیه کردند که ۷۰۰ درهم بهای آن شد. فضل بن سهل به آن حضرت نوشت که مردم این را عیب‌جویی می‌کنند. پدرم در پاسخ او نوشت: ای فضل آیا نمی‌دانی یوسف که پیامبر خدا بود، جامهٔ ابریشم با تکه‌های زر می‌پوشید و بر کرسی زرین می‌نشست و این عمل چیزی از عدالت و حکمت او نمی‌کاست. سپس دستور فرمود: غالیه یا آمیخته‌ای از چند نوع عطر برای آن حضرت فراهم کردند که بهای آن ۴۰۰۰ درهم شد (کلینی، ۱۴۲۹: ج ۱۳: ۲۰۶). حضرت این آراستگی و خوش‌بویی را اخلاق انبیا می‌دانستند که از آن الگو گرفته‌اند (همان: ۱۹۰). یاسر خادم حضرت نقل می‌کند که امام علیه‌السلام به نقل از جد بزرگوارشان می‌فرمودند: دوست من جبرئیل علیه‌السلام به من گفت: یک روز در میان، خود را معطر ساز و روزهای جمعه عطر زدن را ترک مکن (همان: ۱۹۴) حضرت دیگران را نیز به الگوگیری از این رفتار مطلوب ترغیب می‌کردند. معمر بن خلاد از امام رضا علیه‌السلام چنین نقل کرده است: شایسته نیست انسان هیچ روز عطر و بوی خوش را ترک کند، اگر هر روز برایش ممکن نیست لااقل یک روز در میان عطر بزند و اگر این مقدار هم نمی‌تواند، هفته‌ای یک بار (یا در هر جمعه) عطر بزند و این کار را ترک نکنند (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ج ۱: ۲۷۹-۲۸۰).^۴

به‌عنوان نمونه دیگر رفتار حضرت با غالیان و جریان غلو است. مراد از غلات، جماعتی هستند که معتقد

1. Albert Bendura

2. Observational learning

۳. «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ، وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بَأْسَتِكُمْ»

۴. لَا يَنْبَغِي لِلرُّجُلِ أَنْ يَدْعَ الطَّيْبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَيَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَا فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَلَا يَدْعُ ذَلِكَ

بودند اگر کسی امام زمان خود را شناخت، دیگر تمامی تکالیف از او ساقط می‌شود و حلال و حرام برای او معنی ندارد. لذا واجبات را ترک می‌کردند و محرمات الهی را مرتکب می‌شدند و از هیچ حرامی پرهیز نداشتند و گاهی محرمات و واجبات را نیز به‌جا نمی‌آوردند یا اینکه علی را خدا می‌پنداشتند. این جریان انحرافی می‌تواند ضربات جدی بر جامعه دینی وارد کند. از این رو، حضرات اهل بیت (علیهم‌السلام) و از جمله امام رضا (علیه‌السلام) کوشش داشتند تا رفتار مناسب را در مواجهه با این افراد به شیعیان خود آموزش دهند. به‌صورت کلی می‌توان گفت حضرت از آن‌ها تبری جسته و لعن می‌کردند و دیگران را نیز به الگوگیری از سیره خود مبنی بر کناره‌گیری از آن‌ها و مورد لعن قرار دادن توصیه می‌کردند (ر.ک: صفری فروشانی و بختیاری، ۱۳۹۱: ۱۰۹-۱۲۲).

به‌عنوان مثال دیگر یکی از رفتارهای زیربنایی و مهم اخلاق اجتماعی، صرفاً به فکر خود نبودن و دغدغه‌مندی و رسیدگی به طبقات و افراد ضعیف و محروم و زبردست جامعه است. خادم حضرت، سیره عملی ایشان را این‌چنین نقل می‌کند که تا وقتی هر کدام از خدمتکاران مشغول غذا خوردن بودند، حضرت آن‌ها را به کاری وانمی‌داشت (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۲: ۳۸۵). در نظریه بندورا به این نکته تأکید شده که در یادگیری مشاهده‌ای لازم است بین یادگیرنده و سرمشق مجاورت باشد. در سیره تربیتی امام رضا (علیه‌السلام) مشاهده می‌شود که حضرت با اطرافیان خود رفتار محبت‌آمیز و صمیمی داشتند و همین عملکرد موجب می‌شد آن‌ها نیز او را دوست داشته باشند و بکوشند به او اقتدا کنند و خود را شبیه او گردانند و توصیه‌ها و خواسته‌های او را با طیب خاطر انجام دهند. یاسر، خادم حضرت، نقل می‌کند که وقتی حضرت از امور روزانه فارغ می‌شدند، جمیع خدمتکاران و کارگزاران خود را از بزرگ و کوچک نزد خود فرا می‌خواندند و با آن‌ها با ملاطفت معاشرت می‌کردند و هرگاه سفره پهن می‌شد، تمام اهل خانه حتی مهتر اسب، دربان و دلاک را هم دعوت می‌کردند تا با ایشان سر یک سفره بنشینند و غذا بخورند...^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۵۹). در سیره حضرت این نکته مشاهده می‌شود که علاوه بر اینکه خود حضرت در مقام الگودهی مبادرت به انجام عملی رفتارهای مطلوب می‌کردند، می‌کوشیدند اطرافیان و مجاوران خود را نیز با آن رفتار درگیر کنند تا رفتار در آن‌ها هم ایجاد شود. در این راستا نقل شده که وقتی حضرت بر سفره غذا جلوس می‌کردند، سینی بزرگی را طلب می‌کردند و بخشی از بهترین‌های محتوای سفره را در سینی می‌نهادند و به مجاوران و اطرافیان خود امر می‌کردند تا برای مساکین ببرند...^۲ (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۷: ۳۳۷-۳۳۸).

۲-۲. شیوه‌های نگهداری و گسترش رفتار مطلوب در سیره امام رضا (علیه‌السلام)

رفتار ایجاد شده و همچنین رفتار تغییر یافته اگر فقط در شرایطی که موجب آن تغییر شود و تنها در

۱. رُوِيَ عَنْ نَادِرِ الْخَادِمِ، قَالَ: «كَانَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَكَلَ أَحَدُنَا لَا يَسْتَخْدِمُهُ حَتَّى يَفْرَغَ مِنْ طَعَامِهِ»
 ۲. حَدَّثَنِي يَاسِرُ الْخَادِمِ قَالَ: كَانَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا كَانَ خَلَا جَمَعَ حَسْبَهُ كُلَّهُمُ عِنْدَهُ الصَّغِيرَ وَ الْكَبِيرَ فَيَجِدُهُمْ وَ يَأْتِسُ بِهِمْ وَ يُؤْنِسُهُمْ وَ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا جَلَسَ عَلَى الْمَائِدَةِ لَا يَدْعُ صَغِيرًا وَ لَا كَبِيرًا حَتَّى السَّائِسَ وَ الْحَجَّامَ إِلَّا أَقْعَدَهُ مَعَهُ عَلَيَّ مَائِدَتِهِ...
 ۳. «عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَادٍ، قَالَ: «كَانَ أَبُو الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَكَلَ أَقْبَى بَصْحَفَةٍ، فَتَوَضَّعَ بَقَرَبِ مَائِدَتِهِ، فَيَعْمِدُ إِلَى أَطْيَبِ الطَّعَامِ مِمَّا يُؤْتِي بِهِ، فَيَأْخُذُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ شَيْئًا، فَيَضَعُ فِي تِلْكَ الصَّحْفَةِ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهَا لِلْمَسَاكِينِ...»

حضور تغییردهنده رفتار انجام شود، نمی‌توان این تغییر را موفق و کارآمد ارزیابی کرد. اگر تغییر حاصل در رفتار در شرایطی غیر آنچه در آن تغییر ایجاد شده و در غیاب شخصی که موجبات تغییر را فراهم آورده است نیز رخ دهد، می‌توان گفت تثبیت و در موقعیت‌های دیگر گسترش یافته است. یعنی اگر رفتار مطلوب در زمان‌ها، مکان‌ها و رفتارهای دیگر تعمیم یابد می‌توان این تغییر را موفق و کارآمد به حساب آورد (سیف، ۱۳۷۳: ۳۴۸).

مجموعه شیوه‌های نگهداری و گسترش رفتارهای مطلوب در اصطلاح شیوه‌های تقویت نام دارد (همان، ۱۳۹۶: ۵۷۷). پیامدهایی که ارائه آن‌ها بعد از رفتار مطلوب موجب تثبیت یا افزایش رفتار می‌شود، تقویت‌کننده‌های مثبت^۱ نام دارند. تقویت‌کننده‌های مثبت چیزهای قطعی و مشخص نیستند که برای همه افراد در همه شرایط اثر تقویتی یکسانی داشته باشد؛ بلکه تقویت‌کننده‌های مختلف بر افراد مختلف تأثیرات متفاوت دارند. حتی تأثیر یک تقویت‌کننده واحد ممکن است بر یک فرد معین در شرایط مختلف متفاوت باشد. شناسایی انواع تقویت‌کننده‌ها، تغییردهنده رفتار را در استفاده درست و مؤثر از روش تقویت مثبت یاری می‌دهد. تقویت‌کننده‌ها گونه‌های مختلفی دارند که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به: تقویت‌کننده‌های نخستین، تقویت‌کننده‌های معاوضه‌ای یا پته‌ای، تقویت‌کننده‌های اجتماعی، تقویت‌کننده‌های فعالیتی، تقویت‌کننده‌های بازخوردی، تقویت‌کننده‌های بیرونی و درونی اشاره کرد (ر.ک: همان، ۱۳۷۳: ۲۸۴-۲۹۰).

استفاده مردم عادی از تقویت‌کننده‌ها در زندگی روزانه امری کاملاً طبیعی است و قبل از ابداع روان‌شناسان بین مردم تداول داشته است. نظریات روان‌شناسی به این روش‌ها نظام داده است تا هر روشی درست و بجا از آن استفاده شود تا تأثیر حداکثری را بر تغییر رفتار داشته باشد (همان: ۲۸۵). از این‌رو، در سیره امام رضا (علیه‌السلام)، مواردی در این گونه قابل شناسایی است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۲-۱. تقویت‌کننده‌های ثانوی

در طبیعت و فطرت انسان کسب منفعت وجود دارد. از این‌رو، آدمی هر چیزی را که برایش نفعی داشته باشد، طلب می‌کند. واضح است که قسمت عمده رفتار آدمیان برای جلب منفعتی است که با تقویت‌های ساده نخستین، تفاوت‌های بارزی دارد. به‌عنوان مثال، به‌دست آوردن پول و ثروت، خانه، رفاه، مرکب مناسب می‌تواند محرک‌هایی برای اکثر مردم باشد. چنین محرک‌هایی به‌صورت مستقیم هیچ‌گونه پیوندی با نیازهای فیزیولوژیکی ندارد. بر این اساس، بسیاری از روان‌شناسان به‌دنبال تقویت‌کننده نخستین، تقویت‌کننده‌های ثانوی را مطرح کرده‌اند (دیز و هالسی، ۱۳۷۰: ۵۰).

در سیره امام رضا (علیه‌السلام) می‌توان مواردی را مشاهده کرد که حضرت برای تثبیت مخاطبان خود به انجام رفتاری مطلوب یا تکرار آن، کوشیده از تقویت‌کننده‌های ثانوی بهره‌بردار. به‌عنوان مثال در روایتی امام

رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ به نقل از جد بزرگوارشان حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: هر کس ضمانت کند کاری را انجام دهد، من چهار نتیجه برای او تضمین خواهم کرد. آن کار صلهٔ رحم است که اگر چنین کند، خانواده‌اش او را دوست خواهند داشت، روزی‌اش توسعه داده می‌شود، عمرش طولانی و خداوند او را وارد بهشت موعود خواهد کرد (صحیفه الرضا، ۴۰۶: ق: ۵۶). در این روایت حضرت در راستای نهادینه کردن صلهٔ رحم، رفتار اخلاقی بنیادینی که خود سرمنشأ رفتارهای مطلوب دیگری نیز است، به چهار فایده اشاره کرده که فایده افزایش رزق و روزی و همچنین طولانی شدن عمر از جمله تقویت‌کننده‌های ثانوی است. در روایتی دیگر از امام علی بن موسی الرضا عَلَيْهِ السَّلَامُ به نقل از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است که: امت من تا زمانی که به یکدیگر محبت داشته، به همدیگر هدیه بدهند، امانت را ادا کنند و از حرام اجتناب کنند و مهمان را بزرگ بدارند و اقامه نماز و اعطای زکات و صدقه کنند همواره در خیر و خوشی خواهند بود، در غیر این صورت گرفتار قحطی و خشکسالی خواهند شد (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ق، ج ۲: ۲۹). در این روایت به قرینهٔ تقابلی که بین خیر و خوشی با قحطی و خشکسالی صورت گرفته منظور از خیر و خوشی رزق و روزی فراوان است. از این رو، مشاهده می‌شود که حضرت برای ترغیب مخاطبان خود به انجام چنین رفتارهایی سخن از فواید مادی طبیعی و اولیه به میان آورده است. البته حضرت در مقام بیان فواید چنین رفتارهای اخلاقی نبوده و فوایدی که در روایت آمده بخشی از منافع این رفتارهاست و فواید دیگری نیز می‌تواند مترتب بر این اعمال باشد.

۲-۲-۲. تقویت‌کننده‌های اجتماعی

تقویت‌کننده‌های اجتماعی به آن دسته از تقویت‌کننده‌ها گفته می‌شود که به وسیلهٔ دیگران و در یک موقعیت اجتماعی به فرد داده می‌شود (سیف، ۱۳۷۳: ۲۸۸). انسان دوست دارد که از طرف افرادی که برایش اهمیت دارند، مورد توجه و پسند قرار گیرد از این رو، توجه کردن، لبخند زدن، بوسیدن، بغل کردن و اظهارات محبت‌آمیز و ... این گونه افراد برای انسان جزو تقویت‌کننده‌های اجتماعی به‌شمار می‌آید.

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ وقتی رفتار خوبی را می‌دیدند، سریع تشویق می‌کردند و بازخورد مناسب می‌دادند. چراکه می‌دانستند تشویق باعث حس تعادل و ارزشمندی در فرد می‌شود و استعدادهای نهفته فرد را شکوفا می‌کند. ایشان با تشویق مهربانانهٔ خود استعداد امام جواد عَلَيْهِ السَّلَامُ را می‌خواستند شکوفا کنند. از زکریا بن آدم نقل شده است که می‌گوید: خدمت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ بودم که حضرت جواد عَلَيْهِ السَّلَامُ را نزد ما آوردند. او حدود چهار ساله بود، دست‌ها را بر زمین نهاد و سرش را به طرف آسمان بلند کرد و به فکر فرو رفت. امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ به او فرمود: جانم به فدایت باد در چه موضوعی چنین اندیشه می‌کنی؟ فرمودند: در آنچه نسبت به مادرم فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ انجام داده‌اند. به خدا قسم آن‌ها را از قبر بیرون می‌کشم و می‌سوزانم و

۱. «مَنْ ضَمِنَ لِي وَاحِدَةً ضَمِنْتُ لَهُ أَرْبَعَةً - يَصِلُ رَجْمُهُ فَيُحِبُّهُ أَهْلُهُ وَ يُوسِعُ عَلَيْهِ فِي رِزْقِهِ - وَ يُزَادُ فِي أَجَلِهِ وَ يُدْخِلُهُ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَهُ»
 ۲. «لَا تَزَالُ أُمَّتِي يَخْتَابُوا وَ تَهَادُوا وَ أَدُّوا الْأَمَانَةَ وَ اجْتَنَبُوا الْحَرَامَ وَ وَقَرُّوا الضَّيْفَ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ ابْتَلُوا بِالْقَحْطِ وَ السَّنِينِ.»

۲-۲-۳. تقویت‌کننده‌های پته‌ای یا معاوضه‌ای

پته به یک تکه کاغذ یا ستاره و... گفته می‌شود که پس از رفتار مطلوب شخص، به‌عنوان تقویت‌کننده به او داده می‌شود و شخص می‌تواند بعدها آن را با سایر تقویت‌کننده‌های مورد علاقه‌اش معاوضه کند؛ از این‌رو، می‌توان آن را تقویت‌کننده‌های معاوضه‌ای^۱ هم نامید (سیف، ۱۳۷۳: ۲۸۸). این تقویت‌کننده از آنجا که نیازی را ارضا می‌کند و موجب قوی‌تر شدن پاسخ می‌شود، می‌توان از مقوله پاداش^۲ نامید. در سیره حضرت می‌توان مواردی را برای این نوع تقویت‌کننده جست. در روایتی نقل شده است که وقتی در مرو مردم با حضرت به عنوان ولایت‌عهده‌ی بیعت کردند، دعبل خزاعی (ح ۱۴۸ - ۲۴۵ ق.) شاعر پرآوازه شیعی نزد حضرت مشرف شدند و اشعاری را در مدح اهل بیت علیهم‌السلام انشاد کرد که مطلع آن این است:

مدارس آیات خلت من تلاوة و منزل وحي مقفر العرصات^۳

حضرت در این هنگام برای اینکه این عملکرد مثبت او را تقویت کنند، به او ده هزار درهمی از درهم هائی که به دستور مأمون بر روی آنها نام حضرت ضرب شده بود صله دادند. به خاطر ویژگی ممتازشان (متبرک بودن و منقوش به نام حضرت بودن) این درهم‌ها، دعبل هر درهم را در قم با ده درهم مبادله و معاوضه کرد و این چنین ثروتی خوب به‌دست آورد (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۱۴۲).^۴ به‌خاطر صله و تقویتی که حضرت از قصیده دعبل داشت، وی از آن زمان به بعد به «شاعر آل محمد» شهرت یافت. درخور ذکر است که ظاهراً بر اساس برخی تحلیل‌ها تا قبل از این دیدار دعبل شخصیت منزلی داشت و برای تقرب جستن و أخذ هدیه و صله، سعی می‌کرد در مدح و قح افراد مختلف شعر انشاد کند، ولی بعد از این دیدار و رفتار حضرت با ایشان، به گفته برخی محققان: «قصیده تائیه و صله حضرت بر سرنوشت دعبل تا پایان عمر تأثیری بسزا نهاد و به مدح و هجو در شعر او به‌ویژه آن‌گاه که زبان تند و تیز او متوجه خلفا و کارگزاران خلافت می‌شد، جنبه عقیدتی داد» (ر.ک: آذرنوش، ۱۳۷۸، ج ۲۳: مدخل دعبل خزاعی).

۲-۲-۴. تقویت‌کننده‌های بازخوردی

اطلاعات حاصل از نتیجه اعمال که مبنای رفتارهای آتی را فراهم می‌سازد، بازخورد می‌گویند. بازخورد حاصل از نتایج اعمال فرد، به ویژه اگر بر پیشرفت او تأکید کند، نوعی تقویت‌کننده نیرومند است (فرمهبینی فراهانی، ۱۳۷۸: ۲۲۰). در واقع چون انسان‌ها از بدی و زشتی گریزان بوده و در پی خوبی‌ها و زیبایی‌ها هستند، از این‌رو وقتی فردی از آثار افعال و گفتار خود در آینده، مطلع باشد به انجام یا ترک آن رغبت و تمایل بیشتری خواهد داشت.

1. exchangeable reinforcers

2. reward

۳. محل دروین قرآنی از خواندن قرآن خالی شده بود و محل نزول وحی منزلگاهی بی‌کس، چونان بیابان‌های بی‌آب و علف خالی و بدون ساکن بود.
۴. «فَوَهَبَ لَهَا عَشْرِينَ أَلْفَ دَرَاهِمٍ مِنَ الدَّرَاهِمِ الَّتِي عَلَيْهَا اسْمُهُ كَانَ الْمَأْمُونُ أَمْرًا بِضَرْبِهَا فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ قَالَ فَأَمَّا دَعْبِلُ فَصَارَ بِالْعَشْرَةِ أَلْفِ الَّتِي حَصَّنَتْهُ إِلَى فَمَّ قَبَاعِ كُلِّ دَرْهَمٍ بِعَشْرَةِ دَرَاهِمٍ فَتَخَلَّصَتْ لَهُ مِائَةُ أَلْفِ دَرْهَمٍ»

امام رضا علیه السلام سفارش‌هایی را به یکی از اصحاب خود فرموده و در راستای تشویق وی به حفظ و گسترش رفتارهایی مطلوب، به‌ویژه پاسخ‌دادن بدی با نیکی و فاش نکردن عیوب دیگران به ایشان می‌فرماید که بازخورد چنین رفتارهایی اکتساب بهشت خواهد بود. ایشان به محمد بن ابی نصر فرمودند: صداقت و طلب روزی حلال و صلۀ رحم را پیشه خود کن و از افشاگری و فاش ساختن عیوب دیگر بپرهیز؛ زیرا ما اهل بیتی هستیم که در حق کسی که به ما بدی کرده نیکی می‌کنیم. به خدا قسم عاقبت این عمل را جز بهشت نمی‌دانیم (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰: ۳۶۷).

زکریا بن آدم بن عبدالله بن سعد اشعری قمی می‌گوید: «روزی با ناراحتی از دست اقوام و نزدیکان خود، خدمت امام رضا علیه السلام رفتم و به ایشان عرض کردم: آقا از جهل اطرافیان خود جانم به لب آمده و خسته شده‌ام؛ زیرا بیشتر آن‌ها جاهل و نادان هستند. به همین خاطر می‌خواهم از قم هجرت کرده و ایشان را ترک و از میان آن‌ها دور شوم.»

امام رضا علیه السلام برای اینکه به حضور پرثمر و مفید وی استمرار بخشد، بازخورد تصمیم و رفتار وی را به ایشان متذکر می‌شوند و می‌فرمایند: «ای زکریا! این کار را نکن، زیرا به‌واسطه تو در میان ایشان ممکن است شر گرفتاری و جهل از آن‌ها دفع شود؛ همچنان که به‌واسطه وجود پدرم موسی بن جعفر علیه السلام در بغداد شر بدی و گرفتاری از اهل بغداد دفع گردید» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۸۷). زکریا از نهی امام اطاعت کرد و اثر این حضور مفید زکریا در قم را می‌توان در دوران ۲۰ ساله امامت حضرت رضا علیه السلام مشاهده کرد. در این دوره که خیلی از فرقه‌ها از جمله واقفیه منکر امامت حضرت بودند، زکریا توانست در منطقه قم با هرگونه کج‌روی و انحراف اعتقادی مبارزه کند و جامعه را از آن بلای خانمان سوز در امان نگاه‌دارد.

۲-۲-۵. گسترش فراوانی رفتار با استفاده از اصل آسان‌سازی

گاهی اوقات افراد قادر به اعمال و رفتارهای مطلوب هستند اما جرئت انجام آن‌ها را به خود نمی‌دهند یا رغبتی به انجام آن‌ها ندارند. در این مواقع اگر شاهد انجام آن رفتار از سوی کسان دیگری باشند، خود به انجام آن رفتار راغب‌تر خواهند شد. از این‌رو، یکی از فواید الگوهای عملی این است که انجام رفتارهای مطلوب را برای دیگران آسان‌سازی می‌کنند (سیف، ۱۳۷۳: ۴۱۳).

برخورد محترمانه با همه انسان‌ها فارغ از رنگ، نژاد و صنف از جمله رفتارهای مطلوبی است که همگان توان انجام آن را دارند ولی صاحبان ثروت و قدرت به فرهنگی دامن زده‌اند که در آن فرهنگ نشست و برخاست با طبقات ضعیف جامعه کاری دشوار بوده و نوعی ضد ارزش تلقی می‌شود. به‌خاطر حاکم بودن چنین جو ناصحیحی خیلی از افراد به‌رغم شعار انسان‌دوستی و حقوق یکسان و برابر برای همه انسان‌ها در مقام عمل کم می‌آورند. امام رضا علیه السلام از آنجا که شخصیت کم‌نظیری در جامعه بودند تلاش کردند با عملیاتی کردن این شعار، انجام آن رفتار را در جامعه گسترش دهند. به روایت عبدالله بن صلت،

۱. «... وَ عَلَيْكَ بِالصَّدَقِ وَ طَلَبِ الْحَلَالِ وَ صَلَةِ الرَّحِمِ وَ إِيَّاكَ وَ مُكَاشَفَةَ الرِّجَالِ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَصْلِ مَنْ قَطَعْنَا وَ نُحْسِنُ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْنَا فَتَرَى وَ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا فِي ذَلِكَ الْعَاقِبَةِ الْحَسَنَةَ...»

از مردی از مردم بلخ که گفت: در مسافرت امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام به خراسان با او همراه بودم، روزی همگان را بر سر سفره فرا خواند و غلامان او از سیاه و غیر سیاه آمدند و بر سر سفره نشستند. به او گفتم: فدایت شوم، آیا بهتر نیست که برای اینان سفره‌ای جداگانه گسترده شود؟ گفت: «خاموش! خدای همه یکی است و مادر یکی و پدر یکی (پس تفاوتی نیست) و پاداش هر کس بسته به کردار اوست» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵: ۵۲۵).^۱

۲-۳. شیوه‌های کاهش یا حذف رفتار نامطلوب در سیره امام رضا علیه السلام

به‌طور کلی رفتارهای نامطلوب را از دو راه مستقیم و غیرمستقیم می‌توان کاهش داد. کاهش دادن غیرمستقیم به این شیوه است که از طریق جانشین ساختن رفتارهای مطلوب به‌جای رفتارهای نامطلوب، به‌تدریج می‌توان رفتارهای نامطلوب را کاهش داد و در نهایت حذف کرد. کاهش دادن مستقیم رفتارهای نامطلوب از طریق اعمال شیوه‌های کم و بیش آزارنده صورت می‌گیرد. به‌خاطر داشتن خاصیت انزجاری، به‌صورت کلی به این شیوه‌ها، شیوه‌های تنبیهی گفته می‌شود (سیف، ۱۳۷۳: ۳۷۲-۳۸۲).

در استفاده از شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم اولویت با شیوه‌های غیرمستقیم است و در صورتی که نتوان با شیوه‌های غیرمستقیم به نتیجه رسید باید به شیوه‌های مستقیم روی آورد. با این حال، ممکن است مواردی پیش آید که استفاده از روش‌های مستقیم کاهش رفتارهای نامطلوب اجتناب‌ناپذیر باشد. در سیره امام رضا علیه السلام نیز مواردی که در شیوه‌های ایجاد، نگهداری و گسترش رفتارهای مطلوب گذشت، می‌توانند همان کارکرد شیوه‌های غیرمستقیم را داشته باشند. بر این اساس، می‌توان گفت رویکرد اصلی حضرت در کاهش یا حذف رفتارهای نامطلوب، جایگزین ساختن آن‌ها با رفتارهای مطلوب بوده است و در گام‌های بعدی که شیوه‌های غیرمستقیم تغییر لازم را ایجاد نکردند، حضرت شیوه‌های مستقیم کاهش رفتارهای نامطلوب را هم به‌کار بسته‌اند. با جست‌وجو در منابع روایی گزارش‌کننده سیره امام رضا علیه السلام سه گونه از شیوه‌های کاهش یا حذف رفتار نامطلوب: کاهش رفتار با استفاده از بازداری، محروم کردن از تقویت مثبت و جبران کردن قابل شناسایی است که در ادامه ضمن توضیح کلی این شیوه‌ها با مثال‌هایی از سیره حضرت اشاره می‌شود.

۲-۳-۱. کاهش رفتار با استفاده از بازداری

اگر افراد الگویی را مشاهده کنند که به‌خاطر انجام رفتار نامطلوب یا تقویت دریافت نمی‌کند یا احیاناً تنبیه می‌شود، احتمال انجام آن رفتار از سوی مشاهده‌کننده کاهش می‌یابد. همچنین اگر عواقب نامطلوب رفتارهای نامطلوب را مشاهده کند باز منجر به کاهش انجام رفتار از سوی مشاهده‌کننده خواهد شد (سیف، ۱۳۷۳: ۴۱۴).

در ادبیات دینی از این روش به «عبرت‌گیری» یاد می‌شود. امام رضا علیه السلام در مواردی با فراهم کردن

۱. كُنْتُ مَعَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي سَفَرِهِ إِلَى خُرَّاسَانَ، فَدَعَا يَوْمًا بِمَائِدَةٍ لَهُ، فَجَمَعَ عَلَيْهَا مَوَالِيَهُ مِنَ السُّودَانِ وَ غَيْرِهِمْ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، لَوْ عَزَلْتَ هَؤُلَاءِ مَائِدَةً، فَقَالَ: «مَنْ، إِنَّ الرَّبَّ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - وَاحِدٌ، وَ الْأُمُّ وَاحِدَةٌ، وَ الْأَبُّ وَاحِدٌ، وَ الْجَزَاءُ بِالْأَعْمَالِ»

شرایط عبرت‌آموزی برای مخاطبان، کوشیده‌اند آنان را به عبرت‌گیری از سرگذشت افراد مختلف در طول زمان‌های گذشته و حتی زمان حال بکشانند. در روایت امام برای اینکه ابوهاشم را از رفتار نامطلوب همنشینی با گناهکاران و افراد دارای افکار منحرف، باز دارند به وی الگویی را در قوم موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ معرفی می‌کنند که او با اهل گناه مجالست داشت و عاقبتش هلاک شدن با بلای آن‌ها شد. روایت بدین شرح است که یکی از شاگردان امام به نام داوود بن قاسم معروف به ابوهاشم نقل می‌کند که امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ روزی گفت: تو را می‌بینم که با عبدالرحمان بن یعقوب همنشینی می‌کنی! ابوهاشم گفت: او دایی بنده است. امام فرمود: او درباره ذات خدا مطالبی می‌گوید، او خداوند را به وصف ناگفتنی توصیف می‌نماید (گویا شخص از مجسمه یا مشبیه بوده است) پس (اکنون اختیار با توست) یا با او همنشین شو و ما را واگذار یا با ما بنشین و او را ترک کن. عرض کردم: او هر چه می‌خواهد بگوید. وقتی من گفته‌های او را قبول ندارم به من زبانی نمی‌رساند. امام فرمود: آیا نمی‌ترسی از اینکه به او عذابی نازل گردد و هر دوی شما را فرا گیرد؟ آیا از این داستان آگاهی نداری که شخصی از یاران حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ بود ولی پدرش از یاران فرعون. هنگامی که سپاه فرعون به سپاه موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ رسید او نزد پدر خود رفت تا او را موعظه کند و به سپاه موسی ملحق سازد ولی پدرش به راه خود رفت و این جوان با او ستیزه می‌کرد که ناگاه بلای غرق شدن فرعونیان فرا رسید و آن پسر نیز همراه پدر غرق شد. وقتی این خبر به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ رسید فرمود: او در رحمت خداست ولی چون عذاب نازل گردد از آن کسی که نزدیک گنہکار است دفاعی نشود (کلینی، ۴۲۹ق، ج ۴: ۱۲۱-۱۲۲).^۱

۲-۳-۲. محروم کردن از تقویت مثبت

محروم کردن از تقویت مثبت^۲ به روشی گفته می‌شود که در آن فرد را به‌خاطر انجام رفتاری نامطلوب، برای مدتی معین، از فرصت دریافت تقویت محروم می‌کنند. این محروم کردن به دو صورت می‌تواند به وقوع بپیوندد: الف. یا فرد را از محیطی که در آن تقویت دریافت می‌کند بیرون می‌برند، ب. منبع تقویتی را از دسترسش دور می‌سازند (سیف، ۱۳۷۳: ۳۸۷). اگر فرد خاطی مستعد اصلاح باشد، این روش بسیار مناسب است، چرا که باعث می‌شود فرد متوجه خطا و اشتباهاتش شود. مردی در حضور حضرت از فرزند خود شکایت کرد، حضرت فرمود: فرزندت را نزن، برای ادب کردنش، از او قهر کن، ولی مواظب باش، قهرت طول نکشد و هرچه زودتر آشتی کن (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱: ۹۹).^۳

یکی از بهترین مثال‌ها برای این شیوه، ماجرای برخورد امام با جمعی است که بعد از ولایت‌عهدی به دیدار حضرت آمده بودند. آن‌ها خود را از شیعیان حضرت معرفی کرده بودند و اجازه ورود می‌خواستند. امام به خادم خود فرمودند: من امروز مشغول هستم آن‌ها را بگویند بروند. این اتفاق برای دو ماه طول

۱. «سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «مَا لِي رَأَيْتُكَ عِنْدَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ يَعْقُوبَ؟» فَقَالَ: إِنَّهُ خَالَي، فَقَالَ: «إِنَّهُ يَقُولُ فِي اللَّهِ قَوْلًا عَظِيمًا، يَصِفُ اللَّهَ وَ لَا يَوْصِفُ، فَإِنَّمَا جَلَسْتُ مَعَهُ وَ تَرَكْتَنِي، وَ إِنَّمَا جَلَسْتُ مَعَهُ وَ تَرَكْتَهُ». فَقُلْتُ: هُوَ يَقُولُ مَا شَاءَ، أَى شَيْءٍ عَلَيْهِ مِنْهُ إِذَا لَمْ أَقُلْ مَا يَقُولُ؟ فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَمَا تَخَافُ أَنْ تَنْزَلَ بِه نِقْمَةٌ، فَتُصِيبُكُمْ جَمِيعًا؟ أَمَا عَلِمْتَ بِالَّذِي كَانَ مِنْ أَصْحَابِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ...»

2. Timeout from positive reinforcement

۳. «قَالَ بَعْضُهُمْ شَكُوْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنِّي لِي، فَقَالَ: لَا تَضْرِبُهُ، وَ أَهْجِرُهُ وَ لَا تُطَلِّقْ»

کشید و هر بار حضرت به آن‌ها بی‌اعتنایی کرده و آن‌ها را باز می‌گرداندند. کار به جایی رسید که م‌ایوس شدند و به دربان گفتند به مولای ما بگو ما از شیعیان پدرت هستیم. ما را راه بدهید، اگر موفق به ملاقات شما نشویم، دیگر روی برگشتن به دیار خود را نداریم چون مردم ما را شماتت خواهند کرد. وقتی کار به اینجا رسید امام اجازه ورود دادند و آن‌ها از علت این برخورد امام با خودشان جویا شدند. امام در پاسخ آن‌ها فرمود: برای اینکه شما مدعی هستید که شیعیان امیرالمؤمنین هستید. وای بر شما شیعیان او حسن، حسین، ابوزر، سلمان، مقداد، عمار و محمد بن ابی بکر هستند که در هیچ جا با او مخالفت نکردند و اوامر و نواهی او را انجام دادند. شما ادعا دارید که از شیعیان آن‌ها هستید درحالی که در کارهای خود با آن‌ها مخالفت می‌کنید و در واجبات کوتاهی و درباره کمک به برادران خود سستی می‌کنید... شما بگویید ما از دوستان او هستیم، دوستان او را دوست می‌داریم و با دشمنان آن‌ها دشمنی می‌کنیم. من از این گفتار شما ناراحت نیستم ولی شما مقام بزرگی را ادعا می‌کنید و اگر گفتارتان با کردارتان مطابقت نکند هلاک می‌گردید (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۵: ۱۵۸).

همان‌طور که مشاهده می‌شود آن‌ها انتظار داشتند که وقتی خود را شیعه اهل بیت ع‌الیه‌السلام معرفی می‌کنند از طرف امام مورد استقبال گرم قرار گیرند ولی حضرت وقتی از آن‌ها رفتار نامطلوب یعنی ادعای تشیع بدون ولایت‌مداری و عمل را می‌بینند، آن‌ها را از حضور در محیطی که می‌توانند مورد تقویت قرار گیرند، محروم و از استقبال و تکریم خود محروم می‌کنند تا آن‌ها از این عملکرد خود دست بردارند. واضح است که به فیض ملاقات امام نائل نشدن برای کسی که شوق دیدار دارد به‌ویژه اگر به محضر امام نرسد از سوی دوستان و دشمنان شماتت خواهد شد، محرومیت و مصیبتی بس عظیم است.

روش محرومیت هر چند یکی از روش‌های ملایم کاهش رفتار است، با این حال، اگر با تقویت رفتارهای مطلوب جانشین رفتار نامطلوب همراه نشود، عاری از آثار بد جانبی نخواهد بود. از این‌رو، در استفاده از روش محرومیت، بهتر است اولاً موقت بوده و ثانیاً همزمان با محروم‌سازی، رفتار مطلوب دیگری جایگزین شده و مورد تقویت قرار گیرد. از این‌رو، در ادامه روایت آمده است که حضرت آن‌ها را به حضور پذیرفته و کوشش می‌کنند رفتار جایگزینی (محب بودن) را به آن‌ها نشان دهند. وقتی آن‌ها به اشتباه خود پی بردند و گفتار خود را تصحیح کردند، این عملکرد از طرف امام مورد تقویت قرار گرفت. بدین صورت که حضرت آن‌ها را تکریم کرد و بالای مجلس نشاند و از آن‌ها پذیرایی و به خادم خود سفارش کردند به هر اندازه که آن‌ها آمده و اذن ملاقات داده نشده بودند به زیارت آن‌ها بروند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۵: ۱۵۸).

نکته حائز اهمیت در تنبیه ایشان در این روایت این است که دلیل تنبیه کردن را به افراد خاطی اعلام کردند و این مهم است که افراد بدانند به چه دلیل مورد تنبیه قرار می‌گیرند؟ این گونه تنبیه کردن امام باعث اشتیاق افراد به دوری از گناه و انجام کار حسنه بین افراد می‌شد. نکته مهم دیگر در این بحث

۱. «إِنَّ قَوْمًا بِالْبَابِ يَسْتَأْذِنُونَ عَلَيْكَ يَقُولُونَ نَحْنُ شِيعَةُ عَلِيٍّ فَقَالَ ع‌الیه‌السلام أَنَا مَسْغُولٌ فَأَصْرِفْهُمْ فَصَرَفَهُمْ ...»

اندازهٔ تنبیه است. تنبیه نباید بیش از توان فرد خاطی باشد. امام رضا علیه السلام بسیار ماهرانه برای تنبیهات خود زمان‌بندی خاصی قائل می‌شدند و از آن فراتر نمی‌رفتند. همچنین ایشان می‌دانستند تنبیه زمانی اثر بیشتری دارد که فرد احساس ارزشمندی و عزت نفس خود را از دست ندهند و این نیازمند ایجاد یک رابطهٔ مطلوب با فرد خاطی همراه با حس عزت نفس در اوست. امام در این روایت به خوبی حس ارزشمندی و عزت نفس را بعد از تنبیه به فرد خاطی هدیه می‌کند.

۲-۳-۳. جبران کردن

در روش جبران کردن با روش جبرانی،^۱ وقتی که انسان مرتکب رفتاری نامطلوب یا خلاف می‌شود، از او خواسته می‌شود تا با قبول مسئولیت برای جبران عمل خلاف خود آن را اصلاح کند (سیف، ۱۳۷۳: ۳۹۰). در سیرهٔ حضرت موارد متعدد استفاده از این روش قابل مشاهده است. حضرت آثار، پیامدهای ناگوار و مضر رفتارهای نامطلوب را به مخاطبان خود گوشزد و در مواردی مسیر اصلاح آن رفتار نامطلوب و جایگزینی برای تغییر آن، ارائه کرده و از افراد می‌خواستند تا در صدد جبران برآیند. در ادامه مواردی از باب مثال ذکر می‌شود:

دربارهٔ حذف رفتار بخیلانه و جایگزین کردن آن با رفتار سخاوتمندانه می‌توان به روایتی از کافی کلینی به نقل از ابی نصر در نامه‌ای که آن را منتسب به امام رضا علیه السلام می‌داند، اشاره کرد. در این نامه آمده است که: در نامه‌ای که ابوالحسن الرضا علیه السلام به فرزندش ابوجعفر امام جواد علیه السلام نوشته بود، چنین خواندم: فرزندم ابوجعفر! به من خبر رسید که هنگام خروج از منزل، غلامان و خدمتکاران، درب کوچک منزل را می‌گشایند و همراه تو از منزل خارج می‌شوند. این کار آنان به خاطر پستی و تنگ‌چشمی آنان است تا با مستمندان مواجه نشوی و خیر تو به آنان نرسد. از تو درخواست می‌کنم و تو را به آن حقی که بر گردنت دارم سوگند می‌دهم که ورود و خروج تو، همیشه از درب بزرگ باشد و چون بخواهی بر مرکب سوار شوی همراه خود مقداری سکه طلا و نقره بردار و هر کس دست مسئلت دراز کند، او را از عطای خود بهره‌مند ساز. ... من با این توصیه و سفارش می‌خواهم که خداوند - عز و جل - قدر منزلت تو را رفیع سازد. در راه خدا اتفاق کن و هراسی به خود راه مده که خداوند عرش بزرگ تو را به تنگدستی گرفتار نخواهد کرد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۷: ۳۱۱-۳۱۲).^۲

در این روایت امام علیه السلام بازخورد رفتار غلامان و خدمتکاران (ورود و خروج از درب غیر رسمی) را به فرزندشان متذکر گشته و می‌فرماید این کار از پستی و تنگ‌چشمی آنهاست که در صورت تکرار ممکن است به تو هم سرایت کند و به این شکل از فرزندشان می‌خواهند که این رفتار خود را تغییر دهند و رفتار جایگزین یعنی عبور و مرور به منزل از درب اصلی را سرلوحه خود قرار داده و گذشته را جبران کنند. همچنین در ذیل روایت بازخورد رفتار کریمانه حضرت با فقرا و مستمندان را ترسیم کرده

1. Restititional

۲. «قَرَأْتُ فِي كِتَابِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «بَا أَبَا جَعْفَرٍ، بَلَّغْنِي أَنَّ الْمَوْلَى إِذَا رَكِبْتَ، أَخْرَجُوكَ مِنَ الْبَابِ الصَّغِيرِ، فَإِنَّمَا ذَلِكَ مِنْ بَحْلِ مِنْهُمْ لِنَيْلِ مَنَّا أَحَدَ خَيْرًا، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّي عَلَيْكَ لَا يَكُنْ مَدْخَلَكَ وَ مَخْرَجَكَ إِلَّا مِنَ الْبَابِ الْكَبِيرِ...»

که این نیز مشوقی برای حرکت و عمل به این توصیه‌هاست.

مثال دیگر درباره حذف رفتار اشتباه (تعیین نکردن دستمزد کارگر) و جایگزین کردن آن با رفتار صحیح (تعیین کردن دستمزد کارگر قبل از شروع به کار) است که حضرت از این روش جبرانی بهره جسته است. در روایتی آمده است که روزی امام علیه السلام وارد منزل می‌شوند و مشاهده می‌کنند که غلامان به کار بنایی مشغول هستند و در جمع آن‌ها فرد غریبه‌ای نیز هست. حضرت از غلامان درباره هویت آن فرد سؤال می‌کنند که در پاسخ، آن‌ها عرض کردند: به ما کمک می‌کند و مزدی به او خواهیم داد. حضرت در ادامه می‌پرسند: دستمزدش را تعیین کرده‌اید؟ آن‌ها گفتند: خیر، هر مقدار که به او بدهیم راضی می‌شود. حضرت ناراحت می‌شوند و در تبیین پیامد این رفتار اشتباه یعنی تعیین نکردن دستمزد قبل از شروع به کار می‌فرمایند: «بدان و آگاه باش هر کارگری که بدون تعیین مزد، کاری برای تو انجام دهد، اگر سه برابر آنچه مزدش است به او پرداخت کنی، باز هم این گمان را خواهد داشت که از اجرتش کاسته شده است». با این تبیین پیامد زمینه حذف این رفتار نامطلوب را فراهم می‌سازد.

سپس در ادامه در تبیین بازخورد رفتار صحیح و تعیین کردن مزد کارگر قبل از شروع به کار می‌فرمایند: «هنگامی که مزدش را تعیین کنی، سپس آن مزد را پرداخت کنی، تو را به خاطر وفای به عهده می‌ستاید و اگر ذره‌ای بر آنچه تعیین کرده بودی بیفزایی، آن را می‌داند و می‌فهمد که تو افزوده‌ای» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۲۱۲)^۱ و این چنین از آن‌ها می‌خواهد که در مقام جبران برآیند.

۳. نتیجه‌گیری

با بهره‌گیری از ساختار کلی و طبقه‌بندی شیوه‌های تغییر رفتار در نظریات رفتار درمانی می‌توان گونه‌شناسی ذیل را از کاربری شیوه‌های تغییر رفتار در سیره رضوی ارائه کرد:

در سیره گزارش شده از امام رضا علیه السلام در مقام ایجاد افکار، بینش و رفتارهای صالح و مطلوب در جامعه انسانی، شیوه بازسازی شناختی از رهگذر مثال ایجاد بینش خدامحوری به‌عنوان مبنای کارها و افعال انسانی و همچنین شیوه آموزش به افراد از طریق یادگیری مشاهده‌ای از رهگذر مثال‌های حوزه عبادات دینی مانند تلاوت قرآن و همچنین صرفاً به فکر خود نبودن و دغدغه‌مندی و رسیدگی به طبقات و افراد ضعیف و محروم و زیردست جامعه، قابل شناسایی است.

در سیره رضوی برای تثبیت رفتارهای صالح و مطلوب و همچنین تعمیم و گسترش آن‌ها در زمان‌ها و مکان‌های دیگر، استفاده از تقویت‌کننده‌های نخستین از رهگذر مثال توسعه روزی و طولانی شدن عمر برای صلۀ رحم‌کننده، تقویت‌کننده‌های اجتماعی از رهگذر مثال تشویق عاطفی امام جواد علیه السلام به خاطر سخنانش، تقویت‌کننده‌های معاوضه‌ای از رهگذر مثال هبه و پژوهی که به دعبل به‌خاطر سرودن اشعاری ولایی، تقویت‌کننده‌های بازخوردی از رهگذر بازخورد رفتار سخاوتمندانه و بخیلانه و پاسخ دادن بدی با نیکی و گسترش فراوانی رفتار با استفاده از اصل آسان‌سازی از رهگذر مثال محترم شمردن تمامی

۱. «... فَنظَرَ إِلَى غُلَامَانِهِ يَمْشُونَ بِالْبَطِينِ أَوَارَى الدَّوَابِّ وَ غَيْرَ ذَلِكَ وَ إِذَا مَعَهُمْ أَسْوَدُ لَيْسَ مِنْهُمْ فَقَالَ مَا هَذَا الرَّجُلُ مَعَكُمْ قَالُوا يُعَاوَنَتْنَا وَ نُعْطِيهِ شَيْئاً قَالَ قَاطَعْتُمُوهُ عَلَيَّ أَجْرْتَهُ فَقَالُوا لَا هُوَ يَرْضِي مِنَّا بِنَا نَعْطِيهِ فَأَقْبَلَ عَلَيْهِمْ يَضْرِبُهُمُ بِالسَّوْطِ وَ غَضِبَ غَضَباً شَدِيداً ...»

انسان‌ها بدون توجه به رنگ پوست و نژاد آن‌ها گزارش شده است. در سیره حضرت علی بن موسی علیه السلام برای حذف و کاهش دادن رفتارهای نامطلوب علاوه بر اینکه حضرت تلاش می‌کردند با ایجاد و ترویج رفتارهای مطلوب و جانشین ساختن آن‌ها به جای رفتارهای نامطلوب از حجم آن‌ها بکاهند؛ استفاده از شیوه‌های کاهش رفتاری با استفاده از بازداری از رهگذر نمونه منع همشینی یکی از اصحاب با گناهکاران، محروم کردن از تقویت مثبت از رهگذر نمونه اجازه حضور ندادن به جمعی از محبان مدعی تشیع و جبران کردن از رهگذر نمونه نامه به فرزندشان مینی بر پیشه گرفتن رفتار سخاوتمندانه، گزارش شده است.

منابع

قرآن کریم.

- آذرنوش، آذرتاش؛ بهرامیان، علی. (۱۳۸۵). «دعبل خزائی». *دایره‌المعارف بزرگ اسلامی*. ج ۱۵. به کوشش کاظم بجنوردی. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۶). *الأمالی*. تهران: کتابچی.
- _____ (۱۳۷۸ق). *عیون أخبار الرضا*. تهران: جهان.
- احمدی، جمشید. (۱۳۷۱-۱۳۷۲). «رفتاردرمانی و زیست رفتار درمانی: مقایسه دو نظریه». *علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*. پاییز ۱۳۷۱ و بهار ۱۳۷۲. شماره ۱۵ و ۱۶. صص: ۱۳۹-۱۵۲.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیه السلام.
- حمیری، عبد الله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). *قرب الإسناد*. قم: الحدیثه.
- دیز، جیمز؛ هالسی، استورات. (۱۳۷۰). *روان شناسی یادگیری*. مترجم: محمدنقی براهنی. تهران: جویا.
- سجادی، سیدجمال‌الدین؛ اسماعیلی کریزی، غلامعلی. (۱۳۹۶). «مفهوم‌شناسی تطبیقی تقویت از دیدگاه رفتارگرایی و قرآن کریم». *معرفت*. سال ۲۷، پیاپی ۲۴۶. صص: ۵۳-۶۲.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۶). *روان شناسی پرورشی نوین*. تهران: دوران.
- _____ (۱۳۷۳). *تغییر رفتار و رفتار درمانی: نظریه ها و روش ها*. تهران: دانا.
- شعاری‌نژاد، علی اکبر. (۱۳۸۰). *نگاهی نو به روان شناسی آموختن یا روان شناسی تغییر رفتار*. تهران: چاپ پخش.
- صحیفه الإمام الرضا علیه السلام*. (۱۴۰۶ق). تحقیق و تصحیح: محمد مهدی نجف. مشهد: کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام.
- صفری فروشانی، نعمت الله؛ بختیاری، زهرا. (۱۳۹۱). «رفتارشناسی امام رضا علیه السلام در جریان غلو». *تاریخ اسلام*. سال ۱۳. شماره ۵۲. صص: ۹۵-۱۳۰.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). *مجمع البیان لعلوم القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طبری املی صغیر، محمد بن جریر بن رستم. (۱۴۱۳ق). *دلائل الإمامة*. قم: بعثت.
- طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- فاطمی، ماجده سادات. (۱۳۸۸). «بررسی روش‌های تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه قرآن و مقایسه آن با مکتب رفتارگرایی». *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه علامه طباطبایی.
- فرمهبینی فراهانی، محسن. (۱۳۷۸). *فرهنگ توصیفی علوم تربیتی*. تهران: اسرار دانش.
- کدیور، پروین. (۱۳۹۲). *روان شناسی یادگیری*. تهران: سمت.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۳۹ق). *الکافی*. قم: دار الحدیث.
 مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). *الاختصاص*. محققان: علی اکبر غفاری، محمود محرمی زرندی. قم: المؤتمر العالمی
 لألفیة الشيخ المفید.
 موسوی، سید ابوالقاسم. (۱۳۹۷). «روش‌های تربیتی امام رضا(علیه‌السلام)». رساله دکترا. دانشگاه فردوسی مشهد.

References

The Holy Quran.

- Azarnoosh, Azar Tash; Bahramian, Ali. (2006). “*Deabel Khoza'i*”. Great Islamic encyclopedia. V. 15. With the efforts of Kazem Bojnurdi. Tehran: The center for the Great Islamic Encyclopedia. [In Persian]
- Ibn Babuyeh, Muhammad bin Ali. (1997). *Al-Amali*. Tehran: Katabchi. [In Arabic]
- Ibn Babuyeh, Muhammad bin Ali (1958). *Oyun Akhbar Al-Reza*. Tehran: Jahan Publishing. [In Arabic]
- Ahmadi, Jamshid. (1371-1372). “*Behavior therapy and biobehavioral therapy: a comparison of two theories*”. Social Sciences and Humanities of Shiraz University. Autumn 1992 and Spring 1993. No. 15 and 16. pp. 139-152. [In Persian]
- Hurr Ameli, Muhammad bin Hassan. (1988). *Wasayil Al-Shia*. Qom: The institution of the Al-Bayt peace be upon them. [In Arabic]
- Himyari, Abdullah bin Jaafar. (1992). *Qurob al-Esnad*. Qom: Al-Hadithah. [In Arabic]
- Deese, James; Halsey, Stuart. (1992). *Psychology of learning*. Translator: Mohammad Naghi Brahani. Tehran: Joya. [In Persian]
- Sajjadi, Seyed Jamaluddin; Ismaili Krizi, Gholam Ali. (2016). “*Comparative conceptualization of reinforcement from the perspective of behaviorism and the Holy Quran*”. Knowledge, Year 27. Series 246. pp: 53-62. [In Persian]
- Saif, Ali Akbar. (2017). *Modern educational psychology*. Tehran: Duran. [In Persian]
- Saif, Ali Akbar. (1994). *Behavior Change and behavior therapy: theories and methods*. Tehran: Dana. [In Persian]
- Shoari-nejad, Ali Akbar. (2001). *A new look at the psychology of learning or the psychology of behavior change*. Tehran: Printing Press. [In Persian]
- Sahifa Al-Imam Al-Reza (peace be upon him)*. (1985). Research and correction: Mohammad Mehdi Najaf. Mashhad: World Congress of Hazrat Reza (peace be upon him). [In Arabic]
- Safari Forushani, Nematullah; Bakhtiari, Zahra. (2012). “*Behavior of Imam Reza (a.s.) in the course of excesses*”. history of Islam. Year 13. Number 52. pp: 95-130. [In Persian]

- Tabatabaei, Mohammad Hossein. (1996). *Al-Mizan fi Tafsir Al-Qur'an*. Qom: Islamic Publications Office of the Islamic Seminary Society. [In Arabic]
- Tabarsi, Fazl bin Hassan. (1993). *Majma Al-Bayan le Ulum Al-Qurani*. Tehran: Naser Khosraw. [In Arabic]
- Tabari Amoli Saghir, Muhammad bin Jarir bin Rustam. (1992). *Dalayil Al-Imamate*. Qom: Bethat. [In Arabic]
- Tusi, Muhammad bin Al-Hassan. (1986). *Tahdhib Al-Ahkam*. Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyah. [In Arabic]
- Fatemi, Majdeh Sadat. (2009). “*Investigating the methods of encouragement and punishment in Islamic education and training from the perspective of the Qur'an and comparing it with the school of behaviorism*”. Master's thesis. Al-lamah Tabatabaei University. [In Persian]
- Farahini Farahani, Mohsen. (1999). *Descriptive culture of educational sciences*. Tehran: Asrar Danish. [In Persian]
- Kadivar, Parvin. (2013). *Psychology of learning*. Tehran: Samt. [In Persian]
- Al-Kulayni, Muhammad bin Yaqub. (2008). *Al-Kafi*. Qom: Dar Al-Hadith. [In Arabic]
- Majlisi, Muhammad Baqir. (1982). *Bihar Al-Anwar Al-Jamiea le dorar Akhbar Al-Ayimih Al-Athar*. Beirut: Dar ehya' Al-Turath Al-Ariby. [In Arabic]
- Mofid, Muhammad bin Muhammad. (1992). *Al-Ekhtesas*, Researchers: Ali Akbar Ghafari, Mahmoud Moharrami Zarandi. Qom: The International Alfieya Al-Sheikh Al-Mofid Conference. [In Arabic]
- Mousavi, Seyyed Abulqasem. (2018). “*Educational methods of Imam Reza (a.s.)*”. PhD thesis. Mashhad Ferdowsi University. [In Persian]
- Bendura, A. (1977). *Social learning theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- Reese, E.P. (1978). *Human behavior: Analysis and application* (2nd Ed.). Dubuque, Iowa: WM. C. Brown Company.



Analysis of the Content of the Speeches of Razavi Holy Shrine in the Decade of Dignity

Hamid Masoudi¹, Raha Shekofte², Mohammad Hosein Mohammad Zade³

1. Assistant Professor, Department of Sociology, University of Birjand, Birjand, Iran (Corresponding Author): hmdmasoudi@birjand.ac.ir

2. PhD in Economic Sociology and Development, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran: rshekofte78@gmail.com

3. PhD in Quranic Sciences and Hadith, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran: M.h_1346@Yahoo.com

Article Info

Abstract

Article Type:

Research Article

Article History:

Received:

April 16, 2024

In Revised Form:

September 10, 2022

Accepted:

May 17, 2024

Published Online:

May 21, 2024

Keywords

This article has been done in order to examine the content of the speeches of the shrine in the decade of dignity. Its analysis is based on the three key dimensions of the Islamic revolution, religious culture and Razavi culture, using 59 lectures and a codebook. The method used in this study is content analysis. The findings show that 80% of the lectures are suitable for content analysis. The most lectures in Imam Khomeini's portico were given by Mr. Mandegari and Mr. Aali with an average duration of 31 minutes. About 80% of the lectures were public and 20% were only for women. In general, the most attention is paid to the religious culture index with 69%, followed by the Islamic Revolution index with 19% and the Razavi culture index with 11%. The most repeated dimensions in the speeches of the Decade of Dignity are: Religious education from the perspective of Islam, dignity and freedom, the role of knowledge in pilgrimage, human dignity in the Qur'an, hypocrisy and hypocrites in Islam, forgiveness and altruism, mother's position in education, kindness and behavioral kindness, the position of Haḍrat Masoumeh (as), knowledgeable kindness and love, the position of Imam's descendants (Imam Zādegan), the model of not following the arrogant, compassion and Jihadi management, the relationship between religion and politics, interaction with the deprived, work and entrepreneurship in Islam, protection of Islamic unity, resistance economy, economic and constitutional way and Sheikh Fazlullah; Therefore, it has been concluded that the dispersion of the content of the lectures is high, and on the other hand, some speakers have also tried to develop the scope of their concepts. Some have given short and some long speeches.

Speech, Decade of Dignity, Sermon, Aḥsan Quds Razavi, Content Analysis, Imam Riḍā (as).

Cite this The Author (s): Masoudi, H., Shekofte, R., Mohammad Zade, M., (2024). Analysis of the Content of the Speeches of Razavi Holy Shrine in the Decade of Dignity: Quarterly Scientific Journal of Farhang Razavi Year 12, Issue 1, Spring 2024, Serial Number 45- (83-112)- . [DOI:10.22034/farzv.2022.347860.1779](https://doi.org/10.22034/farzv.2022.347860.1779)



problem statement

This paper explores the enduring influence of religious speeches in the contemporary age. Despite the proliferation of technology and various communication channels, evidence from psychology and sociology suggests that face-to-face preaching remains a potent tool for transmitting information, particularly on religious matters (Anschel & Smith, 2014).

Religious leaders, empowered by their connection to faith communities and expertise in religious texts, hold a unique position. Their regular sermons and public appearances cultivate social trust and spiritual authority, granting them significant influence over the thoughts and behaviors of believers (Jawaheri et al., 2015). Religious speech, a practiced art and technique, demonstrably impacts society. Due to its focus on the auditory modality, it can be argued to hold a greater sway over audiences compared to visual media (further research is needed to explore this point). Analyzing the content of such speeches is crucial for understanding their impact.

This study focuses on the speeches delivered at Aṣṭan Quds Razavi, a prominent organization within the Shi'a world known for disseminating the teachings of Imam Reza. Given its esteemed position, Aṣṭan Quds Razavi prioritizes the content of its sermons. This research specifically analyzes speeches delivered during the "Decade of Dignity" observances, aiming to identify the thematic content and its potential effects.

Research method

This study employed content analysis to examine speeches delivered during the 2016 commemoration decade of Imam Reza's shrine (Motahar Razavi). Content analysis is a systematic research method used to extract and analyze data from textual materials (Krippendorff, 2018). It allows researchers to describe communication content, infer meaning, and understand the context of communication production and reception.

The research population encompassed all speeches delivered during the commemoration period, totaling over 59. Due to the manageable sample size, a census approach was adopted, analyzing all speeches rather than employing sampling techniques.

Reliability, a cornerstone of rigorous research, was assessed following data collection. In content analysis, coder agreement is a key indicator of reliability. This study utilized the Kappa coefficient to evaluate coding consistency across different stages.

The developed codebook included 20 thematic categories classified under three overarching themes: Razavi culture, religious culture, and the Islamic Revolution. Additionally, descriptive data was collected on various speech characteris-

tics, including date, speaker name, duration, location, audience gender, and topic. This codebook was provided by the research sponsor.

Research findings

Content Analysis of Speeches Delivered During the keramat Decade

This section presents a descriptive analysis of the examined speeches.

Speech Categorization: The speeches were categorized into two main groups: relevant and irrelevant to the Decade of Dignity theme. Irrelevant speeches included those containing extraneous sentences, question-and-answer segments, or content unrelated to the commemoration. Approximately 80% of the speeches ($n > 47$) satisfied the criteria for content analysis, while the remaining 20% ($n < 12$) were excluded due to thematic irrelevance.

Speech Duration: The average speech duration was 31 minutes, falling within a moderate range. Speech lengths varied, with the shortest recorded at 12 minutes and the longest at 50 minutes.

Speaker Analysis: Speaker delivery times were also analyzed. Some speakers, including Aminnia, Tolai, Helvaian, Rafiei, Farazinia, Golzadeh, Ganji, Loqmani, and Mandazi, tended to deliver shorter speeches in most cases. Conversely, speakers such as Mediz, Heydarzadeh, Aali, Mandadi, Mahdovina, Mirhosseini, and Nejati were more likely to deliver longer lectures. Notably, Mr. Mandaghad presented speeches across all three observed time categories (short, medium, long).

Speech Location: The location of speech delivery was documented. The majority (34%) of speeches were held in the Imam Khomeini portico. Other locations included the Awan Maqsoura (21%), Jame Razavi Sahn (19%), Dar al-Hikma portico (17%), and Sahneh El-Heglab (8%).

Audience Demographics: Audience demographics were also examined. Roughly 80% of the speeches were delivered to public audiences, while the remaining 20% were targeted specifically towards women.

Thematic Analysis: Thematic content analysis focused on three primary dimensions: Razavi culture, religious culture, and the Islamic Revolution. Razavi Culture: The most frequently addressed concepts within the Razavi culture dimension were: Exemplar of forgiveness and altruism displayed by the Ahl al-Bayt (39%); Expressions of love and kindness in the conduct of Imam Reza (31%); Role of Imam Reza as a descendant of Prophet Muhammad (12%); Kindness in leadership and social justice (12%); Interaction of Imam Reza with the underprivileged (11%); Imam Reza's role in preserving Islamic unity (5%); Economic life of Imam Reza (less than 1%).

Religious Culture: The most prominent themes within the religious culture dimension were: Religious education in Islam (53%) Importance of knowledge

during pilgrimage (11%) Human dignity in the Quran (10%) Hypocrisy in Islam (8%) Role of mothers in education (5%) Significance of Prophet Razavi (4%) Importance of kindness and compassion (4%) Role of Imamzadegan (3%) Work ethic and entrepreneurship in Islam (1%) Resistance economy (less than 1%).

Discussion and conclusion

This study analyzed the content of speeches delivered at a shrine during the “Decade of Dignity.” Eighty percent of the identified lectures were deemed suitable for content analysis. A majority of the lectures were delivered by Mr. Mandadi and a prominent professor. The average speech duration was 31 minutes, with most delivered in Imam Khomeini’s portico. Public lectures comprised 80% of the sample, with the remaining 20% targeted solely towards women.

Thematic analysis revealed that concepts related to Razavi culture were most prominent. These focused on the Ahl al-Bayt (peace be upon them), models of forgiveness and altruism, and characteristics of love and kindness exemplified by Imam Reza and scholarly figures from the Prophet Muhammad’s family. Within the religious culture index, the most frequently addressed topics were the model of compassion in life and jihadi management, religious education from an Islamic perspective, the role of knowledge in pilgrimage, and human dignity as reflected in the Quran. The Islamic Revolution index primarily focused on themes of dignity and freedom, the model of disobeying the arrogant, and the relationship between religion and politics.

Overall, the religious culture index received the most attention (69%), followed by the Islamic Revolution index (19%) and the Razavi culture index (11%). The most frequently recurring themes included religious education from an Islamic perspective, dignity and freedom, the role of knowledge in pilgrimage, human dignity in the Quran, hypocrisy and hypocrites in Islam, forgiveness and altruism, the role of mothers in education, behavioral kindness, the status of Hazrat Reza, kindness and loving-kindness, the role of Imams, the model of disobeying the arrogant, compassion and jihadi management, the relationship between religion and politics, interaction with the disadvantaged, work and entrepreneurship in Islam, protection of Islamic unity, resistance economy, Islamic lifestyle (economic and constitutional), and the legacy of Sheikh Fazlullah.

References

- Eftekhari, Asghar & Nahazi, Gholamhossein (1389). “Public security in the thoughts and statements of the Supreme Leader”. *Law enforcement knowledge*, Autumn 2019, period 12, number 3 (series 48), pp. 7-49.
- Afkhami, Ali; Abedini, Cyrus; Mahmoudi Bakhtiari, Behrouz (2017). “Critical discourse analysis of Donald Trump’s speeches on immigrants”. *Sociolinguistics*,

second year, number 1, Summer 2017, pp. 51-61.

Anshel, MH & Smith, M. (2014). The role of religious leaders in promoting healthy habits in religious institutions. *Journal of religion and health*, 53(4), 1046-1059.

Ishani, Tahereh & Nemati Qazvini, Masoumeh (2013). "Analysis of Hazrat Zainab's sermon in Kufa based on Searle's speech act theory". *The ship*, The twelfth year special for hadith, number 45, Winter 2013, pp. 25-52.

Burden, Lawrence (1374). *Content analysis*. Translated by Maleeha Ashtiani and Mohammad Yemeni Dozi Sorkhabi. Tehran: Shahid Beheshti Publications.

Pahlavannejad, Mohammad Reza & Rajabzadeh, Mehdi (1389). "Textual analysis of Imam Reza's pilgrimage based on speech act theory". *Philosophy and Kalam (Islamic Studies)*, Fall and winter 2019, period 42, number 85, pp. 37-54.

Javaheri, Fatima; Serajzadeh, Seyed Hossein; Urei, Niloufer (2015). "Sociological analysis of religious propaganda's orientation towards health; Subject of study: Missionaries and audience of religious lectures in Qom city". *Culture strategy*, number 33, Spring 2015, pp. 67-91.

Rife, Daniel; Lacey, Stephen; Fico, Frederic J. (2014). *Analysis of media messages (application of quantitative content analysis in research)*. Translated by Boroujerdi Alavi. Tehran: Soroush Publications.

Intellectual, Cobra & Mohammadi Rakati, Danesh (1388). "Analysis of the literary discourse of Hazrat Zainab's sermons". *The ship*, Spring 2018, period 6, number 22 (Hazrat Zainab), pp. 127-149.

Elzin, Hatem (2015). "Using rhetorical triangle in the speeches of the Secretary General of Hezbollah, Seyyed Hassan Nasrallah". *World media magazine - Persian version*, number 21, Spring and summer 2015, pp. 30-51.

Ayin al-Din, Abbas & Poural, S. Eid (2018). "Analysis of the qualitative content of the speeches of the head of the 19th government (Hasan Rouhani) at the United Nations with an inductive approach". *Research is an opinion*, number 26, pp. 35-58.

Fawzi, Yahya; Hassanpour, Saber; Alizadeh Silab, Qudsi (2014). "Statistical and content analysis of Imam Khomeini's (RA) speeches in 1341-1368". *Islamic Revolution Studies*, number 43, Winter 2014, pp. 179-192.

Krippendorff, Kloss (1378). *Content analysis*. Translated by Houshang Naibi. Tehran: Rosh Publications.

Lal Alizadeh, Mohammad; Motahari, Ali; Mirzakhani, Abed (2019). "Leadership governance model; Analysis of the content of Nowruz speeches in the first two terms of the presidency, 2004 and 2012". *Social theories of Muslim thinkers*, period 10, number 1 (consecutive 18), pp. 83-10



تحلیل محتوای سخنرانی‌های حرم مطهر رضوی در دهه کرامت

حمید مسعودی^۱، رها شکفته^۲، محمدحسین محمدزاده^۳

hmdmasoudi@birjand.ac.ir

rshekoft78@gmail.com

M.h_1346@Yahoo.com

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه:

۲. دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه:

۳. دکترای علوم قرآن و حدیث، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. رایانامه:

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۸	این مقاله به‌منظور بررسی محتوای سخنرانی‌های حرم در دهه کرامت انجام گرفته است. تحلیل آن بر اساس سه بعد کلیدی انقلاب اسلامی، فرهنگ دینی و فرهنگ رضوی و با استفاده از ۵۹ سخنرانی و یک کدنامه انجام شده است. روش استفاده‌شده در این بررسی تحلیل محتواست. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۸۰ درصد سخنرانی‌ها برای تحلیل محتوا مناسب تشخیص داده شده است. بیشترین سخنرانی در رواق امام خمینی (ره)، توسط آقای ماندگاری و استاد عالی با متوسط مدت زمان هر سخنرانی ۳۱ دقیقه انجام شده است. حدود ۸۰ درصد سخنرانی‌ها به‌صورت عمومی و ۲۰ درصد صرفاً برای بانوان بوده است. به‌طور کلی بیشترین توجه به شاخص فرهنگ دینی با ۶۹ درصد و سپس شاخص انقلاب اسلامی با ۱۹ درصد و شاخص فرهنگ رضوی نیز با ۱۱ درصد است. بیشترین ابعاد تکرار شده در سخنرانی‌های دهه کرامت به‌ترتیب تربیت دینی از منظر اسلام، کرامت و حریت، نقش معرفت در زیارت، کرامت انسان در قرآن، نفاق و منافقین در اسلام، گذشت و نوع‌دوستی، جایگاه مادر در تربیت، محبت و مهربانی رفتاری، مقام حضرت معصومه <small>علیها السلام</small> ، مهربانی و محبت معرفتی، جایگاه امام‌زادگان، الگوی تبعیت نکردن از مستکبران، رأفت و مدیریت جهادی، نسبت دین و سیاست، تعامل با محرومان، کار و کارآفرینی در اسلام، صیانت از وحدت اسلامی، اقتصاد مقاومتی، سیره اقتصادی و مشروطه و شیخ فضل الله است؛ بنابراین این نتیجه عاید شده است که پراکندگی محتوای سخنرانی‌ها بالا بوده و از سوی دیگر برخی سخنرانان نیز تلاش کرده‌اند دامنه مفاهیم خود را توسعه دهند. برخی کوتاه و برخی بلند سخنرانی کرده‌اند.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۲۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۸	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۳/۰۱	

سخنرانی، دهه کرامت، خطبه، آستان قدس رضوی، تحلیل محتوا، امام رضا علیه السلام.

کلیدواژه‌ها

استناد: مسعودی، حمید، شکفته، رها، محمدزاده، محمدحسین: (۱۴۰۳). تحلیل محتوای سخنرانی‌های حرم مطهر رضوی در دهه کرامت: فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، سال ۱۲، شماره ۱، بهار، شماره پیاپی ۴۵ - (۱۱۲-۸۳).

DOI:10.22034/farzv.2022.347860.1779



ناشر: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

۱. بیان مسئله

در دنیای امروز با همه فناوری و ارتباط مستقیم و غیرمستقیم انسان‌ها با یکدیگر و همچنین طبق ادله روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، بخش عظیم انتقال اطلاعات مؤثر به ویژه مسائل دینی از طریق سخنرانی و به اصطلاح سنتی منبر رفتن و تبلیغ چهره‌به‌چهره انجام می‌شود. تبلیغ چهره‌به‌چهره کار اساسی و زیربنایی است که در مسیحیت به‌خوبی نمایان است و انجام می‌شود. این مسئله از لحاظ علمی نیز به اثبات رسیده است. با وجود اینکه فناوری معاصر، لوح فشرده، اینترنت و موبایل تاثیر زیادی دارد؛ اما در فضای تبلیغ چهره‌به‌چهره و محیط قرار گرفتن اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. در تبلیغات چهره‌به‌چهره شرایط زمانی و مکانی نیز باید به‌گونه‌ای باشد که مخاطب خسته نشود.

مبلغان مذهبی به علت جایگاهی که از رهگذر پیوند با مذهب به‌دست آورده‌اند و همچنین به دلیل برخورداری از مهارت‌های ارتباطی، تسلط بر متون دینی و بهره‌مندی از مخاطبان عام روزانه، هفتگی و ماهانه در مجموع از این قابلیت برخوردارند که مردم را به سمت سبک‌های زندگی سالم هدایت کنند. گرایش رهبران دینی به موعظه درباره فضایل سبک زندگی سالم به‌ویژه اگر در متون مقدس ریشه داشته باشد، تقویت‌کننده عادات سالم در زندگی است (آنشل و اسمیت، ۲۰۱۴: ۱۴).

سخنران در تبلیغات چهره‌به‌چهره باید حد متوسط را در نظر بگیرد و در سطحی صحبت کند که مخاطب کلام او را به راحتی درک کند نه سطحی و روبنایی و نه پیچیده که هر دو بی‌تأثیر خواهد بود. نکته دیگر متن پیام است که بسیار مهم به‌شمار می‌رود. اینجا باید به متون اصلی خود بازگردیم که قرآن، نهج البلاغه و صحیفه سجادیه به‌عنوان سه منبع بزرگ و اسلامی منشأ الهی دارند. قرآن کریم مستقیم از جانب خدا وحی شده، نهج البلاغه که کلام تربیت شده وحی و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و صحیفه سجادیه که در امور مختلف دینی بحث‌های مفصلی دارد. باید درباره این سه محور برنامه‌ریزی و از روایات و تبیین‌کنندگان وحی و اهل بیت روایات معتبری برای توضیح مسائل دینی استخراج کرد که با توجه به تنوع موضوعی تأثیر بسیار زیادی بر مخاطب خواهند داشت. مبلغ یا سخنران دینی به‌ویژه زمانی که در سلک فرد روحانی در عرصه عمومی حاضر می‌شود از یک نوع اعتماد اجتماعی و منزلت معنوی برخوردار می‌شوند و باعث تأثیرگذاری و نفوذ بیشتر کلام آن‌ها در اندیشه و رفتار مؤمنان می‌شود (جوهری و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۹).

سخنرانی‌های مذهبی منبع مهمی برای جوامع و گروه‌های مذهبی است، زیرا هدف آن‌ها اثربخشی اجتماعی و فرهنگی است؛ به‌طوری‌که جوامع مذهبی از آنها برای انتقال دانش، مذاکره در مورد ارزش‌ها و هنجارهای خود و ارتباط با سایر جوامع مذهبی و غیرمذهبی استفاده می‌کنند (کورنارد و هاردنبرگ، ۲۰۲۰). مرور جامعه‌شناختی تحلیل محتوای سخنرانی مذهبی می‌تواند اهمیت و ارزش اجتماعی سخنرانی را روشن ساخته، نحوه تحول‌آفرینی در جامعه توسط محتوای سخنرانی شناخته شده،

1. Anshel, M. H., & Smith, M.

2. Conrad, R., & Hardenberg, R.

درک بهتری از رابطه دین و جامعه و همچنین سیاست و جامعه صورت می‌گیرد و در نهایت چارچوبی برای تحلیل اجتماعی رسانه‌های رایج مذهبی به دست می‌آید (السحبانی، ۲۰۱۷).

سخنرانی مذهبی یک هنر و یک فن است و هنر و فن معمولاً می‌تواند اثر اجتماعی داشته باشد. سخنرانی، بیشتر با بعد شنیداری انسان مرتبط است؛ از این رو، بیش از رسانه‌های دیداری مؤثر می‌افتد. ظرفیت بالای کلمه و کلام برای انتقال معارف بلند اسلامی نیز بر اهمیت سخنرانی در کنار دیگر ابزارها و شیوه‌های مدرن انتقال پیام می‌افزاید. در دوران کنونی، حفظ جایگاه و عطا و استفاده از ابزار زبان به شکل مؤثر، اهمیتی صدچندان می‌یابد و سخنرانی مؤثر، عاملی اساسی برای معرفی و تثبیت جایگاه ادیان، فرقه‌ها، گروه‌های سیاسی و رهبران دینی و اجتماعی شده است. در تحلیل محتوای سخنرانی‌های مذهبی به شاخص‌های مختلفی توجه می‌شود. وضعیت بلاغی یکی از آنهاست؛ چنان که هر سخنرانی عمومی خطاب به گروهی از مردم است و به ایجاد، مشروعیت‌بخشیدن و دگرگونی آن جامعه کمک می‌کند (کورنارد و هاردنبرگ، ۲۰۲۰). استفاده از زبان برای جذب طرفداران، مانند اجتناب از کلمات تخصصی یا شیوه‌های فکری ایدئولوژیک از دیگر شاخص‌ها است. همچنین وجود و استفاده از عبارات و عبارات و گفتار دینی از یک سو و از سوی دیگر نحوه استفاده از زبان بر اساس وابستگی‌های مذهبی همچون واج‌شناسی، صرف‌شناسی، نحو، و ویژگی‌های واژگانی متفاوت است (هیلیم، ۲۰۱۴).

ضرورت دارد برای تأثیرگذاری هرچه بیشتر سخنرانی مذهبی روشمند کردن تبلیغات دینی را در ابعاد مختلف آن از جمله نیازهای امروز حوزه و روحانیت و جامعه مخاطبان دانست. آستان قدس رضوی نیز به دلیل جایگاه خود در دنیای تشیع و تبلیغ معارف رضوی تأکید بسیاری بر محتوای سخنرانی‌های حرم مطهر دارد. با توجه به اینکه تأکیدات ویژه‌ای در مناسبت‌ها به محتوای سخنرانی وجود دارد، این بررسی به تحلیل محتوایی سخنرانی‌های دهه کرامت پرداخته است. بنابراین هدف از اجرای این پژوهش، تحلیل محتوایی سخنرانی‌های انجام شده در حرم مطهر است. بر همین اساس اهداف زیر در نظر گرفته شده است:

۱. میزان توجه سخنرانی‌ها به محور انقلاب اسلامی
۲. میزان توجه سخنرانی‌ها به محور فرهنگ دینی
۳. میزان توجه سخنرانی‌ها به محور فرهنگ رضوی
۴. وضعیت کلی سخنرانی‌ها بر اساس ابعاد کمی

۱-۱. پیشینه تجربی و مبانی نظری

۱-۱-۱. پیشینه پژوهش

لعل علیزاده و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی و تحلیل محتوای سخنرانی‌های نوروزی رهبری پرداخته‌اند. آن‌ها دریافتند که الگوی حکمرانی ولایت فقیه متأثر از الگو و تفکر اسلامی و در امتداد جهان‌بینی اسلامی است.

1. Alsohaibani, A.

2. Hjelm, T.

این الگو قالب و محتوای یکسان اما اولویت‌بندی متفاوت با توجه به مقتضیات را دارد. با این مفروض، شناخت الگوی حکمرانی مقام معظم رهبری با بررسی بیانات نوروزی ایشان در دو دوره اول ریاست جمهوری سال‌های ۱۳۸۴-۱۴۰۰ هدف این مکتوب است. چند موضوع از سخنان رهبر انتخاب شده تا در دو دوره ذکر شده بررسی شود. برای رسیدن به این هدف، تعداد دفعاتی را که رهبری در تمام سخنرانی‌های نوروزی در این هشت سال، با توجه به موضوعات انتخاب شده بر آن تأکید داشته‌اند برشمرده و هر کدام را نسبت به سال مدنظر دسته‌بندی شده و در آخر، به صورت مجموع مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بررسی موصوف با روش تحلیل محتوا، حاکی از آن است که در هر دوره موضوعات اصلی یکی بوده اما در جزئیات، اهمیت محورها متفاوت بوده است. بر اساس یافته‌ها، با وجود تأکید بر محورهای یکسان، اولویت موضوعات در دو دوره یادشده متفاوت است؛ شباهت‌ها و تفاوت‌های اساسی در اولویت‌بندی موضوعات از سوی رهبری مشاهده می‌شود که این خود نشان‌دهنده این است که رهبری با توجه به وظیفه خویش در قانون اساسی و در راستای تعیین سیاست‌های کلی نظام، با توجه به مصالح و مقتضیات جامعه، موضع‌گیری حمایتی و انتقادی متفاوتی را در قبال سیاست دولت‌ها اتخاذ می‌کنند. به همین دلیل است که اولویت‌ها در موضوعات مطرح شده برای دولت‌های مذکور متفاوت است؛ بنابراین، الگوی یکسان، عام و کلی متأثر از جهان‌بینی اسلامی، با توجه به شرایط و مقتضیات، تفاوت اولویت‌ها را به همراه داشته است.

ظهوری و پورعلی (۱۳۹۸) به تحلیل محتوای کیفی سخنرانی‌های رئیس‌جمهور (حسن روحانی) در مجمع عمومی سازمان ملل در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ پرداخته‌اند. بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی مقوله‌های اساسی نهفته در متن ارتباط بین مقوله‌ها و الگوی مفهومی از هر کدام از سخنرانی‌ها به دست آمد. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که مهم‌ترین موضوعات این سخنرانی‌ها مربوط می‌شود به خشونت سازمان‌یافته غرب در منطقه مانند حمله به عراق و افغانستان و ... که باعث خشونت افراطی‌گری و جنگ در خاورمیانه شده و خطر نابودی تمدن و ایجاد حکومت‌های تروریستی را بالا برده است. قدرت‌های بزرگ باید دست از دخالت‌های نظامی و غیر نظامی در منطقه بردارند. ایران کشوری امن و خواهان ایفای نقش سازنده در منطقه است. مردم ایران به دولت تدبیر و امید رای دادند و رویکرد تعاملی دولت ایران منجر به شروع مذاکرات با رویکرد جدید بر سر برنامه هسته‌ای ایران شد. برنامه دقیق دیپلماتیک همراه با گفت‌وگوی سازنده و شهادت انعطاف‌پذیری ایران منجر به توافق هسته‌ای شده است. نتیجه این توافق هسته‌ای لغو تحریم‌های ناعادلانه صلح و ثبات در منطقه و جهان و آغاز فصل جدید روابط ایران با جهان در همه زمینه‌ها خواهد بود. ایران خواهان تعامل اقتصادی و توسعه در دوران پس از توافق است.

افخمی و همکاران (۱۳۹۷) به تحلیل گفتمان انتقادی سخنرانی‌های دونالد ترامپ درباره مهاجران پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد ترامپ، مذهب، ملیت و فرهنگ مهاجران را نیز در نظر می‌گیرد و در گفتمان وی بسیاری از ساخت‌های سطحی و معنایی با فراوانی متفاوتی یافت می‌شوند.

به‌طور کلی، نتایج این پژوهش با پژوهش‌های ون دایک درباره نژادپرستی هم‌راستا و هماهنگ است. فوزی و همکاران (۱۳۹۴) به تحلیل آماری و محتوایی سخنرانی‌های امام خمینی (ره) پرداخته‌اند. به این منظور ابتدا با بررسی مجموعه ۲۲ جلدی صحیفه امام، به شناسایی سخنرانی‌های ایشان و سپس با تحلیل کمی، به تعیین جایگاه آن بین دیگر فعالیت‌های تبلیغاتی وی پرداخته و در ادامه با تعیین شاخص‌هایی، تحلیل محتوایی از سخنرانی‌های امام خمینی (ره) ارائه کرده است.

حاتم‌الزین (۱۳۹۵) استفاده از مثلث بلاغت در سخنرانی‌های دبیر کل حزب‌الله را مدنظر قرار داده و نتیجه می‌گیرد سه مولفه مثلث بلاغت در سخنرانی‌های نصرالله با یکدیگر مرتبط بوده، در جهت دستیابی به اهداف این رهبر و سازمان عمل می‌کنند.

جوهری و همکاران (۱۳۹۵) به تحلیل جامعه‌شناختی جهت‌گیری تبلیغ دینی نسبت به امر سلامت پرداخته‌اند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که همه مبلغان به بعد روانی سلامت توجه دارند. اما پرداختن به ابعاد جسمانی سلامت و امور زیست محیطی را موضوعاتی خارج از مناسبت‌های مذهبی، انتظارات مخاطبان و انتظارات نقش خود می‌دانند. همچنین به عوامل دیگری مانند فقدان تخصص کافی، عدم حمایت مالی و فکری نهادهای دولتی و عدم پذیرش مخاطبان اشاره شده است. از طرف دیگر ۸۵ درصد از مخاطبان تبلیغ دینی معتقدند که مبلغان بیشتر به عنصر روانی سلامت می‌پردازند درحالی که اگر مبلغان مذهبی به ابعاد دیگر سلامت هم بپردازند برای آنان جالب و اثرگذار خواهد بود. در نتیجه استنباط مبلغان دینی با نوع انتظار مخاطبان‌شان تطابق ندارد.

پهلوان نژاد و رجب‌زاده (۱۳۸۹) در پژوهشی به تحلیل متن‌شناسی زیارت‌نامه امام رضا علیه السلام بر پایه نظریه کنش گفتار می‌پردازند. به بیان آن‌ها، از مجموع ۱۰۷ کنش گفتاری به کار رفته در این متن، کنش‌های عاطفی با ۳۸ مورد بیشترین و کنش‌های اعلامی با ۲۲ مورد کمترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند. ضمن آنکه در متن فوق هیچ‌گونه کنش گفتاری تعهدی به کار نرفته است. نتایج فوق نشان‌دهنده ایجاد ارتباط عمیق عاطفی گوینده و مخاطب یا مخاطبان زیارت‌نامه است. به عبارتی گوینده متن، تلاش کرده است احساساتی از قبیل ارادتمندی، قدردانی و دوستی خویش را در قالب این متن با مخاطب خویش به اشتراک بگذارد. اختلاف ناچیز بین تعداد سایر کنش‌های به کار رفته در متن با توجه به تعداد کل کنش‌های موجود معنی‌دار به نظر نمی‌رسد.

روشنفکر و دانش محمدی (۱۳۸۸) به تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب علیها السلام می‌پردازند. به بیان آن‌ها، خطبه حضرت زینب علیها السلام در اجتماع مردم کوفه با حمد و ستایش خدا و معرفی خود به‌عنوان دختر پیامبر صلی الله علیه و آله شروع می‌شود و با توییح و سرزنش مردم کوفه ادامه و با همین مضمون خاتمه می‌یابد. از این‌رو، سیاق کلی خطبه، توییح کوفیان است. حضرت زینب علیها السلام گریه ظاهری مردم را زیر سؤال می‌برد و آنان را بسان احمق فرض می‌کنند که رشته‌های ایمانی خود را بعد از تائیدن محکم، پاره‌پاره کردند و همه اعمال نیک خود را در نزد خدا ضایع کرده و از این‌رو، مستحق خشم خدا و جاودانگی در عذاب شده

است. در جای جای این خطبه، استفاده از ایجاز، مجاز، اقتباسات قرآنی و دیگر شیوه‌های بیانی، به خصوص استعاره تمثیلیه، بسیار چشمگیر بوده و به زیبایی خطبه افزوده، به گونه‌ای که با استفاده از مثل‌های قرآنی و شیوه‌های بیانی زیبا، اعمال زشت کوفیان به وضوح در نظرشان به تصویر کشیده شده است. فصاحت و بلاغت، ویژگی بارز این خطبه است و مخاطبان آن تحت تاثیر بیان شیوای حضرت زینب علیها السلام واقع شدند و ایشان با سلاح سحرآمیز بیان، به افشاگری و رسوایی دولت اموی پرداختند.

ایشانی و نعمتی (۱۳۹۳) در پژوهشی به تحلیل محتوای خطبه حضرت زینب علیها السلام در کوفه بر اساس نظریه کنش گفتار سرل پرداخته و بیان می‌کنند، خطبه حضرت زینب علیها السلام را در کوفه بررسی کرده و این نتیجه عاید شده است که کنش‌های اظهاری، عاطفی و ترغیبی به ترتیب بیشترین کاربرد را در این خطبه داشته و در مقابل کنش‌های اعلامی و تعهدی به هیچ وجه به کار نرفته است. تطابق بافت موقعیتی خطبه با انواع کنش‌های به کار رفته در متن و بسامد آن‌ها، نشانه قدرت بالای مخاطب‌شناسی و درک عمیق آن حضرت از بافت موقعیتی است. روش استفاده شده در این بررسی، تحلیل محتوای و واحد تحلیل، مضمون در نظر گرفته شده است.

افتخاری و نه‌زادی (۱۳۸۹) به بررسی امنیت عمومی در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری به روش تحلیل محتوا پرداخته‌اند و نتیجه می‌گیرند، نگاه مقام معظم رهبری به امنیت عمومی، نگاه موسع و عام‌نگرانه است و شاخص‌ها، ریشه‌یابی نامنی‌ها و راهکارهای تامین امنیت عمومی، به وضوح نشان‌دهنده جایگاه و شأن امنیت عمومی و توسعه ابعاد مادی، ذهنی و نهادی آن در اندیشه ایشان است. با توجه به نتایج تحقیقات انجام شده، به نظر می‌رسد مذهب، ملیت و فرهنگ مخاطب در انتخاب سخنران و محتوای سخنرانی مهم است. مخاطب با متن سخنرانی رابطه عاطفی برقرار می‌کند. از این جهت سخنرانی بر مخاطب اثرگذار است. مخاطب توسط سخنرانی راحت‌تر می‌تواند با محتوا انس بگیرد تا این که ارتباط به صورت مکتوب یا مجازی باشد. آنچه این بررسی را از سایر بررسی‌ها جدا می‌کند، محیط و فضایی است که سخنرانی در آن انجام می‌شود. به عبارت دیگر، محتوا مذهبی است اما آنچه در این جا مهم است آن محتوای مذهبی است که در محیط حرم مطهر رضوی انجام شده است. با عنایت به اینکه این سخنرانی‌ها با توجه به سیاست‌ها و اهداف آستان قدس رضوی برنامه‌ریزی می‌شود، لازم است توجه ویژه‌ای به آن شود. از این رو، در این بررسی به تحلیل محتوای سخنرانی‌های انجام شده در حرم پرداخته شده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. تعریف تحلیل محتوا

از تحلیل محتوا تعاریف گوناگونی به عمل آمده که بخشی از اختلاف به تاریخچه این تکنیک و روند تکاملی آن برمی‌گردد و بخشی دیگر از آن مربوط به تفاوت در حوزه گسترده این تکنیک است. کریپندورف تحلیل محتوا را تکنیکی پژوهشی معرفی می‌کند که به منظور استنباط تکرارپذیر

و معتبر از داده‌ها در مورد متن آن‌ها به کار می‌رود (کرپیندورف، ۱۳۷۸: ۲۵). او هدف این تحلیل را همانند سایر تکنیک‌های پژوهشی فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل می‌داند (همان). برلسون از پیشگامان تحلیل محتوا این تکنیک را «پژوهشی برای توصیف عینی، سیستماتیک و کمی محتوای آشکار پیام» معرفی می‌کند (کرپیندورف: ۱۳۷۸، ۲۶). لورنس باردن نیز به نقل از لاندری می‌نویسد: تحلیل محتوا فنی است که توصیف‌های ذهنی و تخمینی را تلطیف و تصفیه می‌کند و ماهیت و قدرت نسبی محرک‌هایی را که به شخص داده می‌شود، به صورت عینی آشکار می‌سازد (باردن: ۱۳۷۴، ۳۵). دانیل رایف تحلیل محتوا را به طور خلاصه چنین تعریف می‌کند: قرار دادن قاعده و محتوای ارتباطات در طبقات (مقوله‌های) خاص بر اساس قواعد و تحلیل روابط بین آن مقوله‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری» (رایف: ۱۳۸۱، ۴). کاپلان در این زمینه اظهار داشته که «روش تحلیل محتوا، معنانشناسی آماری مباحث سیاسی است» (کاپلان: به نقل از هولستی، ۱۳۷۳، ۱۳).

۲-۲. انواع سخنرانی

سخنرانی برنامه‌ریزی شده^۱: در این روش که برای آموزش تعداد نسبتاً زیادی فراگیر به کار می‌رود از شیوه سخنرانی، بحث گروهی و پرسش و پاسخ در قسمت‌های مختلف هر جلسه آموزشی استفاده می‌شود به طوری که فراگیران در طول مدت آموزش به صورت فعال در جریان یادگیری قرار می‌گیرند. در این شیوه از انواع وسایل دیداری و شنیداری استفاده می‌شود و با بحث و مشارکت فراگیران یادگیری آسان‌تر اتفاق می‌افتد.

سخنرانی آموزشی^۲: یکی از ویژگی‌های بارز در این روش آموزش، آن است که اکثر فعالیت‌های آموزش در آن جنبه کلامی دارد: در این روش سخنران صحبت می‌کند و فراگیران به سخنان او گوش می‌دهند و یادداشت برمی‌دارند. در نهایت امر ممکن است بین فراگیرنده و فرادهنده چند سوال و جواب رد و بدل شود اما جنبه بحث و تبادل نظر ندارد.

بحث گروهی^۳: این روش گفت‌وگویی است سنجیده و منظم درباره موضوعی خاص که مورد علاقه مشترک شرکت‌کنندگان در بحث است. این روش برای جمعیتی بین ۶ تا ۲۰ نفر قابل اجراست. معمولاً استاد موضوع یا مسئله خاصی را مطرح می‌کند و فراگیران درباره آن به مطالعه، اندیشه، بحث و اظهار نظر می‌پردازند و نتیجه می‌گیرند. این روش به فراگیران فرصت می‌دهد تا نظرات، عقاید و تجربیات خود را با دیگران در میان بگذارند و اندیشه‌های خود را با دلایل مستند بیان کنند.

1. Programmed Lecture

2. Lecture

3. Group Discussion

پرسش و پاسخ^۱: این روش بر سه اصل متکی است: وجود سوال یا مسئله که کنجکاوی فراگیران را برانگیزد و آنان را وادار به تلاش ذهنی کند. طرح سوال‌های متوالی برای تداوم فعالیت ذهنی هدایت تلاش ذهنی، برای کشف آگاهانه مسئله به طوری که نتیجه آن به خلاقیت فکری و کسب دانش منجر شود.

یادگیری بر اساس طرح مسئله^۲: روشی است برای کشف توالی و ترتیب صحیح راه‌هایی که به یک هدف یا یک راه حل منتهی می‌شود. مراحل این روش به شرح زیر است: تشکیل گروه‌های ۵ یا ۷ نفره از فراگیران با حضور یک نفر استاد راهنما؛ طرح یک مسئله آموزشی توسط استاد و ارائه آن در گروه به منظور تعیین؛ جمع آوری اطلاعات موجود در مسئله؛ طرح سوالات با توجه به اطلاعات موجود؛ تعیین موارد یادگیری برای مطالعه توسط هر یک از دانشجویان؛ ارائه مطالب جمع‌آوری شده توسط استاد و تجزیه و تحلیل اطلاعات در ارتباط با مسئله و یافتن راه حل مناسب.

پانل^۳: در این شیوه آموزشی، گروه کوچک (۳-۷ نفر) از متخصصان که در میان آن‌ها یک نفر به‌عنوان مدیر یا هماهنگ کننده وجود دارد، پشت یک میز روبه‌روی جمعیت می‌نشینند و در خصوص همه جوانب یک موضوع مرتبط با حضار به بحث و تبادل نظر می‌پردازند. در این شیوه مدیر پانل وظیفه مطرح کردن سوالات حضار و ارائه به یکی از اعضای پانل را به عهده دارد.

۲-۳. سخن و سخنرانی در قرآن

سخن گفتن، از نعمت‌های بزرگ الهی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در ساختار شخصیتی انسان دارد. قرآن کریم علاوه بر تأکید بر اهمیت سخن، به گفتن «سخن نیکو» تأکید کرده است. درباره «سخن نیکو» چند تعبیر در قرآن به چشم می‌خورد: قول معروف، قول حسن، قول احسن، قول سدید، قول کریم. قول معروف، سخن حقی است که مردم طبق فطرت پاک خود آن را می‌شناسند. قول حسن همان گفتار نیکو است و قول احسن، سخنی است که در آن دعوت به سوی حق توأم با عمل صالح و از سر تسلیم در برابر خداوند باشد. قول سدید، گفتار محکم، استوار و خلل‌ناپذیر است. قول کریم، سخنی نفیس و ارزشمند و به دور از لئامت و پستی است. از منظر قرآن، اصلاح اعمال و بخشایش گناهان از آثار قول سدید (محکم و خلل‌ناپذیر) است و قول احسن، زمینه اختلاف و فتنه شیطان را از بین می‌برد. در روایات نیز آثار فراوانی برای سخن نیکو شمرده شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به بسیاری دوستان و فراوانی روزی، فزونی عمر و محبوب شدن نزد خانواده خویشان نام برد. سخن نیکو معیارها و آدابی نیز دارد، از جمله اینکه برخاسته از علم و به‌هنگام و به‌اندازه باشد. سخن گفتن و ارتباط زبانی، از جمله برترین استعدادها و توانایی‌های خدادادی بشر، اصلی‌ترین وسیله ارتباط بین انسان‌ها و طبیعی‌ترین راه بیان و انتقال اندیشه و مقاصد اوست. این مسئله تا آن اندازه اهمیت دارد

1. Question and Answer
2. Problem Based Learning (PBL)
3. Panel

که خداوند در قرآن کریم از آن به‌عنوان یک نعمت بزرگ در کنار تعلیم قرآن و آفرینش انسان یاد کرده است: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن، ۱-۴)؛ خداوندی که انسان را خلق نمود و به او قرآن را تعلیم کرد و به او سخن گفتن آموخت. همچنین در آیه شریفه «وَلَسَانَا وَشَفَتَيْنِ» (بلد، ۹) زبان که ابزار سخن گفتن است، از نعمت‌های خداوندی شمرده شده است. این توانایی بشری مانند توانایی‌های دیگر او هم می‌تواند در مسیر صحیح به کار گرفته شود و هم در مسیر باطل.

خداوند متعال در آیات متعدد علاوه بر تأکید بر نعمت سخن، به چگونگی سخن گفتن نیز پرداخته و چهارچوب‌های سخن نیکو و پسندیده را بیان کرده است. در این زمینه، روایات فراوانی هم وجود دارد که همگی حاکی از اهمیت فوق‌العاده سخن نیکو و نقش آن در اصلاح اخلاق و تهذیب نفوس انسانی است.^۱ توجه، اهتمام و تلاش علمای اخلاق در معرفی گناهان زبان نیز اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد. هرچند موضوع «سخن نیکو از منظر قرآن کریم» از قدیم مورد توجه مفسران، حدیث‌پژوهان و علمای اخلاق بوده و هریک از ایشان به‌نحوی با استناد به آیات و روایات مربوطه به ذکر مطالبی در این باره پرداخته‌اند، اما کتاب یا مقاله‌ای مستقل در این زمینه نیافتیم. به هر حال هنوز مجال بحث و نظر در این زمینه گسترده است. به این منظور، ابتدا تعابیر قرآنی در این زمینه استخراج و با استناد به کتاب‌های معتبر لغت، تبیین می‌شود و سپس آرای مفسران در این خصوص نقد و بررسی می‌شود.

قرآن کریم علاوه بر اشاره به اهمیت سخن گفتن، به گفتن سخنان نیکو تأکید کرده است تا مسیر صحیح سخن گفتن را برای ما تعیین کند که در این باره پنج تعبیر در قرآن به چشم می‌خورد. آیاتی که واژه قول معروف در آن‌ها آمده، عبارت است از: «وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُمْ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَّعْرُوفًا» (بقره، ۲۳۵)؛ «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَى وَاللَّهُ عَنِّي حَلِيمٌ» (بقره، ۲۶۳)؛ «وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» (نساء، ۵)؛ «فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» (نساء، ۸)؛ «وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا» (احزاب، ۳۲).

گرچه هریک از آیات پنج‌گانه مزبور مربوط به موردی است و با خصوصیت آن موارد «قول معروف» معنای خاصی پیدا می‌کند، اما در کل می‌توان از این آیات استفاده کرد که ما از طرف خداوند در سخن گفتن مأمور به سخن معروف هستیم. تعبیر قول حسن در قرآن کریم یک بار آمده است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره، ۸۳)؛ با مردم به نیکی سخن بگویید و تعبیر احسن نیز یک بار آمده است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (اسراء، ۵۳)؛ و به بندگانت بگو آنچه را که بهتر است بگویند. این دو تعبیر، همه را مورد خطاب قرار می‌دهند که با مردم به نیکی سخن بگویند. این تعبیر در دو آیه قرآن آمده است: «فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (نساء، ۹)؛ پس باید تقوای الهی پیشه کنند و سخن استوار بگویند. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (احزاب، ۷۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الهی پیشه کنید و سخن استوار گویند.

در این دو آیه مبارکه خداوند به دو امر اساسی در کنار یکدیگر دستور می‌دهد: یکی تقوای الهی و دیگری سخن سدید. این نشان می‌دهد که گفتار انسان تأثیر ویژه‌ای در رسیدن او به سعادت دارد، به‌گونه‌ای که

در ردیف تقوای الهی و پروا داشتن از خداوند بیان شده است. تعبیر قول کریم، در قرآن کریم تنها یک بار آمده است، آنجا که می‌فرماید: «وَقُلْ لَهَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء، ۲۳)؛ با پدر و مادر کریمانه سخن بگو. تبلیغ و مبلغ در اسلام، جایگاهی بس رفیع دارند. در اهمیت و ارزش تبلیغ، همین بس که قرآن کریم، اصلی‌ترین رسالت انبیا و مبلغان راستین دین را ابلاغ پیام‌های خداوند به مردم می‌داند و می‌فرماید: «الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا» (احزاب، ۳۹)؛ «پیامبران پیشین [کسانی بودند که تبلیغ رسالت‌های الهی می‌کردند و [تنها] از او می‌ترسیدند و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند و همین بس که خداوند، حسابگر [و پاداش دهنده اعمال آن‌ها] است.» همچنین رسالت پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ را هدایت مردم می‌داند و درباره او می‌فرماید: «رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَ مَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَ يَعْمَلْ صَالِحًا يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا» (طلاق، ۱۱)؛ «رسولی [به سوی شما فرستاده] که آیات روشن خدا را بر شما تلاوت می‌کند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از تاریکی‌ها به سوی نور خارج سازد و هر کس به خدا ایمان آورد و اعمال صالح انجام دهد، او را در باغ‌هایی از بهشت وارد سازد که از زیر درختانش نهرها جاری است. جاودانه در آن می‌مانند و خداوند روزی نیکویی برای او قرار داده است.»

پیشوایان معصوم علیهم‌السلام نیز برای تبلیغ دین اهمیتی بس والا قائل بوده‌اند. برای نمونه یک روایت از امام علی علیه‌السلام که در الکافی جلد پنجم آمده است، نقل می‌شود. ایشان فرمودند: هنگامی که رسول خدا مرا به سوی یمن روانه ساخت، این چنین فرمود: «يَا عَلِيُّ لَا تُقَاتِلْ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ إِلَى الْإِسْلَامِ وَ أَيْمُ اللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلِيَّ يَدِيكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ وَ لَكَ وَ لَأَوْهٌ»؛ ای علی! با هیچ کس، پیش از دعوت او به اسلام جنگ مکن. سوگند به خدا! این که خداوند به دستان تو انسانی را هدایت کند، برایت بهتر است از آنچه خورشید بر آن طلوع و غروب کرده است و تو مولای اوئی.» آشکار است که هدف از جهاد در راه خدا نیز فراهم کردن زمینه برای هدایت گمراهان و باز کردن زنجیرهایی است که مستکبران بر اندیشه مستضعفان کشیده‌اند.

انسان‌های برجسته، مهم و برگزیده در هر مکتب و مرام، کسانی هستند که برای تحقق اهداف آن بسیار می‌کوشند. در مکتب اسلام، پیامبر و الامام ما، مبلغان دین را از برگزیدگان امت خود می‌داند و در نهج‌الفصاحه به نقل از ایشان آمده است: «خيارُ امتي من دعا إلى الله تعالى وَ حَبَبَ عِبَادَهُ إِلَيْهِ»؛ برگزیدگان امت من کسانی هستند که به سوی خداوند متعال فرا می‌خوانند و بندگانش را محبوب او می‌سازند.» (متقی‌الهندی، ۱۴۰۱ق: ۱۵۲).

در تفسیر مجمع‌البیان جلد یک آمده است که رسول خدا آمران به معروف و ناهیان از منکر را که مبلغان دین از مصادیق بارز آن‌ها هستند، جانشین خدا، رسول و قرآن معرفی می‌کند و می‌فرماید: «مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَلِيفَةُ كِتَابِهِ»؛ هر کس امر به

معروف و نهی از منکر کند، جانشین خداوند و جانشین رسول خدا و جانشین کتاب خدا در زمین است (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۴۸۴). همچنین امام علی بن ابی طالب علیه السلام می‌فرماید: «قال رَسُولُ اللَّهِ: اللَّهُمَّ ارْحَمْ خُلَفَائِي! - ثلاثاً - قيل يا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ؟ قال: الَّذِينَ يَبْلُغُونَ حَدِيثِي وَسُنَّتِي ثُمَّ يَعْلَمُونَهَا أُمَّتِي»؛ رسول خدا سه بار فرمود: خداوند! به جانشینانم رحم کن! گفته شد: ای رسول خدا! جانشینان شما چه کسانی‌اند؟ فرمود: آنان که گفتار و کردار مرا تبلیغ می‌کنند و آنها را به امت من می‌آموزند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۴: ۴۲۰).

مبلغ با تلاش تبلیغی خود، سنت‌های نیکوی الهی و انسانی را در جامعه پایدار می‌سازد و بدعت‌ها و خرافات را بر می‌چیند و محبت الهی را در دل و جان انسان‌ها می‌نشاند و با حرکت دادن مردم به سوی پارسایی، آنان را محبوب خداوند می‌سازد؛ از این رو پاداش زیادی نزد خدا دارد. امامان معصوم علیهم السلام بهشت را پاداش مبلغان قرار داده و آنها را از کسانی معرفی کرده‌اند که پیامبران و شهیدان به مقام‌شان غبطه می‌خورند. به دو حدیث ذیل توجه کنید:

رسول خدا فرمود: «مَنْ أَدَى إِلَى أُمَّتِي حَدِيثًا يَقِيمُ بِهِ سُنَّةً أَوْ يَتْلُمُ بِهِنَّ بِدْعَةً فَلَهُ الْجَنَّةُ»؛ هر کس حدیثی را به امتم برساند که با آن سنتی را برپا دارد یا بدعتی را درهم شکند، بهشت از آن او خواهد بود. راوی در شعب‌الایمان جلد اول نقل می‌کند: «قال رَسُولُ اللَّهِ: أَلَا أُحَدِّثُكُمْ عَنْ أَقْوَامٍ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ يُعْطِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْأَنْبِيَاءُ وَالشُّهَدَاءُ بِمَنَازِلِهِمْ مِنَ اللَّهِ عَلَى مَنْابِرٍ مِنْ نُورٍ؟ قِيلَ مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: هُمُ الَّذِينَ يُحِبُّونَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ وَيُحِبُّونَ اللَّهَ إِلَى عِبَادِهِ قُلْنَا: هَذَا حَبِيبُوا اللَّهِ إِلَى عِبَادِهِ فَكَيْفَ يُحِبُّونَ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ قَالَ: يَأْمُرُونَهُمْ بِمَا يَحِبُّ اللَّهُ وَيَنْهَوْنَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُ اللَّهُ فَإِذَا أَطَاعُوهُمْ أَحَبَّهُمُ اللَّهُ»؛ پیامبر عزیز خدا فرمود: آیا برای شما از اقوامی بگویم که از پیامبران و یا شهیدان نیستند، اما در روز قیامت، پیامبران و شهیدان به منزلت آنان نزد خداوند که بر منبرهایی از نورند، غبطه می‌خورند؟ گفته شد: ای رسول خدا! آنان چه کسانی‌اند؟ فرمود: آنان کسانی هستند که خدا را در نظر مردم و مردم را در نظر خداوند محبوب می‌سازند. گفتیم: اینکه خداوند را در نظر بندگان محبوب می‌سازند، روشن است؛ اما چگونه بندگان خدا را در نظر خداوند محبوب می‌کنند؟ فرمود: آنان را بدانچه خداوند دوست می‌دارد، فرمان می‌دهند و از آنچه او ناپسند می‌شمارد، نهی می‌کنند. وقتی مردم از آنان اطاعت کنند، خداوند ایشان را دوست خواهد داشت.»

۲-۴. سخنرانی دینی

سخن گفتن از نعمت‌های بزرگ الهی است که نقش تعیین‌کننده در ساختار شخصیتی انسان دارد. قرآن کریم علاوه بر تأکید بر اهمیت سخن، به گفتن «سخن نیکو» تأکید کرده است. درباره «سخن نیکو» چند تعبیر در قرآن به چشم می‌خورد: قول معروف، قول حسن، قول احسن، قول سدید، قول کریم. قول معروف، سخن حقی است که مردم طبق فطرت پاک خود آن را می‌شناسند. قول حسن همان گفتار

نیکو است و قول احسن، سخنی است که در آن دعوت به سوی حق توأم با عمل صالح و از سر تسلیم در برابر خداوند باشد. قول سدید، گفتار محکم، استوار و خلل‌ناپذیر است. قول کریم، سخنی نفیس و ارزشمند و به دور از لثامت و پستی است. از منظر قرآن، اصلاح اعمال و بخشایش گناهان از آثار قول سدید (محکم و خلل‌ناپذیر) است و قول احسن، زمینه اختلاف و فتنه شیطان را از بین می‌برد. در روایات نیز آثار فراوانی برای سخن نیکو شمرده شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به بسیاری دوستان و فراوانی روزی، فزونی عمر و محبوب شدن نزد خانواده خویشان نام برد. سخن نیکو معیارها و آدابی نیز دارد، از جمله اینکه برخاسته از علم و بهنگام و به‌اندازه باشد.

سخن گفتن و ارتباط زبانی، از جمله برترین استعدادها و توانایی‌های خدادادی بشر، اصلی‌ترین وسیله ارتباط بین انسان‌ها و طبیعی‌ترین راه بیان و انتقال اندیشه و مقاصد اوست. این مسئله تا آن اندازه اهمیت دارد که خداوند در قرآن کریم از آن به‌عنوان یک نعمت بزرگ در کنار تعلیم قرآن و آفرینش انسان یاد کرده است: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن، ۱ - ۴)؛ خداوندی که انسان را خلق نمود و به او قرآن را تعلیم کرد و به او سخن گفتن آموخت. همچنین در آیه شریفه «وَلِسَانًا وَشَفْتَيْنِ» (بلد، ۹) زبان که ابزار سخن گفتن است، از نعمت‌های خداوندی شمرده شده است. این توانایی بشری مانند توانایی‌های دیگر او، هم می‌تواند در مسیر صحیح به کار گرفته شود و هم در مسیر باطل.

خداوند متعال در آیات متعدد علاوه بر تأکید بر نعمت سخن، به چگونه سخن گفتن نیز پرداخته و چهارچوب‌های سخن نیکو و پسندیده را بیان کرده است. در این زمینه، روایات فراوانی هم وجود دارد که همگی حاکی از اهمیت فوق‌العاده سخن نیکو و نقش آن در اصلاح اخلاق و تهذیب نفوس انسانی است. توجه، اهتمام و تلاش علمای اخلاق در معرفی گناهان زبان نیز اهمیت این موضوع را نشان می‌دهد. هرچند موضوع «سخن نیکو از منظر قرآن کریم» از قدیم مورد توجه مفسران، حدیث‌پژوهان و علمای اخلاق بوده و هریک از ایشان به‌نحوی با استناد به آیات و روایات مربوطه به ذکر مطالبی در این‌باره پرداخته‌اند، اما کتاب یا مقاله‌ای مستقل در این زمینه نیافتیم. به‌هرحال هنوز مجال بحث و نظر در این زمینه گسترده است. به این منظور، ابتدا تعابیر قرآنی در این زمینه استخراج و با استناد به کتاب‌های معتبر لغت، تبیین می‌شود و سپس آرای مفسران در این خصوص نقد و بررسی می‌گردد. قرآن کریم علاوه بر اشاره به اهمیت سخن گفتن، به گفتن سخنان نیکو تأکید کرده است تا مسیر صحیح سخن گفتن را برای ما تعیین کند که در این باره پنج تعبیر در قرآن به چشم می‌خورد:

آیاتی که واژه قول معروف در آن‌ها آمده، عبارت است از: وَلَكِنْ لَا تُوعِدُوهُمْ سِراً إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا (بقره، ۲۳۵)؛ قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ (بقره، ۲۶۳)؛ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (نساء، ۵)؛ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (نساء، ۸)؛ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا (احزاب، ۳۲).

گرچه هر یک از آیات پنج‌گانه مزبور مربوط به موردی است و با خصوصیت آن موارد «قول معروف»

معنای خاصی پیدا می‌کند، اما در کل می‌توان از این آیات استفاده کرد که ما از طرف خداوند در سخن گفتن مأمور به سخن معروف هستیم. تعبیر قول حسن در قرآن کریم یک‌بار آمده است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره، ۸۳)؛ با مردم به نیکی سخن بگویید؛ و تعبیر احسن نیز یک‌بار آمده است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (اسراء، ۵۳)؛ و به بندگانت بگو آنچه را که بهتر است بگویند. این دو تعبیر، همه را مورد خطاب قرار می‌دهد که با مردم به نیکی سخن بگویید. این تعبیر در دو آیه قرآن آمده است: «فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَيْلِقُوا اللَّهَ قَوْلًا سَدِيدًا» (نساء، ۹)؛ پس باید تقوای الهی پیشه کنند و سخن استوار بگویند. یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وقولوا قولا سديدا (احزاب، ۷۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الهی پیشه کنید و سخن استوار گویند. در این دو آیه مبارکه خداوند به دو امر اساسی در کنار یکدیگر دستور می‌دهد: یکی تقوای الهی و دیگری سخن سدید. این نشان می‌دهد که گفتار انسان تأثیر ویژه‌ای در رسیدن او به سعادت دارد، به‌گونه‌ای که در ردیف تقوای الهی و پروا داشتن از خداوند بیان شده است. تعبیر قول کریم، در قرآن کریم تنها یک‌بار آمده است، آنجا که می‌فرماید: «وَقُلْ لَهَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء، ۲۳)؛ با پدر و مادر کریمانه سخن بگو.

۲-۵. روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. این روش به تحلیل و آنالیز محتوا می‌پردازد و می‌کوشد با استفاده از تحلیل، داده‌هایی را درباره متن استخراج کند. به بیان رایف و همکاران (۱۳۹۴) تحلیل محتوا، آزمون نظام‌مند (سیستماتیک) و تکرارپذیر نمادهای ارتباطی است که طی آن، ارزش‌های عددی بر اساس قوانین معتبر اندازه‌گیری، به متن نسبت داده و سپس با استفاده از روش‌های آماری، روابط بین آن ارزش‌ها تحلیل می‌شود. از تحلیل محتوا تعاریف گوناگونی به عمل آمده که بخشی از اختلاف به تاریخچه این فن و روند تکاملی آن برمی‌گردد و بخشی دیگر از آن مربوط به تفاوت در حوزه گسترده این فن است. کریپندورف تحلیل محتوا را فنی پژوهشی معرفی می‌کند که به‌منظور استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها درباره متن آن‌ها به کار می‌رود. او هدف این تحلیل را همانند سایر فن‌های پژوهشی فراهم آوردن شناخت، بینشی نو، تصویر واقعیت و راهنمای عمل می‌داند. برلسون، این فن را «پژوهشی برای توصیف عینی، سیستماتیک و کمی محتوای آشکار پیام» معرفی می‌کند (کریپندورف، ۱۳۷۸: ۲۶).

این عمل به‌منظور توصیف محتوای ارتباطات استخراج نتیجه درباره معنی آن یا پی‌بردن به بافت و زمینه ارتباط، هم در مرحله تولید و هم در مرحله مصرف صورت می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش کلیه سخنرانی‌های ایراد شده در دهه کرامت حرم مطهر رضوی در سال ۱۳۹۶ است که تعداد آن‌ها بالغ بر ۵۹ سخنرانی است. با توجه به حجم سخنرانی‌ها، نمونه‌گیری صورت نگرفته و تمام‌شماری شده است. از آنجا که قابلیت اعتماد شرط لازم یک تحقیق به‌شمار می‌رود، می‌باید پس از انجام تحقیق مورد برآورد قرار گیرد. چنانچه گفته شد معمولاً قابلیت اعتماد یا پایایی در تحلیل محتوا به معنای میزان توافق بین

کدگذاران قلمداد می‌شود و ضرایب قابلیت اعتماد تحقیق مرتبط با ضرایب توافق میان داوران است. در این پژوهش نیز با استفاده از ضریب توافق کاپا کیفیت کدگذاری در مراحل مختلف مورد سنجش قرار گرفت. در جدول ۱ وضعیت این کدنامه نمایش داده شده است.

جدول ۱. کدنامه پژوهش

ردیف	شاخص	ابعاد
۱	فرهنگ رضوی	سیره حضرت رضا <small>علیه السلام</small> در تعامل با محرومان
۲		اهل بیت <small>علیهم السلام</small> الگوی گذشت و نوع دوستی
۳		شاخصه‌های محبت و مهربانی در سیره رفتاری حضرت رضا <small>علیه السلام</small>
۴		بررسی سیره اقتصادی حضرت رضا <small>علیه السلام</small>
۵		امام رضا <small>علیه السلام</small> ، صیانت از وحدت اسلامی
۶		عالم آل محمد <small>علیهم السلام</small> ؛ الگوی رأفت در زندگی و مدیریت جهادی
۷	تربیت رضوی	مقام علمی و معنوی والای حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small> ...
۸		کرامت انسان در قرآن
۹		زیارت - نقش معرفت در زیارت (عارفاً بحقه)
۱۰		جایگاه نفاق و منافقین در اسلام
۱۱		جایگاه کار و کارآفرینی در اسلام
۱۲		جایگاه امام‌زادگان و ترویج فرهنگ دینی (از نگاه رهبری)؛ احمد بن موسی الگوی سبک زندگی ولایی
۱۳		شاخصه‌های تربیت دینی از منظر اسلام
۱۴		جایگاه مادر در تربیت و اهمیت نقش تربیتی مادر
۱۵		مصادیق مهربانی و محبت در سیره حضرت رضا <small>علیه السلام</small>
۱۶		عناصر مقوم اقتصاد مقاومتی در اقتصاد اسلامی

۱۷	انقلاب اسلامی	ائمه هدی <small>علیهم‌السلام</small> ؛ الگوی عدم تبعیت از مستکبران
۱۸		کرامت و حریت
۱۹		نسبت دین و سیاست
۲۰		نقش مشروطه و شیخ فضل الله در صیانت از کرامت مردم ایران

در این کدنامه ۲۰ گویه در قالب سه شاخص فرهنگ رضوی، فرهنگ دینی، انقلاب اسلامی وجود دارد. از سوی دیگر درباره هر سخنرانی موارد دیگری همچون تاریخ سخنرانی، نام سخنران، مدت سخنرانی، مکان سخنرانی، جنسیت مخاطب و موضوع سخنرانی نیز احصا شده است. این کدنامه توسط کارفرما در اختیار محقق قرار گرفته است.

۲-۶. یافته‌های پژوهش

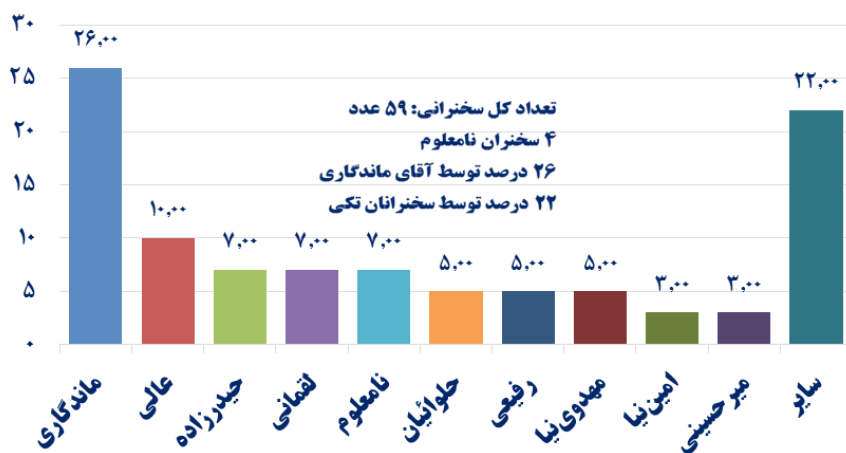
۲-۶-۱. پالایش اولیه سخنرانی‌ها

با عنایت به اینکه ممکن بود برخی از سخنرانی‌ها وضعیت مناسبی برای تحلیل محتوا نداشته باشد، آن‌ها را پالایش کردیم. سخنرانی‌ها به دو قسمت مرتبط و غیرمرتبط تقسیم شده است. منظور از سخنرانی‌های غیر مرتبط مواردی مانند احکام، پرسش و پاسخ یا دارای محتوای مخدوش است که ارتباطی با دهه کرامت نداشته‌اند.

جدول ۲. وضعیت ارتباط سخنرانی‌ها با محورهای دهه کرامت ۱۳۹۶

وضعیت سخنرانی	فراوانی	درصد
مرتبط	۴۷	۷۹٫۶۶
نامرتبط	۱۲	۲۰٫۳۴
کل	۵۹	۱۰۰

بر اساس جدول ۲ مشخص است که ۸۰ درصد سخنرانی‌ها برای تحلیل محتوا مناسب تشخیص داده شده است. ۲۰ درصد آن‌ها نیز شرایط لازم را نداشته است.



نمودار ۱. فهرست مهم‌ترین سخنرانان دهه کرامت ۱۳۹۶

از جمله مواردی که بسیار اهمیت دارد این است که مدت زمان یک سخنرانی چقدر است. در جدول زیر مدت زمان سخنرانی‌های حرم ارائه شده است.

جدول ۳. مشخصات سخنرانی‌های دهه کرامت ۱۳۹۶ منتخب در این پژوهش

مشخصه	پاسخ
میانگین سخنرانی	۳۱/۳۱ دقیقه
کوتاه‌ترین سخنرانی	۱۲ دقیقه
طولانی‌ترین سخنرانی	۵۰ دقیقه
کمترین زمان (کمتر از ۲۰ دقیقه)	امین‌نیا، تولایی، حلویان، رفیعی، فرازی‌نیا، گل‌زاده، گنجی، لقمانی و ماندگاری
زمان متوسط (۲۰ تا ۴۰ دقیقه)	امین‌نیا، حلویان، حیدرزاده، رفیعی، سعیدی، سیدکاشی، طیبی، عالی، عباسی، لقمانی، ماندگاری و موسوی
زمان طولانی (بیشتر از ۴۰ دقیقه)	حیدرزاده، عالی، ماندگاری، مهدوی‌نیا، میرحسینی و نجاتی

بر اساس جدول ۳ مشخص است که متوسط مدت زمان سخنرانی ۳۱ دقیقه است. این بدان معناست که میانگین سخنرانی در بازه متوسط قرار دارد. از طرف دیگر کوتاه‌ترین سخنرانی ۱۲ و طولانی‌ترین سخنرانی نیز ۵۰ دقیقه است. سخنرانانی همچون آقایان امین‌نیا، تولایی، حلویان، رفیعی، فرازی‌نیا، گل‌زاده، گنجی، لقمانی و ماندگاری در اغلب موارد کوتاه، امین‌نیا، حلویان، حیدرزاده، رفیعی، سعیدی، سیدکاشی، طیبی، عالی، عباسی، لقمانی، ماندگاری و موسوی در مواردی متوسط و حیدرزاده، عالی، ماندگاری، مهدوی‌نیا، میرحسینی و نجاتی نیز طولانی صحبت کرده‌اند. آقای ماندگاری از افرادی است که در هر سه مدل سخنرانی کرده است. بیشترین سخنرانی در رواق امام خمینی (۳۴ درصد) انجام شده است. از سوی دیگر ۲۱ درصد در ایوان مقصوره، ۱۹ درصد در صحن جامع رضوی، ۱۷ درصد در رواق دارالحکمه و ۸ درصد نیز در صحن انقلاب انجام شده است. حدود ۸۰ درصد سخنرانی‌ها به صورت عمومی و ۲۰ درصد صرفاً برای بانوان بوده است.

ابعاد فرهنگ رضوی شامل سیره حضرت رضاء علیها السلام در تعامل با محرومان، اهل بیت علیهم السلام الگوی گذشت و نوع دوستی، شاخصه‌های محبت و مهربانی در سیره رفتاری حضرت رضاء علیها السلام، بررسی سیره اقتصادی

حضرت رضا علیه السلام، امام رضا علیه السلام، صیانت از وحدت اسلامی و عالم آل محمد علیه السلام؛ الگوی رأفت در زندگی و مدیریت جهادی بوده است. در جدول ۳ وضعیت کلی این بعد نشان داده شده است.

جدول ۴. تحلیل محتوای بعد فرهنگ رضوی در سخنرانی‌های دهه کرامت ۱۳۹۶

ابعاد	تعداد تکرار	درصد در بعد	درصد از کل
گذشت و نوع دوستی	۱۰۱	۳۹٫۴۵	۴٫۴۴
محبت و مهربانی رفتاری	۷۹	۳۰٫۸۶	۳٫۴۷
رأفت و مدیریت جهادی	۳۱	۱۲٫۱۱	۱٫۳۶
تعامل با محرومان	۲۹	۱۱٫۳۳	۱٫۲۷
صیانت از وحدت اسلامی	۱۴	۵٫۴۷	۰٫۶۲
سیره اقتصادی	۲	۰٫۷۸	۰٫۰۹
کل	۲۵۶	۱۰۰	۱۱٫۲۵

بر اساس جدول ۴ مشخص است که بیشترین مفاهیم موجود در سخنرانی‌های دهه کرامت در رابطه با بعد فرهنگ رضوی به ترتیب به اهل بیت علیهم السلام الگوی گذشت و نوع دوستی (۳۹ درصد)، شاخصه‌های محبت و مهربانی در سیره رفتاری حضرت رضا علیه السلام (۳۱ درصد)، عالم آل محمد علیه السلام؛ الگوی رأفت در زندگی و مدیریت جهادی (۱۲ درصد)، سیره حضرت رضا در تعامل با محرومان (۱۱ درصد)، امام رضا علیه السلام، صیانت از وحدت اسلامی (۵ درصد) و بررسی سیره اقتصادی حضرت رضا (کمتر از یک درصد) است. می‌توان نتیجه گرفت که سخنران‌ها بیشتر بر موضوع گذشت و نوع دوستی و محبت و مهربانی در سخنرانی خود توجه کرده‌اند.

درباره شاخص فرهنگ دینی، ابعاد مقام علمی و معنوی والای حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، کرامت انسان در قرآن، زیارت - نقش معرفت در زیارت (عارفا بحقه)، جایگاه نفاق و منافقین در اسلام، جایگاه کار و کارآفرینی در اسلام، جایگاه امام زادگان و ترویج فرهنگ دینی (از نگاه رهبری)؛ احمد بن موسی الگوی سبک زندگی ولایی، شاخصه‌های تربیت دینی از منظر اسلام، جایگاه مادر در تربیت و اهمیت نقش تربیتی مادر، مصادیق مهربانی و محبت در سیره حضرت رضا علیه السلام و عناصر مقوم اقتصاد مقاومتی در اقتصاد اسلامی در نظر گرفته شده و نتیجه بررسی آن در جدول چهار ارائه شده است.

جدول ۵. تحلیل محتوای بعد فرهنگ دینی در سخنرانی‌های دهه کرامت ۱۳۹۶

ابعاد	تعداد تکرار	درصد در بعد	درصد از کل
تربیت دینی از منظر اسلام	۸۳۱	۵۲٫۷۳	۳۶٫۵۳
نقش معرفت در زیارت	۱۶۷	۱۰٫۶	۷٫۳۴
کرامت انسان در قرآن	۱۵۹	۱۰٫۰۹	۶٫۹۹
نفاق و منافقین در اسلام	۱۲۵	۷٫۹۳	۵٫۴۹
جایگاه مادر در تربیت	۸۰	۵٫۰۸	۳٫۵۲
مقام حضرت معصومه <small>علیها السلام</small>	۷۱	۴٫۵۱	۳٫۱۲
مهربانی و محبت معرفتی	۶۳	۴	۲٫۷۷
جایگاه امامزادگان	۵۴	۳٫۴۳	۲٫۳۷
کار و کارآفرینی در اسلام	۲۲	۱٫۴	۰٫۹۷
اقتصاد مقاومتی	۴	۰٫۲۵	۰٫۱۸
کل	۱۵۷۶	۱۰۰	۶۹٫۲۷

بر اساس جدول ۵ مشخص است که بیشترین اشاره در سخنرانی‌ها در شاخص فرهنگ دینی به تربیت دینی از منظر اسلام (۵۳ درصد) مربوط است. ولی در رابطه با سایر ابعاد نیز وضعیت بدین گونه است که نقش معرفت در زیارت (۱۱ درصد)، کرامت انسان در قرآن (۱۰ درصد)، نفاق و منافقین در اسلام (۸ درصد)، جایگاه مادر در تربیت (۵ درصد)، مقام حضرت معصومه علیها السلام (۴ درصد)، مهربانی و محبت معرفتی (۴ درصد)، جایگاه امامزادگان (۳ درصد)، کار و کارآفرینی در اسلام (یک درصد) و اقتصاد مقاومتی (کمتر از یک درصد) است. بنابراین در شاخص فرهنگ دینی بیشترین تأکید سخنران بر تربیت دینی، معرفت در زیارت و کرامت انسان بوده است. از سوی دیگر به کار و کارآفرینی در اسلام و اقتصاد مقاومتی کمتر توجه شده است.

درباره انقلاب اسلامی نیز ابعاد ائمه هدی علیهم السلام؛ الگوی عدم تبعیت از مستکبران، کرامت و حریت، نسبت دین و سیاست و نقش مشروطه و شیخ فضل الله در صیانت از کرامت مردم ایران مورد توجه بوده است که در جدول ۵ وضعیت آن‌ها شرح داده شده است.

جدول ۶. تحلیل محتوای بعد انقلاب اسلامی در سخنرانی‌های دهه کرامت ۱۳۹۶

ابعاد	تعداد تکرار	درصد در بعد	درصد از کل
کرامت و حریت	۳۷۲	۸۳٫۹۷	۱۶٫۳۵
الگوی عدم تبعیت از مستکبران	۴۱	۹٫۲۶	۱٫۸
نسبت دین و سیاست	۳۰	۶٫۷۷	۱٫۳۲
مشروطه و شیخ فضل‌الله	۰	۰	۰
کل	۴۴۳	۱۰۰	۱۹٫۴۷

بر اساس جدول ۶ مشخص است که بیشترین توجه در شاخص انقلاب اسلامی به موضوع کرامت و حریت با ۸۴ درصد تکرار بوده است. از سوی دیگر به میزان ۹ درصد به الگوی عدم تبعیت از مستکبران و ۷ درصد نیز به نسبت دین و سیاست توجه گردیده است. اما به موضوع مشروطه و شیخ فضل‌الله در سخنرانی‌های دهه کرامت توجهی نشده است. سه شاخص اصلی فرهنگ رضوی، فرهنگ دینی و انقلاب اسلامی در کدنامه مد نظر بوده است که وضعیت تکرار نهایی آن‌ها به شرح جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۷. تحلیل محتوای ۳ شاخص اصلی فرهنگ رضوی، فرهنگ دینی و انقلاب اسلامی در

سخنرانی‌های دهه کرامت ۱۳۹۶

شاخص	تعداد بعد	فراوانی	درصد
فرهنگ دینی	۱۰	۱۵۷۶	۶۹٫۲۷
انقلاب اسلامی	۶	۴۴۳	۱۹٫۴۷
فرهنگ رضوی	۴	۲۵۶	۱۱٫۲۵
کل	۲۰	۲۲۷۵	۱۰۰

در جدول ۷ مشخص است که بیشترین توجه به شاخص فرهنگ دینی با ۶۹ درصد و سپس شاخص

انقلاب اسلامی با ۱۹ درصد و شاخص فرهنگ رضوی نیز با ۱۱ درصد بوده است.



نمودار ۲. کلمه‌گرافی محتوای کل سخنرانی‌های دهه کرامت ۱۳۹۶

۳. بحث و نتیجه‌گیری

سخنرانی‌های مذهبی یکی از مهم‌ترین برنامه‌های معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی در راستای تحقق مأموریت‌های اصلی این معاونت است. فضای معنوی حرم مطهر و آمادگی زائران برای شنیدن، تفکر، تعمق و تأمل، تأثیرگذاری ملی و بین‌المللی حرم امام رضا علیه‌السلام و استقبال بیشتر زائران از مباحث مطرح، مدیریت، برنامه‌ریزی و هدایت منظم سخنرانان مذهبی و استفاده از برترین‌ها، گزینش، نیازسنجی و منطبق ساختن موضوعات سخنرانی با خواسته‌های زائران، تطابق داشتن هدف مسافرت زائران و برنامه‌های سخنرانی مذهبی در حرم، ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی شنوندگان و اثرپذیری بیشتر از سخنرانی، تنوع بالای سخنرانی‌های مذهبی حرم مطهر رضوی و پوشش هرچه بیشتر خواسته‌های زائران و مستندسازی و انتشار سخنرانی‌ها در قالب لوح فشرده، کتاب، روزنامه، نشریه، اخبار و ... و تأثیرگذاری هرچه بیشتر و بالا بودن تمرکز دشمنان بر موضوعات مطرح در سخنرانی‌های حرم رضوی و بنابراین حساس بودن مباحث مطرح‌نشده اهمیت زیاد سخنرانی در حرم مطهر رضوی است. آستان قدس رضوی از ظرفیت سخنرانی مذهبی در راستای اهداف خود استفاده شایانی کرده است و خواهد کرد. به دلایلی همچون فضای معنوی حرم، جایگاه ملی و بین‌المللی آستان، مدیریت و برنامه‌ریزی برای سخنرانی‌ها، گزینش و نیازسنجی‌ها، ویژگی‌های خاص مخاطبان، تنوع بالای سخنرانی، مستندسازی و سایر موارد میزان تأثیرگذاری سخنرانی مذهبی در حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام بیشتر از سایر نقاط است.

این پژوهش به منظور بررسی محتوای سخنرانی‌های حرم در دهه کرامت انجام گرفته است. یافته‌های

آن نشان می‌دهد که ۸۰ درصد سخنرانی‌ها برای تحلیل محتوا مناسب تشخیص داده شده است. بیشترین سخنرانی در دهه کرامت توسط آقای ماندگاری و استاد عالی انجام شده است. متوسط مدت زمان سخنرانی ۳۱ دقیقه است. بیشترین سخنرانی در رواق امام خمینی (ره) انجام شده است. حدود ۸۰ درصد سخنرانی‌ها به صورت عمومی و ۲۰ درصد صرفاً برای بانوان بوده است.

بیشترین مفاهیم موجود در سخنرانی‌های دهه کرامت دربارهٔ بعد فرهنگ رضوی به ترتیب به اهل بیت (علیهم‌السلام) الگوی گذشت و نوع دوستی، شاخصه‌های محبت و مهربانی در سیره رفتاری حضرت رضا (علیهم‌السلام) و عالم آل محمد (علیهم‌السلام)؛ الگوی رأفت در زندگی و مدیریت جهادی است و بیشترین اشاره در سخنرانی‌ها در شاخص فرهنگ دینی به تربیت دینی از منظر اسلام، نقش معرفت در زیارت و کرامت انسان در قرآن بوده و در نهایت بیشترین توجه در شاخص انقلاب اسلامی به موضوع کرامت و حریت، الگوی عدم تبعیت از مستکبران و نسبت دین و سیاست بوده است.

به‌طور کلی بیشترین توجه به شاخص فرهنگ دینی با ۶۹ درصد و سپس شاخص انقلاب اسلامی با ۱۹ درصد و شاخص فرهنگ رضوی نیز با ۱۱ درصد است. بیشترین ابعاد تکرار شده در سخنرانی‌های دهه کرامت به ترتیب تربیت دینی از منظر اسلام، کرامت و حریت، نقش معرفت در زیارت، کرامت انسان در قرآن، نفاق و منافقین در اسلام، گذشت و نوع دوستی، جایگاه مادر در تربیت، محبت و مهربانی رفتاری، مقام حضرت معصومه (علیها السلام)، مهربانی و محبت معرفتی، جایگاه امام‌زادگان، الگوی عدم تبعیت از مستکبران، رأفت و مدیریت جهادی، نسبت دین و سیاست، تعامل با محرومان، کار و کارآفرینی در اسلام، صیانت از وحدت اسلامی، اقتصاد مقاومتی، سیره اقتصادی و مشروطه و شیخ فضل الله است؛ بنابراین این نتیجه عاید شده است که پراکندگی محتوای سخنرانی‌ها بالا بوده و از سوی دیگر برخی از سخنرانان نیز تلاش کرده‌اند دامنه مفاهیم خود را توسعه دهند. برخی کوتاه و برخی بلند سخنرانی کرده‌اند. لازم است بر اساس یافته‌های این پژوهش شناخت بیشتری دربارهٔ محتوای سخنرانی‌ها به‌دست آمده و بر اساس پیشنهادهای زیر تصمیمات مناسب برای سال آینده گرفته شود:

۱. تدوین بسته‌های محتوایی ویژه سخنرانان و ارائه به آن‌ها هم‌زمان با دعوت برای سخنرانی در حرم.
۲. سنجش کیفیت سخنرانی‌ها به‌صورت مرتب و مقایسه آن با تحلیل محتوای سخنرانی حرم.
۳. تأکید بر چند مفهوم کلیدی برای سخنرانان مشهور.
۴. ارائه نتایج تحلیل محتوای حاضر به سخنرانان و تقاضای تغییر رویه سخنرانی‌های آتی.
۵. تلفیق چالش‌های آستان قدس رضوی و زیارت با محوریت اصلی در سخنرانی‌ها توسط سخنرانان.
۶. اشاره به نمادهای واقعی اجتماعی مفاهیم به‌کار برده شده در سخنرانی و تحلیل محتوا.
۷. اولویت‌بندی موضوعی سخنرانی‌ها و تمرکز بیشتر بر آن‌ها در سخنرانی‌های حرم.
۸. تعمیم تحلیل محتوای سخنرانی‌ها در برنامه‌های دیگر و تدوین بسته محتوای جامع‌تر.
۹. بررسی علل دوری سخنرانان از محتوای موکول‌شده و کاهش مشکلات آن.

۱۰. برگزاری نشست با سخنرانان کلیدی حرم و ارائه یافته‌ها و تأکید بر اهمیت سخنرانی.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. (جلد چهارم). مصحح: غفاری، علی اکبر. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- افتخاری، اصغر؛ نهازی، غلامحسین. (۱۳۸۹). «امنیت عمومی در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری». *دانش انتظامی*. پاییز ۱۳۸۹. دوره ۱۲. شماره ۳ (مسلسل ۴۸). صص: ۷-۴۹.
- افخمی، علی؛ عابدینی، سیروس؛ محمودی بختیاری، بهروز. (۱۳۹۷). «تحلیل گفتمان انتقادی سخنرانی‌های دونالد ترامپ در مورد مهاجران». *زبان‌شناسی اجتماعی*. سال دوم. شماره ۱. تابستان ۱۳۹۷. صص: ۵۱-۶۱.
- ایشانی، طاهره؛ نعمتی قزوینی، معصومه. (۱۳۹۳). «تحلیل خطبه حضرت زینب سلام‌الله علیها در کوفه بر اساس نظریه کش گفتار سرل». *سفینه*. سال دوازدهم ویژه حدیث. شماره ۴۵. زمستان ۱۳۹۳. صص: ۲۵-۵۲.
- باردن، لورنس. (۱۳۷۴). *تحلیل محتوا*. ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی سرخابی. تهران: انتشارات شهید بهشتی.
- پهلوان نژاد، محمدرضا؛ رجب‌زاده، مهدی. (۱۳۸۹). «تحلیل متن‌شناسی زیارتنامه حضرت امام رضا (علیه السلام) بر پایه نظریه کش گفتار». *فلسفه و کلام (مطالعات اسلامی)*. پاییز و زمستان ۱۳۸۹. دوره ۴۲. شماره ۸۵. صص: ۳۷-۵۴.
- جواهری، فاطمه؛ سراج‌زاده، سیدحسین؛ اورعی، نیلوفر. (۱۳۹۵). «تحلیل جامعه‌شناختی جهت‌گیری تبلیغ دینی نسبت به امر سلامت؛ مورد مطالعه: مبلغان و مخاطبان سخنرانی‌های مذهبی شهر قم». *راهبرد فرهنگ*. شماره ۳۳. بهار ۱۳۹۵. صص: ۶۷-۹۱.
- رایف، دانیل؛ لیس، استفن؛ جی. فیکو، فردریک. (۱۳۹۴). *تحلیل پیام‌های رسانه‌ای (کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق)*. مترجم مهدخت بروجردی علوی. تهران: انتشارات سروش.
- روشنفکر، کبری؛ محمدی رکعتی، دانش. (۱۳۸۸). «تحلیل گفتمان ادبی خطبه‌های حضرت زینب (علیه السلام)». *سفینه*. بهار ۱۳۸۸. دوره ۶. شماره ۲۲ (حضرت زینب (علیه السلام)). صص: ۱۲۷-۱۴۹.
- الزین، حاتم. (۱۳۹۵). «استفاده از مثلث بلاغت در سخنرانی‌های دبیر کل حزب الله، سید حسن نصرالله». *مجله جهانی رسانه - نسخه فارسی*. شماره ۲۱. بهار و تابستان ۱۳۹۵. صص: ۳۰-۵۱.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: نشر دارالمعرفه.
- ظهوری عین‌الدین، عباس؛ پورعلی، سعید. (۱۳۹۸). «تحلیل محتوای کیفی سخنرانی‌های رئیس دولت یازدهم (حسن روحانی) در سازمان ملل با رویکرد استقرایی». *پژوهش سیاست نظری*. شماره ۲۶. صص: ۳۵-۵۸.
- فوزی، یحیی؛ حسن‌پور، صابر؛ علیزاده سیلاب، قدسی. (۱۳۹۴). «تحلیل آماری و محتوایی سخنرانی‌های امام خمینی (ره) در سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۴۱». *مطالعات انقلاب اسلامی*. شماره ۴۳. زمستان ۱۳۹۴. صص: ۱۷۹-۱۹۲.
- کرپیندورف، کلوس. (۱۳۷۸). *تحلیل محتوا*. ترجمه: هوشنگ ناییب. تهران: انتشارات روش.
- لعل‌علیزاده، محمد؛ مقدس، اعظم؛ میرزاخانی، عابد. (۱۳۹۹). «الگوی حکمرانی رهبری؛ تحلیل محتوای سخنرانی‌های نوروزی در دو دوره اول ریاست جمهوری سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲». *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*. دوره ۱۰. شماره ۱ (پیاپی ۱۸). صص: ۸۳-۱۰۶.
- متقی‌الهندی، علاء‌الدین علی. (۱۴۰۱ق). *کنز العمال فی سنن الأفعال والأفعال*. بیروت: مؤسسه الرساله.
- هولستی، ال.آر. (۱۳۷۳). *تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی*. ترجمه نادر سالرزاده امیری. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

References

- Afkhami, Ali; Abedini, Cyrus; Mahmoudi Bakhtiari, Behrouz. (2017). "Critical Discourse Analysis (CDA) of Donald Trump's Lectures about Immigrants". *Sociolinguistics*. Q2 (1): 51-61. [In persian]
- Alsohaibani, A. (2017). Influence of religion on language use: A sociopragmatic study on the influence of religion on speech acts performance (*Doctoral dissertation, University of East Anglia*).
- Anshel, M. H., & Smith, M. (2014). The role of religious leaders in promoting healthy habits in religious institutions. *Journal of religion and health*, 53(4), 1046-1059.
- Burden, Lawrence. (1993). content analysis. Translated by Maleeha Ashtiani and Mohammad Yemeni Dozi Sorkhabi. Tehran: Shahid Beheshti Publications.
- Conrad, R., & Hardenberg, R. (2020). Religious Speech as Resource. A Research Report. *International Journal of Practical Theology*, 24(1), 165-195.
- Crippendorf, Kloss. (1999). content analysis. Translation: Houshang Naibi. Tehran: Rosh Publications.
- Eftekhari, Asghar; Nahazi, Gholamhossein. (1389). "Public security in the thoughts and statements of the Supreme Leader". *Law enforcement knowledge*. 12 (3): 7-49. [In persian]
- El Zein, H. (2016). The Employment of Rhetorical Triangle in the Speeches of Hezbollah's Secretary-General Sayyed Hassan Nasrullah. *Global Media Journal-Persian Edition*, 11(1), 30-46.
- Fouzi, Yahya; Hassanpour, Saber; Alizadeh Silab, Qudsi. (2014). "Statistical and content analysis of Imam Khomeini's (RA) speeches in 1341-1368". *Islamic Revolution Studies*. Number 43. Winter 2014. pp: 179-192. [In persian]
- Hjelm, T. (2014). Religion, discourse and power: A contribution towards a critical sociology of religion. *Critical Sociology*, 40(6), 855-872.
- Holsti, L.R. (1973). Content analysis in social sciences and humanities. Translated by Nader Salarzadeh Amiri. Tehran: Allameh Tabatabai University Press.
- Ibn Babvieh, Muhammad bin Ali (1413). *Man La Yahdara Al-Faqih* (Volume Four), proofreader: Ghafari, Ali Akbar, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Society of Teachers.
- Ishani, Tahira; Nemati Qazvini, Masoumeh. (2013). "Analysis of Hazrat Zainab's speech in Kufa based on the theory of speech act" *the ship* 12 (45): 25-52. [In persian]
- Javaheri, F., Serajzadeh, S. H., & Urai, N. (2016). A Sociological Analysis of Religious Propagation Approach to Health; Case Study: Preachers and Audience of Religious Speeches in Qum. *Strategy for Culture*, 9(33), 67-91. [In persian]

- laelalizadeh, M., moghadas, A., & mirzakhani, A. (2020). Leadership governance Model: The content analysis of Nowruz lectures in two different periods of years 1384 to 1400. *Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, 10(1), 83-106. doi: 10.22059/jstmt.2020.77808. [In persian]
- Motaghi Al-Handi (1401 AH). *Kanz al-Umal fi Sunan al-Aqwal al-Afeal*, Beirut: Ešt. Al-Rasalah. [In persian]
- Pahlavān Nijād, M. R., & Rajabzāda, M. (2011). An Analysis of the Textology of Imam al-Rizā (A.S.)'s Ziyārat Nāma Based of the Theory of Speech Function. *Essays in Philosophy and Kalam*, 42(2), -. doi: 10.22067/philosophy. v42i2.11255. [In persian]
- Rife, Daniel; Lacey, Stephen; J. Fico, Frederic. (2014). *Analysis of media messages (application of quantitative content analysis in research)*. The translator was born in Boroujerdi Alavi. Tehran: Soroush Publications.
- Roshanfekar, k., Mohammadi Rakati, Danesh. (2017). "Analysis of the literary discourse of Hazrat Zainab's (pbuh) sermons". *the ship Spring 2018*. Volume 6. Number 22 (Hazrat Zainab (PBUH)). pp.: 127-149. [In persian]
- Tabarsi, Fazl bin Hasan (1412 Gh). *Al-Bayan Forum in Tafsir al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Ma'rifah Publishing House. [In persian]
- zohuri einoddin, abbas, pourali, saiced. (2020). Qualitative content analysis of President XI speeches (Hassan Rouhani) at the United Nations in an inductive approach. *Pizhūhish-i siyāsāt-i nazāri* ,26:35-58. [In persian]



Documentary Review of Razavi's Hadith Sharḥ Šadr (Mental Capacity) and Analysis of Its Implications to Prove the Rule of Tolerance in the Reasons of the Sunan

Alborz Mohaghegh Garfami¹, Seyed Ali Delbari², Seyedeh Seddighe Eslami Zeydanlo³

1. Master of Quranic Sciences and Hadith, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran: Mohaghegh.gr@gmail.com

2. Associate Professor of the Department of Quranic Sciences and Hadith, Razavi University of Islamic Sciences, and external course instructor at Mashhad Seminary, Mashhad, Iran (corresponding author): delbari@razavi.ac.ir

3. Ph.D student in Criminal Jurisprudence, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran: cvbhtfbrd@gmail.com

Article Info

Abstract

Article Type:

Research Article

Article History:

Received:

May 23, 2022

In Revised Form:

July 23, 2022

Accepted:

September 29, 2022

Published Online:

May 21, 2024

Keywords

One of the fields of guidance of Imam Reza (as) is the explanation and interpretation of the divine verses. Among the precious legacy of hadith left by that infallible Imam (as), there is a hadith in the interpretation of verse 125 of Surah An'ām. Shia scholars have placed this hadith among the hadiths entitled "Akhbār man Balāgh", and other scholars have cited this hadith in fundamental fields. This research is based on a descriptive-analytical method and using library sources in order to measure the correlation of this hadith with the rule known as tolerance in the evidence of traditions. For this purpose, first of all, the validity of the document of this hadith has been analyzed. In the next step, the significance of this hadith on the principled approach to the rule of tolerance in non-mandatory rulings has been explained and criticized. Then, other scholars' perception of this narrative has been examined in a theological approach. The chosen approach of the writing is that the above-mentioned hadith is the expression of Allah's special guidance to the servants who have accepted the formative and legislative guidance. In this case, divine guidance makes them successful in understanding and accepting the teachings of religion and expands their intellectual horizon and practical sphere. In other words, the verbal interpretation of some of this hadith is only one of the examples of creating peace of mind when doubting whether the authentic hadith is true.

Razavi Hadith, Mental Capacity, Tolerance in the Evidence of Sunan, Serendipity Guidance.

Cite this The Author (s): Mohaghegh Garfami, A., Delbari, S. A., Eslami Zeydanlo, S. S., (2024). Documentary Review of Razavi's Hadith Sharḥ Šadr (Mental Capacity) and Analysis of Its Implications to Prove the Rule of Tolerance in the Reasons of the Sunan: Quarterly Scientific Journal of Farhang Razavi. Year 12, Issue 1, Spring 2024, Serial Number 45- (113-136)-DOI: [10.22034/farzv.2022.343836.1767](https://doi.org/10.22034/farzv.2022.343836.1767).



Introduction

One of the most frequent rules in jurisprudence, which originates from the science of principles, is called the rule of tolerance in Sunan evidence. The most important reason for this rule is based on a collection of news called "Akhbar Man Belgh". One of the news that the scholars of Imamiyyah seek to benefit from when arguing to prove the mentioned rule is a news that the late Sadouq narrated in his documents as follows: Hamdan bin Suleiman says: I asked Hazrat Reza (a.s.), the meaning of this What is the meaning of the verse "Whoever God wants to guide, He makes him satisfied and pleased to Islam, ready to accept Islam, and whoever He doesn't want to be saved from going astray, He narrows his chest very much?" He said: Whoever God wants, because of May the faith he had in this world guide him to the paradise of the hereafter, it prepares and satisfies him for surrendering to God and trusting him, as well as peace and tranquility from the rewards promised by God, so that he finds peace of mind. And whoever He wants, because of disbelief and disobedience in this world, deprives him of the Paradise of the Hereafter, He makes him miss and discourage him so that in the state of disbelief, he becomes doubtful and anxious in his heart's belief. as if he wants to rise in the sky. God puts such abomination and impurity on those who do not believe." The main purpose of this essay is to find the validity of the document and examine the content of this hadith.

Commentators have talked about the concept of Sharh al-Sadr in the Holy Qur'an and various interpretation traditions. Various articles have also paid attention to this concept. Various studies have been done about the rule of tolerance in Sunan evidence.

To explain the discussed hadith and its relationship with the rule of tolerance, the meaning of the rule and the main concepts of the hadith must be explained. This research deals with the semantic analysis of the hadith and explaining its connection with the principle of tolerance.

The rule of tolerance in Sunan evidence is known as a rule of interest to jurists and hadith scholars, according to which it is permissible to use weak reports of chain of transmission for non-obligatory acts. This rule is justified based on the news of my speech, consensus, guidance of intellect and famous practice. This rule has been examined in jurisprudential and principled proofs and different chapters with different titles have been opened for it.

Akhbar Man Balgh, on the basis of which this rule is justified, is the subject of discussion and disagreement among the believers of this rule. Some consider this news to be limited only to rewarding actions, while others see the scope of this rule as wider. Some scholars consider this rule to be fundamental, while others consider it a theological aspect.

Regarding the concept of Sharh al-Sadr, this term is interpreted to mean preparing

the heart to accept the truth and not to oppose it. This concept has been interpreted in the Qur'an as an allusion to the readiness to accept faith and pay attention to Islamic teachings. In addition, there is also the concept of narrow chest, which refers to narrow-mindedness and non-acceptance of rights.

These important concepts and rules are very important in Islamic jurisprudence and interpretation, and their careful examination can help in a deeper understanding of Islamic principles and rulings.

Methods

The present research is based on analytical-descriptive method and with the help of library sources, in order to measure the correlation of this hadith with the rule of tolerance in the Sunan evidences.

Discussion and conclusion

Examining the text of Imam Reza's (pbuh) commentary on verse 125 of Surah An'am from the book *Ayoun Akhbar al-Reza* (pbuh) written by Sheikh Sadouq, one of the elders of the Imamiyyah, shows that this document is of a complete type and without any inflection. The narration of Imam Reza (AS) has been reported by three narrators. Of these three narrators, Hamdan bin Sulaiman has been explicitly authenticated, and trusting two other narrators, Abdul Wahid bin Muhammad bin Abdus and Ali bin Muhammad bin Qutaiba Neishaburi, points to their authentication based on the compilation of evidence and the criteria of hadith validation.

Considering the authenticity of the narrators and trust in them, we can conclude that the source of this hadith is connected and correct in terms of the reliability of a document and an informant, so it is valid and reliable.

There are different views on the meaning of hadith. Some muhaddith scholars have evaluated this hadith as a guide to create a calm heart when in doubt, while others consider it as a measure to be aware of benefiting from divine guidance. Also, some others have used this hadith with the approach of knowledge of principles to prove the rule of tolerance in the evidence of the Sunan, and it has been used as an expression of creating confidence in benefiting from the rewards contained in unreliable news.

Some people have used this hadith to dispel doubts from the obligee when he doubts whether authentic news is in accordance with reality, and they believe that this hadith is the obligee's benefit from God's special forgiveness to strengthen his belief in the meaning of authentic news that there is doubt in their conformity with reality. There is.

Based on the findings of the research, this hadith cannot be used in a principled approach; Because the rational rule of non-obligation to non-authentic news prevents action on the content of weak news, which is only a specific result for action.

Falsification of Ithhab as a secondary is also problematic; Because from the phrase “Kaan Laho Ajroho”, in the news of Man Balgh, it is clear that the central issue is the same external action, not the action bound to another principle, such as the maturity of the reward. Sheikh Baha'i's argument regarding the increase of a person's ability to perform rewarding actions will be based on the fact that knowing the result of doing a specific action has been obtained in a reliable way; Not that invalid methods cause such motivation.

In the theological approach, some believe that the news of Man Balgh, in the position of expressing the cancellation of the conditions required for the authenticity of a single news, are not mandatory in rulings; Rather, they are the only guide to benefiting from God's grace for any action that has been obtained through authentic news. In this view, Man Balgh news will play a role in removing anxiety and increasing believers' faith in God's grace, in practice, like all other reliable news.

In the end, in order to understand the meaning of verse 125 of Surah An'am and Razavi's interpretive narration below it, he explained the concept of guidance in the semantic network of the Holy Quran and concepts such as formative guidance, natural guidance, intellectual guidance, legislative guidance, extra-ordinary guidance, radiant guidance and guidance to Sui has mentioned the rewards. These concepts show that afazi leadership will include people who have stepped on the path of leadership and have tried.

According to this research, the hadith in question is an expression of special divine guidance in various fields and levels of religiosity. One of its examples is having peace of mind regarding doing actions that, despite obtaining trust or suspicion through valid means, there is doubt about their conformity with reality. Based on this, the chosen approach is an extension of the aforementioned concept in the verbal approach. Therefore, this research has come to the conclusion that the discussed hadith is in the position of expressing special divine guidance in various fields and levels of religiosity, and this hadith can be used to strengthen beliefs and perform religious actions.



بررسی سندی حدیث رضوی شرح صدر و واکاوی در دلالت آن برای اثبات قاعده تسامح در ادله سنن

البرز محقق گرمفی^۱، سیدعلی دلبری^۲، سیده صدیقه اسلامی زیدانلو^۳

Mohaghegh.gr@gmail.com

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه:

delbari@razavi.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دانشیار گروه علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی و مدرس درس خارج حوزه علمیه مشهد، مشهد، ایران. رایانامه:

cvbhtfbrd@gmail.com

۳. دانشجوی دکتری فقه جزا، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه:

چکیده

اطلاعات مقاله

یکی از عرصه‌های هدایتگری حضرت امام رضا(ع) تبیین و تفسیر آیات الهی است. در میان میراث گران‌بهای حدیثی برجای مانده از آن پیشوای معصوم، روایتی در تفسیر آیه ۱۲۵ سوره انعام وجود دارد. محدثان شیعی این خبر را در زمره اخباری با عنوان «اخبار من بَلَّغ» جای داده‌اند و دانشورانی دیگر به این حدیث، در عرصه‌های اصولی استناد جسته‌اند. این پژوهش به روش تحلیلی توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای در پی ارتباط سنجی این حدیث با قاعده‌ای است که با عنوان تسامح در ادله سنن شهره است. به این منظور، ابتدا میزان اعتبار سند حدیث کاویده شده است. در گام پسین، میزان دلالت این حدیث بر رویکرد اصولی به قاعده تسامح در احکام غیرالزامی، تبیین و نقد شده است. پس آن‌گاه، برداشت دانشورانی دیگر از این روایت، در رویکردی کلامی بررسی شده است. رویکرد برگزیده نوشتار آن است که حدیث پیش‌گفته در مقام بیان هدایت ویژه الهی بر بندگانی است که پذیرای هدایت تکوینی و تشریحی بوده‌اند. در این حالت، هدایت الهی سبب توفیق ایشان در فهم و پذیرش آموزه‌های دین می‌شود و افق فکری و سپهر عملی ایشان را می‌گستراند. به دیگر سخن، برداشت کلامی برخی از این حدیث، تنها یکی از مصادیق ایجاد دل‌آرامی و سکون نفس در هنگامه تردید به مطابقت خبر معتبر با واقع خواهد بود.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۳/۲

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۱/۵/۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۷/۴

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۰۳/۰۱

حدیث رضوی، شرح صدر، تسامح در ادله سنن، هدایت افاضی.

کلیدواژه‌ها

استناد: محقق گرمفی، البرز، دلبری، سیدعلی، اسلامی زیدانلو، سیده صدیقه: (۱۴۰۳). بررسی سندی حدیث رضوی شرح صدر و واکاوی در دلالت آن برای اثبات قاعده تسامح در ادله سنن: فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، سال ۱۲، شماره ۱، تابستان، شماره پیاپی ۴۵ - (۱۳۶-۱۱۳).

DOI:10.22034/farzv.2022.343836.1767



ناشر: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

۱. طرح مسئله

گستره گران‌بهای احادیث معصومان علیهم‌السلام، در بردارنده مجموعه‌ای از انواع دلالت‌هاست که بهره‌گیری از هر یک از آن‌ها، برای پی‌ریزی بنیان‌های شناختی، زیستی، عقیدتی و نیز بنا نهادن قواعد علوم اسلامی نقش آفرین خواهد بود. یکی از قواعد پربسامد در دانش فقه که از علم اصول سرچشمه می‌گیرد، قاعده تسامح در ادله سنن نام دارد. مهم‌ترین دلیل این قاعده بر مجموعه‌ای از اخبار با نام «اخبار من بلغ» بنا نهاده شده است. یکی از اخباری که دانشوران امامیه هنگام استدلال بر اثبات قاعده یاد شده، از آن سود می‌جویند، خبری است که شیخ صدوق به اسناد خویش آن را از امام رضا علیه‌السلام با این عبارت گزارش کرده است: «حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ دُوسِ الْعَطَّارِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيُّ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ النَّيْسَابُورِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ. قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَنْ يُرِدُ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيْقًا حَرَجًا قَالَ مَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَأَيِّنْهُ فِي الدُّنْيَا إِلَى جَنَّتِهِ وَ دَارِ كَرَامَتِهِ فِي الْآخِرَةِ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلتَّسْلِيمِ لِلَّهِ وَ التَّقِيَّةِ بِهِ وَ السُّكُونِ إِلَى مَا وَعَدَهُ مِنْ ثَوَابِهِ حَتَّى يَطْمَئِنَّ إِلَيْهِ وَ مَنْ يُرِدُ أَنْ يُضِلَّهُ عَنِ جَنَّتِهِ وَ دَارِ كَرَامَتِهِ فِي الْآخِرَةِ لِكُفْرِهِ بِهِ وَ عَصْيَانِهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيْقًا حَرَجًا حَتَّى يَشْكُ فِي كُفْرِهِ وَ يَضْطَرِبَ مِنْ اعْتِقَادِ قَلْبِهِ حَتَّى يَصِيرَ كَأَنَّما يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرَّجْسَ عَلَيِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ؛ حمدان بن سليمان می‌گوید: از حضرت رضا علیه‌السلام سوال کردم، معنی این آیه «هر کس را خدا بخواهد هدایت کند او را به اسلام راضی و خشنود نموده، آماده قبول اسلام و هر کس را نخواهد از گمراهی نجات یابد سینه او را بسیار تنگ می‌کند» چیست؟ فرمود: هر کس را خدا بخواهد، به سبب ایمانی که در دنیا داشته است، به بهشت آخرت راهنمایی کند. او را برای تسلیم بودن در برابر پروردگار و اطمینان به وی و نیز آرامش و سکون از ثواب‌هایی که خدا وعده داده آماده و راضی می‌کند تا آرامش خاطر یابد. و هر کس را بخواهد، به خاطر کفر و عصیان در این دنیا، از بهشت آخرت محروم سازد او را دلتنگ و دل‌سرد می‌نماید تا در حال کفر، دچار شک شده و در اعتقاد قلبی، مضطرب گردد. گویی (می‌خواهد) در آسمان بالا رود. خداوند این‌گونه، رجس و پلیدی را بر آنان که ایمان نمی‌آورند، قرار می‌دهد» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۳۱).

هدف اصلی این جستار، یافتن اعتبار سند و بررسی محتوای این خبر است. در پرتو این هدف، میزان پیوند این خبر با قاعده «تسامح در ادله سنن» ارزیابی شده است. برای رسیدن به این هدف پس از پیمودن گام‌های فرایند بررسی سند، نظریه نهایی درباره وضعیت سند تبیین شده است. آن‌گاه، دو رویکرد اصولی و کلامی به محتوای این خبر بازخوانی و دلایل مرتبط با هر رویکرد تبیین و نقد شده است. در گام پسین نیز دیدگاه برگزیده درباره دلالت‌های قرآنی حدیث تشریح شده است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

مفسران مسلمان به مناسبت بحث از مفهوم شرح صدر در ۵ آیه از قرآن مجید از روایات تفسیری ذیل

آن‌ها نیز سخن رانده‌اند. این مفهوم در مقالاتی نیز مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه محمد یعقوب بشوی (۱۳۸۵) در مقاله «بررسی دیدگاه فریقین درباره آیه شرح صدر» این مفهوم را در آیه نخست سوره انشراح بررسی کرده و از این رهگذر، روایات عامه پیرامون موضوع شکافته شدن سینه رسول خدا ﷺ را به نقد کشیده است. مرحوم محمد محمدی ری شهری (۱۳۶۸) نیز در نوشتار «علایم شرح صدر»، سه مؤلفه دل‌کنند از دنیا و توجه به آخرت، تسلیم بودن در برابر حق و آرامش دل را نشانه‌های شرح صدر می‌داند. همچنین در بخشی از جستار «نگاهی تحلیلی به تصحیح خداشناسی مردم توسط امام رضا (علیه السلام)» به قلم رضا اکبری (۱۳۹۲) نیز به تحلیل وصف پروردگار با دو صفت هدایت و ضلالت ذیل آیه ۱۲۵ سوره انعام و روایات تفسیری امام رضا (علیه السلام) درباره آن پرداخته شده است.

درباره ادله روایی قاعده تسامح در ادله سنن نیز در نگاشته‌های گوناگون دانشوران شیعی سخن به میان آمده است. پیشینیانی چون مرحوم صدوق در «ثواب الاعمال و عقاب الاعمال» و سید بن طاووس در «جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع» و در سده‌های اخیر افرادی چون علامه محمدباقر مجلسی در بحارالانوار، مولی احمد نراقی در «عوائد الایام» و شیخ انصاری در «رسائل الفقهیه» روایات مرتبط با این موضوع را مطرح ساخته‌اند. به‌تازگی نیز نگاشته‌هایی چون «قاعده التسامح فی ادله السنن» به همت محمد جواد فاضل لنکرانی به گونه‌ای مستقل آن را کاویده‌اند. حسب جست‌وجوی به عمل آمده در میان مقالات نیز موارد ذیل در پیوند با موضوع پژوهش حاضر قرار دارند:

مقاله «اعتبارسنجی و مفهوم‌شناسی احادیث من بلغ» به قلم محمود کریمیان (۱۳۹۷)، این اخبار را یکی از ادله نقلی حجیت خبر واحد گرفته و آن‌ها را رهنمون بر پذیرش احادیثی می‌داند که شرایط حجیت را داشته و به همین شکل به دست رسیده‌اند (کریمیان، ۱۳۹۷: ۹). همچنین تنها گستره نقش آفرینی این اخبار را حوزه احکام شرعی می‌داند (همان: ۱۵). با این حال، به بررسی حدیث تفسیری امام رضا (علیه السلام) نپرداخته است.

دو مقاله «تسامح در ادله سنن، قاعده‌ای ناکارآمد» و «چگونگی مواجهه فقها با اخبار من بلغ و برداشتی نو از این اخبار» به کوشش علی اکبر کلانتری (۱۳۸۹ و ۱۳۹۷) در پی اثبات نادرستی سهل‌انگاری در پذیرش اخبار ضعیف السنن رهنمون به احکام غیر الزامی بوده و مفاد آن‌ها را خبر از تفضل و عنایت پروردگار نسبت به بندگانی می‌دانند که به امید رسیدن به پاداش الهی به اموری مبادرت می‌ورزند که با دلیلی موجود در دست‌شان، وجوب یا استحباب آن‌ها بیان شده است (کلانتری، ۱۳۹۷: ۱۱۱). همچنین نویسنده محترم، این برداشت را در گستره هر گونه روایات اعتقادی، فقهی، اخلاقی و تاریخی جاری می‌داند (همان: ۱۱۲).

با وجود همه این تلاش‌های تحسین‌برانگیز، نوشتاری که به گونه‌ای مستقل روایت تفسیری امام رضا (علیه السلام) ذیل آیه ۱۲۵ سوره انعام را کاویده باشد، یافت نمی‌شود. نوآوری دیگر این پژوهش، در واکاوی مستقل یکی از دلایل روایی قاعده تسامح در ادله سنن است. افزون بر بررسی سندی بر اساس مسلک و ثوق

صدوری، دلالت‌های برآمده از این قاعده در دو خوانش مجزا، ارزیابی و تحلیل شده و در نهایت، نظرگاه برگزیده درباره میزان پیوند این خبر با قاعده تسامح تبیین شده است.

۲. انگاره‌های بنیادین

بایسته است برای تبیین استوار حدیث پیش گفته و ارزیابی پیوند آن با قاعده تسامح، مقصود از این قاعده و مفاهیم محوری شبکه معنایی حدیث در این پژوهش، تشریح شود.

۲-۱. قاعده تسامح در ادله سنن

برخی فقیهان و حدیث‌پژوهان برای بهره از مفاد اخبار ضعیف السنن، قاعده‌ای را سامان داده‌اند که در میان شیعیان با نام «تسامح در ادله سنن» و در میان عامه با عنوان «تساهل در اسانید» شهره است (ر.ک: بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۱۹۸؛ زرکشی، ۱۴۱۹ق، ج ۲: ۳۰۸). به موجب این قاعده، کنشگری بر اساس مؤدای اخبار ضعیف السننی که رهنمون به عملی غیر الزامی هستند، مجاز خواهد بود. باورمندان به این قاعده، از دلایلی برای اثبات فرضیه خویش بهره برده‌اند که عبارتند از: ۱. خانواده‌ای از احادیث با عنوان اخبار من بلغ؛ ۲. اجماع؛ ۳. راهنمایی عقل و ۴. عمل مشهور (انصاری، ۱۴۱۴ق: ۱۳۸، ۱۳۹ و ۱۴۲؛ بهبهانی، ۱۴۲۴ق، ج ۲: ۱۲۴؛ مظاهری، ۱۳۹۷، ج ۱: ۱۶۰؛ فاضل لنگرانی، ۱۳۹۶: ۲۵).

فقیهان و حدیث‌پژوهان بر اساس این قاعده، ابوابی با عناوینی چون «قاعده التسامح فی أدله السنن و التسامح فی مدار الاستحباب» (بحرانی، ۱۴۲۳ق، ج ۳: ۱۷۱)، «التسامح فی دلیل المستحبات و المكروهات» (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۴۲۰)، «استحباب الاتیان بکل عمل مشروع روی له ثواب عنهم علیهم السلام و ان لم یثبت نقل تلك الروایات» (حرعاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۶۱۷) و «من بلغه ثواب من الله علی عمل فأتی به» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۲۵۶) گشوده‌اند.

گستره حکم فقهی برآمده از اخبار من بلغ، محل کشاکش آرای باورمندان به این قاعده است. برخی این قاعده را تنها در اخبار رهنمون به اعمال ثواب‌انگیز جایز می‌دانند (محقق اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ۱۶۹). برخی دیگر به تنقیح مناظ، دامنه این قاعده را به هرگونه اخبار دال بر کنش‌های غیر عقاب آور گسترانده‌اند (فاضل لنگرانی، ۱۳۹۶: ۱۶۴). یکی از ملاک‌های این رویکرد، بهره‌مند شدن از ثواب در ترک مکروهات است. برخی نیز این اخبار را تنها دال بر ترتب ثواب به اعمالی می‌دانند که به امید مطلوبیت نزد شارع انجام می‌شوند نه از روی باور به استحباب (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۳۷۰). پاره‌ای از دانشوران، این قاعده را اصولی دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۴ق: ۱۴۹؛ تراقی، ۱۳۷۵: ۷۳۹) و برخی دیگر به جنبه کلامی آن باور دارند (سبحانی، ۱۴۱۵ق: ۳۶). کسانی دیگر نیز کارکرد هم زمان فقهی و اصولی آن را پذیرفته‌اند (روحانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱: ۳۸-۳۹). از آنجا که مهم‌ترین دلیل نقلی این قاعده بر خانواده اخبار من بلغ استوار است، یاد کردن نمونه‌هایی از این اخبار بایسته می‌نماید.

۱. أحمد بن أبي عبد الله البرقي عن أبيه عن أحمد بن النضر عن محمد بن مروان عن أبي عبد الله عليه السلام قال: من بلغه عن النبي صلى الله عليه وآله شيء في الثواب ففعل ذلك طلب قول النبي ص كان له ذلك الثواب و

إِنْ كَانَ النَّبِيُّ ص لَمْ يَقُلْهُ» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۵).

۲. شیخ کلینی به اسناد خویش چنین گزارش می‌کند: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «مَنْ سَمِعَ شَيْئاً مِنَ الثَّوَابِ عَلَيَّ شَيْءٍ، فَصَنَعَهُ، كَانَ لَهُ أَجْرُهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيَّ مَا بَلَغَهُ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۳: ۲۲۵).

۳. صاحب وسائل الشیعه نیز چنین نقل می‌کند: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ عَنْ عَمْرَانَ الرَّعْفَرَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيَّ عَمَلٌ فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلَ التَّمَّاسَ ذَلِكَ الثَّوَابِ أَوْ تَبِيَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنِ الْحَدِيثُ كَمَا بَلَغَهُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۸۹). مجموعه این اخبار را که به ۹ مورد می‌رسد در منابع حدیثی امامیه می‌توان یافت (ن. ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۸۰-۸۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۲۵۶). گرچه احوال اسناد روایات این باب متفاوت است اما درباره محتوای این اخبار، برخی قائل به شهرت عملی و برخی قائل به تواتر معنوی آن‌ها هستند (حر عاملی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۶۱۷؛ مظاهری، ۱۳۹۷، ج ۱: ۱۵۸). برخی نیز مقبول بودن این اخبار نزد بزرگان امامیه را سبب بی‌نیازی آن‌ها از بررسی اسناد می‌دانند (انصاری، ۱۴۱۴ق: ۱۹۶).

۲-۲. مفهوم لغوی و اصطلاحی شرح صدر

شرح در لغت به معنای جدا ساختن پاره‌های گوشت از استخوان، وسعت، آشکار کردن و تبیین آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۹۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۲۶۹؛ ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱: ۵۱۳). تمامی این معانی را ذیل گوهر معنایی مفهوم گشایش می‌توان جست (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۶: ۳۶). صدر نیز به معنای مرتبه بالای هر چیز، شناخته شده و سینه آدمی آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۹۴؛ ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۲: ۶۲۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۳۳۷). بر این اساس، لغت‌شناسان شرح صدر را در معنای عام قبول خیر (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۱: ۵۱۳؛ زهری، ۱۴۲۱ق، ج ۴: ۱۰۷)؛ ایجاد آمادگی برای حق‌پذیری (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۴: ۱۰۴)؛ اعطای آرامش از سوی خدا (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۴۹) و آمادگی برای پذیرش نور راهنما و ایمان (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۶: ۳۶) دانسته‌اند. از پنج کاربرد قرآنی این اصطلاح (نحل، ۱۰۶؛ زمر، ۲۲؛ انشراح، ۱؛ انعام، ۱۲۵؛ طه، ۲۵) تنها در آیه «مَنْ شَرَحَ بِالْكَفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (نحل: ۱۰۶) به معنای پذیرش اختیاری کفر آمده است.

قرآن پژوهان نیز شرح صدر را تعبیری کنایی می‌دانند که حاکی از آماده شدن قلب برای پذیرش حق و عدم مقابله با آن است (ن. ک: زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۴؛ مراغی، ج ۸: ۲۴). برخی نیز آن را کنایه از وسعت روح و گسترش افق تفکر آدمی دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۴۳۵). تعبیر مشابه دیگری چون پذیرش آموزه‌های اسلامی (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۸: ۲۰)، التزام به اصل توحید در آغاز پذیرش اسلام (همان: ۲۱)؛ گشودن قلب برای پذیرش ایمان یا کفر (طوسی، ج ۴: ۲۶۵) و ترغیب به پذیرش اسلام (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۴) درباره این مفهوم در نظر گرفته شده است. در این باره در بخش رویکرد برگزیده بیشتر سخن خواهد رفت.

در سوی مقابل، مفهوم ضیق صدر وجود دارد. قرآن پژوهان این تعبیر را کنایه از چیزی می‌دانند که راهی برای رسیدن به آن وجود نداشته و حالتی که سبب عدم پذیرش حق شود (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۱۵۶). نتیجه این حالت، دشواری (حرج)، ایجاد شک، حیرت و التباس خواهد بود (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۸: ۲۲). برای مفهوم ضیق صدر، معانی مشابه دیگری چون قساوت قلب (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۴)، تنگ شدن سینه به واسطه کفرورزی (طبرسی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۵۶۰)؛ حق ناپذیری (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۸۱)، گردن کشی در پذیرش اسلام (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۷: ۴۵) و محدود شدن گستره خردورزی (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰: ۲۶۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۴۳۵) یاد شده است. به دیگر سخن، ضیق صدر، تنگ‌انگاری فرد در مواجهه با آموزه‌های اسلام است.

۲-۳. بررسی سندی و متنی حدیث

نیک روشن است که اعتبارسنجی حدیث در دو سپهر بررسی سند و واکاوی در متن خبر سامان می‌یابد. در این بخش، پس از پیمودن مراحل اعتبارسنجی سند، دلالت‌های برآمده از متن، در سه فراز کاویده شده‌اند.

۲-۳-۱. بررسی سندی

نخستین گام در اعتبارسنجی سند احادیث، بازشناسی منبع خبر، نویسنده آن و صحت سنجی انتساب منبع به مؤلف است. حدیث مد نظر از کتاب عیون اخبار الرضا نگاشته یکی از برجسته‌ترین دانشوران متقدم شیعی، محمد بن علی بن بابویه (۳۸۱-۳۰۶ قمری) مشهور به شیخ صدوق است. در سترگ بودن منزلت ایشان همین بس که تولد وی را به واسطه دعای امام عصر (عج) در حق پدرش می‌دانند (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۳۰۹). از وی با القابی چون شیخ المشایخ، وجه الطائفه، رئیس المحدثین، ناقد الاخبار، بصیر بالرجال و رأس الامامیه یاد کرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۸۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۱ق: ۱۴۷؛ مدرس تبریزی، ۱۳۹۵، ج ۳: ۳۰۲؛ سبحانی، ۱۴۱۸ق، ج ۴: ۴۳۴). تازه ماندن جسد وی پس از گذر ۸۵۰ سال که در جریان بازسازی مرقدش آشکار شد، یکی از کرامات وی محسوب می‌شود (مدرس تبریزی، ۱۳۹۵، ج ۳: ۳۰۴).

شمار نگاشته‌های وی را بیش از ۳۰۰ اثر دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۲۰ق: ۴۴۳). برخی از مشهورترین آن‌ها عبارتند از: المقنع فی الفقه، إكمال الدین و إتمام النعمه، علل الشرائع، معانی الأخبار، الاعتقادات، التوحید، الأمالی و الخصال. کتاب «من لایحضره الفقیه» به خامه وی، یکی از کتب اربعه حدیثی شیعی به‌شمار می‌آید. شیخ صدوق، انگیزه نگارش کتاب عیون اخبار الرضا را پاسخی به مهرورزی صاحب بن عباد به وی در اهدای دو شعر در مدح امام هشتم شیعیان دانسته است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۳). این کتاب از یک مقدمه و ۶۹ باب تشکیل شده که موضوعاتی چون تبیین اصل توحید از نظرگاه امامیه، دلایل امامت امام هشتم علیه السلام، چیستی و چرایی مؤلفه عصمت برای امام معصوم، نشانه‌های امامت، ویژگی‌های ایمان و اسلام سترده از زنگارها، برخی روایات تفسیری، مصادیق گستره علم امام

رضا علیه السلام و نیز گزارش‌هایی از مناظرات امام رضا علیه السلام را در بردارد. از این لحاظ، این کتاب را می‌توان مجموعه‌ای از عقاید بنیادین شیعی دانست که به شکل احادیث در ابواب مختلف سامان یافته‌اند. حدیث مد نظر در باب یازدهم این کتاب با عنوان «باب ما جاء عن الرضا علی بن موسی علیه السلام من الأخبار فی التوحید» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج: ۱، ۱۱۴) قرار دارد که ضمن تفسیر آیه ۱۲۵ سوره انعام از امام رضا علیه السلام بیان شده است. بر اساس این داده‌ها، نتیجه گام اول اعتبارسنجی سند حدیث، صحت انتساب کتاب به نگارنده، منزلت والای وی و اهمیت کتاب مد نظر در میان امامیه است.

سند خبر پیش‌گفته نیز به شکل «عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِوَسِّ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ» به واسطه سه راوی از امام رضا علیه السلام در کتاب عیون اخبار الرضا گزارش شده است. این سند از گونه کامل (عادی) و بدون هیچ عطفی شمرده می‌شود. گام پسین، شناخت احوال راویان است. عبدالواحد بن محمد بن عبدوس یکی از مشایخ شیخ صدوق شمرده می‌شود. مرحوم صدوق درباره وی می‌نویسد: «حدیث عبد الواحد بن محمد بن عبدوس رضی الله عنه عندی أصح» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج: ۲، ۱۲۷)؛ اما مرحوم خویی این عبارت را دال بر توثیق یا مدح عبدالواحد بن محمد بن عبدوس نمی‌داند و آن را دال بر حجیت خبر وی، نزد صدوق مبتنی بر اصل عدالت ارزیابی می‌کند و در نهایت وی را مجهول می‌داند (خویی، ۱۴۲۰ق، ج: ۱۲، ۴۲). فقیهان در مقام بهره‌وری از روایات وی، عدم توثیق وی را مانعی از پذیرش اخبارش ندانسته‌اند (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج: ۴، ۱۴۳۵) و برخی با توثیقات عامی چون قرار داشتن در سلسله اسناد کتاب من لایحضره الفقیه، سلسله مشایخ قمیین، در شمار مشایخ صدوق، ترضی شیخ صدوق (اردبیلی، ۱۴۳۳ق، ج: ۴، ۳۱۵) تصحیح علامه حلی، حکم به توثیق وی می‌کنند (ابن بابویه، ۱۴۱۰ق، ج: ۱، ۳؛ مجلسی، محمد تقی، ۱۴۰۶ق، ج: ۱۰، ۳۶۲ و ج: ۱۴، ۳۵۰).

راوی بعدی، علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری یکی از همراهان و شاگردان فضل بن شاذان (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۹۷) و مؤلف کتاب‌های الدیاج، مسائل البلدان و التنبیه فی الجبر و التشبیه (طوسی، ۱۴۲۰: ۳۶۲) است که کتبی به وی اعتماد کرده است (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۹۴). اما آیت‌الله خویی دلایل اعتبار علی بن محمد قتیبه را نمی‌پذیرد و به نظر ایشان اعتماد کتبی به ابن قتیبه به دلیل توصیفی است که نجاشی در ترجمه‌اش درباره وی آورده است؛ چراکه نجاشی از ضعفای بسیار روایت نقل می‌کند. حکم علامه به صحت روایت علی بن محمد بن قتیبه مبنی بر اصله العداله است که مرحوم خویی اصل عدالت را برای اثبات وثاقت راوی معتبر نمی‌داند و سرانجام حکم شیخ به اینکه این راوی فاضل است به این صورت مردود می‌شود که وصف فضل، از جمله کمالات انسانی برای فرد است و برای راوی فاضل بودن مدح شمرده نمی‌شود. و آنچه آیت‌الله خویی صحیح و مطابق با مدارک می‌دانند این است که علی بن محمد بن قتیبه توثیق نشده است و حتی ممدوح نیز نیست (خویی، ۱۴۲۰ق، ج: ۱۳، ۱۷۱-۱۷۲).

در سوی مقابل، مؤلفه‌هایی چون صاحب کتاب بودن در نظر برخی از رجال‌شناسان رهنمون بر مدح

راوی خواهد بود (ابطحی، ۱۴۱۷ق، ج: ۱، ۱۹۴). همچنین، عدم تضعیف نجاشی به سبب التزام وی به ذکر قدح و طعن راوی، قرینه‌ای بر وثاقت و مدح راوی شمرده می‌شود (میرداماد، ۱۳۸۰: ۶۸). موافقت متن حدیث با معیارهای اعتبارسنجی حدیث مانند قرآن، سنت، اجماع و حکم عقل نیز در نظر کسانی از نشانه‌های مدح راوی شمرده می‌شود (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج: ۲، ۲۸۸). افزون بر این موارد، علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری در مشیخه تهذیب و در طریق شیخ طوسی به فضل بن شاذان وجود دارد و این قراین، در کنار اعتماد کُشی به ابن قتیبه و کثرت نقل از او موجب احراز وثاقت راوی است (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۴۹) و اعتماد حاصل از طریق تجمیع قراین کمتر از توثیق یک رجالی نیست. حمدان بن سلیمان ابوسعید النیشابوری که روایت را از امام رضا علیه السلام نقل کرده است به صراحت مورد توثیق رجالیان قرار گرفته و در مورد وی نوشته‌اند: «ثقة، من وجوه أصحابنا» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۳۸). برخی وی را از اصحاب امام هادی علیه السلام و برخی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام می‌دانند؛ اما آیت‌الله خویی وی را از اصحاب امام رضا علیه السلام به شمار آورده و روایات وی را صحیح ارزیابی می‌کند (خویی، ۱۴۲۰ق، ج: ۷، ۲۶۳-۲۶۴). با توجه به توثیق حمدان بن سلیمان توسط پاره‌ای از دانشوران رجال و نبود وجود نظر مخالف، وی فردی ثقة ارزیابی می‌شود.

در نتیجه، اساس بر مسلک وثوق سندی و مخبری روایت متصل و صحیح است؛ چراکه صاحب کتاب، شیخ صدوق و نیز راوی اصلی از معصوم، حمدان بن سلیمان به تصریح رجالیان توثیق شده‌اند و دو راوی دیگر عبدالواحد بن محمد بن عبدوس و علی بن محمد بن قتیبه نیشابوری با تجمیع قراین به کمک برخی از موارد توثیق عامه موثق خواهند بود و بر مسلک وثوق صدور وی و با بهره از قراینی که گذشت برای اعتبار و قابل استناد بودن خبر کافی است.

۲-۳-۲. بررسی محتوا و دلالت‌های متنی

در دیدگاه برخی محدثان، روایت مد نظر در شمار یکی از اخبار من بَلَّغ من گنج‌د(ن.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج: ۱، ۸۱). برخی نیز آشکارا، این روایت را بیگانه با قاعده تسامح ارزیابی کرده‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶: ۴۱). در این رویکرد، حالت پذیرش و تسلیم در قلب، سنج‌های برای آگاه شدن انسان از بهره‌مندی از هدایت الهی خواهد بود (همان: ۴۲). کسانی دیگر نیز این حدیث را رهنمون بر ایجاد دل آرامی در هنگامه تردید حاصل از عدم مطابقت اخبار معتبر با واقع دانسته‌اند (سبحانی، ۱۴۱۵ق: ۳۴). در این بخش، میزان دلالت حدیث بر هر یک از این رویکردها بررسی شده و در پایان رویکرد برگزیده در فهم حدیث تبیین می‌شود.

۲-۳-۲-۱. بهره‌گیری از حدیث در رویکرد اصولی به قاعده تسامح

در میان باورمندان به قاعده تسامح در ادله سنن، مشهور این است که اخبار من بَلَّغ، جنبه اصولی دارد. مهم‌ترین دلیل ایشان، ملاک قواعد اصولی یعنی قرار داشتن در روند اجتهاد است که با اعمال قوه اجتهاد توسط مجتهد سامان می‌یابد؛ چراکه فهم و کاربست قاعده تسامح، به بهره‌وری از ملکه اجتهاد

در شناخت مدلول خبر، جست‌وجو از معارض و ... نیازمند است (انصاری، ۱۴۱۴ق: ۱۴۷). در این رویکرد، به دست آوردن خبر دارای ثواب عملی از هر طریقی مجاز خواهد بود (نراقی، ۱۴۱۷: ۷۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸: ۱۱۶؛ خاتون آبادی، ۱۳۹۳: ۵۰۱). تا جایی که صدق و کذب خبر دهنده بر معنای بلوغ نقشی نخواهد داشت (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۳۳۸). به دیگر سخن در گستره اخبار بیانگر احکام غیر الزامی، شرایطی چون اسلام، عدالت و ضبط دربارهٔ راوی از اعتبار ساقط خواهند شد (ن.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۲۵۶؛ شیخ بهایی، ۱۳۹۰: ۲۲۸؛ انصاری، ۱۴۱۴ق: ۱۳۷؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۴۲۰). باورمندان به این رویکرد، حدیث تفسیری مورد بحث را به‌طور ویژه برای اثبات استدلال خویش به‌کار بسته‌اند. نمونه‌ای از این موارد به شرح ذیل است:

شیخ حرعاملی در بابی با عنوان «اسْتِحْبَابُ الْإِثْبَانِ بِكُلِّ عَمَلٍ مَشْرُوعٍ رُوِيَ لَهُ ثَوَابٌ عَنْهُمْ» اخبار معروف به «من بلغ» را نقل می‌کند که دومین آن‌ها، روایت تفسیری مورد بحث است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۸۱). از آنجا که حدیث مذکور، ذیل عنوانی درج شده که به بحث تسامح در ادله سنن اشاره دارد؛ می‌توان نتیجه گرفت که این حدیث یکی از ادله محتوای قاعده تسامح در نظر صاحب وسائل است. به نظر می‌رسد اطلاق فراز «السُّكُونِ إِلَى مَا وَعَدَهُ مِنْ ثَوَابِهِ حَتَّى يَطْمَئِنَّ إِلَيْهِ» در این حدیث، مورد استناد ایشان قرار گرفته باشد. به این بیان که آدمی به صرف دریافت وعده ثواب بر عملی مشروع از هر طریق ممکن، با خیال آسوده می‌تواند به انجام آن عمل اقدام کند.

مرحوم شیخ بهایی نیز در هنگامه بیان اعمال مستحب ساعت دوم پس از طلوع خورشید، پس از یادکرد آیه «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ» (انعام: ۱۲۵) چنین می‌نگارد: «اگر آدمی بداند که در انجام عملی، سودی فراوان وجود دارد؛ بدان متمایل می‌شود و برای انجام آن در قلبش، توان افزونی آشکار می‌گردد که همان سعه صدر است» (شیخ بهایی، ۱۴۱۵ق: ۳۴۲). برخی دیگر از باورمندان به قاعده تسامح در ادله سنن بر این باورند عملی که احتمال استحباب آن وجود دارد می‌توان به امید بهره‌مندی از ثواب، بدون انتساب آن به شارع انجام داد. از این لحاظ، انجام این عمل با مفهوم انقیاد همخوان است (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۳۳۲؛ مظاهری، ۱۳۹۷، ج ۱: ۱۶۱).

اگر در حدیث پیش گفته، مفهوم وثوق به وعده ثواب پروردگار در عبارت «يُشْرَحْ صَدْرَهُ لِلتَّسْلِيمِ لِلَّهِ وَالثَّقَّةِ بِهِ وَالسُّكُونِ إِلَى مَا وَعَدَهُ مِنْ ثَوَابِهِ حَتَّى يَطْمَئِنَّ إِلَيْهِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۳۱) را دال بر پذیرش مجموعه اخبار ضعیفی بدانیم که از ابتدا دربارهٔ سند آن‌ها وثوق و اطمینانی وجود ندارد، می‌توان آن را در زمره ادله قاعده تسامح بر شمرده، توضیح اینکه به دلیل غیرمعتبر بودن سند برخی اخباری که در بردارنده احکام غیرالزامی هستند، گونه‌ای از تشویش در جان آدمی ایجاد می‌شود. در این رویکرد، مجموعه اخبار من بلغ، برای زدودن این تشویش، از مفاهیمی چون سکون نفس و اطمینان سخن می‌گویند. سخن برخی مفسران نیز با این مفهوم هم‌آواست. یکی از ایشان شرح صدر را به معنای پر بها نشان داده شدن ثواب اعمال نزد بندگان، توسط خدا می‌داند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۷: ۸۱).

با وجود این به نظر می‌رسد برداشت پیش‌گفته استوار نباشد؛ چراکه مدلول مطابقی اخبار مَن بَلَّغَ جمله خبری است. در حالی که عبارت «فعمله» را به معنای انشایی می‌گیرند (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳: ۴۱۹-۴۲۰). یعنی جمله خبری «فعمله» را نشان دهنده تأکید مولا بر انجام عمل دانسته و مطلوبیت آن را نزد مولا برتر از جملات انشایی می‌دانند. اما نیک روشن است جملات خبریه زمانی در معنای انشایی ظهور دارند که بیانگر حکم باشند نه موضوع حکم. ظاهر فاء در «فعمله» در احادیث باب این است که موضوع برای ترتب ثواب آن عملی است که آن را به داعی درک ثواب موعود انجام دهد. پس جمله «فعمله» مانند «من بلغه» جزء شرط است نه جزء. در این حالت بیانگر حکم نخواهد بود بلکه مبین موضوع است. از دیگر سو، ثواب مترتب بر عملی یا استحقاقی است یا تفضلی. از عباراتی مانند «ان کان لم یقله» برمی‌آید که خود عمل، ملاک حقیقی بهره از ثواب را ندارد پس حتماً این ثواب تفضلی خواهد بود. افزون بر این، عنوان بلوغ ثواب را باید امری عارضی تلقی کرد که سبب ایجاد مصلحت شده است. درحالی که رسیدن خبر ضعیف دال بر استحباب عملی خاص، توان ایجاد مصلحت مستقل را ندارد (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۳۷۰).

جعل استحباب به‌عنوان ثانوی نیز دچار اشکال است؛ چون از عباراتی مانند «كَانَ لَهُ أَجْرُهُ»، «كَانَ لَهُ ذَلِكَ الثَّوَابُ» و «أَعْطَاهُ اللَّهُ ذَلِكَ» در اخبار من بلغ، چنین برمی‌آید که موضوع محوری، همان عمل خارجی مشخص است نه عمل مقید به اصلی دیگر مانند بلوغ ثواب. استدلال شیخ بهایی نیز در مورد افزایش توان آدمی بر انجام اعمال دارای ثواب، زمانی استوار خواهد بود که آگاهی یافتن از نتیجه انجام عملی خاص از طریقی معتبر به دست رسیده باشد؛ نه اینکه طرق نامعتبر هم سبب ایجاد چنین انگیزی شود.

۲-۳-۲. بهره‌گیری از حدیث در رویکرد کلامی به قاعده تسامح

این دیدگاه وجود دارد که مجموعه اخبار من بلغ، در مقام بیان لغو شرایط مورد نیاز برای حجیت خبر واحد در احکام غیر الزامی نیستند؛ بلکه تنها رهنمون به بهره‌مند شدن از عنایت الهی نسبت به هر عملی هستند که از طریق اخبار معتبر به دست آمده باشند (ن.ک: سبحانی، ۱۴۱۵ق: ۳۴؛ کلانتری، ۱۳۸۹: ۱۴). به این بیان که در اخبار گوناگون حتی روایات صحیحه، احتمال عدم صدور از معصوم به‌طور کامل مرتفع نیست. توجه به این احتمال، سبب ایجاد گونه‌ای از ناآرامی قلبی برای بندگان در مقام عمل به مدلول روایات می‌شود. در این حالت، اخبار من بلغ، برای زدودن این تشویش و نیز افزایش باور مؤمنان به فضل پروردگار در عمل به مؤدای تمامی اخبار معتبره نقش‌آفرین خواهد بود. بر این اساس، روایت مورد بحث، تأییدی برای این رویکرد خواهد بود (سبحانی، ۱۴۱۵ق: ۳۵؛ کلانتری، ۱۳۸۹: ۱۵). چراکه این روایت با خبر دادن از رحمت و فضل الهی، زمینه ترغیب به انجام اعمال نیک را فراهم می‌آورد (سبحانی، ۱۴۱۵ق: ۴۶).

برای اثبات عدم انحصار مفاد این اخبار به احکام غیرالزامی به اطلاق کلمه ثواب در این روایات استناد

شده است(همان)؛ چراکه ثواب در لغت به معنای هر آن چیزی است که در برابر انجام اعمال نصیب انسان می‌شود، چه این نتیجه پسندیده باشد یا ناگوار(ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۱: ۳۶۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۳۹۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۸۰). پس دلیلی وجود ندارد که دامنه این اخبار را منحصر به احکام غیرالزامی بدانیم. بلکه هر عملی که قابلیت بهره از پاداش یا عقوبت الهی را داشته باشد در این رده می‌گنجد. خواه عملی الزامی باشد یا مندوب. این برداشت با حدیث ذیل نیز هم‌آواست. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کنند که فرمودند: «مَنْ وَعَدَهُ اللَّهُ عَلَيَّ عَمَلٍ ثَوَابًا فَهُوَ مُنْجَرُهُ لَهُ وَ مَنْ أَوْعَدَهُ عَلَيَّ عَمَلٍ عِقَابًا فَهُوَ فِيهِ بِالْخِيَارِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸: ۴۰۶). با بهره از قرینه مقابله در دو جمله شرطیه می‌توان فهمید که واژه «عمل» مطلق است. به این بیان که اگر خداوند بر عملی وعده ثواب داد، چه آن عمل واجب باشد و چه مستحب؛ قطعاً وعده الهی محقق خواهد شد. همچنین، مفهوم بلوغ ثواب به معنای دریافتن نتیجه اعمال از طرق معتبر خواهد بود(مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ج ۳: ۸۲؛ شیرازی، ۱۴۳۶ق، ج ۳: ۱۹۰). چراکه سیره عقلا در عمل به خبر واحد بر این حکم می‌کند که خبر از طریق متعارف و معقول به دست برسد نه از طریق راویان ضعیف و مجهول(کریمیان، ۱۳۹۷: ۱۰). مرحوم مامقانی در این باره می‌نویسد: «فالمراد بتلك الاخبار انه إذا بلغ المكلف بالطريق العقلاني المطمأن به رجحان عمل مع منع تركه» (مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱: ۱۹۷).

۳-۲-۳. دیدگاه برگزیده

برای فهم مقصود آیه ۱۲۵ سوره انعام و روایت تفسیری رضوی ذیل آن، بایسته است ابتدا به مفهوم هدایت، در شبکه معنایی قرآن مجید به‌طور عام و به معنای آن در آیه مورد بحث به‌نحو خاص، توجه کرد. این واژه در میان لغت‌پژوهان به معنای ارشاد و راهنمایی به همراه لطف و مهربانی، بیان راه رشد، کمال و نیز بسترسازی برای رسیدن به چیزی است(راغب، ۱۴۱۲ق: ۸۳۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ۴۲؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۱: ۲۶۹) و در امور مادی، معنوی، خیر و شرّ به‌کار می‌رود. با دقت در آیات قرآن مجید، مفهوم هدایت را به گونه‌های ذیل می‌توان افراز کرد:

هدایت تکوینی(طه، ۹۵؛ نحل، ۶۸)؛ هدایت فطری(شمس، ۷-۸؛ روم، ۳۰)؛ هدایت عقل(حج، ۴۶)؛ هدایت تشریحی(انبیاء، ۷۳؛ شوری، ۵۲)؛ هدایت افاضی(مریم، ۷۶؛ محمد، ۴۷)؛ هدایت اشرافی(قصص، ۷) و هدایت به سوی پادشاه(محمد، ۴-۶) برای مطالعه بیشتر ن.ک: ایروانی، ۱۳۹۹: ۲۷-۳۱). هدایت افاضی شامل حال کسانی خواهد شد که در راه هدایت‌پذیری گام نهاده و تلاش کرده باشند. از این نظر با مفهوم توفیق هم‌آواست(راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۳۵؛ معرفت، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۲۳۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۳۵۱). هدایت الهی گاهی با نشان دادن راه استوار و هدف نمایان می‌شود و گاهی با همراهی کردن و رساندن به مقصود. و از آنجا که امور هستی به وسیله اسباب به جریان می‌افتند، در مسئله هدایت الهی نیز پروردگار از وسایلی برای نمایاندن راه استفاده می‌کند(طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱: ۳۴؛ ج ۷: ۲۵۶).

شایسته یادکرد است که حرف باء در فراز «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَمْدِهِ فِي الدُّنْيَا إِلَى جَنَّتِهِ وَ دَارِ كَرَامَتِهِ

فِي الْآخِرَةِ» بآء سببیت است و فعل «هَدَى» با حرف جرّ «الی» متعدی به مفعول دوم شده است؛ یعنی خدا هر کس را بخواهد به واسطه ایمانش به بهشت یا به واسطه کفرش به جهنم هدایت کند. بر این اساس، مفهوم هدایت مندرج در حدیث مورد بحث، با هدایت افاضی سازگار باشد. این گونه از هدایت در پی پذیرفتن هدایت وحیانی توسط آدمی و بهره‌وری از هدایات تکوینی، فطری و عقلی حاصل می‌آید. آیاتی چون «وَ الَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَ آتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ» (محمد، ۱۷)؛ «وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت، ۶۹) و «وَ مَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ» (تغابن، ۱۱) برخی شرایط بهره‌وری از این گونه هدایت را تبیین کرده‌اند.

هدایت افاضی در رده مفهوم «ایصال به مطلوب» می‌گنجد. به این بیان که مؤمنان در نتیجه انجام کنش‌های نیک، از امدادهای ویژه الهی در مسیر هدایت بهره‌مند می‌شوند (ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۹۱؛ بغدادی، ۲۰۰۳م: ۱۴۴). بر این اساس، اضلال افراد از سوی پروردگار، به معنای قطع هدایت افاضی و برداشته شدن راهنمایی و امداد ویژه الهی از کثر رفتار ان است. توجه به قرآن، نشان می‌دهد که آیات موضوع انتساب اضلال به پروردگار، آن را نتیجه بینش، روش و کنش‌های انحرافی می‌دانند (ن.ک: غافر، ۳۴؛ ابراهیم، ۲۷؛ بقره، ۲۵۸؛ مائده، ۱۰۸).

در حدیث پیش گفته نیز هدایت و گمراهی، نتیجه اعمال فرد دانسته شده است. هدایت، نتیجه ایمان به پروردگار و ضلالت نتیجه کفر به اوست. نتیجه این اراده الهی در هدایت و ضلالت افراد، شرح صدر یا ضیق آن خواهد بود. بر این اساس، می‌توان توفیق را از نتایج شرح صدر و سلب توفیق را یکی از آثار وضعی کفرورزی و انجام گناه دانست که سبب تاریک‌دلی می‌شود. به این مفهوم در پاره‌ای روایات مانند «إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَ جَلَّ - إِذَا أَرَادَ بَعْدَ خَيْرٍ، نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً مِنْ نُورٍ، وَ فَتَحَ مَسَامِعَ قَلْبِهِ، وَ وَكَلَّ بِهٖ مَلَكًا يُسَدِّدُهُ، وَ إِذَا أَرَادَ بَعْدَ سُوءٍ، نَكَتَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةً سَوْدَاءَ، وَ سَدَّ مَسَامِعَ قَلْبِهِ، وَ وَكَلَّ بِهٖ شَيْطَانًا يُضِلُّهٗ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۴۰۳) نیز اشاره شده است (ن.ک: بقری، ۱۳۷۱، ج ۱: ۲۰۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷: ۵۷). این مفهوم با قاعده «الامتناع بالاختیار لا ینافی الاختیار» (سبحانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۰۴) که رهنمون بر روا بودن جبری است که مسبوق به اختیار باشد، هماهنگ است.

دانشوران مسلمان نیز مفهوم شرح صدر در آیه شریفه را در معانی ذیل در نظر گرفته‌اند: آسان شدن انجام طاعات به واسطه بهره از الطاف ویژه الهی (مفید، ۱۴۱۳ق: ۵۱)؛ ثبات ایمان از طریق زیاد شدن براهین (قاضی عبدالجبار: ۱۳۷)؛ تقویت انگیزه و عزم برای پذیرش و عمل به احکام (مازندرانی، ۱۳۴۲ق، ج ۹: ۱۰۵)؛ توانا کردن برای دریافت آموزه‌های الهی (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۷: ۴۴)؛ استوار کردن بر دینداری که با لطفی ویژه از سوی پروردگار همراه است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳: ۱۳۸)؛ شادابی در پذیرش آموزه‌های اسلامی و عمل بدان‌ها (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۳۰۰)؛ ترغیب به پذیرش آموزه‌های اسلام (ن.ک: زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۶۴؛ مراغی، ج ۸: ۲۴) و تسلیم در برابر اعتقادات صحیح و رفتارهای نیک دینی (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۷: ۳۴۱). مفسرانی نیز مراد از شرح

صدر را در آیه «يُشْرَحُ صَدْرُهُ لِلْإِسْلَامِ» (انعام، ۱۲۵) حق‌پذیری دانسته‌اند (ن.ک: بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۱۸۱؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۲۶۶؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۴۳۴؛ جعفری، ۱۳۷۶، ج ۳: ۵۴۷).

قدر جامع همه این موارد، بهره‌مندی از گونه‌ای لطف الهی است که سبب روشن‌بینی و دل‌آرامی آدمی در مواجهه با آموزه‌های دینی و پذیرش آن‌ها می‌شود. بر این اساس، نمی‌توان حدیث تفسیری رضوی را دال بر پذیرش اخباری دانست که در صحت انتساب آن‌ها به شریعت، تردید جدی وجود دارد؛ چراکه مسامحه در پذیرش اخبار ضعیف‌السند، گونه‌ای از بهره‌وری از هدایت الهی نخواهد بود. نهایت اینکه این اعمال را بدون در نظر داشتن وابستگی آن‌ها به شرع، تنها می‌توان به عنوان عمل مباحی انجام داد و انتظار پاداش در برابر انجام آن‌ها، ناروا خواهد بود؛ چراکه طریق معتبری بر دریافت آن‌ها وجود نداشته است.

از دیگر سو، جان‌مایه اخبار من‌بلغ، رهنمون به ایجاد سکون قلبی و آرامش عمل‌کنندگان، نسبت به مجموعه گزاره‌های روایی است که از انواع دلالت‌های آن‌ها مفهوم ثواب به معنای اعم برداشت می‌شود. نیک روشن است که این وعده، هم در اخبار معتبر و هم در اخبار ضعیف صادق خواهد بود. نهایت اینکه، عمل به وعده ثواب در اخبار غیرمعتبر، تنها ارشادی به حکم عقل و از باب احتیاط عملی خواهد بود و در اخبار معتبر، حکمی مولوی شمرده می‌شود.

بر این اساس، عمل به اخبار ضعیف، به معنای انتساب آن‌ها به شرع با انگیزه استحباب شرعی ناروا خواهد بود. بر اساس این پژوهش، حدیث مورد بحث در مقام بیان هدایت ویژه الهی در عرصه‌ها و مراتب گوناگون دینداری است. یکی از مصادیق آن، برخوردار شدن از دل‌آرامی نسبت به انجام اعمالی است که با وجود حصول وثوق یا ظن از طرق معتبر، نسبت به مطابقت آن‌ها با واقع تردید وجود دارد. بر این اساس، رویکرد برگزیده، توسعه‌ای بر مفهوم پیش‌گفته در رویکرد کلامی است.

۳. نتیجه‌گیری

در بررسی سندی و دلالتی حدیث تفسیری امام رضا علیه السلام درباره آیه ۱۲۵ سوره انعام این نتایج حاصل آمد:

۱. روایت مزبور از نظر سندی متصل، عادی و صحیح است. پس، معتبر و قابل استناد خواهد بود.
۲. از این روایت برای اثبات یکی از مسائل دانش اصول، یعنی قاعده تسامح در ادله سنن بهره گرفته شده است. در این رویکرد، حدیث پیش‌گفته، در مقام بیان ایجاد اطمینان به بهره‌مندی از ثواب مندرج در اخبار غیر معتبر است.
۳. کسانی این روایت را برای اثبات تردیدزدایی از مکلف در هنگامه شک به مطابق بودن اخبار معتبر با مقام واقع عند الشارع به کار بسته‌اند. باورمندان به بهره از حدیث در رویکرد کلامی معتقدند که حدیث پیش‌گفته در مقام بیان بهره‌مندی مکلف از بخشش ویژه الهی برای استوار شدن باور به مدلول اخبار معتبری است که در مطابقت آن‌ها با واقع تردیدی وجود دارد.
۴. بنا بر یافته‌های پژوهش، نمی‌توان از حدیث در رویکرد اصولی بهره جست؛ چراکه حکم عقلایی

عدم التزام به اخبار غیر معتبر، مانع از عمل به محتوای اخبار ضعافی می‌شود که تنها بیانگر نتیجه‌ای خاص برای عملی هستند.

۵. در رویکرد برگزیده مفهوم کلامی پیش‌گفته توسعه داده شده است. به این بیان که بهره‌مندی از هدایت ویژه الهی، نه تنها سبب دل‌آرامی در انجام محتوای اخبار معتبر می‌گردد؛ بلکه سبب تقویت روحیه و روشن‌بینی در مواجهه با حوزه‌های مختلف آموزه‌های دینی می‌شود. از این لحاظ، مدلول حدیث اختصاصی به گستره فقهی ندارد؛ بلکه هر گونه آموزه‌های عقیدتی و اخلاقی را نیز شامل می‌شود.

منابع و مأخذ

قرآن حکیم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

آلوسی، محمود بن عبدالله. (۱۴۱۵ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

ابطحی، محمد علی. (۱۴۱۷ق). *تهذیب المقال فی رجال النجاشی*. چاپ دوم. قم: نگارش.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۰ق). *من لا یحضره الفقیه*. چاپ پنجم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

_____ . (۱۳۷۸ق). *عیون أخبار الرضا*. تهران: بی‌نا.

_____ . (۱۳۹۸ق). *التوحید*. قم: جامعه مدرسین.

ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸ م). *جمهره اللغة*. بیروت: دار العلم للملایین.

ابن زهره، حمزه بن علی. (۱۴۱۷ق). *غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع*. قم: مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.

ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۰۹ ق). *إقبال الأعمال*. چاپ دوم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

ابن عاشور، محمدطاهر. (۱۴۲۰ق). *تفسیر التحریر و التنویر*. بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.

ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

اردبیلی، محمد بن علی. (۱۴۳۳ق). *جامع الروة و رافع الاشتباهات*. قم: بوستان کتاب.

ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

اکبری، رضا. (۱۳۹۲). «نگاهی تحلیلی به تصحیح خدائشناسی مردم توسط امام رضا علیه السلام». *فرهنگ رضوی*. سال اول. شماره ۴. صص: ۷-۲۴.

انصاری، مرتضی. (۱۴۱۴ق). *رسائل فقهیه*. قم: المؤتمر العالمی بمناسبه الذکری المئویه الثانيه لمیلاد الشیخ الانصاری.

ایروانی، جواد. (۱۳۹۹). *سببه پژوهی قرآنی، دفتر اول: سببهات اعتقادی*. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

- بجنوردی، حسن. (۱۴۱۹ق). **القواعد الفقهیه**. قم: الهادی.
- بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۳۶۳). **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- _____ . (۱۴۲۳ق). **الدرر النجفیة من الملتقطات الیوسفیة**. بیروت: دار المصطفی
- سَلَّمَ اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
لاحياء التراث.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). **المحاسن**. قم: دار الكتب الاسلامیه.
- بشوی، محمد یعقوب. (۱۳۸۵). «بررسی دیدگاه فریقین درباره آیه شرح صدر». **طلوع**. شماره ۲۰. صص: ۵۷-۸۰.
- بغدادی، عبدالقاهر. (۲۰۰۳م). **أصول الإیمان**. بیروت: دار و مكتبه الهلال.
- بهبهانی، محمدباقر بن محمداکمل. (۱۴۲۴ق). **مصباح الظلام فی شرح مفاتیح الشرائع**. قم: مؤسسه علامه مجدّد وحید بهبهانی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). **أنوار التنزیل و أسرار التأویل**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جعفری، یعقوب. (۱۳۷۶). **تفسیر کوثر**. قم: موسسه انتشارات هجرت.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۸ق). **الفصول المهمة فی أصول الأئمة (تکملة الوسائل)**. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا ع.
- _____ . (۱۴۰۹ق). **وسائل الشیعة**. قم: آل البيت ع.
- حسینی مراغی، عبد الفتاح بن علی. (۱۴۱۷ق). **العناوین الفقهیة**. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- خاتون آبادی، محمد بن علی. (۱۳۹۳). **متن کامل اربعین شیخ بهایی**. تهران: فراهانی.
- خوبی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۰ق). **معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه**. قم: مكتبه محقق طباطبائی.
- _____ . (۱۴۲۲ق). **مصباح الأصول**. قم: مؤسسه إحياء آثار السيد الخوئی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). **مفردات ألفاظ القرآن**. بیروت: دارالقلم.
- روحانی، سید محمد. (۱۴۱۳ق). **منتقى الاصول**. قم: امیر.
- زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). **تاج العروس من جواهر القاموس**. بیروت: دار الفكر.
- زرکشی، محمد بن بهادر. (۱۴۱۹ق). **النکت علی مقدمه ابن الصلاح**. ریاض: اضاء السلف.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). **الكشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل**. بیروت: دار الكتاب العربی.
- سبحانی، جعفر. (۱۴۱۵ق). **الرسائل الأربع: قواعد أصولیة و فقهیة (التسامح فی أدلة السنن)**. قم: مؤسسه امام صادق ع.
- _____ . (۱۴۱۸ق). **موسوعه طبقات الفقهاء**. قم: مؤسسه امام صادق ع.

- _____ . (۱۴۱۲ق). *الإلهيات على هدى الكتاب و السنة و العقل*. سوم. قم. المركز العالمی للدراسات الاسلامی.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین. (۱۴۱۵ق). *مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیله*. قم: موسسه النشر الاسلامی.
- _____ . (۱۳۹۰ق). *الحبل المتین فی أحكام الدین*. قم: کتابفروشی بصیرتی.
- شیرازی، سید صادق. (۱۴۳۲ق). *بیان الاصول*. چاپ دوم. قم: دار الانصار.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶ق). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*. تهران: فرهنگ اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۳). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفه.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ . (۱۴۱۱ق). *الغیبة (للطوسی)*. قم: دار المعارف الاسلامیه.
- _____ . (۱۴۲۰ق). *فهرست کتب الشیعۀ و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الاصول (للطوسی)*. قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
- _____ . (۱۴۰۷ق). *تهذیب الأحکام*. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- علامه حلّی، حسن بن. (۱۴۱۱ق). *رجال العلامة الحلّی*. چاپ دوم. نجف اشرف: دار الذخائر.
- فاضل لنکرانی، محمدجواد. (۱۳۹۶). *قاعدة التسامح فی أدلة السنن*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). *کتاب العین*. دوم. قم: هجرت.
- فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*. چاپ دوم. تهران: مکتبه الصدر.
- قاضی عبد الجبار، عبد الجبار بن احمد. (بی تا). *تنزیه القرآن عن المطاعن*. بیروت: دار النهضه الحدیثه.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). *الجامع لأحكام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- کریمیان، محمود. (۱۳۹۷). «اعتبار سنجی و مفهوم شناسی احادیث من بلغ». *حدیث حوزه*. بهار و تابستان: صص ۷-۲۱.
- کلانتری، علی اکبر. (۱۳۸۹). «تسامح در ادله سنن، قاعده‌ای ناکار آمد». *علوم اسلامی*. شماره ۱۷؛ زمستان: صص ۲-۲۲.
- _____ . (۱۳۹۷). «چگونگی مواجهه فقها با اخبار من بلغ و برداشتی نو از این اخبار». *فقه*

- و اصول.** شماره ۱۱۳. تابستان: صص ۹۹-۱۱۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). **کافی**. قم: دار الحدیث.
- مازندرانی، محمد صالح بن احمد. (۱۳۴۲). **تسرح الکافی**. تهران: المکتبه الاسلامیه للنشر و التوزیع.
- مامقانی، عبدالله. (۱۴۱۱ق). **مقیاس الهدایه**. قم: آل البيت علیه السلام.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). **بحار الأنوار**. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- _____ (۱۴۰۴ق). **مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول**. چاپ دوم. تهران: اسلامیه.
- مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی. (۱۴۰۶ق). **روضه المتقین**. چاپ دوم. قم: کوشانپور.
- محقق اصفهانی، محمد حسین. (۱۴۱۸ق). **نهایة الدراریة فی شرح الکفایة**. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحیاء التراث.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۳۶۸). «علائم شرح صدر». **بامداد اسلام**. شماره ۹۶. صص: ۷-۲۴.
- مدرس تبریزی، میرزا محمد علی. (۱۳۹۵). **ریحانه الادب**. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- مراغی، احمد مصطفی. (بی تا). **تفسیر المراغی**. بیروت: دار الفکر.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ق). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**. چاپ سوم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مظاهری، حسین. (۱۳۹۷). **عوائد القواعد الفقهیة**. اصفهان: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء (علیها السلام).
- معرفت، محمد هادی. (۱۴۱۰ق). **التمهید فی علوم القرآن**. قم: مرکز مدیریت.
- مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). **تصحیح الاعتقادات الامامیه**. قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۱). **تفسیر نمونه**. چاپ دهم. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۸ق). **انوار الأصول**. چاپ دوم. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- میرداماد، محمد باقر بن محمد. (۱۳۸۰). **الرواشح السماویة فی شرح الأحادیث الإمامیه**. قم: دار الحدیث.
- نائینی، محمد حسین. (۱۳۷۶). **فوائد الاصول**. تقریرات محمد علی کاظمی خراسانی. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۵ق). **مستند الشیعه فی احکام الشریعه**. قم: آل البيت علیه السلام.
- _____ (۱۳۷۵). **عوائد الایام**. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

References

- The Holy Quran*, Translated by Makarim Shirazi, N.
 Alousi, A. 1405 AH. *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem and Al-Saba al-Mathani*. Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiyah.
 Abtahi, M. A. 1417 AH. *Tahzib al-Maqal fi Rijal al-Njashi*. 2nd edition, Qom: Negaresh.

- Ibn Babawayh, M. 1410 AH. *Man La Yahzuruh al-Faqih*. 15th edition, Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Ibn Babawayh, M. 1378 AH. *Uyoun Akhbar al-Reza*. Tehran.
- Ibn Babawayh, M. 1398 AH. *Al-Tawhid*. Qom: The Society of Seminary Teachers of Qom.
- Ibn Duraid, M. 1988. *Jamharat al-Lugha*. Beirut: Dar al-Alam Lilmolayin.
- Ibn Zuhra, H. 1417 AH. *Ghunyat al-Nazoo ila Elmi al-Usul wal-Faroo*. Qom: Imam al-Sadiq Foundation.
- Ibn Tawus, A. 1409 AH. *Iqbal al-Aamal*. 2nd edition. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiya.
- Ibn Ashur, M. T. 1420 AH. *Tafsir al-Tahrir wal-Tanwir*. Beirut: Arab History Foundation.
- Ibn Faris, A. 1404 AH. *Mujam Maqayis al-Lughah*. Qom: Maktab al-Aalam al-Islami.
- Ibn Kathir, I. 1419 AH. *Tafsir al-Quran al-Azim*. Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiya.
- Ardabili, M. 1433 AH. *Jame al-Rowat wa Rafi al-Eshtebahat*. Qom: Boştan Kitab.
- Azhari, M. 1421 AH. *Tahzibul Lughat*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Ansari, M. 1414 AH. *Rasaal Fiqhiyah*. Qom: World Conference on the Commemoration of al-Shaykh al-Ansari's Birth Anniversary.
- Irvani, J. 2019. *The Review of Sophestries about the Holy Quran, Volume 1: The Sophestries of the Religious Beliefs*. Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences.
- Bojnordi, H. 1419 AH. *Al-Qawaid al-Fiqhiya*. Qom: Al-Hadi.
- Bahrani, Y. 1363. *Al-Hadaiq al-Nazirah fi Ahkam al-Itrah al-Tahirah*. Qom: Islamic Publishing Center.
- Bahrani, Y. 1423 AH. *Durar al-Najafiyah min al-Multaqaat al-Yusuftiyah*. Beirut: Dar al-Mustafa (PBUH) li-Ehya Turath.
- Barqi, A. 1371. *Al-Mahasin*. Qom: Dar al-Ketab al-Islamiya.
- Baghdadi, A. 2003. *Usul al-Iman*. Beirut: Dar wa Maktabah al-Hilal.
- Behbahani, M. B. 1424 AH. *Masabih al-Zelam fi Sharh Mafatih al-Sharayeh*. Qom: The Institute of Allameh Mujaddid Vahid Behbahani.
- Baidawi, A. 1418 AH. *Anwar al-Tanzir wa Asrar al-Tawil*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Jafari, Y. 1376. *Tafsir Kawthar*. Qom: Hijrat Publication Institute.
- Hur Amili, M. 1418 AH. *Al-Fusul al-Muhimma fi Marifat al-Aimma*. Qom: Institute of Islamic Studies of Imam Reza (AS).
- Hur Amili, M. 1409 AH. *Wasail al-Shia*. Qom: Aal al-Bayt (AS).
- Hosseini Maraghi, A. 1417 AH. *Al-Anawin al-Fiqhiyyah*. Qom: Islamic Publishing Center.
- Khatun Abadi, M. 2013. *The Full Text of "Arbain Sheikh Bahai"*. Tehran: Farahani.

- Khoei, S. A. 1420 AH. *Mujam Rijal al-Hadith Wa Tafsil Tabaqat al-Ruwah*. Qom: Maktaba Mohaqiq Tabatabai.
- Khoei, S. A. 1422 AH. *Misbah al-Usul*. Qom: Al-Sayed al-Khoei Works Republication Institute.
- Raghib Isfahani, H. 1412 AH. *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran*. Beirut: Dar al-Qalam.
- Rouhani, S. M. 1413 AH. *Montaqi al-Usul*. Qom: Amir.
- Zubaydi, M. 1414 AH. *Taj al-Arus min Jawahir al-Qamus*. Beirut: Dar al-Fikr.
- Zarakshi, M. 1419 AH. *Al-Nokat ala Moqadama Ibn Salah*. Riyadh: Azwa al-Salaf.
- Zamakhshari, M. 1407 AH. *Al-Kashshaf an Haqaaiq al-Tanzeel*. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Sobhani, J. 1415 AH. *Al-Rassail al-Arba: Qavaid Usuliyah wa Fiqhiyah*. Qom: Institute of Imam Sadiq (AS).
- Sobhani, J. 1418 AH. *Mosoa Tabaqat al-Fuqaha*. Qom: Imam Sadiq (AS) Institute.
- Sobhani, J. 1412 AH. *Al-Elahiyat ala Hoda al-Kitab wa al-Sunnah wa al-Aql*. 3rd edition, Qom: Al-Markaz al-Alemi lil-Derasat al-Islami.
- Sheikh Bahai, M. 1415 AH. *Miftah al-Falah fi Ahkam al-Din*. Qom: Al-Nashr al-Islami Institute.
- Sheikh Bahai, M. 1390 AD. *Al-Habl al-Matin fi Ahkam al-Din*. Qom: Basirati Bookstore.
- Shirazi, S. S. 1432 AH. *Bayan al-Usul*. 2nd, Qom: Dar al-Ansar.
- Sadeghi Tehrani, M. 1406 AH. *Al-Furqan fi Tafsir al-Quran*. Tehran: Islamic Culture.
- Tabarsi, F. 1373. *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. 3rd edition, Tehran: Naser Khosrow.
- Tabari, M. 1412 AH. *Jami al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Beirut: Dar al-Marifah.
- Tusi, M. *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran*. Beirut: Dar Ihya al-Turah al-Arabi.
- Tusi, M. 1411 AH. *Al-Ghayba*. Qom: Dar al-Maarif al-Islamiyah.
- Tusi, M. 1420 AH. *Fehrest Kutub al-Shia*. Qom: Maktabah al-Mohaqiq al-Tabatabai.
- Tusi, M. 1407 AH. *Tahzib al-Ahkam*. 4th edition, Tehran: Islamic Bookstore.
- Allameh Helli, H. 1411 AH. *Rijal al-Allameh al-Helli*. 2nd edition, Najaf Ashraf: Dar al-Zakhair.
- Fazel Lankarani, M. J. 1396. *Qaidah al-Tasamoh fi Adilate al-Sunan*. Qom: Jurisprudential Center Holy Imams (AS).
- Fakhr Razi, M. 1420 AH. *Al-Tafsir al-Kabir*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
- Farahidi, Khalil. 1409 AH. *Kitab al-Ayn*. 2nd, Qom: Hijrat.
- Feyz Kashani, M. M. 1415 AH. *Tafsir al-Safi*. 2nd, Tehran: Maktabah al-Sadr.

- Qazi Abdul Jabbar, A. *Tanziyyah al-Quran an al-Matain*. Beirut: Dar al-Nahzah al-Hadisah.
- Qurtubi, M. 1364. *Al-Jamee lil-Ahkam al-Quran*. Tehran: Naser Khosrow.
- A Study around the Validity and Concept of the Hadiths of “Man Balagh”
- Karimian, M. 1397. A Study around the Validity and Concept of the Hadiths of “Man Balagh”. *Hadith Hoze*, pp. 7-21.
- Kelantari, A. A. 1389. The Tolerance about Hadiths’ Principle, an Ineffective Rule. *Islamic Sciences*, 17, pp. 2-22.
- Kelantari, A. A. 2017. The Manner of Jurists to Deal with “Man Balagh” Hadiths and a New Understanding of These Hadiths. *The Journal of Fiqh and Usul*, 113, pp. 114-99.
- Kulayni, M. 1429 AH. *Kafi*. Qom: Dar al-Hadith.
- Mazandarani, M. S. 1342. *Sharh al-Kafi*. Tehran: Al-Maktabah al-Islamiyah lil-Nashr wa al-Tozih.
- Mamqani, A. 1411 AH. *Miqbas al-Hidayah*. Qom: Aal al-Beyt (AS).
- Majlesi, M. B. 1403 AH. *Bihar al-Anwar*. 2nd edition, Beirut: Dar Ihya al-Turah al-Arabi.
- Majlesi, M. B. 1404 AH. *Miraat al-Uqool*. Tehran: Islamiyah.
- Majlesi, M. T. 1406 AH. *Rozat al-Muttaqin*. 2nd edition, Qom: Koshanpour.
- Mohaqqiq Isfahani, M. S. 1418 AH. *Nahayat al-Darayah*. Qom: Aal al-Beyt lil-Ehya Turath.
- Modares Tabrizi, M. M. A. 2015. *Reyhanat al-Adab*. Qom: Imam Sadiq (AS) Institute.
- Maraghi, A. M. *Tafsir al-Maraghi*. Beirut: Dar al-Fikr.
- Mustafavi, H. 1430 AH. *Al-Tahqiq fi Kalimat al-Quran*. 3rd edition, Beirut: Dar al-Kutub al-Elmiyah.
- Mazaheri, H. 2017. *Awaid al-Qawaid al-Fiqhiyah*. Isfahan: Cultural and Scientific Institute of al-Zahra (AS).
- Marefat, M. H. 1410 AH. *Al-Tamhid fi Olum al-Quran*. Qom: Seminary Management Center.
- Mufid, M. 1413 AH. *Tashih al-Itiqadat al-Imamiyyah*. Qom: The World Conference of Sheikh al-Mufid.
- Makarem Shirazi, N. 1371. *Tafsir Nemooneh*. 10th edition, Tehran: Islamic Bookstore.
- Makarem Shirazi, N. 1428 AH. *Anwar al-Usul*. 2nd edition, Qom: The School of Imam Ali Ibn Abi Talib (AS).
- Mirdamad, M. B. 1380. *Al-Rawasheh al-Samayivah*. Qom: Dar al-Hadith.
- Naini, M. H. 1376. *Fawaid al-Usul*. Qom: The Society of Seminary Teachers of Qom.
- Naraq, A. 1415 AH. *Mosnad al-Shia fi Ahkam al-Sharia*. Qom: Aal al-Beyt (AS).
- Naraq, A. 1375. *Awaid al-Ayam*. Qom: Islamic Propagation Center.



Visual Design in Children's Ritual Poems (Case Study: Razavi's Children's Poems)

Forouzan Bahramzadeh¹, Sharare Elhami², Reza Borzouyi³

1. PhD student Department of Persian language and literature, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran: ph.h.d.forouzan.bahramzadeh@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran (corresponding author): lsharare26@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran: rebo1344@gmail.com

Article Info

Abstract

Article Type:

Research Article

Article History:

Received:

December 18, 2022

In Revised Form:

July 31, 2023

Accepted:

September 02, 2023

Published Online:

May 21, 2024

The foundations of cognitive semantics are based on conventional conceptual construction. Semantic constructions, like other semantic fields, reflect abstract concepts that a person has shaped based on his experiences. One of the semantic approaches is visual pictorial design. In this way, human experiences from the surrounding world create conceptual constructions in his mind that can be transferred on the level of language; therefore, tangible and embodied experiences within the conceptual system lead to the production of image schemas. The present article aims to examine some conceptual processes and constructions in cognitive semantics in the form of visual schemas, and for this purpose, the author has chosen 40 pieces of Razavi children's poems to show that in Iranian religious children's literature, how conceptual constructions help to understand abstract fields in children's poetry. The findings of the research show that among the 40 children's songs of Razavi, the majority of visual design are of movement type, and the reason for that can also be found in the theme of the poems; because concepts such as pilgrimage and attaining spiritual status require movement and activity. In addition, volume design also has a significant presence in children's religious poems; the presence of this scheme is in line with the expression of achieving abstract concepts such as kindness, peace and liberation in the place of the Holy Shrine of the Imams (as). After the motion and volume plot, the visual plot of power occupies the third place in Razavi's children's poems. This is also due to the educational approach of Imams (as) who have tried to remove the obstacles to a desirable and ideal world.

Keywords

Ritual Poem, Razavi's Children's Poems, Semantic Theory, Visual Design.

Cite this The Author (s): Bahramzadeh, F., Elhami, SH., Borzouyi, R., (2024). Visual Design in Children's Ritual Poems(Case Study: Razavi's Children's Poems): Quarterly Scientific Journal of Farhang Razavi Year 12, Issue 1, Spring 2024, Serial Number 45- (137-161)- . [DOI:10.22034/farzv.2023.377215.1834](https://doi.org/10.22034/farzv.2023.377215.1834)



Introduction

Cognitive semantics is a topic of cognitive linguistics that holds that the study of meaning is inextricably linked to cognition. It was first introduced by George Lakoff. He believes that knowledge is inextricably linked to thinking and recognition. He considers language action to be part of human cognitive powers, which include the ability to learn, reason, and analyze. Consequently, one may argue that this statement encapsulates Lakoff's and his collaborative thinkers' beliefs.

Imaging conceptual structures can be justified in the field of cognitive symmetry and is considered the substrate of conceptual demonstration theory because, in this way, the connection between the physical experiences of humans and more complex fields of cognition, such as language, is possible. George Lakoff and Mark Johnson first used the term image design. They believe that "man's transgression from the outer universe creates structures in his mind that are transmissible to the level of language, which concrete and imagined experiences within the conceptual system lead to the production of adopted planets" (Like and Johnson, 1395: 9). In fact, these conceptual structures are the same waves.

Conceptual building is the foundation of conceptual knowledge. Similar to other domains of meaning, significant structures also represent the various conceptions that man has developed based on his personal experiences. The imaging plan is one of the useful strategies. Thus, both real and imagined experiences inside the conceptual system result in the formation of visual waves. This is how human experiences of the outside world form conceptual structures in his mind that are transmissible to the level of language. The author has chosen 40 sections of Razavi's children's songs to demonstrate how conceptual constructions in Iranian religious childhood literature aid in understanding the processes and conceptual structures of cognitive significance in the form of graphic drafts. The author is prepared to examine some processes and conceptual structures in cognitive significance.

The study's conclusions demonstrate that, of the 40 Razavi's childhood poems, the primary pattern of the visual waves is one of motion. This pattern is also consistent with the topic of the heads, as ideas like vision and spiritual status necessitate motion. Because of this, the worship of the wicked is mentioned in the Qur'an, the Scriptures, the Holy Spirit, and the revelation of the righteous wrath. In the children's consciousness charts, the power wave image is also devoted to the third position, following the motion wave and judgments. This is also a result of people's educational and instructional philosophies.

Method of investigation

Cognitive sciences are branches of linguistics and, given the cognitive and men-

tal development of humans in their surroundings, the examination of a portion of children's and adolescent literature from the point of view of visual waves can define the role of children and adolescents' literature in the recognition of human mental problems and concepts. Therefore, the research presents a descriptive-analysis approach to illustrate the graphic designs in the works of religious children who have been selected by the poets of the index of children's and adolescent literature to examine the concepts of triviality in these works. For this purpose, the 40 Influence of the Organization Razavi's Children, which was published in the 1990s, has been selected as the statistical population for the research.

Discussion and conclusion

For children's inner minds to comprehend the religious teachings, it seems that many of the discordant and singular difficulties in religious childhood chapters have been conceptualized and envisaged with visual notions that correspond to the mind and age range of children. Three different visual wave schemes are indicative and conspicuous in Razavi's children's songs; these wave schemes are generally in line with the idea of a religious childhood message.

According to Johnson's theory, the image wave design is related to the type of human physical life. The man who walks stands on two feet, and removes obstacles from his path; that is, he perceives the world through his body. These barriers, movements, nutrition, and other human physical activities project patterns in the human mind that the human being communicates, thinks, and speaks with the world around him through these models. These patterns are the same visual wave schemes that demonstrate that the human mind thinks through the same colonial pattern. One of the most important types of imaging wave designs can be called the arithmetic, motion, and power wave schemes.

Different texts can be examined and analyzed from the view of the wave image. Children's literature is one of the fields in which the cognitive methodology can explain some of its conceptual structures; because childhood is of great importance for the knowledge of the surrounding world and the understanding of objectives, and the literary and artistic works of this period are also justified by the values of content and concepts. Therefore, the research is about examining the graphic wave patterns in childhood religious communications and, in addition to the analysis of concepts, to show the wave structure.

In this study, childhood religious concepts from a cognitive perspective were examined in the context of imaging concepts and it was determined that these concepts are in a way that depict teachings, religious, educational, and moral with the use of emotional and material concepts. Charity, courage, freedom, tranquility, happiness, and freedom from sorrow pilgrimage of the holy shrine of imams

are rewarding subjects that are made with the help of visual drawings for children and statues. This approach explains that the language of Razavi's children's songs is conscious and imperial, and the graphic designs are considered the substrate of this imperial language (conceptual power not literary and verbal representation). The graphic designs in the three forms of motion, power, and logic in the concepts of Razavi's childhood songs have wide application, and in some cases also in these chapters the combination of several schemes has been used to express a concept and its purpose is to highlight positive educational and religious teachings that the aggregation of these teachings in each person is produced to a complete and accomplished human being and presents a comprehensive model or hero to the audience of their child. of course, it should not be missed the prominent presence of the schema, the goal of its numerous applications is to persuade the child to move, movement, activity in the direction of going on a pilgrimage and following the example of the Imam (peace be upon him) who is in front of him. Furthermore, it should be recalled that motion and dynamics are considered to be a general and extensive experience in which the subjects of the mental and intangible spheres are often shaped based on their understanding; in other words, in their daily lives, a person is dreamed of numerous examples of movement and transitional phenomena" (Golfam and colleagues, 1392: 104).

Two categories have been designated for the containers in the volume scheme, the location of the shrine of the Ahle-bayt included abstract concepts of happiness, faith, peace, and relief from sadness and the heart of the faithful was also a container for concepts was embedded such as grief and imam's sadness. Powerful imaging calls children away from all forms of violence, to resist and to persevere in harassment. Their life, and their standing against iniquity and their witness in this way, is an expression of the plan of a powerful image in the children's songs of religion that makes sense and tangible is a ritual of the abstract notions of freedom, justice, and conflict for the children audiences.



طرح‌واره‌های تصویری در سروده‌های کودکانهٔ آیینی (مطالعهٔ موردی: سروده‌های کودکانهٔ رضوی)

فروزان بهرام‌زاده^۱، شراره الهامی^۲، رضا برزویی^۳

p.h.d.forouzan.bahramzadeh@gmail.com

lsharare26@yahoo.com

rebo1344@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. رایانامه:

۲. نویسنده مسئول، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. رایانامه:

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران. رایانامه:

چکیده

اطلاعات مقاله

مبانی معناشناسی شناختی مبتنی بر ساخت مفهومی قراردادی شده است. ساخت‌های معنایی نیز همانند دیگر حوزه‌های معناشناختی، مفاهیم انتزاعی را بازتاب می‌دهند که آدمی بر اساس تجارب خویش به آن‌ها شکل داده است. یکی از رویکردهای معناشناختی، طرح‌وارهٔ تصویری است. در این روش، تجربه‌های انسان‌ها از دنیای پیرامون، ساخت‌های مفهومی را در ذهن او می‌آفریند که قابل انتقال بر سطح زبان هستند؛ از این‌رو، تجارب ملموس و تجسم یافته در درون نظام مفهومی، منجر به تولید طرح‌واره‌های تصویری می‌شوند. نوشتار حاضر بر آن است تا برخی از فرایندها و ساخت‌های مفهومی در معنی‌شناسی شناختی را در قالب طرح‌واره‌های تصویری بررسی کند و برای این مقصود، ۴۰ قطعه از سروده‌های کودکانهٔ سروده‌های کودکانهٔ رضوی را انتخاب کرده است تا نشان دهد که در ادبیات کودکانهٔ مذهبی ایران، ساخت‌های مفهومی چگونه به درک حوزه‌های انتزاعی در شعر کودکان کمک می‌کنند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از میان ۴۰ سرودهٔ کودکانهٔ رضوی، عمدهٔ طرح‌واره‌های تصویری از نوع حرکتی است و دلیل آن را نیز می‌توان در مضمون سروده‌ها پیدا کرد؛ زیرا مفاهیمی همچون زیارت و به مقام روحانی رسیدن، نیازمند حرکت، جنبش و فعالیت است. افزون بر این، طرح‌وارهٔ حجمی نیز حضور قابل توجهی در سروده‌های کودکانهٔ مذهبی دارد؛ حضور این طرح‌واره هم در راستای بیان دستیابی به مفاهیمی انتزاعی همچون مهربانی، آرامش و رهایی در ظرف مکانی حرم مطهر ائمه علیهم‌السلام است. طرح‌وارهٔ تصویری قدرتی نیز بعد از طرح‌وارهٔ حرکتی و حجمی، جایگاه سوم را در سروده‌های کودکانهٔ رضوی به خود اختصاص داده است. این امر نیز به خاطر رویکرد تربیتی و تعلیمی شخصیت ائمه علیهم‌السلام است که تلاش کرده‌اند موانع دنیای مطلوب و آرمانی را از پیش رو بردارند.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۰۹/۲۷

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۰۵/۰۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۰۶/۱۱

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۰۳/۰۱

شعر آیینی، سروده‌های کودکانهٔ رضوی، نظریهٔ معناشناختی، طرح‌وارهٔ تصویری.

کلیدواژه‌ها

استاد: بهرام‌زاده، فروزان، الهامی، شراره، برزویی، رضا: (۱۴۰۳). طرح‌واره‌های تصویری در سروده‌های کودکانهٔ آیینی (مطالعهٔ موردی: سروده‌های کودکانهٔ رضوی): فصلنامهٔ علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، سال ۱۲، شماره ۱، تابستان، شمارهٔ پیاپی ۴۵ - (۱۶۱-۱۳۷).

DOI:10.22034/farzv.2023.377215.1834



ناشر: بنیاد بین المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

۱. مقدمه

معناشناسی شناختی یکی از شاخه‌های زبان‌شناسی شناختی محسوب می‌شود که معتقد است مطالعه معنی، امری جدا و مستقل از شناخت معنا نیست. این شاخه، نخستین بار از سوی جورج لیکاف مطرح شد. از نگاه وی، دانش زبانی مجزا از اندیشیدن و شناختن نیست. وی کنش زبانی را قسمتی از توانایی‌های شناختی انسان می‌داند؛ توانایی‌هایی که برای انسان‌ها، امکان یادگیری، استدلال و تحلیل را میسر می‌سازد. از این رو می‌توان ادعا کرد هسته اصلی آنچه لیکاف^۱ و همفکرانش به آن باور دارند در این عبارت، نمود پیدا کرده است: «دانش زبانی بخشی از شناخت عام آدمی است» (سعید، ۱۹۹۷: ۲۹۹). طرح‌واره‌های تصویری از ساخت‌های مفهومی قابل توجه در شاخه معناشناسی شناختی است و زیربنای نظریه استعاره مفهومی محسوب می‌شود؛ زیرا در این حالت، پیوند میان تجربه‌های فیزیکی انسان‌ها با حوزه‌های شناختی پیچیده‌تری همانند زبان امکان‌پذیر می‌شود.

گورج لیکاف و مارک جانسون^۲ اصطلاح طرح‌واره تصویری را برای اولین بار به کار گرفتند. آن‌ها معتقدند که «تجربیات آدمی از جهان خارج، ساخت‌هایی در ذهن او پدید می‌آورند که قابل انتقال به سطح زبان هستند که تجارب ملموس و تجسم‌یافته در درون نظام مفهومی، منجر به تولید طرح‌واره‌های تصویری می‌شوند» (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۵: ۹). در حقیقت این ساخت‌های مفهومی همان طرح‌واره‌ها هستند.

۱-۱. مسئله پژوهش

طبق نظریه جانسون، مقوله طرح‌واره تصویری در ارتباط با نوع زندگی جسمانی انسان است. انسانی که راه می‌رود، بر روی دو پا می‌ایستد، موانع را از سر راه خود برمی‌دارد؛ یعنی دنیا را از طریق جسم خود ادراک می‌کند. این موانع، حرکت‌ها، خورد و خوراک و دیگر فعالیت‌های جسمی انسان، الگوهای را در ذهن انسان طرح می‌کند که انسان از طریق این الگوها با دنیای اطراف ارتباط برقرار می‌کند، می‌اندیشد و سخن می‌گوید. این الگوها همان طرح‌واره‌های تصویری هستند که نشان می‌دهد ذهن انسان به‌واسطه همین الگوهای استعاری می‌اندیشد. از مهم‌ترین انواع طرح‌واره‌های تصویری می‌توان از طرح‌واره‌های حجمی^۳، حرکتی^۴، قدرتی^۵ نام برد.

متون مختلفی قابلیت آن را دارند تا از نگاه طرح‌واره تصویری بررسی و تحلیل شوند. ادبیات کودک یکی از زمینه‌هایی است که رویکرد معناشناسی شناختی می‌تواند برخی از ساخت‌های مفهومی آن را تبیین کند؛ زیرا دوران کودکی به خاطر شناخت دنیای پیرامون و درک امور انتزاعی اهمیت فراوانی دارد و آثار ادبی و هنری خاص این دوران نیز به‌واسطه ارائه محتوا و مفاهیم با ارزش قابل توجه است. از

1. George Lekoff
2. Mark Johnson
3. Containment schema
4. Path schema
5. Force schema

این‌رو، پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی طرح‌واره‌های تصویری در اشعار کودکانه مذهبی بپردازد و ضمن تحلیل مفاهیم، ساختار طرح‌واره‌ای آن را نیز نشان دهد.

۱-۲. اهداف، ضرورت و روش تحقیق

معناشناسی شناختی از شاخه‌های زبان‌شناسی است و با توجه به رشد شناختی و ذهنی انسان در محیط پیرامونش، بررسی بخشی از ادبیات کودک و نوجوان از نظر طرح‌واره‌های تصویری، می‌تواند نقش ادبیات کودک و نوجوان را در شناخت مسائل و مفاهیم ذهنی انسان‌ها مشخص کند. از این‌رو، پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی تحلیلی و با هدف تبیین طرح‌واره‌های تصویری در آثار کودکانه مذهبی که از سوی شاعران شاخص حوزه ادبیات کودک و نوجوان سروده شده، بر آن است تا مفاهیم انتزاعی در این سروده‌ها را بررسی کند. به این منظور ۴۰ اثر منظوم کودکانه رضوی که در دهه ۹۰ به چاپ رسیده به‌عنوان جامعه آماری پژوهش انتخاب شده است.

۱-۳. پیشینه تحقیق

پژوهش‌های مختلفی با رویکرد معناشناختی و تحلیل طرح‌واره‌ای انجام شده‌است که نمونه بارز آن، لیکاف و جانسون (۱۳۹۵) در کتاب‌های *استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم* و *فلسفه جسمانی دیدگاه‌های زبان‌شناسی شناختی خویش را مطرح کرده و در آن به دو مقوله استعاره‌های مفهومی و طرح‌واره‌های تصویرپرداخته‌اند*. کووچش (۱۳۹۳) در کتاب *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره* بر این باور است که تجربیات ملموس اولیه از دنیای پیرامون باعث شکل‌گیری نخستین طرح‌واره‌ها می‌شوند و نشئت گرفته از تعامل انسان‌ها با جهان است؛ اما هیچ کدام از پژوهش‌ها به بررسی طرح‌واره تصویری شعر کودکانه مذهبی نپرداخته‌اند.

برخی پژوهش‌های معناشناختی که می‌توانند در نگارش این پژوهش مورد توجه قرار گیرند، عبارت است از: صفوی (۱۳۸۲) در نوشتاری که به بررسی طرح‌واره‌های تصویری از نگاه معناشناسی شناختی پرداخته‌است، به‌صورت تئوری، طرح‌واره‌های تصویری را مفهوم‌شناسی و انواع این طرح‌واره‌ها را معرفی کرده‌است. نیکویی و باباشکوری (۱۳۹۲) در پژوهش خویش به بازخوانی قصه‌های کودکان بر مبنای مؤلفه‌های طرح‌واره در رویکرد شناختی پرداخته و بر این باور است که با شناسایی و تغییر طرح‌واره‌های منفی و ناسازگار در این قصه‌ها و جایگزین کردن آن با طرح‌واره‌های مثبت و درمانگر، می‌توان کودک را برای رویارویی با دنیای واقع و ممکن، آماده کرد. زهره‌وند (۱۳۹۵) در پژوهش خویش به بررسی طرح‌واره‌های تصویری در کودکانه‌های مصطفی رحماندوست، پرداخته و معتقد است که بخش قابل توجهی از طرح‌واره‌های تصویری وی مبتنی بر حرکت و جنبش است و برای بیان مفاهیم ذهنی، سروده خویش را از نقطه‌ای شروع می‌کند و در نقطه دیگری به پایان می‌رساند. قلی‌زاده توچایی (۱۳۹۵) در نوشتار خویش به بررسی و مقایسه کاربرد طرح‌واره‌های تصویری در اشعار کودکان و بزرگ‌سالان از منظر معناشناسی شناختی پرداخته‌اند و معتقدند که شاعران سروده‌های کودکان،

از طرح‌واره‌های حرکتی بیشتر و شاعران سروده‌های بزرگسالان از طرح‌واره‌های حجمی و قدرتی بیشتری بهره برده‌اند. شریفی و حامدی شیروان (۱۳۸۹) در مقاله خویش، ادبیات کودک و نوجوان را از نگاه استعاره‌های مفهومی بررسی کرده‌اند. برای این پژوهش، ۱۰ داستان کودکانه که در آن مفاهیم انتزاعی به شکل اندیشه‌های استعاری به کار رفته‌اند، انتخاب شده است و به این نتیجه رسیده‌اند که استعاره‌های هستی‌شناختی در این داستان‌ها کاربرد قابل توجهی دارند. قنبری و سجودی (۱۳۹۱) در بررسی معناشناختی استعاره‌های زمان در داستان‌های کودک به زبان فارسی (گروه‌های سنی الف، ب، ج) معتقدند که برای کودکان فارسی زبان، در گروه‌های سنی مد نظر، مفهوم انتزاعی زمان از طریق حرکت در مکان قابل درک است.

با توجه به این که رویکرد معناشناسی شناختی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان، بحثی جدید است، طرح‌واره‌های تصویری نیز که در درون همین نظریه طرح شده موضوعی تازه بوده است که پژوهشگران اندکی در ایران به آن پرداخته‌اند؛ بنابراین، موضوع این نوشتار جدید بوده و بر اساس بررسی‌های صورت گرفته تاکنون در حوزه سروده‌های کودکانه مذهبی به بررسی طرح‌واره‌های تصویری پرداخته نشده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. طرح‌واره تصویری^۱

طرح‌واره‌ای تصویری (تصوری) یکی از ساخت‌های مهم و برجسته در حوزه معناشناسی شناختی است. طبیعتاً همه ما انسان‌ها در این دنیا برای گذاران زندگی کارهایی را انجام می‌دهیم؛ از قبیل راه رفتن، خوردن، آشامیدن و صدها کنش دیگر. ما با تکیه بر آن‌ها ساخت‌های مفهومی بنیادی را به وجود می‌آوریم و از همین ساخت برای فکر کردن در امور انتزاعی بهره می‌بریم و به همین خاطر گفته‌اند که «تجربیات ملموس اولیه، باعث پیدایش طرح‌واره‌های تصویری می‌شوند» (کووچش، ۱۳۹۳: ۷۰). در حقیقت طرح‌واره‌های تصویری «ساخت‌های انتزاعی‌اند که بر طبق آنچه معناشناختی شناسی مطرح می‌سازد درک معنی استعاری را ممکن می‌سازد» (عابدی مقدم، ۱۳۸۳: ۳۴). این سخن بدان معناست که طرح‌واره‌های تصویری به شکل‌های مختلفی به مفاهیم انسجام می‌دهند؛ زیرا «طرح‌واره‌هایی هستند که ساختارهایی را برای مفهوم‌سازی‌های معین فراهم می‌کنند» (Johnson, 1987:66). جانسون در تعریف دیگری از طرح‌واره‌های تصویری بر این نکته اشاره می‌کند و می‌نویسد: «طرح‌واره‌های حاصل از انتزاع‌های میانی (یعنی بین تصورات ذهنی و گزاره‌های انتزاعی) را که به صورت تصویرهای شمایی در ذهن افراد بازنموده می‌شوند و به‌طور مستقیم با تجربه‌های فیزیکی یا اجتماعی در ارتباط هستند، طرح‌واره‌های تصویری گویند» (همان).

جانسون (۱۹۸۷) در کتاب *بدن در ذهن*^۲ استدلال می‌کند که «تجربه‌های بدنمند، درون نظام مفهومی

1. image schemas

2. The Body in the Mind

طرح‌واره‌های تصویری را به‌وجود می‌آورند. طرح‌واره‌های تصویری، از تجربیات دریافتی و حسی نشئت می‌گیرند که نتیجه تعامل ما با جهان و محیط اطرافمان هستند» (همان: ۶۸). به عقیده جین مندler «فیزیولوژیست رشد، طرح‌واره‌های تصویری نوظهور هستند؛ بدین معنا که این طرح‌واره‌ها ساختارهای دانش ذاتی نیستند، بلکه کودک یاد می‌گیرد که چگونه با محیط فیزیکی اطراف خود تعامل برقرار کند: کودک حرکت اشیا را با چشم دنبال می‌کند و سپس عامدانه دست خود را برای گرفتن آن‌ها دراز می‌کند. این تجربه‌ها حاصل عملکرد بدن و تعامل ما با جهان است» (Mendler, 2004: 56). افزون بر این باید اشاره کرد که «جانسون، طرح‌واره‌های تصویری را به سه بخش تقسیم کرده‌است؛ طرح‌واره‌های حرکتی، حجمی و قدرتی» (صفوی، ۱۳۸۲: ۶۸، ۶۹). شایان ذکر است که تقسیم‌بندی‌های دیگری از طرح‌واره‌های تصویری انجام شده که تاکنون در رویکرد معناشناسی شناختی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. این طرح‌واره‌ها عبارتند از: «طرح‌واره‌های چرخشی، پُر، خالی، تکرار، سطح، تعادل، عکس‌العمل، ادغام، همسازی، دوری، نزدیکی، ارتباط، جذب، برخورد، جزء به کل» (افراشی و نعیمی حشکوائی، ۱۳۸۹: ۱۵، ۱۶).

به رویکردی که برای مفاهیم انتزاعی ظرف در نظر گرفته شود، طرح‌واره حجمی می‌گویند. «تجربه بنیادی ظرف برای فهم مضامین، شاخص‌ترین مقوله محسوب می‌شود و کاربرد فراوانی در زندگی روزمره انسان‌ها دارد» (قاسم‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۰۹). جانسون می‌گوید «آدمی به‌وسیله تجربه بودن در فضایی که حجم دارند و به نوعی، ظرف محسوب می‌شوند برای مفاهیم انتزاعی و ذهنی خویش، حجم و ظرف به وجود می‌آورد. وی طرح‌واره حجم را متشکل از ظرف و مظروف می‌داند» (صفوی، ۱۳۸۳: ۳۷۳). به‌عنوان مثال نگاه شود به این ضرب‌المثل که «جا پای عقل، بزرگ‌تر از جای پای گاو است» در این ضرب‌المثل برای عقل که یک مفهوم انتزاعی است، حجم و ظرف در نظر گرفته شده‌است (جا پا).

در طرح‌واره حرکتی نیز معتقد است که «آدمی با بهره‌گیری از رویکرد حرکتی خویش و دیگر پدیده‌های متحرک طبیعی پیرامونش برای سایر پدیده‌ها، فضایی را طراحی می‌کند که در آن نقطه آغاز و پایانی تصور شده‌است» (همان: ۳۸۶). به‌عنوان مثال، برای شانس و اقبال در این ضرب‌المثل، حرکت در نظر گرفته شده‌است: «از این ستون به آن ستون فرج است.»

طرح‌واره قدرتی از دیگر طرح‌واره‌های تصویری است. در این طرح‌واره «آدمی در مسیر زندگی خویش با مانع‌ها و مشکل‌های فراوانی رویارو می‌شود که همانند سد محکم در برابرش قرار می‌گیرند. از این‌رو، آدمی برای برطرف کردن این موانع، رویکردهای مختلفی را برمی‌گزیند، یا با آن مشکل‌مدارا می‌کند و یا در برابر آن مقابله می‌نماید» (همان: ۳۹۰). «دستی را که نمی‌شود قطع کرد باید بوسید» (مدارا) یا «دندان بد را باید از ریشه کند.» نمونه‌هایی از این رویکرد جانسون در طرح‌واره قدرتی است.

۲-۲. بحث و بررسی

به نظر می‌رسد بسیاری از مضامین انتزاعی و مجرد موجود در سروده‌های کودکانه مذهبی با مفاهیم عینی که متناسب با ذهن و محدوده سنی کودکان است، مفهوم‌سازی و متصور شده‌اند تا ذهن عینی‌گرای کودکان بتواند آموزه‌های دینی را درک کند. در سروده‌های کودکانه رضوی، سه نوع طرح‌واره تصویری حضور شاخص و برجسته‌ای دارند. این طرح‌واره‌ها تناسب فراوانی با مفهوم اشعار کودکانه مذهبی دارند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۲-۲-۱. طرح‌واره تصویری حرکتی

پربسامدترین و شاخص‌ترین طرح‌واره تصویری در سروده‌های کودکانه رضوی، طرح‌واره تصویری حرکتی است که ۱۱ مورد در این سروده آمده است. این رویکرد می‌تواند به دو دلیل باشد؛ نخست اینکه بیشترین مفاهیم اشعار کودکانه رضوی درباره زیارت حرم مطهر امام رضا (علیه السلام) و لازمه آن سفر کردن و حرکت است و دوم اینکه ذات کودکان با تحرک، فعالیت و جنبش همراه است؛ بنابراین کارکرد فراوان این طرح‌واره منطقی به نظر می‌رسد. افزون بر این، باید یادآوری کرد تحرک و پویایی یک تجربه عام و فراگیر محسوب می‌شود که اغلب مضامین حوزه‌های ذهنی و غیر ملموس بر مبنای درک آن شکل پیدا می‌کند؛ به دیگر سخن، آدمی در زندگی روزانه خویش با نمونه‌های فراوانی از پدیده‌های حرکت و جابجایی رویارو می‌شود (گلفام و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۴). شکل ۱ نمونه‌ای از طرح‌واره تصویری از نوع حرکتی است.

الف: نقطه آغاز

مسیر

ب: نقطه پایان



شکل ۱: طرح‌واره تصویری حرکتی

بدین معنا که حرکت این طرح‌واره از یک مسیر مشخص آغاز و به یک هدف خاص منتج می‌شود. در شعر «دور گنبد طلا» طرح‌واره‌های حرکتی متعددی آمده است. نگاشت‌های این طرح‌واره در جمله‌های «پریدن به سوی نور، پریدن به سوی اوج، رفتن به سوی ماه» که حوزه مقصد هستند، وجود دارد. در این نگاشت‌ها، زیارت حرم مطهر امام رضا (علیه السلام)، نوعی معراج تلقی و در قالب پرواز به سوی نور و اوج به تصویر کشیده شده است.

می‌پرد در آسمان شهر

لک‌لکی به سوی دورها

می‌پرد به سوی اوج‌ها

می‌پرد به سوی نورها

خسته از تمام راه‌ها

در پی نگاه می‌رویم

در سکوت چشم‌هایمان

رو به سوی ماه می‌رویم

می‌رسیم روبه‌روی او

او نشسته در میان نور

هر طرف نگاه می‌کنی، شوق هست و شادی و شور (الله‌وردی، ۱۳۹۶: ۵)

الگوی زیر بیانگر رویکرد طرح‌واره حرکتی است که مفهوم انتزاعی بیداری و معراج دل را در شعر فوق به کار گرفته‌است:

(به اوج رسیدن، معراج دل) پایان مسیر آغاز (زیارت)

این طرح‌واره در حقیقت بیانگر تجربه‌های بشری است و در حقیقت نخستین مفهومی است که با خواندن این سروده در ذهن مخاطب ظاهر می‌شود. از این رو «می‌توان پیش مفهومی و افشردۀ تجربه‌های مکانی و زمانی دانست که برای معنا بخشیدن به حوادث شخصی، موقعیت‌ها و عناصر زبانی به کار می‌روند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۶۱). در این سروده به فضیلت زیارت مرقد ائمه علیهم‌السلام در قالب طرح‌واره حرکتی با رویکردی عارفانه، معنا بخشیده شده است و به کودک القا می‌کند که دستیابی به بیداری و معراج دل، نیازمند پویایی و تحرک است.

در شعر زیر نیز این گونه است، طرح‌واره حرکتی در نگاشت «دویدن دل به حرم» به تصویر آمده‌است. در این نگاشت، مفهوم انتزاعی که حوزه مبدأ محسوب می‌شود؛ «بی‌تابی زیارت حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام» است که در قالب نگاشت دویدن دل از قطار به حرم (حوزه مقصد)، تصویرسازی شده است:

من کنار مادرم

در قطار خسته‌ای نشسته‌ام

پابه‌پای ریل‌ها

می‌دود ولی دلم

ایستاده‌ام

پشت پنجره

بی‌قرار

می‌رسد دلم حرم

زودتر از این قطار(الله‌وردی، ۱۳۹۶: ۶)

در شعر «باران پروانه» از «محمود پور وهاب» نیز، مفهوم انتزاعی «بی‌قراری دل برای زیارت» در قالب نگاهت «پرواز کردن دل» به تصویر درآمده است. حوزه مبدأ این نگاهت، «بی‌قراری دل» و حوزه مقصد آن نیز «پرواز کردن دل» تصویرسازی شده است:

هر جا که باشیم

تهران و کرمان، رشت یا اهواز

با عطر یاد تو کیوتروار

دل می‌کند پرواز(پور وهاب، ۱۳۹۶: ۸)

افزون بر این در دیگر سروده‌های کودکانه رضوی نیز با نگاهت‌های مختلف، فضیلت زیارت حرم مبارک امام رضا علیه السلام بازتاب یافته که عبارت است از:

«تمام شدن جاده‌ها» نیز نگاهت دیگری از طرح‌واره‌های حرکتی در شعر «زیارت» جعفر ابراهیمی است (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۴). «پریدن ساعت» در شعر «قرار قشنگ» سروده «مرضیه تاجری» (۱۳۹۶: ۱۰).

«کشیده شدن به سوی مرقد» برای مفهوم «زیارت» در سروده «ساحل امید» از «مریم زندی» (۱۳۹۶: ۱۵). در سروده «تا ذوق و شوق و شور» اثر «عباس‌علی سپاهی یونسی» نیز برای مفهوم

«زیارت» از نگاهت «رفتن به سوی نور» استفاده شده است (زندی، ۱۳۹۶: ۱۸). در عبارت «زیر گنبد طلایی‌ات روح من بال در می‌آورد و پرنده می‌شود» در سروده «موقع اذان» اثر «شهلا شهبازی» نمود

دیگر طرح‌واره حرکتی است (شهبازی، ۱۳۹۶: ۲۳). در سروده «خورشید خورشیده‌ها» از بابک نیک‌طلب، طرح‌واره حرکتی در قالب نگاهت «به سوی تو می‌آیم ای دوست، مرا غرق در روشنایی کن» به کار رفته

است (نیک‌طلب، ۱۳۹۴: ۱۳). در شعر «یک ستاره اشک» سروده «مریم اسلامی» طرح‌واره حرکتی در قالب نگاهت «زیر نور این گنبد طلا قد کشیده‌ام» به کار رفته است (اسلامی، ۱۳۹۴: ۱۴). در سروده

«خاطرات زیارت» از «منیره هاشمی» نیز طرح‌واره حرکتی در قالب نگاهت «رفته بودم زیارت، بوی قرآن گرفتم، نور از آن گرفتم» آمده است (هاشمی، ۱۳۹۴: ۲۱).

به نظر می‌رسد که شاعران حوزه ادبیات کودک آیینی از فضیلت‌های زیارت بارگاه رضوی آگاه بوده‌اند؛ زیرا که امام رضا علیه السلام فرموده است: «مَنْ زَارَنِي عَلَى بُعْدِ دَارِي وَ مَزَارِي آتِيَتْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثِ مَوَاطِنَ حَتَّى أُخَلِّصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا: إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَ شِمَالًا، وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ، وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ» (ابن بابویه، ۸۳۳۱ ج ۲: ۶۰۵)؛ هر کس با وجود دوری خانه و مزارم، مرا زیارت کند، روز رستاخیز، در سه محل پیش

او می‌آیم تا از ترس‌هایی (که در آن سه جا مردم را فرا می‌گیرد) نجاتش دهم: الف. زمانی که نامه‌های اعمال به راست و چپ به حرکت درآید. ب. در جلوی پل صراط. ج. در کنار سنجش اعمال (میزان).

طبیعتاً رسیدن به این آمال و آرزو هم نیازمند عزم و اراده سفر و زیارت به مشهد و دیگر قبور ائمه علیهم السلام است. این مفهوم نیز در غالب سروده‌های کودکانه رضوی بیان شده است. در این سروده‌ها افزون بر

فضیلت زیارت به بسیاری از جنبه‌های تربیتی دینی اشاره شده است. بارزترین جنبه تربیتی، توسل به ائمه اطهار علیهم‌السلام است، توسل و شفاعت‌خواهی همواره یکی از مضامین عمده مدح امامان علیهم‌السلام بوده که غالباً مدیحه‌سرایان پس از ستایش خداوند، قصاید خود را به آن متبرک و شفاعت بزرگان دین را به عنوان پاداش اظهار ادب و ارادت خویش قلمداد کرده‌اند. این نکته درباره امام رضا علیه‌السلام با توجه به شرایط جغرافیایی ملموس‌تر است؛ افزون بر این، رویکرد طرح‌واره‌های حرکتی در سروده‌های کودکانه مذهبی مشهوری که سراینده خاصی هم ندارند، به تصویر کشیده شده است؛ سروده‌هایی همچون: «دویدم و دویدم به کربلا رسیدم»، «حالا بشید مهیا می‌خوایم بریم کربلا»، «هر کدوم از یه جا میان از اصفهان، ساوه، کرج» و «رضا که نور خداست». در این سروده‌ها که حوزه مبدأ آن، بی‌قراری و بی‌تابی برای زیارت حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام است با رسیدن با حرم و یا پر کشیدن دل آن‌ها به حرم (حوزه مقصد) به تصویر کشیده می‌شود.

۲-۲-۲. طرح‌واره تصویری حجمی

طرح‌واره تصویری حجمی یکی دیگر از طرح‌واره‌های به کار گرفته در سروده‌های کودکانه مذهبی است که بسامد قابل توجهی دارد و ۸ مورد از این طرح‌واره ذکر شده است. در این طرح‌واره «ظرف حجم سه بعدی دارد که مظروف را در خود جای می‌دهد. کاربردی‌ترین طرح‌واره در زندگی بشری محسوب می‌شود؛ زیرا ظرف را در درون و بیرون آن که در قلمرو فضای سه بعدی است، به تصویر می‌کشند» (تیلر، ۱۳۸۳: ۳۲۰). این طرح‌واره برای عینی کردن مفاهیم ذهنی و انتزاعی به کار گرفته می‌شود. شکل ۲ بیانگر این نوع طرح‌واره تصویری است.



شکل ۲: طرح‌واره تصویری حجمی

آرامش، مهربانی، صفا، عشق و شادمانی از مفاهیم انتزاعی هستند که در سروده‌های کودکانه در ظرف‌های بیانی مختلفی برای مخاطب ملموس و محسوس می‌شود. این مظروف‌ها در شعرهای کودکانه مذهب اغلب در ظرف مکانی حرم امام رضا علیه‌السلام جای داده می‌شوند. شعر «ساحل امید» سروده رضوی دیگری است که برای کودکان سروده شده است. «مریم زندی» در این سروده خویش، مفاهیم انتزاعی «امنیت» و «امید» را در نگاشت تصویری «مرقد امام رضا علیه‌السلام» مجسم کرده است. البته ناگفته نماند که در این سروده، طرح‌واره‌های حرکتی نیز در قالب نگاشت «کشیده

شدن به سوی مرقد» برای مفهوم «زیارت» وجود دارد:

توی موج زائران

سمت مرقدت کشیده می‌شوم

سمت ساحلی

امن و پر امید

ای خدا چه زود

دست من به آرزوی خود رسید(زندگی، ۱۳۹۶: ۱۵).

در شعری که ذکر شد، برای «امنیت» و «امید» که مفاهیم انتزاعی هستند، ظرفی تعبیه شده است که به نوعی برای آن حجم در نظر گرفته شده و در آن حجم جای گرفته است. ظرف مذکور در شعرهای گودکانه رضوی، بارگاه مطهر امام رضا علیه السلام است. شکل ۲ بیانگر این رویکرد طرح‌واره‌ای است:



در شعر «مهمان خراسان» نیز در دو مورد از طرح‌واره تصویری حجمی برای بیان مفهوم انتزاعی «ایمان» استفاده شده است. «لحن صدا» حجم و فضایی برای قرار گرفتن ایمان در آن و همچنین «عطر» نیز حجم دیگری برای این مفهوم است.

آرامشی از ایمان

در لحن صدایش بود

هر چیز خدا می‌خواست

راضی به رضایش بود

او غصه غرب را با خود به خراسان برد

او عطری از ایمان را

چون هدیه به ایران برد(ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۷).

در شعر «سوی گنبد» سروده «محمد کاظم مزینانی» نیز از طرح‌واره حجمی استفاده شده است. «نور و روشنایی» از دیگر مفاهیمی است که در وجود مبارک امام رضا علیه السلام به عنوان یک حجم و ظرف برای ملموس و محسوس کردن آن نمود پیدا می‌کند:

آه ای کسی که هستی

از جنس سبزه و نور

آه ای شهید گشته

با شهید تلخ انگور(مزینانی، ۱۳۹۴: ۱۱).

شعر «خادم پیر حرم» از «حمید هنرجو» یکی دیگر از سروده‌های رضوی کودکانه است که در آن برای مفاهیم «دوستی»، «پاکی» و «مهربانی» حجم و ظرفی در نظر گرفته شده است. نگاه خادم پیر، ظرفی برای دوستی، صدای او حجمی برای مهربانی و قلب او مکانی برای پاکی است:

در نگاهش می‌شود

دوستی را خوب دید

از صدای ساده‌اش

مهربانی را شنید

شهری از آینه است

قلب پاک پیرمرد(هنرجو، ۱۳۹۴: ۱۷).

شعر زیر یکی از سروده‌های کودکانه مذهبی است که در نگاشت کلی آن برای مهربانی، آرامش، روشنایی، رهایی از غم و غصه، ظرفی در نظر گرفته شده و آن ظرف حرم مطهر رضوی است، افزون بر این «چشم» و «ذهن» شاعر نیز به‌سان ظرفی «سرشار از نگاه کاشی و ستاره» و «پر از صدای بال‌های یک فرشته» است:

دوباره یک غروب دلنشین / دوباره یک صدا / صدای سبز / دوباره می‌پرد کبوتری / به دور گنبد حرم / دوباره چشم‌های من / پر از نگاه کاشی و ستاره می‌شود / کنار حوض / دوباره ذهن من / پر از صدای بال‌های یک فرشته می‌شود / نگاه کن! / من آن کبوترم / به دور گنبد طلایی‌اش / چه عاشقانه می‌پریم (ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۲۷). در حقیقت این سروده‌ها، مفاهیم حدیث «سلسله الذهب» را با زبانی کودکانه به تصویر کشیده‌اند. در این حدیث، به حریم امنی رضوی اشاره شده است:

«إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَأَعْبُدُونِي، مَنْ جَاءَ مِنْكُمْ بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِالْإِخْلَاصِ دَخَلَ فِي حِصْنِي وَ مِنْ دَخَلَ فِي حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي.» (ابن بابویه، ۱۳۳۸، ج ۲: ۳۷۵)؛ منم خدایی که خدایی جز من نیست، پس مرا پرستش کنید. هر کس از شما که بیاید و شهادت «لا اله الا الله» را با اخلاص بگوید، وارد قلعه و حصار من شده است و هر کس که داخل در قلعه و حصار من بشود از عذاب من ایمن خواهد بود.

شیخ صدوق در ادامه این حدیث می‌گوید: «چون مرکب ایشان به حرکت درآمد، حضرت ندا داد: «ویشروطها و انا من شروطها» و شیخ صدوق در توضیح آن نوشته است که از شروط آن اقرار به حضرت رضاء علیه السلام است. به اینکه امامی از جانب خداون عزوجل بر بندگان اوست و اطاعت از او بر بندگان واجب است (ابن بابویه، ۱۳۴۵: ۲۵).

در شعر «گنبد و گلاب» نیز که سروده «شکوه قاسم‌نیا» است، طرح‌واره تصویری حجمی وجود دارد. در این شعر، دل کسی که تمنای زیارت مرقد امام رضا علیه السلام می‌کند، ظرفی است که غم و غصه از دوری مشهد مقدس را در دل خود جای داده است. افزون بر این، قلب شاعر نیز ظرفی سرشار از دعا به تصویر کشیده است:

غرق نور است و طلا گنبد زرد رضا
شده از این خورشید شهر مشهد پرنور
بر لب پیر و جوان یا رضا رضا رضاست
روی این گنبد زرد شاد می‌آسودم
از دلم پر می‌زد غصه و ماتم و غم
(قاسم‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۰)

بوی گل، بوی گلاب می‌رسد از همه جا
مثل یک خورشید است می‌درخشد از دور
چشم ما خیره به آن قلب ما غرق دعاست
ای خدا کاش که من یک کبوتر بودم
می‌زدم بال و پری دور تا دور حرم

در سروده «با قطار قم به مشهد» اثر «اکرم‌السادات هاشمی‌پور» نیز از طرح‌واره حجمی استفاده شده است. در این سروده برای مفاهیم انتزاعی «آرزو» و «شوق» محدوده و حجم در نظر گرفته و از طریق آن، مفاهیم برای مخاطب ملموس و محسوس شده است:

«هر مسافر توی ساکش

آرزویی تازه دارد

در دلش، در چشم‌هایش

شوق بی‌اندازه دارد(هاشمی‌پور، ۱۳۹۶: ۳۸).

در شعر «جاده سبز» سروده «مرضیه تاجری»، برای مفهوم انتزاعی «تنهایی» حجمی ملموس و محسوس به نام «قفس» تعبیه شده است:

من رها

از قفس کوچک تنهایی‌ام

سوی تو

ای همه خوبی

همه خوبی

رضا(تاجری، ۱۳۹۶: ۱۲).

۲-۲-۳. طرح‌واره تصویری قدرتی

طرح‌واره تصویری قدرتی از دیگر طرح‌واره‌های تصویری در سروده‌های کودکانه آیینی است. این طرح‌واره در سروده‌های رضوی بسامد چندانی ندارد و تنها ۳ مورد به آن اشاره شده و بهره‌گیری از این طرح‌واره‌های تصویری در راستای مفاهیم تعلیمی قرار گرفته است و به کودکان آموزش داده می‌شود برای به دست آوردن مطلوب خویش باید تلاش کنند و موانع را کنار بزنند. همان‌گونه که ائمه علیهم السلام نیز برای برپایی جامعه مطلوب خویش با بی‌عدالتی، ستم و زورگویی مبارزه کرده است و عاقبت نیز به

شهادت رسیدند.

در شعر «خورشید خورشیدها» سروده «بابک نیک‌طلب» از طرح‌واره قدرتی استفاده شده است. در این سروده، امام رضا علیه السلام، پایان دهنده به «شام سیاه» و شروع کننده «صبح سپید» است. وی تاریکی ظلم و ستم را از بین می‌برد:

سلام ای امامی که سرسبز
به مه‌رت کران تا کران‌هاست

تو پایان شام سیاهی

تو آغاز صبح سپیدی

پناهی تو در بی‌پناهی

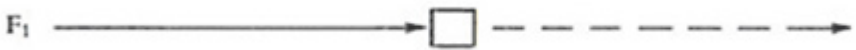
امیدی تو در ناامیدی

کنار تو آرامشی هست

که در هیچ جای جهان نیست (نیک‌طلب، ۱۳۹۴: ۱۳).

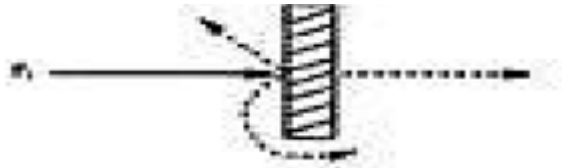
افزون بر این، پایان دادن به «بی‌پناهی» و «ناامیدی» نیز می‌تواند نمونه دیگری از طرح‌واره‌های قدرتی در این سروده باشد که در این شعر به اشاره شده است.

در این الگو، سدی در مسیر آدمی وجود دارد که باعث می‌شود رفتار و عملکرد شخص متفاوت باشد و این عکس‌العمل به دو متغیر وابسته است. متغیر اول؛ نوع مانعی است که در مسیر قرار گرفته است (ظلم و فساد حاکمان وقت) و متغیر دوم نیز به نیرو و قدرت شخص در رویارویی با این مانع بازمی‌گردد (مبارزه امام علیه السلام و شهادت ایشان). این الگو را می‌توان در شکل‌های زیر به روشنی نشان داد و فهم آن را برای مخاطب آسان کرد. در مرحله اول، شکل ۳، وجود یک سد مانع حرکت می‌شود که این مانع «شام سیاه» است:



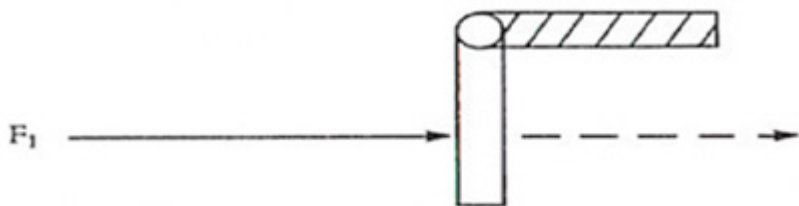
شکل ۳: طرح‌واره تصویری قدرتی نوع اول، توقف حرکت.

در مرحله دوم، شکل ۴، شکست مانع و از بین بردن سد (شام سیاه) به تصویر کشیده شده است:



شکل ۴: طرح‌واره تصویری قدرتی نوع دوم، شکست مانع.

در مرحله سوم، شکل ۵، ادامه مسیر (آغاز صبح سپید) مورد توجه قرار می‌گیرد:



شکل ۵: طرحواره تصویری قدرتی نوع سوم، از میان برداشتن مانع و ادامه مسیر.

در پایین، شکل ۶، نمای کلی طرحواره قدرتی نمایش داده می‌شود:



شکل ۶: نمای کلی طرحواره تصویری قدرتی.

در شعر «قصهٔ مهربان» برای مفاهیم انتزاعی مهربانی و آزادی «از طرحوارهٔ قدرتی استفاده کرده است. «آزاد کردن آهو از بند صیاد» نگاشتی است که در این شعر به آن اشاره شده است:

تو می‌رسی از راه با لبخند
مثل همیشه مهربان هستی
می‌گویی آهو بره‌اش تنهاست
صیاد پایش را چرا بستی؟

می‌گویی: آزادی برو آهو(شامانی، ۱۳۹۶: ۲۰).

آزادگی از شاخص‌ترین مفاهیم سروده‌هایی آیینی است که به تبعیت از زندگی ائمه علیهم‌السلام در شعر کودک آیینی بازتاب داشته است؛ مرگ سرافرازانه در راه دستیابی به این آزادگی به واسطهٔ الگوی مطلوب که همانا ائمه علیهم‌السلام هستند در سروده‌های کودکان آیینی به تصویر کشیده شده است و نشان می‌دهد که هر انسانی فطرتاً در برابر چیزی که مانع آزادگی وی شود، عکس‌العمل نشان می‌دهد. در این سروده که ذکر شد، امام رضا علیه‌السلام در مسیر مطلوب با مانع و سد که صیاد ظالم است، رویارو می‌شود و با همدیگر در تقابل قرار می‌گیرند. شکل ۷ نشان دهندهٔ این رویکرد طرحواره‌ای است:



شکل ۷: نمای کلی طرح‌واره تصویری قدرتی.

شفابخشی امام رضا علیه السلام نیز مفهوم دیگری است که سروده‌های کودکانه رضوی بازتاب یافته است. بیماری، مانعی در برابر سلامتی انسان‌هاست و نفوس مبارک امام رضا علیه السلام نیز از بین برنده این مانع است که در سروده «نذری مادرم» از «کمال شفیعی» نمود می‌یابد:

هست نذری مادرم امسال

چشم‌های مرا شفا بدهی

توی دارالشفای دستانت

نسخه‌های مرا داو بدهی

ما غریبیم و بی‌پناه آقا

فکر کن آهوی حرم هستیم

یک النگوی مادرم نذرت

تشنه بخشش و کرم هستیم

(شفیعی، ۱۳۹۶: ۱۶)

نکته قابل توجه در طرح‌واره‌های تصویری قدرتی سروده‌های آیینی کودکان این است که شاعران کودک به‌رغم بهره‌گیری از طرح‌واره‌های تصویری قدرتی از وقایع خشونت‌آمیز نگفته‌اند. به‌نظر می‌رسد به این امر واقف بوده‌اند که چنین پرداخت‌هایی در سروده‌های کودکانه رضوی عظمت نمی‌دهد. تاثیرپذیری بچه‌ها به‌گونه‌ای نیست که از کشته شدن، تکه‌تکه شدن و مجروح شدن صحبت کرد و آن‌ها تغییر مثبت کنند. برای آن‌ها قهرمان مهم است؛ بنابراین، نپذیرفتن ظلم و بی‌تفاوت نبودن به مظلومان به‌عنوان خصوصیت‌های یک قهرمان در این نوع طرح‌واره‌های قدرتی مورد توجه قرار گرفته است.

۳. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، سروده‌های کودکانه آیینی از منظر معناشناختی در زمینه بهره‌گیری طرح‌واره‌های تصویری بررسی و مشخص شد که این سروده‌ها به‌گونه‌ای هستند که آموزه‌های دینی، تعلیمی و اخلاقی را با بهره‌گیری از مفاهیم حسی و مادی مجسم می‌کنند. ایثار، مهربانی، شجاعت، آزادگی، آرامش، شاد و رهایی از غم با زیارت مرقد مبارک ائمه علیهم السلام مضامین انتزاعی هستند که با بهره‌گیری

از طرح‌واره‌های تصویری برای کودکان محسوس و مجسم ساخته‌اند. این رویکرد بیانگر آن است که زبان سروده‌های کودکانه رضوی، زبانی استعاری است و طرح‌واره‌های تصویری به‌عنوان زیربنای این زبان استعاری (استعاره مفهومی نه استعاره ادبی و بلاغی) محسوب می‌شوند.

طرح‌واره‌های تصویری در سه شکل حرکتی، قدرتی و حجمی در مفاهیم حوزه سروده‌های کودکانه رضوی کاربرد فراوانی دارند. در پاره‌ای از موارد نیز در این سروده‌ها از ترکیب چند طرح‌واره برای بیان یک مفهوم استفاده شده و هدف آن برجسته‌سازی آموزه‌های مثبت تعلیمی و دینی است که جمع شدن این آموزه‌ها در هر شخصی منتج به انسان کامل و متعالی می‌شود و در واقع الگو یا قهرمانی جامع را برای مخاطبان کودک خویش نمایان می‌سازد. البته در این میان، نباید از حضور برجسته طرح‌واره حرکتی غافل بود، هدف کاربرد فراوان آن نیز، واداشتن کودک به تحرک، جنبش، فعالیت در راستای رفتن به زیارت و الگوپذیری از ائمه علیهم‌السلام است که فراروی وی قرار دارد.

در طرح‌واره‌های حجمی، ظروف به دو دسته تقسیم می‌شدند؛ ظرف مکانی حرم اهل بیت علیهم‌السلام دربردارنده مفاهیم انتزاعی شادی، ایمان، آرامش و رهایی از غم بودند و دل مؤمنان نیز ظرفی برای مفاهیمی چون غصه و ناراحتی از دوری و رنج ائمه علیهم‌السلام تعبیه شده بود. طرح‌واره‌های تصویری قدرتی، کودکان را به دور از هر گونه خشونت، به مقاومت و پایداری در برابر اسارت فرا می‌خواند. زندگی ائمه علیهم‌السلام و ایستادگی آنان در برابر ظلم و ستم و شهادت آنان در این مسیر، بیانگر طرح‌واره تصویری قدرتی در سروده‌های کودکانه آیینی است که مفاهیم انتزاعی آزادگی، عدالت و ظلم‌ستیزی را برای مخاطبان کودک خویش، محسوس و ملموس می‌کند. نمودار زیر بیانگر بسامد هر کدام از طرح‌واره‌های تصویری در ۴۰ سروده کودکانه رضوی است:

منابع و مأخذ

- آسیاآبادی، علی. (۱۳۹۱). «طرح‌واره‌های حجمی و کاربرد آن در بیان تجارب عرفانی». *پژوهش ادب عرفانی* (گوهر گویا). سال ۶ شماره ۲. صص: ۱۰۱-۱۲۳.
- ابراهیمی، جعفر (شاهد). (۱۳۹۳). *تو بوی سیب می‌دهی*. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۳۸). *عیون اخبار الرضا*. ترجمه محمد تقی اصفهانی. چاپ سوم. تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- _____ . (۱۳۴۵). *التوحید*. ترجمه محمدتقی اصفهانی. چاپ سوم. تهران: انتشارات علمیه اسلامیة.
- اسلامی، مریم. (۱۳۹۴). «یک ستاره اشک». در کتاب *مهمان خراسان*. گردآورنده: سعید بیابانکی. مشهد: به‌نشر.

- افراشی، آرزینا؛ نعیمی خشکوائی، فاطمه. (۱۳۸۹). «تحلیل متون داستانی کودک با رویکرد شعرشناسی شناختی». *زبان‌شناخت*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. سال اول. دوره ۲. صص: ۱-۲۵.
- الله‌وردی، اسماعیل. (۱۳۹۶). «دور گنبد طلا». در کتاب *روی موج باران*. به کوشش بابک نیک طلب. تهران: انتشارات سوره مهر.
- پور وهاب، محمود (۱۳۹۶). «باران پروانه». در کتاب *روی موج باران*. به کوشش بابک نیک طلب. تهران: انتشارات سوره مهر.
- تاجری، مریم. (۱۳۹۶). «جاده سبز». در *روی موج باران*. به کوشش بابک نیک طلب. تهران: انتشارات سوره مهر.
- تیلر، جان رابرت. (۱۳۸۳). «بسط مقوله مجاز و استعاره». در کتاب *استعاره مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی*. گروه مترجمان. تهران: انتشارات سوره مهر.
- زندى، مریم. (۱۳۹۶). «ساحل امید». در کتاب *روی موج باران*. به کوشش بابک نیک طلب. تهران: انتشارات سوره مهر.
- زهره‌وند، سعید. (۱۳۹۵). «بررسی طرح واره های تصویری در کودکانه های مصطفی رحماندوست». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه لرستان.
- شامانی، طیبیه. (۱۳۹۶). «قصه مهربان». در کتاب *روی موج باران*. به کوشش بابک نیک طلب. تهران: انتشارات سوره مهر.
- شریفی، شهلا؛ حامدی شیروان، زهرا. (۱۳۸۹). «بررسی استعاره در ادبیات کودک و نوجوان در چهارچوب زبان شناسی شناختی». *تفکر و کودک*. دوره ۱. شماره ۲. صص: ۳۹-۶۳.
- شعبانی، اسدالله. (۱۳۹۴). «خراسان بزرگ». در کتاب *مهمان خراسان*. گردآورنده: سعید بیابانکی. مشهد: به‌نشر.
- شفیعی، کمال. (۱۳۹۴). «نذری مادرم». در کتاب *مهمان خراسان*. گردآورنده: سعید بیابانکی. مشهد: به‌نشر.
- شهبازی، شهلا. (۱۳۹۶). «موقع اذان». در کتاب *روی موج باران*. به کوشش بابک نیک طلب. تهران: انتشارات سوره مهر.
- صفوی، کورش. (۱۳۸۲). «بحثی درباره طرح‌واره‌های تصویری از دیدگاه معنی‌شناسی». *نامه فرهنگستان*. دوره ۶. شماره ۱. صص: ۶۵-۸۵.
- _____ (۱۳۸۳). *فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- عابدی مقدم، هدی. (۱۳۸۴). «طرح‌واره‌های تصویری در بررسی استعاره‌های فارسی». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.

- فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). *سبک‌شناسی؛ نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*. تهران: سخن.
- قاسم‌زاده، حبیب‌الله. (۱۳۷۹). *استعاره و شناخت*. تهران: فرهنگان.
- قاسم‌نیا، شکوه. (۱۳۹۰). *برف و بهار*. تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- قلی زاده توجائی، پریسا. (۱۳۹۵). «بررسی و مقایسه کاربرد طرح‌واره‌های تصویری در اشعار کودکان و بزرگسالان از منظر معنی‌شناسی شناختی». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه پیام نور گیلان.
- قنبری، زهرا؛ سجودی، فرزانه. (۱۳۹۱). «بررسی معناشناختی استعاره زمان در داستان‌های کودک به زبان فارس». *نقد ادبی*. دوره ۵. شماره ۱۹. صص: ۱۳۵-۱۵۶.
- کووچش، زولتان. (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره*. ترجمه ابراهیم شیرین پور. تهران: سمت.
- گلفام، ارسلان؛ افراشی، آریتا و غزاله مقدم. (۱۳۹۲). «مفهوم‌سازی افعال حرکتی بسیط زبان فارسی: رویکرد شناختی». *مطالعات و گویش‌های غرب ایران*. سال اول. شماره ۱. صص: ۱۲۲-۱۰۳.
- لیکاف، جورج و جانسون، مارک. (۱۳۹۵). *استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم*. ترجمه هاجر آقاابراهیمی. تهران: نشر علم.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۶۲). *بحار الانوار*. جلد ۴۴. تحقیق و تعلیق: سیدجواد علوی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مزیانی، محمد کاظم. (۱۳۹۴). «سوی گنبد». در کتاب *مهمان خراسان*. گردآورنده: سعید بیابانکی. مشهد: به‌نشر.
- نیک‌طلب، بابک. (۱۳۹۴). «خورشید خورشیدها». در کتاب *مهمان خراسان*. گردآورنده: سعید بیابانکی. مشهد: به‌نشر.
- نیکویی، علیرضا، باباشکوری، شراره. (۱۳۹۲). «بازخوانی قصه‌های کودکان بر مبنای مولفه طرح‌واره در رویکرد شناختی». *مطالعات ادبیات کودک*. دوره ۴. شماره ۲ (پیاپی ۸). صص: ۱۷۴-۱۴۹.
- هاشمی، منیره. (۱۳۹۴). «خاطرات زیارت». در *مهمان خراسان*. گردآورنده: سعید بیابانکی. مشهد: به‌نشر.
- هاشمی‌پور، اکرم‌السادات. (۱۳۹۶). «با قطار قم به مشهد». در کتاب *روی موج باران*. به کوشش بابک نیک‌طلب. تهران: انتشارات سوره مهر.
- هنرجو، حمید. (۱۳۹۴). «خادم پیر حرم». در کتاب *مهمان خراسان*. گردآورنده: سعید بیابانکی. مشهد: به‌نشر.

منابع اینترنتی

- خرازی، مینو. (۱۳۹۵). «فرشته‌ای از آسمان». در سایت *کودک تبیان*. به نشانی: koodak@tebyan.com. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۲/۲۰.
- طهماسبی دهکردی، مهری. (۱۳۹۸). «شعر محرم». در سایت *ترانه‌های کودکان*: ادبیات کودکان شامل داستان‌ها، اشعار، نمایشنامه‌ها و ... آثار مهری طهماسبی دهکردی به نشانی <http://tkooda-kan.blogfa.com>. تاریخ مشاهده: ۱۴۰۱/۲/۲۰.

References

- Abedi Moghadam, H. (2005). "Imaginary schemas in the study of Persian metaphors". Master's thesis. Islamic Azad University, Tehran branch. (In Persian)
- Afarashi, A; Naimi Hashkovai, F. (2010). "Analysis of children's fiction texts with the approach of cognitive poetics". Linguistics Research Institute of Humanities and Cultural Studies. first year. Course 2. pp: 1-25. (In Persian)
- Allahvardi, Is.(2016). "Around the Golden Dome". In the book on the rain wave. A collection of teenage poems for Imam Reza (a.s.). By the efforts of Babak Nik Talab, Tehran: Surah Mehr Publications. (In Persian)
- Asiaabadi, A. (2011). "Volume schemas and its application in expressing mystical experiences". Mystical literature research (Gohar Goya). Year 6. Number 2. pp: 101-123. (In Persian)
- Ebrahimi, J. (2013). You smell like apples. Tehran: Children and Adolescent Intellectual Development Center. (In Persian)
- Fatuhi, M. (2011). Stylistics; Theories, approaches and methods. Tehran: Sokhan. (In Persian)
- Ghasemnia, g. (2011). Snow and spring. Tehran: Publications of the Center for Intellectual Development of Children and Adolescents. (In Persian)
- Ghanbari, Z., Sojodi, F. (2011). "Semantic study of the metaphor of time in Persian children's stories". literary criticism Course 5. Number 19. pp. 135-156. (In Persian)
- Golfam, A., Afarashi and Ghazaleh M. (2012). "Conceptualization of simple verbs of movement in Persian language: a cognitive approach". Studies and dialects of western Iran. first year. Number 1. pp: 103-122. (In Persian)
- Hashemi, M. (2014). Pilgrimage memories. In "Guest of Khorasan". Compiler: Saeed Biabanki. Mashhad: Beh Nashr. (In Persian)
- Hashmipour, A. (2016). "By train from Qom to Mashhad". In the book on the rain

- wave. A collection of teenage poems for Imam Reza (a.s.). Thanks to the efforts of Babak Nik Talab. Tehran: Publications of Surah Mehr. (In Persian)
- Honarjoo, H. (2014). "The Old Shrine Servant". In the guest book of Khorasan. Compiler: Saeed Biyabanki. Mashhad: Publishing House. (In Persian)
- Ibn Babuyeh, . (1959). Ayun Akhbar al-Reza. Translated by Mohammad Taghi Esfahani. Third edition. Tehran: Islamic Scientific Publications.
- _____ . (1966). Al-Tawheed Translated by Mohammad Taghi Esfahani. Third edition. Tehran: Islamic Scientific Publications. (In Persian)
- Islami, M. (2014). "A Star of Tears". In the book Guest of Khorasan. Compiler: Saeed Biabanki. Mashhad: Beh Nashr. (In Persian)
- Johnson, Mark. (1987) The Body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination and Reason. Chicago: Chicago University Press.
- Kovacs, Z. (2013). A practical introduction to metaphor. Translated by Shirinpour Ebrahim. Tehran: Side. (In Persian)
- Likoff, G. and Johnson, M. (2015). Metaphors we live by. Translated by Hajar Agha Ebrahimi. Tehran: Science. (In Persian)
- Majlesi, M. (1984). Bihar Al-Anwar Volume 44. Investigation and suspension: Seyed Javad Alavi. Tehran: Islamic Library.(In Arabic)
- Mandler, Jean. (2004) The Foundations of Mind: Origins of Conceptual Thought. Oxford: Oxford University Press
- Mazinani, M. (2014). "Towards the Dome". In the guest book of Khorasan. Compiler: Saeed Biyabanki. Mashhad: Beh Nashr. (In Persian)
- Niktolab, B. (2014). "Sun of Suns". In the book Guest of Khorasan. Compiler: Saeed Biabanki. Mashhad: Beh Nashr. (In Persian)
- Nikoyi, A, Babashakuri, S. (2012). "Rereading children's stories based on schema component in cognitive approach. Children's literature studies. Volume 4., No. 2 (consecutive 8), pp. 174-149. (In Persian)
- Pour Wahab, M. (2016). "Butterfly Rain". In the book Roy Moj Baran.. a collection of teenage poems for Imam Reza Thanks to the efforts of Babak Nik Talab. Tehran: Publications of Surah Mehr. (In Persian)
- Qasimzadeh, H. (2000). Metaphor and cognition. Tehran: Farhang. (In Persian)
- Qolizade Tochai, P. (2015). "Examination and comparison of the use of visual schemas in children's and adults' poems from the perspective of cognitive semantics". Master's thesis. Payam Noor university. Guilan. (In Persian)
- Shamani, T. (2016). "The Kind Story". In the book on the rain wave. A collection

- of teenage poems for Imam Reza (a.s.). Thanks to the efforts of Babak Nik Talab. Tehran: Publications of Surah Mehr. (In Persian)
- Sharifi, S., Hamedei Shirvan, Z. (2010). "Study of metaphor in children's and adolescent literature in the framework of cognitive linguistics". Thinking and the child. Course 1, number 2. pp.: 39-63. (In Persian)
- Shabani, A. (2014). "Great Khorasan". In the guest book of Khorasan. Compiler: Saeed Biyabanki. Mashhad :Beh Nashr. (In Persian)
- Shafei, Ka. (2014). "My mother's vow". In the guest book of Khorasan. Compiler: Saeed Biyabanki. Mashhad: Beh Nashr. (In Persian)
- Shahbazi S. (2016). "Azan time". In the book on the rain wave. A collection of teenage poems for Imam Reza (a.s.). Thanks to the efforts of Babak Nik Talab. Tehran: Publications of Surah Mehr. (In Persian)
- Safavi, K. (2003). "A discussion about image schemas from the point of view of semantics". Academy letter. Course 6. number 1. pp.: 65-85. (In Persian)
- _____ (1383). Descriptive culture of semantics. Tehran: Contemporary Culture. (In Persian)

- Tajari, M. (2016). green road In "On the Rain Wave". A collection of teenage poems for Imam Reza (a.s.). Thanks to the efforts of Babak Nik Talab. Tehran: Publications of Surah Mehr. (In Persian)
- Taylor, j. (2004). "Expansion of the permitted category and metaphor". In the book, metaphor is the basis of thinking and a tool for creating beauty. Group of translators. Tehran: Aol. (In Persian)
- Zandi, M. (2016). "Beach of Hope". In the book on the rain wave. A collection of teenage poems for Imam Reza (a.s.). Thanks to the efforts of Babak Nik Talab. Tehran: Publications of Surah Mehr. (In Persian)
- Zohrevand, S. (2015). "Investigation of image schemas in Mustafa Rahmandoošt's children's books". Master's thesis. University of Lorestan. (In Persian)

Internet resources

- Kharazi, M. (2015). An angel from the sky, on Kook Tebyan's website at the address: koodak@tebyan.com <http://>. View date: 20/2/1401. (In Persian)
- Tahmasabi, Dehkordi, M. (2018). Muharram poetry. On the site of children's songs: children's literature including stories, poems, plays and ... the works of Mehri Tahmasabi Dehkordi at the address <http://tkoodakan.blogfa.com/>. View date: 20/2/1401. (In Persian)



Imam Riḍā's (as) Principles and Methods of Education in the Period after the Birth of Children

Mehdi Bayat Mokhtari¹

1. Associate Professor of Neyshabor University, Neyshabor, Iran: bayatmokhtari@neyshabur.ac.ir

Article Info

Abstract

Article Type:

Research Article

Article History:

Received:

July 18, 2022

In Revised Form:

October 3, 2023

Accepted:

November 08, 2023

Published Online:

May 21, 2024

Family is the foundation of society and the first center of its education and health is the first necessity of creating a religious and law-abiding society. On the other hand, the child is the capital entrusted to the parents so that through this passage, his abilities will be actualized and the perfect and creative human being will attain the divine attributes which is the philosophy of creation. The family, which is considered to be the most influential educational unit for children, emerged following social, economic and cultural changes, regrettably in Iran and the world, and in spite of huge industrial progress and greater prosperity, it has faced various open and hidden challenges and has failed to fulfill its mission. Undoubtedly, revitalizing its functions, including raising children, is considered vital. Is Imam Riḍā (as) whose words and behavior are proof and done according to Allah's will, is he strict on the principles and methods of raising a child after birth in order to achieve educational goals? In these lines, the author has taken a step by reading sources in a library method and presenting them in a descriptive-analytical method, and the source of extracting principles and methods is his theoretical and practical way. The principles of children's heterogeneity, love, justice and honoring the child with a religious name are of special interest to him. The following educational background methods, some of which are dedicated to the first week of childbirth and some of which are more inclusive, have been emphasized by Imam (as): Mother's milk, choosing a wise and healthy nurse, saying adhān and iqāmah in the child's ear, choosing a good name, aqīqah, giving alms according to the weight of the hair, circumcision, healthy nutrition, insisting on prayer, learning the Qur'an, familiarity with the teachings of the thought of Ahl al-Bayt (ah), politeness, praising positive actions, conditioning upbringing, keeping promises and punishing properly. Undoubtedly, if the family and education system is affected by the mentioned approaches, its output will be righteous and law-abiding children.

Keywords

Imam Riḍā (as), Family, Child, Educational Principles, Educational Methods.

Cite this The Author (s): Bayat Mokhtari, M., (2023). Imam Riḍā's (as) Principles and Methods of Education in the Period after the Birth of Children: Quarterly Scientific Journal of Farhang Razavi

Year 12, Issue 1, Spring 2024, Serial Number 45- (163-196)- DOI:10.22034/farz.2024.352273.1787.



Introduction

Human being, in possession of talents and potentials, gets born as a real animal and a potential man and his perfection is gained through education and training. Family is the first training center. Mankind gains and develops the trend towards honesty and royalty, aversion from dishonesty, altruism, favoring moral virtues and avoiding vicious within the familial environment. Parents are the first teachers for children. Imam Reza's theoretical and practical principles have educational and training guidance and the present research includes children education methodology from his perspective.

Principles of Child Education

1. Differences among children

Parents should accept differences among children as a real fact. Imam Reza in a proposition emphasizes that as far as people are different from one another, they progress; but their inequity leads them to their fatal end. Difference in man's creation is a necessity for the lawfulness of the universe and the rule of the principle of cause and effect. Differences in talents and abilities and appearances of creatures are one of the features of the world's excellence, and the secret of the stability and progress of social interactions depends upon differences. In addition, none of the natural differences prevents spiritual perfection.

2. Expressing love

In psychologists' views, expressing love towards children is one of the training principles and the solution to end up educational incompatibility. The importance of love in psychical needs is not comparable to any other factor for it is the strongest attractive force. In his speech, Imam Reza advises to show mercy and express love towards children. To his son, Javad (AS) who was sitting sorrowfully on Hijr Ismail, he states: "Stand up my dear!" In a kindly manner, one can motivate people towards doing some activities or avoiding some others.

3. Justice and preference

Sometimes, children's malice and complexes take roots in parents' not treating their children in a fair way in forgiving, gifting, looking, speaking, etc. Not observing justice threatens the child's future. On the other hand, giving priority to some of the children for their efforts and merits is not only permissible in some cases but also logical.

4. Honoring the child with a religious name

Whenever families decide upon religious names for their children, they should honor and praise the names and their owners. Imam Reza accentuates whenever you name a son as "Mohammad", respect him, open a space for him, and do not show him a sour face.

Child training methods

Basic training methods can be divided into the first-week methods after the birth (or the initial stage) and the methods for other life stages. Some methods such as breastfeeding are crucial in both stages.

a. The beginning methods

1. Breastfeeding:

The child's first right is to be breastfed. Stating, "No milk is better than a mother's milk", Imam Reza emphasizes the many advantages of breastfeeding especially in the first months of birth.

2. Healthy wet nurse

In a hadith, Imam Reza mentions that children should not be breastfed by insane or poor-sighted women because their milk conveys some physical and spiritual characteristics to children.

3. Azan and Iqamah

It is recommended to say Azan in the infant's right ear and Iqamah in its left ear in order to indoctrinate the religious bases to the child. Imam Reza relates that upon the births of Imam Hasan and Imam Hussain (AS), the Prophet (PBUH) said Azan and Iqamah in their ears.

4. Good name

One of the rights of a child is to have a good name. A good name leaves positive impacts upon the child's soul and body. According to Imam Reza, giving a proper name to infants in their first week of birth is an obligation for all.

5. Aghighah

Imam Reza believes people must do Aghighah to their infants on the seventh day of their birth.

6. Shaving the head

Imam Reza states that the infant's head should be clean shaved on the seventh day of the birth and parents are advised to give charities in gold or silver in the same weight of the shaven hair.

7. Circumcision

Imam Reza advises parents to circumcise their infants on the seventh day of their birth as it purifies the body and accelerates their growth. Circumcision reduces urine infection and prevents genital cancer in men.

b. Training methods in other stages of life

1. Healthy nutrition

Healthy nutrition influences both body and temper. It increases one's life, reduces diseases, and avoids premature aging. Imam Reza would give banana to his son, Imam Javad (AS).

2. Prayer

Imam Reza advises parents to encourage the son to say prayers in his seventh

year of age. Prayer is like the head in one's body and is one of the bases of religion and mental health.

3. Teaching the *Quran*

In a hadith, Imam Reza advises the family to take benefits from the *Quran* because the house in which *Quran* is recited has blessings for its inhabitants.

4. Familiarity with the school of Ahle Bayt

One of the missions of parents is to familiarize their children with the school of Ahle Bayt. Imam Reza seeks blessings for those who both learn and teach religious, ethical and practical teachings of Ahle Bayt. He states if people know about the virtues of our speech, they will follow us.

5. Teaching politeness

Parents should guide children's emotions and acquaint them with the proper ways of life. Imam Reza mentions let the child itself give charity even if it is as small as a slice of bread or a small fist.

6. Praising good work

Parents should praise children's good deeds. Imam Reza states that Imam Sadegh once said to his son, Imam Kazim, Thank God! You are the best child, the best substitute, a source of happiness, and the best friend and companion to your father due to your good deeds.

7. Conditioning

Conditioning is one of the useful methods in children and adolescent training. Imam Reza advises since Friday practices such as Friday pray and visiting relatives are difficult, the head of the family should bring happiness and develop the welfare of the family.

8. Promises

Keeping promises is crucial in strengthening family ties. For Imam Reza, promises are loans that should be paid. The Prophet (pbuh) did the same.

9. Punishment

Punishment is one of the reconstructing strategies. A reproachful look or a simple warning can punish the wrong-doer. Imam Reza avoided harsh verbal punishment; but he was not against suitable and mild verbal punishment.

References

- Abul-Ghasemi, Shahnam, Davoodi, Tamanna. 2010. Punishment from the perspective of Psychology and Islam. *Islam and Educational Researches*, 2: 127-142.
- Ahadi, Hassan, Bani Jamal, Shokooch Sadat. 2006. *Psychology of Development*. Tehran: Pardis.
- Alam al-Hoda, Ali ibn Hussain. 1998. *Amali al-Mortaza*. Research: Muhammad abulfazl Ebrahim. Cairo: Dar al-Fekr Arabi.

- Arbali, Ali ibn Issah. *Kashf al-Ghame fi Ma'refat al-A'eme*.
- Ardestani, Muhammad Ali. 2009. *The Height of Hekmah: Ayat al-Allah Seyyed Abul-Hassan Qazvini*. Tehran: Publications of Culture and Islamic Thought Research Center.
- Aroosi Huveizi, Abd Ali ibn Jom'eh. 1997. *Tafir nor al-Thaghaleyn*. Research: Rasooli Mahalati. Qom: Esmailian.
- Ashari, Zahra, Bagheri, Khosrow, & Hussaini, Afzal al-Sadat. 2012. The study of meanings, principles, and methods of spiritual training from Allameh Tabatabaee's perspective. *Islamic Education*, 7(15): 89-112.
- Atarodi, Aziz Allah. 1985. *Musand al-Imam Reza*. Mashhad: The Universal Congress on Imam Reza.
- Atkinson, Retalal, et al. 2006. *Hilgard's Introduction to Psychology*. Trans. Muhammad Taghi Baraheni et al. Tehran: Roshd.
- Ayyashi, Muhammad ibn Masood. 1960. *Tafsir al-Ayyashi*. Research: Hashim Rasooli Mahallati. Tehran: Al-Matba'e Elmyeh.
- Bagheri, Khosrow. 2006. *A New Look at Islamic Training*. Tehran: Madreseh.
- Bayat, Asad al-Allah. 1989. *Man in the Quran*. Tehran: Jihad Daneshgahi Publications.
- Brujerdi, Seyyed Hussain. 1991. *Collection of Shi'ite Hadiths*. Qom: Manshoorat Madineh Elm.
- Cohen, Bruce. 2011. *A Survey on Sociology*. Trans. Gholam Abbas Tavassoli & Reza Fazel. Tehran: SAMT.
- Company Zareh, Mehdi. 2008. Emam in the school of Alem Ale Muhammad: A survey of Imam Reza's propositions on emamat. *Knowledge and Understanding Information*, 8(32): 42-47.
- Davood ibn Salman Qazi. 1997. *Musand al-Reza*. Qom: Center of Publication of Books of Islamic Sciences.
- Esmaili Yazdi, Abbas. 2006. *Culture of Education*. Qom: The Holy Jamkaran Mosque Publications.
- Faramhini Farahani, Muhsen. 2011. *Education in Nahj al-Balagheh*. Tehran: Abi-zh.
- Fayezi, Ali. 2000. *Education, Methods, Ethics*. Tehran: Tarrahan.
- Feiz Kashani, Mulla Muhsen. 2002. *Good Behavior*. Trans. Muhammad Bagher Sadeghi. Tehran: Payame Edalat.
- . 1992. *Navader al-Akhlagh fi ma Yataleghe be-Osul al-Din*. Research: Mehdi Ansari. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.
- . 1985. *Al-Vafi*. Isfahan: Imam Amir al-Mo'menin Ali (As) Library.
- Ghannadan, Mansur, Moti, Nahid, & Setoodeh, Hedayat Allah. 1997. *Sociology (Key issues)*. Tehran: Avaye Noor.
- Ghayoomi, Javad. 1994. *Sahifat al-Reza*. Qom: Islamic Publications Inst.

- Ghazanfari, Ahmed, Riyahi, Hamidreza. 2004. The impact of punishment on students' self-esteem. *Knowledge and Research in Educational Sciences*, 3: 1-14.
- Hashemi Khooei, Mirza Habib Allah. *Menhaj al-Baraeh fi Sharh Nahj al-Balaghah*. Research: Ebrahim Mianji. Tehran: Maktab al-Eslamieyh.
- Helli, Jafar ibn Hassan. 1988. *Shara'e al-Islam*. Research: Seyyed Sadegh Shirazi. 2nd ed. Tehran: Esteghlal.
- Helli, Hassan ibn Yussef. 1997. *Mokhtalef al-Shi'eite*. Qom: Nashr Islami.
- Henri Mussen, Paul, et Al. 2001. *Child Development and Personality*. Trans. Mahshid Yasaee. 17th ed. Tehran: Markaz.
- Hojjati, Seyyed Muhammad Bagher. 1995. *Islam, Education, and Training*. Tehran: Farhang.
- Horr Amuli, Muhammd ibn Hassan. 1993. *Vasa'el al-Shi'te*. Qom: Al Bayt Ehya Tarath.
- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid. 1983. *Interpretation of Nahj al-Balaghah*. Qom: Maktab Ayatollah Mar'ashi Najafi.
- Ibn Abi Jomhoor Ehsaei. 1984. *Avali al-Le'ali*. Researcher: Mojatab Araghi. Qom: Dar Seyyed al-Shohada Nashr.
- Ibn Babooyeh, Ali ibn Hussain. 1985. *Feghhe al-Reza*. Research: Al-Bayt Inst. Mashhad: Al-Mo'tamer al-Alemyeh Imam Reza.
- Ibn Babooyeh, Muhammd ibn Ali. 1996. *Al-Amali*. Qom: Al-Batheh Inst.
- . 1977. *Al-Tohid*. Research. Hashem Hussaini. Qom: Jameh Modarresin.
- . 1965. *Ala el-Shara'e*. Research: Muhammad Sadegh Bahr al-Oloum. Najaf: Manshoorat Maktab al-Heydaaryeh.
- . 1983. *Oyoon Akhbar Reza*. Beyroot: Al-A'lami bel-Maloomat Ins.
- . 1982. *Ma'ani al-Akhbar*. Research: Ali Akbar Ghaffari. Qom: Al-Nashr al-Eslami Ins.
- . 1984. *Man La Yahzar al-Faghih*. Qom: Jaameh Modarresin.
- Ibn Hanbal, Ahmaed. 1984. *Musnad Ahmaed*. Beyroot: Dra Sader.
- Ibn Hayoon, No'man ibn Muhammad. 1988. *Sharh al-Akhbar fi Faza'el al-A'emeh Athar*. Research: Muhammad Hussain Hussaini Jalali. Qom: Jame'eh Modarresin.
- Ibn Shahr Ashub, Muhammad ibn Ali. 1949. *Motashabeh Quran va Mokhtalefah*. Qom: Bidar Publications.
- Ibn Sho'beh Harani, Hassan ibn Ali. 1984. *Tohaf al-Oghul*. Research: Ali Akbar Ghaffari. Qom: Jame'eh Modarresin.
- Kerajaki, Muhammad ibn Ali. 1990. *Kanz al-Favaed*. 2nd ed. Qom: Al-Mustafavi.
- Khomeini, Rooh Allah. 1999. *Interpretation of Hadith "Troops of Reason and Ignorance."* Tehran: Institute of Organization and Publication of Imam Khomeini's Works.
- Koleyni, Muhammad ibn Yaghoob. 1986. *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Ketab al-Es-

lamiyeh.

Lithialvasti, Ali ibn Muhammad. 1997. *Oyoon al-Hokm al-Mavaez*. Research: al-Hussaini al-Birjandi.qom: Dar al-Hadith.

Majlesi, Muhammad Bagher. 1982. *Bahar al-Anvar*. Beyroot: Dar ehya al-Tarath al-Arabi.

Malek ibn Anas. 1985. *Al-Mota'a*. Research: Muhammad Foa'd Abdul Baghi. Beyroot: Dar Ehya Tarath al-Arabi.

Mofid, Muhammad ibn Muhammad. 1993. *Tashih E'teghadat Emamiyeh*. Research: Hussain Dargahi. Qom: Sheikh Mofid Congress.

Mokhtarian, Tahereh, Farood, Dariush, Malmir, Maryam, & Mokhtarian, Tayyeb. 2017. The ethical necessity of breastfeeding the child and Adherence to Children's rights. *Ethics in Sciences and Technology*, 1: 5-9.

Motahhari, Morteza. 1993. *The Perfect Man*. Tehran: Sadra.

Mottaghi Hendi, Ali. Kanz al-Emal. Beyroot: Al-Resaleh.

Mozloo, Abram. 1988. *Psychology of Healthy Personality*. Trans. Shiva Rooygarian. Tehran: Golshae.

Muhammdian, Bahram. 2011. *Another Look at Children's Rights from Islam's Perspective*. 4th ed. Tehran: Parents and Teachers Association.

Najjarzadegan, Fathollah. 2009. *An Approach to Islamic Ethics and Education*. Qom: Ma'aref Eslami.

Namazi Shahroodi, Ali. 1998. *Mostadar Kasafinat al-Behar*. Qom: Islamic Publications.

Noori, Mirza Hussain. 1987. *Mostadark al-Vasayel*. 2nd ed. Qom: Al-Beyt Ehya al-Tarath Inst.

Nasri, Abdullah. 1989. *Man in Islam's Perspective*. Tehran: Payame Noor.

Paknia, Abd al-Karim. 2005. *Characteristics of Imam Reza*. Qom: Nasim Kosar.

Payandeh, Abul Ghasem. 1963. *Nahja al-Fasahe*. Tehran: Javidan.

Razi, Muhammad ibn Hassan. 2008. *Nahj al-Balagheh*. Research: Sobhi Saleh. Tehran: Osveh.

Saboochi, Ahmadreza. 2021. The features and worth of banana nutrition. *Behvarz*, 32 (110). Sabzevar Medical University.

Samadi, Ma'soomeh. 2006. Investigation of proper child breeding based on the Islamic training instructions. *Mesbah*, 62: 137-160.

Sharafi, Muhammad Reza. 2002. *Islamic Education with a Focus on Imam Khomeini's Views*. Tehran: Panjareh.

Shari'at Madari, Ali. 1988. *Educational Psychology*. 3rd ed. Tehran: Amir Kabir.

Sharif al-Ghuraishi, Muhammad Bagher. 2003. *A Research on the Life of Imam Ali ibn Mussa al-Reza*. Trans. Muhammad Salehi. Tehran: Dar al-Ketab Islamieyh.

Shushtari, Muhammad Taghi. 1985. *Al-Naj'eh fi Sharh al-Lam'eh*. Tehran: Sa-doogh.

- Sim Foroush, Nasir. 2001. The benefits of infantile circumcision: A review of the past and present. *Traditional Medicine of Islam and Iran*, 2(6): 123-130.
- Some authors. 2003. *The Role of Religion in Mental Health*. Qom: Ma'aref.
- Tabarsi, Ahmed ibn Ali. 1982. *Al-Ehtejaj a'la Ale al-Lejaj*. Research: Muhammad Bagher Khorsan. Mashad: Mortazavi.
- Tabarsi, Fazl ibn Hassan. 1996. *E'lam Aluri be-A'laam al-Huda*. Qom: Ale Bayt Ins.
- Tabatabaee, Muhammad Hussain. 1973. *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Beyroot: Al-Alami lel-Matboo'at.
- Tamimi Amedi, Abdul Vahed. 1987. *Ghorar al Hekam va Dorar al Kalam*. Research: Muṣṭafa Derayati. Qom: Office of Islamic Propagations.
- Tayeb, Abdul Hussain. 1990. *Al-Tayeb al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. 2nd ed. Tehran: Islam.
- The Holy Quran*.
- Toosi, Muhammd ibn Hassan. 1986. *Tahzib al-Ahkam*. Tehran: Dar al-Kotob Es-lamiyeh.



اصول و روش‌های تربیتی امام رضا علیه السلام در دوران پس از تولد کودکان

مهدی بیات مختاری

دانشیار دانشگاه نیشابور، نیشابور، ایران. رایانامه: bayatmokhtari@neyshabur.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ دریافت:	نهاد خانواده، بنیان جامعه به‌شمار می‌رود و اولین کانون تربیت و سلامت آن، نخستین بایسته ایجاد جامعه دینی و قانون مدار است. از سویی فرزند سرمایه‌ای است که به پدر و مادر سپرده شده تا از این رهگذر، توانش‌های وی به فعلیت برسند و انسان کامل و متخلّق به صفات الهی که فلسفه آفرینش است، تحقّق یابد. این نهاد که تأثیرگذارترین واحد تربیتی کودک به‌شمار می‌آید، به دنبال تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پدید آمده، سوگمنده در ایران و جهان و با وجود پیشرفت‌های عظیم صنعتی و رفاه بیشتر، دچار گونه‌هایی از چالش‌های آشکار و پنهان شده و از رسالت خویش بازمانده است. بی‌تردید، احیای کارکردهای آن از جمله تربیت فرزندان، امری حیاتی تلقی می‌گردد. آیا امام رضا <small>علیه السلام</small> که گفتار و رفتارش حجت و مطابق خواست خداوند انجام پذیرفته، بر اصول و روش‌های خاصی درباره تربیت فرزند در برهه پس از تولد برای رسیدن به اهداف تربیتی پای فشرده است؟ راقم این سطور با خوانش منابع به روش کتابخانه‌ای و ارائه آن به‌شیوه تحلیلی توصیفی، گام برداشته و منبع استخراج اصول و روش‌ها، سیره نظری و عملی ایشان است. اصول ناهمسان بودن کودکان، محبت، عدالت‌ورزی و تکریم فزون‌تر کودک با نام دینی، مورد توجه ویژه ایشان است. روش‌های زمینه‌ساز تربیتی زیر که برخی اختصاص به هفته نخست زایش و پاره‌ای شمول بیشتری دارند، مورد تأکید امام <small>علیه السلام</small> بوده است: شیر مادر، گزینش شیردهنده خردمند و تندرست، گفتن اذان و اقامه در گوش کودک، انتخاب نام نیک، عقیقه، صدقه دادن به سنگینی موی سر، ختنه، تغذیه سالم، پافشاری به نماز، آموزش قرآن، آشنایی با آموزه‌های مکتب اهل بیت <small>علیهم السلام</small> ، ادب‌آموزی، ستودن کارهای مثبت، شرطی‌سازی پرورش، پایبندی به وعده‌ها و تنبیه بجا. بی‌تردید اگر نظام خانواده و تعلیم و تربیت متأثر از رویکردهای یادشده باشد، حتماً بروندان آن، فرزندان درست‌کردار و قانون‌مدار خواهد بود.
تاریخ بازنگری:	
تاریخ پذیرش:	
تاریخ انتشار:	

کلیدواژه‌ها

امام رضا علیه السلام، خانواده، فرزند، اصول تربیتی، روش‌های تربیتی.

استناد: بیات مختاری، مهدی: (۱۴۰۳). اصول و روش‌های تربیتی امام رضا علیه السلام در دوران پس از تولد کودکان: فصلنامه علمی پژوهشی فرهنگ رضوی، سال ۱۲، شماره ۱، تابستان، شماره پیاپی ۴۵ - (۱۹۶-۱۶۳).

[DOI:10.22034/farz.2024.352273.1787](https://doi.org/10.22034/farz.2024.352273.1787)



ناشر: بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا (علیه السلام)

۱. مقدمه

الف: بسیاری از موجودات جهان همانند مجردات و مفارقات در لحظهٔ ایجاد، شایستگی‌های وجودی خویش را دریافت کرده‌اند و لذا دستخوش دگرسانی تکاملی نمی‌شوند؛ اما در این میان، انسان به‌گونهٔ حیوان بالفعل و انسان بالقوه تولد می‌یابد و گذرگاه کمالش از حیوانیت آغاز می‌شود و به‌سوی انسانیت که مقصد آفرینش وی است، تکامل می‌یابد. انسان، دارای استعدادها و توانایی‌ها است که باید آن‌ها را به مرحلهٔ شکوفایی برساند. فراهم آوردن زمینه‌های رشد و از قوه به فعل رساندن استعدادهای نهفته انسان به‌گونهٔ تدریجی و در بستر زمان «تربیت» نامیده می‌شود (ن.ک: فرمبینی، ۱۳۹۰: ۸؛ فایضی، ۱۳۷۹: ۱۲؛ اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۳۹؛ نجارزادگان، ۱۳۸۸: ۲۰؛ بیات، ۱۳۶۸: ۱۴۰-۱۴۱؛ اردستانی، ۱۳۸۸: ۴۲۱). انسان موجودی مختار، منعطف و تربیت‌پذیر است و با همهٔ قابلیت‌ها، گرایش‌ها و بینش‌های نهفته در آن، آماده است آنچه را به وی القا می‌شود، جذب کند و در نتیجه، می‌تواند ماهیت‌های گوناگونی پیدا کند. طبق سخن پیامبر ﷺ: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَيَّ الْفِطْرَةِ حَتَّىٰ يَكُونَ أَبَوَاهُ يَهُودًا نَّه أَوْ يُنَصْرَانِهِ أَوْ يُجَسَّانِهِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق: ۳۳۰؛ ابن حیون، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۱۹۰؛ مفید، ۱۴۱۴ق: ۶۱)، تمامی افراد در ابتدای تولد از صفای ضمیر برخوردارند و گرایش‌های توحیدی و اخلاقی دارند و سپس دستخوش انحرافات فکری می‌شوند. دانشمندان نامبرداری مانند سید مرتضی، ابن شهر آشوب مازندرانی، فیض کاشانی، طبرسی، ابن ابی جمهور احسایی و ابن ابی الحدید معتزلی نیز به گزارش و تبیین حدیث فوق الذکر پرداخته‌اند (علم الهدی، ۱۹۹۸، ج ۲: ۴۵۶؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۵۱؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۹۹؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۱۱۴؛ ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۳۵؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ۷۱؛ همان، ۱۴۰۶ق، ج ۴: ۲۵). از دید قرآن و طبق آیه «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَأْ قَبِيهَ» (انشقاق: ۶)، در فطرت انسان استعداد و توانش کمال برین و سیر به سوی خدای بی‌نیاهیت قرار گرفته و اگر انسان کوشش کند، می‌تواند به لقای خداوند نائل شود (نصری، ۱۳۸۶: ۶۸). اگر تعلیم و تربیت انسان هماهنگ با فطرت او باشد، می‌تواند نیروهای حیوانی خود را مهار و زمینهٔ بروز قوای عقلانی، روحی و فطری خود را فراهم کند و در عداد سعادت‌مندان جای گیرد، اما اگر پرورش وی مبتنی بر سنجه‌های غیراخلاقی باشد، معدّ و زمینه‌ساز فردی تبهکار و شقاوت‌مند است.

ب: اولین کانون تربیت کودک، خانواده است که متشکل از افرادی است که از طریق هم‌خونی، پیوند زناشویی یا پذیرش فرزند با یکدیگر در پیوستگی متقابل هستند و در اجتماعی کردن فرزندان، مسئولیت اصلی را به عهده دارد (کوئن، ۱۳۹۰: ۱۶۹؛ قنادان و همکاران، ۱۳۷۶: ۱۴۸) شالودهٔ تربیت هر فردی خانواده است و در این میان، سال‌های نخست کودکی اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا محیط خانواده، ساختار جسمانی، عاطفی، اخلاقی و رفتاری وی را شکل می‌دهد. بسیاری از ارزش‌های اخلاقی، گرایش به راستی و درستی، تنفر از دروغ، میل به هم‌نوع و دوست داشتن فضایل و دوری از رذایل اخلاقی را از محیط خانه فرا می‌گیرد. خانه بهترین بستر برای رویش عواطف و کمالات انسانی است (حجتی، ۱۳۷۴:

۳۸: شرفی، ۱۳۸۱: ۸۳؛ فرمهبینی، ۱۳۹۰: ۱۱؛ شریف القریشی، ۱۳۸۲: ۴۳).

ج: کودک، امانتی است که به پدر و مادر سپرده می‌شود و به هر شیوه‌ای که وی را تربیت کنند به همان شکل، نشو و نما می‌یابد. اگر وظایف خود را به جای آورند، فرزند مایه سرافرازی آن‌ها در نظام دنیا و آخرت می‌گردد و اگر سهل‌انگاری کنند، عقب‌افتادگی‌ها و ناهنجاری‌های وی در آینده بر دوش والدین خواهد بود. امام علی (ع) در حدیث «وَلَدُ السَّوِّءِ يَهْدِمُ الشَّرْفَ وَ يَشِينُ السَّلْفَ» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۵۷۷) بر نکته فوق، تأکید می‌کند. بدین جهت، فرهیختن، نخستین و بایسته‌ترین وظیفه والدین طبق مشرب‌های گوناگون عقلی و نقلی است و آنان باید خود را به آگاهی از فنون تربیت مجهز سازند و با الگو گرفتن از مربیان موفق، در انجام این وظیفه مهم بکوشند. والدین نه تنها نقش پناهگاه دارند بلکه نخستین آموزگار و الگو برای فرزند هستند.

در میان اعضای خانواده، مادر نقش نخستین را دارد. نقش وی از دو جهت درخور است، نخست اینکه فرزند، مهم‌ترین سال‌های تکوین شخصیتش را در کنار او می‌گذراند که فرصت کم‌نظیری برای کسب صفات و سایر ویژگی‌های رفتاری از مادر است. از سوی دیگر، مادران به لحاظ برخورداری از عواطف سرشار، بهترین پناهگاه برای فرزند هستند (شرفی، ۱۳۸۱: ۸۵). لذا پیامبر (ص) فرموده‌اند: «أُمَّكَ، ثُمَّ أُمَّكَ، ثُمَّ أَبَاكَ، ثُمَّ الْأَقْرَبَ، فَلِأَقْرَبَ»؛ مادر خود، مادر خود، مادر خود را رعایت کن، سپس پدر خود را و پس از آن کسانی را که به تو نزدیک‌ترند (پاینده، ۱۳۴۲: ۱۰۹). در پرتو تربیت، مادرها مبدأ خیرات یا شرور هستند. دومین کنشگر بنیادین تربیتی در خانواده پدر است که نقش مکمل وظیفه مادری را دارد. سخن امام علی (ع) به امام حسن (ع): «وَجَدْتُكَ بَعْضِي بَلْ وَجَدْتُكَ كَلِي حَتَّى كَأَنَّ شَيْئًا لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي وَ كَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي» (رضی، ۱۴۱۴: ۳۷۰؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۶۸؛ ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴: ۱۶؛ ۵۷؛ هاشمی خویی، ج ۲: ۳)، بیانگر این است که پدر باید فرزند را پاره‌ای از خود تلقی کند و در تربیت وی نهایت تلاش را داشته باشد. امام باقر (ع) با بیان «يُحْفَظُ الْأَطْفَالَ بِصَلَاحِ آبَائِهِمْ» (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲؛ ۳۳۸)؛ مصونیت فرزندان را از آسیب‌ها در پرتو شایستگی پدران قلمداد کرده است.

د: نهاد خانواده به‌ویژه والدین که تأثیرگذارترین واحد تربیتی کودک به‌شمار می‌آید به دنبال تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پدید آمده در ایران و جهان و با وجود پیشرفت‌های عظیم صنعتی، دچار گونه‌هایی از چالش‌های آشکار و پنهان شده و از رسالت خویش، بازمانده است. بی‌تردید، احیای کارکردهای آن از جمله تربیت فرزندان، امری حیاتی تلقی می‌شود.

هـ. حداقل مفاهیمی که در دستور کار هر مکتب تربیتی قرار می‌گیرد، عبارت است از مبانی، هدف، اصل و روش. انتخاب هدف‌های تربیتی ریشه در نوع جهان‌بینی و انسان‌شناسی مختلف دارد و هدف‌ها، تعیین‌کننده نوع روش‌های تربیتی‌اند. هدف نهایی روش تربیتی اسلام، هدایت انسان به سوی خدا و متخلق کردن وی به صفات و اخلاق الهی است. آگاهی از روش‌های بنیادین تربیتی پیشوایان معصوم (ع)؛

که گفتار و رفتارشان، همگام با مشیت و خواست خداوند است، برای دفع و رفع دشواری‌های نظام خانواده و سامانه تعلیم و تربیت، بسیار کارآمد و بایسته می‌نماید و بلکه بهترین شیوه تربیت فرزندان است. در فرهنگ تشییع، گفتار، کردار و تقریر ائمه اطهار علیهم‌السلام از رهگذر عصمت، سند و حجت شرعی به‌شمار می‌آید؛ بنابراین الگوهای شایسته اعتماد و راهنمای انسان‌ها به مقصد حیات‌اند. در این میان سیره نظری و عملی امام رضا علیه‌السلام که نامبردار به عالم آل محمد است، مشحون از رهنمودهایی تربیتی و روان‌شناسی است. در این جستار، به بازشناسی اصول و روش‌های تربیت کودک در منظر امام رضا علیه‌السلام پرداخته شده است.

۱-۱. پیشینه و روش تحقیق

گرچه تاکنون کتاب‌ها، مقالات و همایش‌های گوناگونی درباره امام رضا علیه‌السلام، تألیف و انجام‌شده، اما راقم این سطور با توجه به بررسی‌های انجام‌شده، تاکنون پژوهش مستقل و فراگیری درباره اصول و روش‌های تربیت فرزند در منظر امام رضا علیه‌السلام نیافته و این جستار را می‌توان تقریباً، نوآورانه دانست که نویسنده، نخست گفتارها و رفتارهای ایشان را در این زمینه به روش کتابخانه‌ای گرد آورده و سپس به شیوه توصیفی تحلیلی آن را سامان داده است.

۲. برخی اصول تربیتی کودک در منظر امام رضا علیه‌السلام

از اصول تربیتی تعاریف متفاوت ارائه شده است، اما مقصود ما در این جستار قواعد کلی حاکم بر جریان تربیت است (اشعری و همکاران: ۱۳۹۱)

۱-۲. ناهمسان بودن کودکان

پدر و مادر و مربیان باید تفاوت بین کودکان را به‌عنوان یک واقعیت بپذیرند. امام رضا علیه‌السلام در گزاره: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا تَفَاوَتْ وَأَفَادَا اسْتَوَوْا هَلَكُوا» (ابن بابویه، ۱۴۱۷ق: ۵۳۱؛ ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۵۸؛ عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۹۲)، تأکید می‌کند مردم همواره در گذرگاه پیشرفت و سعادت‌اند مادام که از نظر استعداد درونی با یکدیگر، تفاوت داشته باشند، ولی هرگاه انسان‌ها با هم یکسان باشند، دچار سقوط و نابودی می‌شوند و جامعه از کمال شایسته خود باز می‌ماند. گفتار امام رضا علیه‌السلام اجمال سه نکته زیر است:

الف. ناهمگونی آفرینش انسان‌ها، لازمه حتمی نظام‌مندی و قانونمندی جهان هستی و حاکمیت اصل علت و معلول و عدم تخلف معلولی از علت تامه است و همبستگی علت و معلول، دارای قوانین و قواعد معین است. از این‌رو، چگونگی آمیزش والدین، زمان، مکان، روحیات و حالات روانی، وضعیت جسمی، نوع و مقدار غذاها هر یک به سهم خود نقشی در کیفیت وجود جنین ایفا می‌کنند. اگر اصل عدم تخلف معلولی از علت، مورد پذیرش قرار گیرد، مشخص خواهد شد که بینا و نابینا تولد یافتن یک فرد و... لازمه چاره‌ناپذیر، مجموعه عللی است که در به وجود آوردن وی مؤثر بوده‌اند.

ب. یکی از ویژگی‌های نظام احسن، وجود ناهمگونی در استعداد و توانایی‌ها و ظاهر مخلوقات

است(ملک، ۳) اگر انسان‌ها همانند بودند، زندگی اجتماعی ادامه نمی‌یافت. ناهمسازی در خلقت اعم از استعداد هوشی، جسمی و مالی برای چرخاندن اجتماع بر محور تعاون است. آفریننده جهان، استعداد هرگونه کاری را در همه انسان‌ها به ودیعه نهاده است و راز پایداری و گردش چرخ اجتماع منوط به تفاوت‌هاست. علامه طباطبایی نگاشته: مردم از جهت انسان بودن همه با هم برابرند و گونه‌گونی‌ای که در خلقت آنان دیده می‌شود، تنها به این منظور است که یکدیگر را بشناسند چون اگر شناسایی نباشد، نه پای تعاون در کار می‌آید و نه ائتلاف، پس غرض از ناهمگونی‌ای که در میانه بشر قرار داده شده برای تفاخر و استعلا یکی بر دیگری نیست(طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱۸: ۳۲۷).

ج. هیچ‌کدام از تفاوت‌های طبیعی، مانع کمال نیستند. از دید قرآن آنچه خوشبختی بی‌پایان را در پی دارد، پارسایی و عمل صالح هست و آنچه به اقتضای حکمت الهی، سبب برتری برخی از افراد شده، وسیله امتحان است و مسئولیت ایشان را سنگین‌تر خواهد کرد؛ به علاوه خداوند بندگان را بر پایه توانشان مکلف کرده است و در قیامت هرکس را به اندازه نعمتی که به او داده بازخواست می‌کند، پس اگر کسی از نعمتی محروم است در قبال آن از مزایا و تحفیف‌هایی برخوردار و به هر حال عدالت برقرار است(بقره، ۲۳۳ و ۲۸۶؛ انعام، ۱۵۲؛ اعراف، ۴۲؛ مؤمنون، ۶۲).

۲-۲. مهرورزی

محبت واکنشی عاطفی است که هدف آن ممکن است اشخاص یا اشیا باشند(احدی، ۱۳۸۵: ۲۷۷). بر پایه تعریف آبراهام مزلو، محبت شامل دوست داشتن و دوست داشته شدن، می‌شود و این نیاز، فرد را به سمت برپایی پیوندهای محبت‌آمیز با دیگران سوق می‌دهد(مزلو، ۱۳۶۷: ۸۰). فیض کاشانی تأکید می‌کند محبت آن است که آدمی به چیز لذت‌بخشی، میل کند و روشن است که دل‌بستگی به چیزی معلول شناخت با قلب یا یکی از حواس است(فیض کاشانی، ۱۳۸۱: ۲۲۴). بر پایه رهنمود همه روان‌شناسان و دانشمندان علوم تربیتی از اصول بنیادین پرورشی، ابراز محبت به فرزندان است. مهرورزی پشتوانه سلامت روان و از برجسته‌ترین سازه‌های رشد فرزندان است. آشکارکردن محبت، احساس مقبولیت در فرزند و نوعی خوش بینی به آینده را به دنبال دارد. محبت بهترین راه حل ناسازگاری‌های تربیتی است. محبت بجاء، در هر مکان و زمان و در هر مقطع و سن، وسیله‌ای کارآمد است. همگان به محبت نیازمندند؛ اما کودکان و نوجوانان بیشتر. رفتار ناسازگار و پرخاشگرشان را محبت از میان می‌برد. جایگاه نیاز عاطفی فرزند نسبت به سایر نیازهای روانی، مقایسه شدنی نیست و فروگذاری از این نیاز، خسارات روحی ویژه‌ای برای فرد می‌آفریند که گاه جبران ناپذیر است. کودکی که شخصیتش مورد تمجید قرار نگرفته و با دیده حقارت نگرسته شده، از کار و زندگی لذت نمی‌برد و همیشه آندوهگین و بدون نشاط خواهد بود. عدم ارضای دوستی، مایه سازش نیافتگی در رفتار فرد می‌گردد(شریعتمداری، ۱۳۶۷: ۱۹۹).

۲-۲-۱. مهرورزی در گفتار امام رضا علیه السلام

بزرگداشتن کودکان یکی از نیرومندترین عوامل جذب‌شان به‌شمار می‌آید و در مقابل توهین به آنان، نفرت‌انگیز خواهد بود. گاهی پدر و مادر در مقابل پافشاری کودکان بر خواسته‌های غیرمعقول یا ناشدنی، واکنشی نامناسب ابراز می‌کنند؛ ولی تجربه حاوی این است که حتی در چنین موقعیتی، رفتار محبت‌آمیز مؤثرتر است. از دید اسلام، محبت باید از دوران کودکی آغاز شود و بهترین افراد برای پایه‌ریزی آن، پدر و مادر هستند (صمدی، ۱۳۸۵: ۱۳۷). در گفتار امام رضا علیه السلام شواهد فراوانی دربارهٔ ارزشمندی محبت به همه و به‌ویژه کودک وجود دارد: الف: ایشان در حدیث: «وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ وَ ارْضَمُوا صِغَارَكُمْ» (ابن بابویه، ۱۴۱۷ق: ۱۵۴؛ ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۲۶۵)، پای می‌فشد که به بزرگان خود احترام و به کودکان خود ترجم کنید. ب: امام در روایت: «أَجْمَلُ مُعَاشَرَتِكَ مَعَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ» (بروجردی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۵: ۵۲۳؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۸: ۳۵۴)، دستور به همزیستی زیبا و احترام آمیز با کوچک و بزرگ می‌دهد. ج: ایشان در حدیث: «التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۶۴۳؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۴۴۳؛ قیومی ۱۳۷۳: ۳۹۰)، اظهار محبت را نیم خردمندی می‌داند. د: امام در حدیث: «رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الدِّينِ التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ، وَ اصْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَ فَاجِرٍ» (عطاردی، ۱۴۰۶ ق، ج ۱: ۴) تأکید می‌کند که بنیان خردمندی پس از ایمان به خدا، اظهار محبت به مردم و نیکی به هر شخص نیکوکار و بدکردار است. ه: امام علیه السلام در گزاره: «اصْطِنِعِ الْخَيْرَ إِلَى مَنْ هُوَ أَهْلُهُ وَ إِلَى مَنْ هُوَ غَيْرُ أَهْلِهِ، فَإِنَّ لَمْ تُصِبْ مَنْ هُوَ أَهْلُهُ فَأَنْتَ أَهْلُهُ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۳۸)، تأکید می‌کند نیکی کن به کسی که شایستهٔ آن است و کسی که سزاوار آن نیست، زیرا اگر وی سزاوار نیست تو شایسته نیکی کردن هستی. رهاورد مهرورزی این است که می‌توان در جریان تربیت عاطفی، خواه در برانگیختن انسان‌ها بر انجام پاره‌ای از اعمال یا بر ترک پاره‌ای از آن‌ها، از قدرت ناشی از پیوند محبت آمیز، بهره جست. این بهره‌وری به دو گونه میسر است: یکی با بذل محبت و دیگر با حرمان آن (باقری، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۲۹-۲۳۰) تغییر و تحوُّلی که در نتیجه پیروی از این اصل در انسان به‌وجود می‌آید، بسیار بنیادین است؛ زیرا در این اصل، رابطهٔ میان محبِّ و محبوب مورد توجه است. خداوند نیز در تربیت انسان، محبت را به‌عنوان پیوند محوری، به‌کار می‌گیرد و در آیهٔ «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» (مائده، ۵۴)، «یُحِبُّهُمْ» قبل از «یُحِبُّونَهُ» آمده است، یعنی نخست از ابراز محبت خدا و سپس از آشکار کردن محبت آدمی به خدا سخن می‌گوید و این نشان می‌دهد که ابراز محبت «مربئی» به دل‌بستگی «مترئی» سمت و سو می‌دهد و حاصل آن، ظهور شیفتگی عمیق در «مترئی» نسبت به «مربئی» است.

۲-۲-۲. مهرورزی در رفتار امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام در سیرهٔ عملی خویش از جهت مهرورزی به فرزند و دیگران، الگوی کامل بودند. ایشان به مردم نگاهی همراه با متانت و مهربانی داشت و با چهره‌ای گشاده با آنان برخورد می‌کرد؛ به‌گونه‌ای که همگان بدون هیچ مانعی، مشکلات خود را با وی در میان می‌گذاشتند (کمپانی زارع، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

ابراهیم بن عباس گفته است: هرگز ندیدم که امام رضا (ع) در سخن گفتن با کسی درشتی کند، یا به خدمتکاران و بردگانش ناسزا گوید یا سخن کسی را پیش از فراغت از آن، قطع کند. هرگز درخواست کسی را که قادر به انجام آن بود، رد نمی‌کرد (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۹۷؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۶۳).

در کنار مهرورزی با مردم، ابراز محبت به کودکان و فرزندان در سیره امام رضا (ع) بسیار نمایان است. امیة بن علی نقل می‌کند: در سالی که امام رضا (ع) حج به‌جا آورد و سپس به خراسان رفت، من در مکه همراه ایشان بودم و امام جواد (ع) نیز حضور داشت. امام رضا (ع) با کعبه وداع کرد. پس از طواف به طرف مقام ابراهیم رفت و در آنجا نماز گزارد. امام جواد (ع) که خردسال بود، بر دوش «موفق» غلام حضرت، طواف داده می‌شد. جواد (ع) به سمت حجر اسماعیل رفت، در آنجا نشست و این امر مدتی طول کشید. موفق به او گفت: جانم به فدایت باد، برخیز. او فرمود: بر نمی‌خیزم تا هنگامی که خدا بخواهد و در چهره‌اش اندوه نمایان بود. موفق نزد امام رضا (ع) آمد و گفت: جواد (ع) در حجر نشسته، بر نمی‌خیزد. امام (ع) به سوی فرزندش آمد و فرمود: «قُمْ يَا حَبِيبِي» جواد (ع) فرمود: چگونه برخیزم، در حالی که شما با کعبه چنان وداع می‌کنید که گویا هرگز به سویش باز نمی‌گردید. امام مجدد فرمود: «قُمْ يَا حَبِيبِي؛ برخیز ای محبوب من. سپس جواد (ع) برخاست.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۱۲۰؛ اربلی، بی تا، ج ۳: ۱۵۵) امام رضا (ع) به جواد (ع) تندی نکرد؛ بلکه با جملات محبت‌آمیزی چون «قُمْ يَا حَبِيبِي» و بردباری، فرزند خردسالش را قانع کرد. امام رضا (ع) نیز خود از سوی پدرش غرق در محبت بود. گاهی امام کاظم (ع) محبت خود را به وی در قالب جمله زیبای «بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي» نشان می‌داد و زمانی او را در آغوش می‌گرفت، به سینه خود می‌فشرد و می‌بوسید (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۴۰؛ حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۸: ۳۴۰).

۲-۳. عدالت‌ورزی میان فرزندان

گاهی، کینه‌توزی، دشمنی و عقده‌های کودک، ریشه در عدم رعایت عدالت بین فرزندان از سوی پدر و مادر دارد. پدر و مادری که در بخشش، هدیه، نگاه کردن، گفت‌وگو کردن و ... این دستور را رعایت نمی‌کنند در حقیقت بذرهایی را در اندیشه کودک خود می‌نشانند که فردای او را با هزارن چالش قرین می‌سازد. از سوی دیگر برتری دادن پاره‌ای از فرزندان بر بعضی دیگر، به‌حسب لیاقت و تلاش‌شان، در برخی موارد مجاز و بلکه معقول و لازم است. سعد بن سعد در ضمن حدیثی گزارش می‌دهد از امام رضا (ع) پرسیدم مردی، پاره‌ای از فرزندانش نزدش محبوب‌تر و برخی را بر دیگران ترجیح می‌دهد. این چه حکمی دارد؟ امام فرمود: جدم امام صادق (ع) نیز این‌گونه رفتار می‌کرد و به «محمد» دلبستگی بیشتری نشان می‌داد و پدرم نیز «احمد» را بر دیگر فرزندانش برتری می‌داد. سعد بن سعد گوید: هنگامی که از جای خود برخاستم، گفتم: فدایتان شوم. مردی که دخترانش را از پسرانش بیشتر دوست دارد، چه حکمی دارد؟ امام فرمود: پسر و دختر در این حکم، باهم یکسان‌اند (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۵۱؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۸: ۱۱۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۳: ۱۳۹۶). به‌نظر می‌رسد هرگاه ترجیح راجح

زمینه‌های کینه‌توزی را فراهم کند، باید اهمّ را بر مهمّ مقدم داشت و از ترجیح راجح اجتناب کرد.

۲-۴. تکریم فزون تر کودک با نام دینی

خانواده‌ها موظف‌اند هرگاه نام‌های اسلامی و ارزشی برای فرزندان خود برمی‌گزینند، آن نام‌ها را با ارجمندی یاد کنند و همچنین مراتب بزرگداشت خود را نسبت به دارندگان آن نام‌ها نشان دهند و بدین روش، سنت پسندیده نام‌گذاری نیک و تکریم بزرگان را به دیگران آموزش دهند. از این‌رو، امام رضا علیه‌السلام در حدیث: «إِذَا سَمَّيْتُمُ الْوَلَدَ مُحَمَّدًا فَآكِرْمُوهُ وَ أَوْسِعُوا لَهُ فِي الْمَجَالِسِ وَ لَا تُقْبِحُوا لَهُ وَجْهًا»، تأکید می‌کند هرگاه فرزندی را به نام «محمد» نام‌گذاری کردید، او را گرامی بدارید، در انجمن‌ها برای او جا باز کنید و با ترشروی با او برخورد نکنید (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۳۲؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲۱: ۳۹۴).

۳. روش‌های تربیتی کودک از منظر امام رضا علیه‌السلام

روش‌های تربیتی اقداماتی است که در فرایند تعلیم و تربیت از سوی مربی انجام می‌شود تا اهداف تربیتی تحقق یابد. روش‌های زمینه‌ساز برای تربیت کودکان مشتمل بر روش‌های زمینه‌ساز قبل از تولد و بعد از تولد، تقسیم می‌شود. این مقاله بر روش‌های زمینه‌ساز تربیت بعد از تولد، متمرکز است که خود به دو بخش روش‌های هفته آغازین تولد و روش‌های سایر مراحل زندگی کودک، تقسیم می‌شود. پوشیده نیست که برخی موارد مثل خوردن شیر مادر در هر دو مرحله اجرا می‌شود.

۳-۱. روش‌های زمینه‌ساز تربیت در آغازین روزهای تولد

در سیره امام رضا علیه‌السلام بر رعایت هفت روش در مقطع مذکور تکیه شده است:

۳-۱-۱. شیر مادر

از رسته اولیه حقوق کودک بعد از تولد، تغذیه با شیر مادر است. اسلام بر پایه آیه «الْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلِينَ كَامِلِينَ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّمَ الرِّضَاعَةَ» (بقره، ۲۳۳)، این حق را برای کودک به رسمیت شناخته و از والدین می‌خواهد که این نعمت خدادادی را از کودک خود دریغ ننمایند و مادران آنان را دست‌کم دو سال تمام شیر دهند و به گفته امام رضا علیه‌السلام بیشتر از دو سال نیز منعی ندارد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۴۱؛ ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۳: ۴۷۵؛ طیب، ۱۳۶۹، ج ۲: ۴۶۹) امام رضا علیه‌السلام با بیان: «لَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۳۸؛ نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۵: ۱۵۶)، مزایای فراوان شیر مادر را برشمرده است. بی‌گمان شیر مادر، بهترین غذای کودک در ماه‌های نخستین تولد اوست؛ زیرا وی را در راستای رشد و سلامت جسمی در برابر بیماری‌های انگلی، قارچی، باکتریایی و ویروسی، استوار و ایمن می‌سازد و نیز او را از دچار شدن به بیماری‌های دوران کودکی و نوجوانی و حتی بیماری‌های قلبی و عروقی دوران سالمندی، مصون می‌دارد. به علاوه شیر مادر در ارتقای سلامت روحی و افزایش روابط عاطفی کودکان نقش بی‌بدیلی دارد و اخلاقیات و سرشت کودک نیز از این راه شکل می‌گیرد (مختاریان و همکاران، ۱۳۹۶).

۳-۱-۲. انتخاب شیر دهنده خردمند و سالم

این پرسش که آیا «وراثت» نقش مهم‌تری در رشد انسان دارد یا «تربیت»، دست‌مایه‌ای است که سده‌ها مورد بحث است. بیشتر روان‌شناسان، هیچ‌یک را به‌تنهایی کنشگر بنیادین نمی‌دانند، بلکه باورمندند که این دو، در راستای راهبرد رشد، همیشه هم‌کنش‌اند. رشد حرکتی، گفتاری و... کودک حکایت از تعامل بین برنامه‌های وراثتی و تأثیرات محیط و تربیت دارد (تکینسون و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۰۳). امام رضا (ع) موضوع وراثت و تغذیه با شیر مرضه سالم را نادیده نگرفته، بلکه آن را در کیفیت پرورش کودک و شاکله وی بسیار تأثیرگذار می‌داند. ایشان در حدیث: «لَا تَسْزُرُ عُوا الْحَمَاءَ وَلَا الْعَمَشَاءَ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعَدِي» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۳۷؛ عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۲۷۸)؛ سفارش می‌کند کودکان خود را برای شیر خوردن به زنان کم‌خرد و بیمار چشم، اعم از مادر و یا غیر آن نسیپارید؛ زیرا شیر آن‌ها عامل انتقال ویژگی‌های معنایی (خرد) و جسمانی (چشمی) آنان به کودکان است.

۳-۱-۳. گفتن اذان و اقامه در گوش طفل

از امور استحبابی، گفتن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ نوزاد است. پیامبر (ص) در حدیث: «مَنْ وُلِدَ لَهُ مَوْلُودٌ فَلْيُؤَدِّ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى بِأَذَانِ الصَّلَاةِ وَ لِيُؤَمَّ فِي الْيُسْرَى فَإِنَّ ذَلِكَ عِصْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۲۴؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷: ۴۳۷)، تصریح می‌کند، هر کس که دارای فرزندی شد اعم از پسر یا دختر، دستور مذکور را انجام دهد، زیرا این عمل، نوزاد را از وسوسه و کجروی، باز می‌دارد. چون هر جا خدا باشد، اهریمن جایی ندارد. امام رضا (ع) نیز درباره حسین (ع) با گزاره «أَذَّنَ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى وَأَقَامَ فِي أُذُنِهِ الْيُسْرَى» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۸؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۱: ۴۰۸) نقل می‌کند پیامبر (ص) در روز نخست تولد آن دو، در گوش آن‌ها اذان و اقامه گفتند. در رجحان و استحباب دستور فوق، میان فقیهان اختلافی وجود ندارد.

بی‌تردید مغز کودک، آواهای بسیار فراوانی را که در پیرامونش ایجاد می‌شود، ذخیره و به تدریج واژه‌ها را از هم تفکیک می‌کند. خواندن اذان و اقامه در گوش نوزاد، شیوه درست تعلیم و تربیت و از سه سمت آثار تربیتی دارد: تأثیرات جسمی و ایمنی از بیماری‌ها؛ تأثیرات معنوی و آرامش روانی و آشنایی با مفاهیم اعتقادی و آیینی. ارکان اعتقادی بخش به بخش، به کودک تلقین می‌شود و جان وی در معرض نسیم توحیدی قرار می‌گیرد.

۳-۱-۴. گزینش نام نیک

از حقوق کودک، گزینش نام نیک است. اسم، نشانه و تابلوی کاشف از ماهیت هر چیزی است و از آنجا که انسان اشرف مخلوقات و موجودات و دارای کرامت ذاتی است، شایسته زیباترین و باارزش‌ترین اسم‌هاست. در اسلام داشتن نام، کنیه و لقب نیکو یک ارزش است و می‌تواند در روحیه و جسم انسان

آثار مثبتی داشته باشد. نام گران سنگ و شایسته، اعتباربخش است و نام سبک از رهگذر دستخوش ریشخند قرار گرفتن، ایجاد عقده روانی و به شخصیت لطمه وارد می‌کند. امام رضا علیه السلام به این موضوع از جهت سلبی و ایجابی، بسیار اهتمام ورزیده است: ایشان در گزاره «أَوَّلُ مَا يَبْرُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمِ حَسَنٍ فَلْيُحَسِّنْ أَحَدَكُمْ اسْمَ وَلَدِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۱۸)؛ نخستین وظیفه و نیکی پدر به فرزند را، گزینش نام نیک و زیبا معرفی کرده و در حدیث «يُسَمَّى فِي الْيَوْمِ السَّابِعِ» (ابن شعبه، ۱۳۶۳: ۴۱۵)، هفتمین روز تولد را روز نام‌گذاری توصیه کرده است. در روایت «سَمَّهْ بِأَحْسَنِ الْأَسْمَاءِ وَ كُنَّهْ بِأَحْسَنِ الْكُنَى» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ ق: ۳۱)؛ دستور داده‌اند بهترین نام و کنیه را در روز هفتم گزینش کنید. ابن غیلان مدائنی بر امام رضا علیه السلام وارد شد و گفت: شنیده‌ام هر کس نیت کند که نام فرزندش را محمد انتخاب کند، خداوند به وی پسر خواهد داد. امام فرمود: کسی که قصد کند نام فرزندش را علی بگذارد، خداوند به وی، پسر خواهد داد و «عَلِيٌّ مُحَمَّدٌ وَمُحَمَّدٌ عَلِيٌّ، شَيْئًا وَاحِدًا»، محمد علی و علی محمد، یک حقیقت است و در ادامه فرمود: «سَمَّهْ عَلِيًّا فَإِنَّهُ أَطْوَلُ لِعُمُرِهِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۱۱)؛ عطاردی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲: ۲۷۷)، نام علی برگزین که باعث درازای عمر وی می‌شود. به نظر می‌رسد که قضیه کلیه است و نه شخصیه، علامه شوشتری نوشته که سخن امام علیه السلام «عَلِيٌّ مُحَمَّدٌ وَمُحَمَّدٌ عَلِيٌّ، شَيْئًا وَاحِدًا»، به «وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ» آیه مباهله اشاره دارد (شوشتری، ۱۴۰۶ ق، ج ۹: ۱۵۶).

در خبر «لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتًا فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ أَوْ أَحْمَدَ أَوْ عَلِيٍّ أَوْ الْحَسَنِ أَوْ الْحُسَيْنِ أَوْ جَعْفَرَ أَوْ طَالِبٍ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ أَوْ فَاطِمَةَ مِنَ النِّسَاءِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۱۹)؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۱: ۱۳۱)، درباره تأثیر نام نیکو فرموده‌اند، در خانه‌ای که نام محمد، احمد، علی، حسن، حسین، جعفر، طالب، عبدالله و فاطمه باشد، تنگدستی راه نخواهد یافت؛ در گزاره «الْبَيْتُ الَّذِي فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ يُصْبِحُ أَهْلُهُ بِخَيْرٍ وَ يَمْسُونَ بِخَيْرٍ» (بروجردی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۱: ۳۳۸)، بیان شده خانه‌ای که در آن فردی به نام محمد باشد، بامداد و شامگاهش، توأم با برکت است. در خبر «مَا مِنْ مَائِدَةٍ وُضِعَتْ فَقَعَدَ عَلَيْهَا مِنْ اسْمِهِ مُحَمَّدٌ أَوْ أَحْمَدُ إِلَّا قُدْسَ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۳۳)؛ عطاردی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲: ۴۹۳)، تأکید شده خانه‌ای که در آن سفره‌ای پهن شود و از آن کسانی که احمد و محمد نام دارند، تناول کنند، روزی دو بار مورد ستایش قرار می‌گیرد. امام علیه السلام در حدیث «مَا مِنْ قَوْمٍ كَانَتْ لَهُمْ مَشُورَةٌ فَحَضَرَ مَعَهُمْ مِنْ أَسْمَاءِ مُحَمَّدٍ أَوْ حَامِدٍ أَوْ مُحَمَّدٍ أَوْ أَحْمَدٍ فَأَدْخَلُوهُ فِي مَشُورَتِهِمْ إِلَّا خَيْرٌ لَهُمْ» پای فشرده اگر کسانی به نام محمد، حامد، محمود و احمد عضو مشورتی گروهی باشند، نیکی، فرجام کار آنان است» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ ق، ج ۲: ۳۲)؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۱: ۱۲۸).

۳-۱-۵. عقیقه کردن

در سیره تربیتی امام رضا علیه السلام افزون بر سفارش به رعایت تغذیه سالم، بر سازه‌های غیرمادی مانند عقیقه کودک، نگاه ویژه شده است. ایشان در گزاره «وَالْعَقِيقَةُ عَنِ الْمَوْلُودِ الذِّكْرِ وَالْأُنْثَى يَوْمَ السَّابِعِ وَاجِبَةٌ» (ابن شعبه، ۱۳۶۳: ۴۱۵)؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰: ۳۵۶)، عقیقه نوزاد پسر و دختر را در روز

هفتم، واجب دانسته‌اند. امام همچنین با گزاره «فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ سَابِعِ عَشْرِ النَّبِيِّ ﷺ عَنْهُ بِكَيْشَيْنِ أَمْلَحَيْنِ» تصریح کرده که حسنین (ع) در روز هفتم زاده شدنشان توسط پیامبر ﷺ با دو قوچ، عقیقه شده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۹). عقیقه عبارت است از قربانی کردن گوسفند، گاو یا شتر برای فرزندی که به دنیا آمده است و احکام و آدابی ویژه دارد که در کتب فقهی به آن پرداخته شده است. کلینی نزدیک به ۵۰ روایت درباره عقیقه آورده و در آن‌ها فایده عقیقه، حفظ فرزند از آفت‌ها دانسته شده است (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۲۴-۳۶). عقیقه فرزند حداقل مستحب مؤکد و در نظر بعضی مانند ابن جنید بغدادی و سید مرتضی علم الهدی، واجب است و بهترین زمان هفتمین روز تولد فرزند است و اگر انجام نشود تا زمان بلوغ فرزند بر عهده پدر و بعد از بلوغ تا آخر عمر بر عهده خودش است (حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۵۶۵؛ حلی ۱۴۱۸ق، ج ۷: ۳۰۳).

۳-۱-۶. تراشیدن سر و دادن صدقه

امام رضا (ع) در گزاره «وَحَلَقُ رَأْسِهِ يَوْمَ السَّابِعِ وَيُتَصَدَّقُ بِوِزْنِ شَعْرِهِ فِي رَأْسِهِ ذَهَبًا أَوْ فِضَّةً» (ابن شعبه، ۱۳۶۳: ۴۱۵؛ حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۱: ۴۰۹)، تأکید می‌کند، یکی از سنت‌هایی اسلامی، تراشیدن موی سر نوزاد پسر و دختر در روز هفتم تولد و به سنگینی آن زر یا سیم صدقه دادن است. ایشان همچنین در خبر «وَحَلَقُ رَأْسِهِ وَتَصَدَّقَ بِوِزْنِ الشَّعْرِ وَرِقًا وَطَلِي رَأْسَهُ بِالْخُلُوقِ»، گزارش کرده که پیامبر روز هفتم تولد حسنین (ع) موی سرشان را تراشید و هم وزن آن صدقه داد و زعفران به سرشان مالید (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳: ۲۳۹). تراشیدن موی سر، باعث تقویت نوزاد و باز شدن منافذ پوست سر و همچنین توان بخشی حس بینایی، بویایی و شنوایی می‌شود. به علاوه وقتی نوزادان در فردای زندگی‌شان از علاقه‌مندی پدر و مادر به خود آگاه شوند که چگونه برای سلامت و تندرستی وی صدقه داده و انفاق کرده‌اند، آن‌ها نیز در تکریم و احترام پدر و مادر خواهند کوشید و صفا و صمیمیت زندگی مضاعف خواهد شد (محمدیان، ۱۳۹۰: ۹۷).

۳-۱-۷. ختنه

ختنه نوزاد پسر از توصیه‌های مؤکد دینی است. امام رضا (ع) با گزارش: «اُخْتِنُوا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ، فَإِنَّهُ أَطْهَرُ، وَأَسْرَعُ نَبَاتًا لِلْحَمِّ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۳۱؛ داود بن سلیمان، ۱۴۱۸ق: ۱۵۰؛ عطاردی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۲۷۸)، پای فشرده که فرزندان را در روز هفتم ختنه کنید؛ زیرا ختنه باعث پاکی بیشتر و رشد پرشتاب‌تر آنان می‌شود. در ختنه، پوست اضافی که در کلاهدک مجاری ادرار و آلت تناسلی نوزاد وجود داشته برداشته می‌شود و در نتیجه تغییر اساسی در ظاهر آلت تناسلی نوزاد به وجود می‌آید. ناصر سیم فروش از پزشکان متخصص کودک نوشته است: در بسیاری از کشورها انجام ختنه امری شایع است، حتی در آمریکا حدود ۸۰ درصد نوزادان پسر ختنه می‌شوند. اهمیت ختنه درباره کاهش عفونت ادراری در مطالعات متعدد، ذکر شده است. به علاوه انجام ختنه بر پیشگیری از سرطان تناسلی مردان به اثبات رسیده است. مطالعات متعدد نشان داده است که ختنه باید در دوران نوزادی انجام گیرد. تاخیر در

انجام ختنه، موجب می‌گردد تا منافع انجام ختنه چون پیشگیری از عفونت‌های ادراری در دوران نوزادی و کودکی و عوارض آن چون بیماری‌های کلیوی ایجاد نشود. مطالعات نشان داده در صورتی ختنه در پیشگیری از سرطان‌های دستگاه تناسلی سودمند خواهد بود که در دوران نوزادی انجام شود. به‌علاوه انجام ختنه در دوران نوزادی فواید دیگری نیز دارد از جمله اینکه در دوران نوزادی ترمیم نسجی عالی است و تقریباً هم‌زمان با افتادن بند ناف زخم ختنه نیز جوش می‌خورد و احتمال عفونت ختنه در این زمان ناچیز است؛ زیرا هم آنتی کورهای مادر در خون بیچه وجود دارد و هم این ناحیه پر خون در برابر عفونت کاملاً مقاوم است. به‌علاوه انجام ختنه نوزادی استرس روحی را که در انجام ختنه در سنین بالاتر برای کودک ایجاد می‌نماید نیز ندارد (سیم فروش، ۱۳۹۰: ۱۲۳-۱۳۰).

۲-۳. روش‌های زمینه‌ساز تربیت در دیگر مراحل زندگی کودک

امام رضا علیه السلام در سیره نظری و عملی خود به انجام برخی امور در راستای تربیت کودک تأکید کرده‌اند:

۱-۲-۳. تغذیه سالم

هرچند در تربیت اسلامی، پرورش بعد معنوی آرمان بنیادین و فرجامین است؛ ولی دستیابی به آن در پرتو داشتن جسمی سالم امکان‌پذیر است. چون انسان، موجودی است متشکل از جسم و روح، از این‌رو، در تربیت وی نباید با پرداختن به یکی، از دیگری غفلت ورزید. کمال انسان در تعادل و توازن اوست (مطهری، ۱۳۷۲: ۴۲). تغذیه مناسب افزون بر جسم، بر خلق و خوی انسان نیز تأثیرگذار است. وجود برخی مواد مغذی در بدن به اندازه‌های شایان است که نبود آن، کارکرد مغز را تحت تاثیر قرار می‌دهد. تغذیه سالم، بر شادابی، طولانی شدن عمر، کاهش ابتلا به بیماری‌ها و جلوگیری از پیری زودرس تأثیرگذار است. از این‌رو، در سیره امام رضا علیه السلام، علاوه بر پیشرفت روحی کودک، بر پایش تغذیه سالم و مقوی فرزند، نگاه ویژه شده است. بی‌تردید امام در صورت امکان انواع میوه‌ها را تهیه می‌کرده و به فرزندش می‌خورانیده است. ابویحیی صنعانی در گزاره «دَخَلْتُ عَلِيَّ أَبِي الْحَسَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَبْنِيَّ وَأَبُو جَعْفَرٍ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلِيَّ فَخَذَهُ وَهُوَ يَقْشَرُ لَهُ مَوْزاً وَيُطْعِمُهُ»، می‌گوید در منی بر امام رضا علیه السلام وارد شدم، در حالی که جواد علیه السلام در دامان وی نشسته بود و حضرت موز را به او پس از پوست کندن می‌خورانید (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۶: ۳۶۰؛ عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۳۴۶). روایت حاوی خوراندن موز است که در برخی مناطق جهان در آن زمان و این زمان، در دسترس همگان بوده است و دال بر اشرافیت نیست. بررسی‌های متخصصان تغذیه نشان می‌دهد که موز در سم‌زدایی بدن، بینایی، پرمایه کردن خون، کاهش فشار خون، سرطان‌زدایی، محافظت از بیماری‌های مزمن، تقویت استخوان‌ها، تنظیم کُنش دفع، تسهیل گوارش، کاهش سطح کلسترول زیان‌آور، تثبیت قند خون، بازسازی زخم‌ها، عضله‌سازی، درمان بی‌خوابی، کاهش دلهره، چربی‌سوزی و کاهش آماس شکم، تأثیر دارد (صبوخی، ۱۴۰۰: ۵۵-۵۴).

۳-۲-۲. توجه ویژه به نماز

در قرآن بیش از ۱۲۲ آیه درباره نماز وارد شده که حاوی اهمیّت این دستور است. همچنین در احادیث پیشوایان گاهی نماز به منزله سر در بدن معرفی شده و گاه یکی از پایه‌های پنج‌گانه دین به‌شمار آمده است. پیامبر ﷺ نماز را نور چشم خود می‌داند (مجلسی، ج ۷۹: ۱۹۳) یا آن را به‌سان معشوقه‌ای توصیف می‌کند که هم‌صحبتی با او هر سختی را گوارا می‌سازد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲: ۸۳). نماز، فروغ چشمی است که سایر اندام‌ها با آن، راه خود را می‌یابند و ترازویی است که همه اعمال با آن سنجیده می‌شود (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۵) نماز اولین عملی است که در رستخیز بررسی می‌شود و کسی که پیمان‌هاش را بر ندارد در روز واپسین، اعمالش را چگونه محاسبه خواهند کرد؟ (مالک بن انس، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۱۷۳؛ ابن حنبل، ج ۴: ۱۰۳؛ کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۲۶۸).

امام رضا ﷺ در عبارت «يُوْخَذُ الْعِلْمُ بِالصَّلَاةِ وَ هُوَ ابْنُ سَبْعِ سِنِينَ» (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۳: ۴۳۶؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۰: ۲۲۹)، سفارش می‌کنند که چون پسر به هفت سالگی رسید، او را به خواندن نماز وادار کنید. حسن بن قارون گوید: شخصی از امام رضا ﷺ پرسید: فرزندی، یکی دو روز نماز نمی‌خواند، آیا می‌توان او را مجبور کرد؟ حضرت فرمود: چند ساله است؟ گفت: هشت ساله. حضرت باتعجب پرسید: سبحان الله! بچه هشت ساله نماز نمی‌خواند؟! آن مرد گفت: «يُصِيبُهُ الْوَجَعُ؛ بیماری دارد» حضرت فرمود: «يُصَلِّي عَلَى نَحْوِ مَا يَقْدِرُ؛ هر مقدار که می‌تواند نماز بخواند» (ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱: ۲۸۰؛ بروجردی، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۴۴)؛ بنابراین در هفت سالگی، پدر و مادر می‌باید، فرزند خود را با نماز که بنیاد دین است، آشنا کنند و به‌وسیله تشویق و مراقب‌های پی‌درپی سعی کنند وی را به نماز عادت دهند. در میان آموزه‌های دینی، «نماز» در برپایی بهداشت روانی و نشاط و امید نقش اساسی دارد. از نظر روان‌شناسان، بیشتر بیماری‌های روانی در میان افراد غیر مذهبی دیده می‌شود. افراد به هر نسبت که ارتباط محکم‌تری با خدا داشته باشند، از بیماری روانی دورتر هستند. در تحقیقی که بین دانشجویان نمازخوان و دانشجویانی که نماز نمی‌خوانند، انجام گرفته، تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنا که نماز موجب سلامت جسمی، روانی و اجتماعی می‌گردد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۲، ج ۱: ۲۲۳). نتیجه پژوهش دیگری نشان داد که همبستگی دو متغیر نماز و اضطراب با اطمینان ۰/۹۹. معکوس است؛ یعنی آن دسته از افرادی که نماز می‌خوانند، اضطراب کمتری دارند. در بررسی‌هایی که درباره خودکشی صورت گرفته به این نتیجه رسیدند که اعتقادات مذهبی به برطرف کردن این مشکل کمک شایانی می‌کند (همان: ۱۶۴). الکسیس کارل گفته است: «نماز عامل نشاط معنوی است.» سرت بوت، روان‌شناس انگلیسی می‌نویسد: «ما می‌توانیم به‌وسیله نماز به انباری بزرگ از نشاط عقلانی گام نهیم، منطقه‌ای که در شرایط عادی توان رسیدن به آن را نداریم» (همان: ۱۰۶).

۳-۲-۳. آموزش قرائت قرآن

پیامبر ﷺ در حدیث: «وَوَحَّى الْقَوْلَ عَلَى وَالِدِهِ... وَ يُعَلِّمُهُ كِتَابَ اللَّهِ» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۱: ۴۸۱)،

فرموده‌اند از مسئولیت‌های برجسته پدر و مادر و حقوق فرزندان، آشنا کردن آنان با قرآن و قرائت آن است. امام رضا علیه السلام نیز در حدیث «اجعلوا لیبوتکم نصیباً من القرآن فإن البیت إذا قرئ فیهِ تیسر علی أهله و کثر خیره و کان سکنه فی زیاده» (حلی، ۱۴۰۷، ق: ۲۶۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۸۹: ۲۰۰)، با کنایه در اهمیت آن فرموده‌اند: خانواده خود را بهره‌مند از قرآن، قرار دهید؛ زیرا در خانه‌ای که قرآن خوانده شود، گشایش برای ساکنان آن فراهم آید و خیرش فراوان و اهل خانه در برکت و فزونی باشند. بی‌گمان روی آوردن به سنت‌های مذهبی همچون قرائت قرآن می‌تواند پیوندهای عاطفی و فضای روان‌شناختی خانواده را تحت تأثیر قرار دهد. گاهی ابراز عواطف در خانه‌ای پایدار است، ولی گویا احساس آرامش از آن رخت بر بسته و این بدان دلیل است که اهل خانه از یاد خداوند و ارتباط با عالم ملکوت، اعراض کرده‌اند.

۳-۲-۴. آشنایی با مکتب اهل بیت علیهم السلام

یکی از رسالت‌های پدر و مادر، آشنا کردن فرزندان با مکتب اهل بیت علیهم السلام است که در حدیث غدیر و سلسله الذهب به پیوند توحید و امامت اشاره شده است. امام رضا علیه السلام در حدیث: «رحم الله عبداً حیاً امرنا فقلت له و کیف یحیی امرکم قال یتعلم علوماً الناس فإن الناس لو علموا محاسن کلامنا لا یتبعونا» (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۷۵؛ ۱۳۶۱: ۱۸۰)؛ درخواست رحمت می‌کند برای کسانی که معارف و علوم اهل بیت را فرا می‌گیرند و آن را به دیگران می‌آموزند و از این رهگذر مکتب تشیع را زنده نگه می‌دارند. امام ادامه می‌دهد: اگر مردم مزایا و محاسن کلام ما را بشناسند، از ما خاندان رسالت، پیروی خواهند کرد. برای تبیین گستره علوم اهل بیت به‌عنوان نمونه اشاره می‌شود، «الکافی» کلینی (۳۲۸-۲۵۸ق) در بردارنده «۱۶۱۹۹» حدیث است که از مجموعه اخبار صحاح سته اهل سنت بیشتر است؛ همچنین «عیون أخبار الرضا» از شیخ صدوق حاوی ششصد حدیث منتخب و «مسند الامام الرضا» از عطاردی، مشتمل بر دوهزار چهار صد و پنجاه روایت امام رضا علیه السلام در عرصه‌های گوناگون هستند.

۳-۲-۵. ادب آموزی

اساس و نشان شخصیت انسان، ادب اوست. تمایلات کودکان چون اسب‌های رم کرده‌ای هستند که مهار آن با اندیشه سطحی آنان، امکان ندارد. کودکان نمی‌توانند راجع به خود بیندیشند و منافع و زیان‌های خویش را با نظری صائب تجزیه و ریشه‌یابی کنند. والدین و مربی باید احساسات آنان رهبری و آنان را به روش درست زندگی آشنا و ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها را تبیین کنند. رابطه خرد و ادب تنگاتنگ و متقابل و می‌توان گفت ادب به یک معنا رهاورد عقل است. امام علی علیه السلام در گزاره: «الأدب تلقیح الأفهام و نتائج الأذهان» (کراچی، ۱۳۶۹: ۱۴۷؛ نمازی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۷۸)، ادب و رفتارهای انسان را ثمره نگاه‌ها و نتیجه بعد عقلانی و ذهنی او می‌داند؛ در حدیث «إن بدوی العقول من الحاجة إلى الأدب كما يظلم الزرع إلى المطر» (لیثی الواسطی، ۱۳۷۶: ۱۵۱)، تصریح شده که

ادب موجب شکوفایی و رشد عقل است و نیاز خردمند به ادب، مانند نیاز گیاه به آب است و عقل آن‌گاه، کارساز خواهد بود که همراه با رفتار نیکو باشد و ادب از آن نشئت بگیرد. عقلی که در کنارش ادب نباشد، با نبود عقل تفاوتی ندارد. پیامبر (ص) در حدیث: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرُ لَكُمْ» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱: ۲۵۴؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۴۵۶) بیان می‌کند به فرزندان خود احترام گذارید و آنان را آداب نیکو بیاموزید تا آمرزیده شوید. امام رضا (ع) در حدیث «مُرِّ الصَّبِيَّ فَلْيَتَصَدَّقْ بِيَدِهِ بِالْكَسْرَةِ وَالْقُبْضَةِ وَالشَّيْءِ وَإِنْ قَلَّ...» می‌فرماید به کودک دستور دهید که با دست خودش صدقه بدهد، اگرچه به اندازه تکه‌نانی یا یک مشت چیز اندک باشد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵: ۵۸۲). ایشان همچنین در حدیث: «وَأَلْعَلُّ حَبَاءً مِنَ اللَّهِ وَالْأَدَبُ كُلْفَةٌ فَمَنْ تَكَلَّفَ الْأَدَبَ قَدَّرَ عَلَيْهِ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۳؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۴۴۸)، عقل را بخشش الهی قلمداد کرده و ادب را برآیند رنج و تلاش و معتقد است آن کس که در راه فراگیری ادب به دشواری تن در دهد، سرانجام مؤدب می‌شود. بی‌تردید کودکان وقتی مؤدب می‌شوند که والدین نماد آن باشند. امام خمینی گفته است: «چون اطفال را حشر دایم یا غالب با پدر و مادر است، تربیت‌های آن‌ها باید عملی باشد؛ یعنی اگر فرضاً خود پدر و مادر به اخلاق حسنه و اعمال صالحه متصف نیستند، در حضور طفل با تکلف، خود را به صلاح نمایش دهند تا آن‌ها عملاً مربی شوند و این خود شاید مبدأ اصلاح خود پدر و مادر نیز شود» (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۵۵).

۳-۲-۶. ستودن کارهای مثبت

حب ذات از امیال ریشه‌دار انسان است. اگر کسی بتواند این غریزه را در کودکی سرشار سازد، دلبستگی او را به خود جلب و راه را برای دوستی هموار کرده است. یکی از راه‌های اثبات این غریزه، ستودن است. پدر و مادر و مربیان اگر از رفتارهای ارزنده فرزند و متربی‌قردانی کنند، محبت آنان را به سوی خودشان جلب می‌کنند و با ایجاد دوستی، آینده‌ای روشن را برایشان ترسیم خواهند کرد. از امام رضا (ع) نقل شده که امام کاظم (ع) در پیشگاه پدرش، سخنی گفته که باعث سرور و شادی وی شد. آن‌گاه امام صادق (ع) با گزاره: «يَا بُنَيَّ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَكَ خَلْفًا مِنَ الْآبَاءِ وَ سُرُورًا مِنَ الْأَبْنَاءِ وَعَوْضًا عَنِ الْأَصْدِقَاءِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۲: ۱۳۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۸: ۲۴؛ عطاردی، ۱۴۰۶، ج ۱: ۱۵۴)، او را مورد خطاب قرار داد و در مقام تشویق از فرزند خود فرمود: ای فرزندم! سپاس خدای را، تو با این شایستگی که از خود نشان می‌دهی، بهترین جانشین، بهترین فرزند، مایه شادی و چشم‌روشنی و بهترین یار و مونس پدر به‌جای دوستان او هستی.

۳-۲-۷. مجاورت و شرطی‌سازی

نظریه‌پردازان علوم روان‌شناسی و تربیتی بر این باورند که شرطی‌سازی یکی از روش‌های کارآمد در ایجاد زمینه‌های رشد و ساختن سجایای پسندیده در کودکان و نوجوانان و تربیت آنان در رسیدن به اهداف پرورشی است؛ به‌علاوه شرطی شدن، ابزاری است برای یادگیری اجتماعی و مهار خود (هنری

ماسن، ۱۳۸۰: ۴۳۱). به‌عنوان نمونه، ربط دادن خوشی‌ها و شادکامی‌های زندگی با اهداف دلخواه والدین و مریبان، می‌تواند متریبان را به گونه غیرمستقیم به سوی خواسته‌های مد نظر مریبان، سوق دهد. امام رضا علیه السلام در گزاره: «بِرُّوا أَهْلِيكُمْ وَ أَوْلَادَكُمْ جُمِعَهُ» (ابن بابویه، ۱۴۰۶ ق: ۴۰۷؛ نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۶: ۲۸۹) به این روش پرداخته است. گرچه نیکی کردن به خانواده همیشه خوب است، ولی امام علیه السلام که به نیکی کردن در روز آدینه تأکید می‌کند، برای این است که در روز جمعه انجام اعمالی مانند نماز جمعه و صلح رحم و ... توصیه شده که همراه با نوعی صعوبت است و مدیر خانواده می‌تواند با توسعه بیشتر رفاه خانواده، نشاط را به کانون خانواده به ارمغان آورد و به‌گونه غیرمستقیم خواسته‌های تربیتی اسلامی خود را تحقق دهد. به‌علاوه جمعه یکی از اعیاد مسلمین است و خانواده یک فرد مسلمان باید خاطره خوش از آن داشته باشد (پاک‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۸).

۳-۲-۸. پایبندی به وعده‌ها

یکی از امور بایسته که در استحکام بنای خانواده و برپایی حس همکاری میان اعضای آن، نقش اساسی را بر دوش دارد، پایبند بودن به تعهدهاست. پدر و مادری که به وعده و وعیدهای داده شده، عمل می‌کنند، اعتماد کودک را جلب می‌کنند. این اقدام و کنش، به روابط خانوادگی ارزش می‌بخشد؛ روان فرزندان را متوجه درستی این صفت می‌کند و زمینه مساعدی برای پیشرفت و به ثمر رساندن برنامه‌های زندگی را فراهم می‌کنند؛ زیرا در سایه عمل به وعده‌ها، اعتماد متقابل بین اعضای خانواده حفظ می‌شود و پشتوانه همکاری‌های گوناگون در سطح وسیع خواهد شد.

امام رضا علیه السلام در روایت: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَرِي مَا وَعَدْنَا عَلَيْنَا دِينًا كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۴۴۶؛ نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۸: ۴۵۸)، پای فشرده که ما خاندانی هستیم که وعده‌ها را همسان قرضی می‌دانیم که ادای آن لازم است، همان‌طور که پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این چنین رفتار می‌کرد. امام علیه السلام به سلیمان جعفری گفت: «أَتَدْرِي لِمَ سُمِّيَ إِسْمَاعِيلُ صَادِقَ الْوَعْدِ؟ قُلْتُ: لَا أَدْرِي، قَالَ: وَعَدَ رَجُلًا فَجَلَسَ لَهُ حَوْلًا يَنْتَظِرُهُ»؛ آیا می‌دانی چرا اسماعیل را صادق الوعد خواندند؟ عرض کرد: نمی‌دانم. امام فرمود: با مردی وعده گذاشته بود و تا یک سال در انتظار او باقی ماند (ابن بابویه، ۱۳۸۵ ق، ج ۱: ۷۷: ۱۳۶۰: ۵۰؛ حرعاملی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۲: ۱۶۵).

۳-۲-۹. تنبیه بجا و مرحله‌ای

تنبیه را می‌توان یکی از روش‌های بازسازی و تغییر رفتار انگاشت. اتکینسون می‌نویسد: «تنبیه روشی برای کاهش نیرومندی پاسخ از طریق ارائه گونه‌ای محرک آزارنده به هنگام ظهور آن پاسخ است» (اتکینسون و همکاران ۱۳۸۵: ۶۹۸). تنبیه به گفتاری و فیزیکی تقسیم می‌شود. تنبیه کلامی از درجه بسیار ملایم و به‌شیوه یک تذکر پس از بروز رفتار نامناسب تا نكوهش بسیار شدید مانند توهین، سرزنش، تحقیر و ... در نوسان است. نتایج بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نكوهش کلامی ملایم، اثر سودمندتری نسبت به توبیخ کلامی بسیار شدید دارد (غضنفری، ۱۳۸۳: ۵). می‌توان با نگاه

عتاب‌آمیز یا گوشزد ساده‌زبانی، شخص خاصی را متنبه ساخت و در مراحل واپسین، تنبیه بدنی را هم به کار بست. «موریس» معتقد است که در مواقع نادری باید از تنبیه بدنی استفاده کرد (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۱۳۰). از رسول (ص) نقل است: نماز را در هفت سالگی به کودک یاد دهید و در ۱۰ سالگی او را بر ترک نماز، تنبیه کنید (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶: ۴۴۰).

امام رضا (ع) در همه موارد از تنبیه کلامی شدید، به شدت پرهیز می‌کردند. ابراهیم بن عباس گوید: «هرگز امام رضا (ع) را ندیدم کسی را با سخنش آزار دهد یا به خدمه و بردگانش ناسزا گوید» (ابن بابویه ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۹۷؛ اربلی، ج ۲: ۳۱۶). با این همه امام رضا (ع) مخالف تنبیه گفتاری نبوده و به بهره‌گیری بجا از درجات و گونه‌های مختلف آن توجه می‌نمود. به ذکر نمونه‌ای که عام است، اشاره می‌کنیم. سلیمان بن جعفر جعفری نقل می‌کند: همراه امام رضا (ع) بودم، هنگامی که خواستم به خانه برگردم، امام فرمود: امشب را پیش من باش، در نتیجه هنگام غروب وارد منزل ایشان شدیم که بردگان مشغول کار بنایی بودند و غلامی سیه‌چرده هم با آنها بود که از جمله خدمتگزاران نبود. حضرت پرسید: وی کیست؟ پاسخ دادند: کارگری است که مزد وی را خواهیم داد. پرسید: دستمزدش را تعیین کرده‌اید؟ گفتند: خیر! امام بسیار خشمگین شد. عرض کردم: چرا خشمگین شدید؟ فرمود: بارها آنها را از اینکه کسی را پیش از تعیین دستمزدش به کار گیرند، نهی کرده‌ام. هر کارگری که بدون تعیین مزد، کاری را انجام دهد، اگر سه برابر آنچه مزدش است، دریافت کند، گمان می‌کند که از اجرتش کاسته‌ای و هنگامی که مزدش را تعیین کنی سپس آن مزد را پرداخت کنی، تو را به پاس وفای به عهده می‌ستاید و اگر ذره‌ای بر آنچه تعیین کرده بودی، بیفزایی می‌فهمد که تو افزوده‌ای (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۲۸۸؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷: ۲۱۲). البته روش کلی امام رضا (ع) این بود که تا حد امکان از تنبیه خودداری و خطاکار را می‌بخشیدند و هرگاه در برابر افرادی که به وی ستم و یا توهین کرده بودند، قرار می‌گرفت، با دم فروبندی خود، آنان را شرم‌نده می‌ساخت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۹: ۲۱۷). ایشان تفسیر آیه «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» (حجر، ۸۵) را بخشیدن بدون سرزنش دانسته‌اند (ابن بابویه، ۱۴۱۷ق: ۱۳۱؛ ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۲۶۴؛ ۱۳۶۱: ۳۷۳).

۴. نتیجه‌گیری

الف. انسان معاصر با وجود پیشرفت‌های سترگ در علوم تربیتی و روان‌شناسی، با دشواری‌های پرشماری در حوزه تربیت متعالی کودکان، روبه‌روست. بی‌تردید از پشتوانه‌های شایسته اعتماد در این عرصه، رویکردها و دیدگاه‌های ائمه اطهار (ع) است که مطابق خواست تکوینی و تشریحی خداوند انجام گرفته و از همین رهگذر، سند و حجت شرعی به حساب می‌آید. در این میان، سیره نظری و عملی امام رضا (ع)، مشحون از رهنمودها و پیشنهادهای زمینه‌ساز تربیت کودکان است. امام رضا (ع) افزون بر بیان اصول و روش‌های تربیتی کودکان، آنها را نیز به کار بسته است.

۲. روش‌های زمینه‌ساز برای تربیت کودکان از دیدگاه امام رضا (ع) مشتمل بر روش‌های زمینه‌ساز قبل

از تولد و بعد از تولد است. جستار حاضر بر روش‌های زمینه‌ساز تربیت کودک بعد از مرحله تولد، متمرکز است که خود به دو بخش تقسیم می‌شود؛ اموری مانند انتخاب شیردهنده خردمند و تندرست، گفتن اذان و اقامه در گوش کودک، گزینش نام نیک، عقیقه، صدقه دادن به سنگینی موی سر و ختنه، جزو تکالیف هفته نخست تولد است. اموری مانند امر به نماز، آموزش قرآن، آشنایی با آموزه‌های مکتب اهل بیت، ادب‌آموزی، ستودن کارهای مثبت، شرطی‌سازی، پابندی به وعده‌ها و تنبیه بجا، جزو روش‌هایی است که در سایر مراحل زندگی کودک، پیگیری می‌شود. در عین حال امام رضا علیه السلام در موضوع تربیت، اصول ناهمسان بودن کودکان، تکریم فزون‌تر کودک با نام ارزشی، مهرورزی و عدالت ورزی را مورد توجه ویژه قرار داده است.

۳. اگر نظام تعلیم و تربیت ما متأثر و همگام با سیره گفتاری و رفتاری امام رضا علیه السلام باشد، به طور حتم، فرآورده آن جوانانی مؤمن و آرمان‌گراست که افزون بر شادکامی از انوار ملکوتی و معنوی نیز بهره‌مند می‌شوند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

ابن ابی جمهور احسائی، محمد. (۱۴۰۵ ق). *عوالی اللئالی*. تحقیق: مجتبی عراقی. قم: دار سیدالشهدا للنشر.

ابن ابی الحدید، عبد الحمید. (۱۴۰۴ ق). *تشرح نهج البلاغه*. قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
ابن بابویه، علی بن الحسین. (۱۴۰۶ ق). *فقه الرضا*. تحقیق: مؤسسه آل‌البتی علیهم السلام. مشهد: المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۷ ق). *الأمالی*. قم: مؤسسه البعثه.

_____ (۱۳۹۸ ق). *التوحید*. تحقیق: هاشم حسینی. قم: جامعه مدرسین.

_____ (۱۳۸۵ ق). *علل الشرائع*. تحقیق: محمد صادق بحر العلوم. نجف اشرف:

منشورات المکتبه الحیدریه.

_____ (۱۴۰۴ ق). *عیون اخبار الرضا*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

_____ (۱۳۶۱). *معانی الأخبار*. تعلیق: علی اکبر غفاری. قم: مؤسسه النشر

الإسلامی.

_____ (۱۳۶۳). *من لا یحضره الفقیه*. قم: انتشارات جامعه مدرسین.

ابن حنبل، أحمد. (بی‌تا). *مسند أحمد*. بیروت: دار صادر.

ابن حیون، نعمان بن محمد. (۱۴۰۹ ق). *تشرح الأخبار فی فضائل الأئمه الأطهار علیهم السلام*. تحقیق:

محمد حسین حسینی جلالی. قم: جامعه مدرسین.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۳۶۳). *تحف العقول*. تحقیق: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۶۹ق). *متشابه القرآن و مختلفه*. قم: انتشارات بیدار.
- ابوالقاسمی، شهنام؛ داودی، تمنا. (۱۳۸۹). «تنبیه از دیدگاه روان‌شناسی و اسلام». *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*. سال دوم. شماره دوم. پاییز و زمستان. صص: ۱۲۷-۱۴۲.
- اتکینسون، ریتال آل و همکاران. (۱۳۸۵). *زمینه روان‌شناسی هیلگارد*. ترجمه: محمدتقی براهنی و همکاران. تهران: انتشارات رشد.
- احدی، حسن؛ بنی جمال، شکوه السادات. (۱۳۸۵). *روان‌شناسی رشد*. تهران: شرکت پردیس.
- اریلی، علی بن عیسی. (بی‌تا). *کشف الغمه فی معرفه الائمه*. بیروت: دارالأضواء.
- اردستانی، محمد علی. (۱۳۸۸). *رفعت حکمت* (اندیشه نامه آیت‌الله سیدابوالحسن رفیعی قزوینی). تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- اسماعیلی یزدی، عباس. (۱۳۸۵). *فرهنگ تربیت*. قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.
- اشعری، زهرا؛ باقری، خسرو؛ حسینی، افضل السادات. (۱۳۹۱). «بررسی مفهوم، اصول و روش‌های تربیت معنوی از دیدگاه علامه طباطبائی». *تربیت اسلامی*. دوره ۷. شماره ۱۵. صص: ۸۹-۱۱۲.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۵). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. تهران: انتشارات مدرسه.
- بروجردی، سید حسین. (۱۴۱۲ق). *جامع احادیث الشیعه*. قم: منشورات مدینه العلم.
- بیات، اسدالله. (۱۳۶۸). *انسان در قرآن*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- پاک نیا، عبدالکریم. (۱۳۸۴). *ویژگی‌های امام رضا (ع)*. قم: نسیم کوثر.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۴۲). *نهج الفصاحه*. تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد. (۱۳۶۶). *غرر الحکم و درر الکلم*. تحقیق: مصطفی درایتی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۲). *نقش دین در بهداشت روان* (مجموعه مقالات). قم: دفتر نشر معارف.
- حجتی، سید محمد باقر. (۱۳۷۴). *اسلام و تعلیم و تربیت*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البتیت لإحياء التراث.
- حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۹ق). *سرائع الإسلام*. تحقیق: السید صادق الشیرازی. چاپ دوم. طهران: انتشارات استقلال.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۸ق). *مختلف الشیعه*. قم: المشرفة: مؤسسه النشر الإسلامی.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸). *شرح حدیث «جنود عقل و جهل»*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- داود بن سلیمان غازی. (۱۴۱۸ق). *مسند الرضا (ع)*. قم: مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی.
- رضی، محمد بن الحسن، *نهج البلاغه*. (۱۴۲۹ق). تحقیق: صبحی صالح. تهران: دارالأسوه للطباعة

و النشر.

سیم فروش، ناصر. (۱۳۹۰). «فواید ختنه نوزادی: مروری بر گذشته و امروز». *طب سنتی اسلام و ایران*. دوره ۲، شماره ۲(۶). صص: ۱۲۳- ۱۳۰.

شرفی، محمدرضا. (۱۳۸۱). *تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های امام خمینی*. تهران: نشر پنجره.

شریعتمداری، علی. (۱۳۶۷). *روان‌شناسی تربیتی*. چاپ سوم. تهران: انتشارات امیرکبیر.

شریف القریشی، محمد باقر. (۱۳۸۲). *پژوهشی در زندگانی امام علی بن موسی الرضا*. ترجمه: محمد صالحی. تهران: دارالکتب اسلامی.

شوشتری، محمد تقی. (۱۴۰۶ق). *النجعة فی شرح اللمعة*. تهران: کتابفروشی صدوق.

صبوحی، احمد رضا. (۱۴۰۰). «خواص و ارزش‌های تغذیه‌ای موز». *بهورز*. دوره ۳۲، شماره ۱۱۰. دانشگاه علوم پزشکی سبزوار.

صمدی، معصومه. (۱۳۸۵). «بررسی چگونگی روش مطلوب تربیتی والدین با فرزندان براساس آموزه‌های تعلیم و تربیت اسلامی». *مصباح*. فروردین و اردیبهشت، شماره ۶۲، صص: ۱۳۷-۱۶۰.

طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۹۳ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). *الإحتجاج علی اهل اللجاج*. تحقیق: محمدباقر خراسان. مشهد: مرتضوی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۷ق). *إعلام الوری بأعلام الهدی*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۶۵). *تهذیب الأحکام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

طیب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. چاپ دوم. تهران: اسلام.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور الثقلین*. تحقیق: رسولی محلاتی. قم: اسماعیلیان.

عطاردی، عزیزالله. (۱۴۰۶ق). *مسند الامام الرضا*. مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیهم السلام.

علم الهدی، علی بن حسین. (۱۹۹۸م). *أمالی المرتضی*. تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دار الفكر العربی.

عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). *تفسیر العیاشی*. تحقیق: هاشم رسولی محلاتی. تهران: المطبعة العلمیة.

غضنفری، احمد؛ ریاحی، حمیدرضا. (۱۳۸۳). «تأثیر تنبیه بر عزت نفس دانش آموزان». *دانش و*

- پژوهش در علوم تربیتی.** شماره سوم. صص: ۱-۱۴.
- فایضی، علی. (۱۳۷۹). **تربیت، روش‌ها و اخلاق.** تهران: طراحان نشر.
- فرمهبینی فراهانی، محسن. (۱۳۹۰). **تربیت در نهج البلاغه.** تهران: آبیژ.
- فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۳۸۱). **اخلاق حسنه.** ترجمه محمدباقر ساعدی. تهران: انتشارات پیام عدالت.
- _____ . (۱۳۷۱). **نوادرات الأخبار فی ما یتعلق بأصول الدین.** تحقیق: مهدی انصاری. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- _____ . (۱۴۰۶ق). **الوافی.** اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی(ع).
- قنادان، منصور و ناهید مطیع و هدایت الله ستوده (۱۳۷۶). **جامعه‌شناسی** (مفاهیم کلیدی). تهران: آوای نور.
- کمپانی زارع، مهدی. (۱۳۸۷). «امامت در مکتب عالم آل محمد ﷺ: سیری در بیانات امام رضا(ع) در مسئله امامت». **اطلاعات حکمت و معرفت.** سال سوم. آبان ۱۳۸۷. ش ۸ (۳۲). صص: ۴۲-۴۷.
- قیومی، جواد. (۱۳۷۳). **صحیفه الرضا(ع).** قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- کراجکی، محمد بن علی. (۱۳۶۹). **کنز الفوائد.** چاپ دوم. قم: مکتبه المصطفوی.
- کوئن، بروس. (۱۳۹۰). **درآمدی بر جامعه‌شناسی.** ترجمه: غلامعباس توسلی و رضا فاضل. تهران: انتشارات سمت.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). **الکافی.** تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لیثی الواسطی، علی بن محمد. (۱۳۷۶). **عیون الحکم والمواعظ.** تحقیق: الحسینی البیرجندی. قم: دار الحدیث.
- مالک بن انس. (۱۴۰۶ق). **الموطأ.** تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- متقی هندی، علی. (۱۴۰۹ق). **کنز العمال.** بیروت: مؤسسه الرساله.
- محمدیان، بهرام. (۱۳۹۰). **نگاهی دیگر به حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام.** چاپ چهارم. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- مختاریان، طاهره و داریوش فرهود، مریم مال میر و طیبه مختاریان. (۱۳۹۶). «ضرورت اخلاقی تغذیه با شیر مادر و پابندی به حقوق نوزادان». **اخلاق در علوم و فناوری.** سال دوازدهم. شماره ۱. صص: ۹-۵.
- مزلو، آبراهام. (۱۳۶۷). **روان‌شناسی شخصیت سالم.** ترجمه شیوا رویگریان. تهران: انتشارات گلشایی.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). **بحار الأنوار.** بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲). **انسان کامل.** تهران: انتشارات صدرا.

مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). *تصحیح اعتقادات الإمامیه*. تحقیق: حسین درگاهی. قم: کنگره شیخ مفید.

نجازادگان، فتح الله. (۱۳۸۸). *رهیافتی بر اخلاق و تربیت اسلامی*. قم: دفتر نشر معارف اسلامی.

نصری، عبدالله. (۱۳۶۸). *انسان از دیدگاه اسلام*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

نمازی شاهرودی، علی. (۱۴۱۹ق). *مستدرک سفینه البحار*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. چاپ دوم. قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.

هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله. (بی تا). *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*. تحقیق: ابراهیم میانجی. تهران: مکتبه الإسلامیه.

هنری ماسن، پاول و همکاران. (۱۳۸۰). *رشد و شخصیت کودک*. ترجمه: مهشید یاسایی. چاپ هفدهم. تهران: نشر مرکز.

References

- Abul-Ghasemi, Shahnam, Davoodi, Tamanna. 2010. Punishment from the perspective of Psychology and Islam. *Islam and Educational Researches*, 2: 127-142. [inpersian]
- Ahadi, Hassan, Bani Jamal, Shokooch Sadat. 2006. *Psychology of Development*. Tehran: Pardis. [inpersian]
- Alam al-Hoda, Ali ibn Hussain. 1998. *Amali al-Mortaza*. Research: Muhammad abulfazl Ebrahim. Cairo: Dar al-Fekr Arabi. [inArabic]
- Arbali, Ali ibn Issah. *Kashf al-Ghame fi Ma'refat al-A'emeh*. [inArabic]
- Ardestani, Muhammad Ali. 2009. *The Height of Hekmah: Ayat al-Allah Seyyed Abul-Hassan Qazvini*. Tehran: Publications of Culture and Islamic Thought Research Center. [inpersian]
- Aroosi Huveizi, Abd Ali ibn Jom'eh. 1997. *Tafir nor al-Thaghaleyn*. Research: Rasooli Mahalati. Qom: Esma'ilian. [inArabic]
- Ashari, Zahra, Bagheri, Khosrow, & Hussaini, Afzal al-Sadat. 2012. The study of meanings, principles, and methods of spiritual training from Allameh Tabatabae's perspective. *Islamic Education*, 7(15): 89-112. [inpersian]
- Atarodi, Aziz Allah. 1985. *Musand al-Imam Reza*. Mashhad: The Universal Congress on Imam Reza. [inArabic]
- Atkinson, Retalal, et al. 2006. *Hilgard's Introduction to Psychology*. Trans. Muhammad Taghi Baraheni et al. Tehran: Roshd. [inpersian]
- Ayyashi, Muhammad ibn Masood. 1960. *Tafsir al-Ayyashi*. Research: Hashim Rasooli Mahallati. Tehran: Al-Matba'e Elmyeh. [inArabic]
- Bagheri, Khosrow. 2006. *A New Look at Islamic Training*. Tehran: Madreseh. [inpersian]

- Bayat, Asad al-Allah. 1989. *Man in the Quran*. Tehran: Jahad Daneshgahi Publications. [inpersian]
- Brujerdi, Seyyed Hussain. 1991. *Collection of Shi'ite Hadiths*. Qom: Manshoorat Madineh Elm. [inArabic]
- Cohen, Bruce. 2011. *A Survey on Sociology*. Trans. Gholam Abbas Tavassoli & Reza Fazel. Tehran: SAMT. [inpersian]
- Company Zareh, Mehdi. 2008. Emamt in the school of Alem Ale Muhammad: A survey of Imam Reza's propositions on emamat. *Knowledge and Understanding Information*, 8(32): 42-47. [inpersian]
- Davood ibn Salman Qazi. 1997. *Musand al-Reza*. Qom: Center of Publication of Books of Islamic Sciences. . [inArabic]
- Esmaili Yazdi, Abbas. 2006. *Culture of Education*. Qom: The Holy Jamkaran Mosque Publications. [inpersian]
- Faramhini Farahani, Muhsen. 2011. *Education in Nahj al-Balagheh*. Tehran: Abizh. [inpersian]
- Fayezi, Ali. 2000. *Education, Methods, Ethics*. Tehran: Tarrahan. [inpersian]
- Feiz Kashani, Mulla Muhsen. 2002. *Good Behavior*. Trans. Muhammad Bagher Sadeghi. Tehran: Payame Edalat. [inpersian]
- . 1992. *Navader al-Akhlagh fi ma Yatalegh be-Osul al-Din*. Research: Mehdi Ansari. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. [inArabic]
- . 1985. *Al-Vafi*. Isfahan: Imam Amir al-Mo'menin Ali (As) Library. [inArabic]
- Ghannadan, Mansur, Moti, Nahid, & Setoodeh, Hedayat Allah. 1997. *Sociology (Key issues)*. Tehran: Avaye Noor. [inpersian]
- Ghayoomi, Javad. 1994. *Sahifat al-Reza*. Qom: Islamic Publications Inst. . [inArabic]
- Ghazanfari, Ahmed, Riyahi, Hamidreza. 2004. The impact of punishment on students' self-esteem. *Knowledge and Research in Educational Sciences*, 3: 1-14. [inpersian]
- Hashemi Khooei, Mirza Habib Allah. *Menhaj al-Baraeh fi Sharh Nahj al-Balagheh*. Research: Ebrahim Mianji. Tehran: Maktab al-Eslamieyh. [inArabic]
- Helli, Jafar ibn Hassan. 1988. *Shara'e al-Islam*. Research: Seyyed Sadegh Shirazi. 2nd ed. Tehran: Esteghlal. [inArabic]
- Helli, Hassan ibn Yussef. 1997. *Mokhtalef al-Shi'eite*. Qom: Nashr Islami. [inArabic]
- Henri Mussen, Paul, et Al. 2001. *Child Development and Personality*. Trans. Mahshid Yasae. 17th ed. Tehran: Markaz. [inpersian]
- Hojjati, Seyyed Muhammad Bagher. 1995. *Islam, Education, and Training*. Tehran: Farhang. [inpersian]
- Horr Amuli, Muhammd ibn Hassan. 1993. *Vasa'el al-Shi'ite*. Qom: Al Bayt Ehya Tarath. [inArabic]

- Ibn Abi al-Hadid, Abd al-Hamid. 1983. *Interpretation of Nahj al-Balagheh*. Qom: Maktab Ayatollah Mar'ashi Najafi. [inArabic]
- Ibn Abi Jomhoor Ehsaei. 1984. *Avali al-Le'ali*. Researcher: Mojatab Araghi. Qom: Dar Seyyed al-Shohada Nashr. [inArabic]
- Ibn Babooyeh, Ali ibn Hussain. 1985. *Feghhe al-Reza*. Research: Al-Bayt Inst. Mashhad: Al-Mo'tamer al-Alemyeh Imam Reza. [inArabic]
- Ibn Babooyeh, Muhammd ibn Ali. 1996. *Al-Amali*. Qom: Al-Batheh Inst. [inArabic]
- . 1977. *Al-Tohid*. Research. Hashem Hussaini. Qom: Jameh Modarresin. [inArabic]
- . 1965. *Ala el-Shara'e*. Research: Muhammad Sadegh Bahr al-Oloum. Najaf: Manshoorat Maktab al-Heydaaryeh. [inArabic]
- . 1983. *Oyoon Akhbar Reza*. Beyroot: Al-A'lami bel-Maloomat Ins. [inArabic]
- . 1982. *Ma'ani al-Akhbar*. Research: Ali Akbar Ghaffari. Qom: Al-Nashr al-Eslami Ins. [inArabic]
- . 1984. *Man La Yahzar al-Faghih*. Qom: Jaameh Modarresin. [inArabic]
- Ibn Hanbal, Ahmaed. 1984. *Musnad Ahmaed*. Beyroot: Dra Sader. [inArabic]
- Ibn Hayoon, No'man ibn Muhammad. 1988. *Sharh al-Akhbar fi Faza'el al-A'emeh Athar*. Research: Muhammad Hussain Hussaini Jalali. Qom: Jame'eh Modarresin. [inArabic]
- Ibn Shahr Ashub, Muhammad ibn Ali. 1949. *Motashabeh Quran va Mokhtalefah*. Qom: Bidar Publications. [inArabic]
- Ibn Sho'beh Harani, Hassan ibn Ali. 1984. *Tohaf al-Oghul*. Research: Ali Akbar Ghaffari. Qom: Jame'eh Modarresin. [inArabic]
- Kerajaki, Muhammad ibn Ali. 1990. *Kanz al-Favaed*. 2nd ed. Qom: Al-Mustafavi. [inArabic]
- Khomeini, Rooh Allah. 1999. *Interpretation of Hadith "Troops of Reason and Ignorance"*. Tehran: Institute of Organization and Publication of Imam Khomeini's Works. . [inpersian]
- Koleyni, Muhammad ibn Yaghoob. 1986. *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Ketab al-Eslamiyeh. [inArabic]
- Lithialvašti, Ali ibn Muhammad. 1997. *Oyoon al-Hokm al-Mavaez*. Research: al-Hussaini al-Birjandi. qom: Dar al-Hadith. [inArabic]
- Majlesi, Muhammad Bagher. 1982. *Bahar al-Anvar*. Beyroot: Dar ehya al-Tarath al-Arabi. [inArabic]
- Malek ibn Anas. 1985. *Al-Mota'a*. Research: Muhammad Foa'd Abdul Baghi. Beyroot: Dar Ehya Tarath al-Arabi. [inArabic]
- Mofid, Muhammad ibn Muhammad. 1993. *Tashih E'teghadat Emamiyeh*. Research: Hussain Dargahi. Qom: Sheikh Mofid Congress. [inArabic]
- Mokhtarian, Tahereh, Farood, Dariush, Malmir, Maryam, & Mokhtarian, Tayye-

- beh. 2017. The ethical necessity of breastfeeding the child and Adherence to Children's rights. *Ethics in Sciences and Technology*, 1: 5-9. [inpersian]
- Motahhari, Morteza. 1993. *The Perfect Man*. Tehran: Sadra. [inpersian]
- Mottaghi Hendi, Ali. Kanz al-Emal. Beyroot: Al-Resaleh. [inArabic]
- Mozloo, Abram. 1988. *Psychology of Healthy Personality*. Trans. Shiva Rooygarian. Tehran: Golshae. [inpersian]
- Muhammdian, Bahram. 2011. *Another Look at Children's Rights from Islam's Perspective*. 4th ed. Tehran: Parents and Teachers Association. [inpersian]
- Najjarzadegan, Fathollah. 2009. *An Approach to Islamic Ethics and Education*. Qom: Ma'aref Eslami. [inpersian]
- Namazi Shahroodi, Ali. 1998. *Mo'stadar Kasafinat al-Behar*. Qom: Islamic Publications. [inArabic]
- Noori, Mirza Hussain. 1987. *Mo'stadark al-Vasayel*. 2nd ed. Qom: Al-Beyt Ehya al-Tarath Inst. [inArabic]
- Nasri, Abdullah. 1989. *Man in Islam's Perspective*. Tehran: Payame Noor. [inpersian]
- Paknia, Abd al-Karim. 2005. *Characteristics of Imam Reza*. Qom: Nasim Kosar. [inpersian]
- Payandeh, Abul Ghasem. 1963. *Nahja al-Fasahe*. Tehran: Javidan. [inpersian]
- Razi, Muhammad ibn Hassan. 2008. *Nahj al-Balagheh*. Research: Sobhi Saleh. Tehran: Osveh. [inArabic]
- Saboohi, Ahmadreza. 2021. The features and worth of banana nutrition. *Behvarz*, 32 (110). Sabzevar Medical University. [inpersian]
- Samadi, Ma'soomeh. 2006. Investigation of proper child breeding based on the Islamic training instructions. *Mesbah*, 62: 137-160. [inpersian]
- Sharafi, Muhammad Reza. 2002. *Islamic Education with a Focus on Imam Khomeini's Views*. Tehran: Panjareh. [inpersian]
- Shari'at Madari, Ali. 1988. *Educational Psychology*. 3rd ed. Tehran: Amir Kabir. [inpersian]
- Sharif al-Ghuraishi, Muhammad Bagher. 2003. *A Research on the Life of Imam Ali ibn Mussa al-Reza*. Trans. Muhammad Salehi. Tehran: Dar al-Ketab Islamieyh. [inpersian]
- Shushtari, Muhammad Taghi. 1985. *Al-Naj'eh fi Sharh al-Lam'eh*. Tehran: Saadoogh. [inArabic]
- Sim Foroush, Nasir. 2001. The benefits of infantile circumcision: A review of the past and present. *Traditional Medicine of Islam and Iran*, 2(6): 123-130. [inpersian]
- Some authors. 2003. *The Role of Religion in Mental Health*. Qom: Ma'aref. [inpersian]
- Tabarsi, Ahmed ibn Ali. 1982. *Al-Ehtejaj a'la Ale al-Lejaj*. Research: Muham-

- mad Bagher Khorsan. Mashad: Mortazavi. [inArabic]
- Tabarsi, Fazl ibn Hassan. 1996. *E'lam Aluri be-A'laam al-Huda*. Qom: Ale Bayt Ins. [inArabic]
- Tabatabaee, Muhammad Hussain. 1973. *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Beyroot: Al-Alami lel-Matboo'at. [inArabic]
- Tamimi Amedi, Abdul Vahed. 1987. *Ghorar al Hekam va Dorar al Kalam*. Research: Mustafa Derayati. Qom: Office of Islamic Propagations. [inArabic]
- Tayeb, Abdul Hussain. 1990. *Al-Tayeb al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. 2nd ed. Tehran: Islam.
- The Holy Quran*. [inpersian]
- Toosi, Muhammd ibn Hassan. 1986. *Tahzib al-Ahkam*. Tehran: Dar al-Kotob Es-lamiyeh. [inArabic]

Table of Contents

Analyzing the Specialized Exit of the Production of Weapons of Mass Destruction from Verse 60 of Surah Anfāl According to the Hadith of Imam Riḍā (as): «إِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتِ الدُّوْلَةُ»	1
Sahar Kamkar, Hamid Rooštayi Sadr Abadi	
Phenomenology of Action of Imam Riḍā's (as) Pilgrimage; A Case Study in Winter 2018	25
Yahya Bouzri Nejade, Mohammad Hosein Jamal Zade, Ali Hatam Zade	
Typology of the Application of Behavior Change Methods in Razavi's Life Style Based on the Theories of Behavioral Therapy	59
Sajjad Mohammad Fam, Maryam Mohammad Zade, Mohammad Mohammad Zade	
Analysis of the Content of the Speeches of Razavi Holy Shrine in the Decade of Dignity	83
Hamid Masoudi, Raha Shekofte, Mohammad Hosein Mohammad Zade	
Documentary Review of Razavi's Hadith Sharḥ Ṣadr (Mental Capacity) and Analysis of Its Implications to Prove the Rule of Tolerance in the Reasons of the Sunan	113
Alborz Mohaghegh Garfami, Seyed Ali Delbari, Seyedeh Seddighe Eslami Zeydanlo	
Visual Design in Children's Ritual Poems	137
Forouzan Bahramzadeh, Sharare Elhami, Reza Borzouyi	
Imam Riḍā's (as) Principles and Methods of Education in the Period after the Birth of Children	163
Mehdi Bayat Mokhtari	



Quarterly Scientific Journal of Farhang Razavi
Year 12, Issue 1, Spring 2024, Serial Number 45
ISSN: 2345-2560

License Holder (Publisher): Imam Reza (A.S) International Foundation for Culture and Arts

Managing Director: Morteza Saeedizadeh

Editor-in-chief: Jalal Dorakhshah

Editorial Board

Jalal Derakhsha

Professor of Imam Sadegh University (AS)

Yahya Bouzerinejad

Associate Professor of Tehran University

Abdul Reza Saif

Professor of Tehran University

Seyed Alireza Vasei

Associate Professor of Institute of Islamic Sciences and Culture

Seyed Mohammad Reza Ahmadi Tabatabai

Associate Professor of Imam Sadegh University (AS)

Hasan Bashir

Professor of Imam Sadegh University (AS)

Mohammad Hadi Homayun

Professor of Imam Sadegh University (AS)

Farshad Shariat

Professor of Imam Sadegh University (AS)

Persian Language Editor: Dr. Nematullah Panahi.

English Text Editor: Dr. Mohammad Reza Aram

Scientific & Executive Manager: Mohammad Ali Nadai

Address: Khorasan Razavi – Mashhad, Shahid Kamyab Boulevard, Corner of Shahid Kamyab 34, International Cultural and Artistic Foundation of Imam Reza (as), Journal Office.

E-mail: farhangerazavi8@gmail.com

Web Site: <https://www.farhangerazavi.ir/>

journal Phone: +9849-32283044-051

Fax: +9849-32284452-051

Price: 000000 RIs

Based on the letter number 202066/18/3 dated 11/1/2013 of the Office of Policymaking and Planning of Research Affairs of the Ministry of Science, Research and Technology, Farhang Razavi Quarterly has scientific-research validity from the first issue.

Indexed at: www.sid.ir

Indexed at: www.isc.gov.ir

Indexed at: www.Ulrich's International periodicals directory. (Journal, magazine)

The rights of all articles are reserved for Imam Reza (AS) International Cultural Foundation.

